
امامت و ولایت
حضرت
امیرالمومنین علی
در امالی شیخ صدوق ره


بسم الله الرحمن الرحیم

امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام

نویسنده:

محسن کمالی تقوی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : ابن بابویه محمد بن علی ۳۱۱ ۳۸۱ق.

عنوان قراردادی : امالی فارسی - عربی برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام تلخیص امالی شیخ صدوق رحمه الله تدوین و تلخیص محسن کمالی تقوی با مقدمه محسن خرازی ویرایش احمد سعیدی

مشخصات نشر : قم : مسجد مقدس جمکران ، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : [۲۳۹] ص.

شابک : ۱۲۰۰۰ ریال ۹۶۴-۸۴۸۴-۷۶-۷ : ؛ ۲۱۰۰۰ ریال : چاپ دوم ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۸۴-۷۶-۲ :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : عنوان روی جلد: امامت و ولایت حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام در امالی شیخ صدوق رحمه الله.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

یادداشت : نمایه.

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- اثبات خلافت -- احادیث

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۴ق

شناسه افزوده : کمالی تقوی، محسن، ۱۳۴۴ -

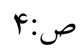
شناسه افزوده : خرازی محسن ۱۳۱۵ -

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

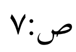
رده بندی کنگره : BP۱۲۹/الف۲الف۸۰۴۲۱۷ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۵-۳۶۳۸







روایت

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

إنّ اللَّه تبارک وتعالی جعل لأخی علی بن أبی طالب فضائل لا یحصی عددها غیره.

فمن ذکر فضیله من فضائله مقرّاً بها غفر اللَّه له ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر ولو وافی القیامه بذنوب الثقلین.

ومن کتب فضیله من فضائل علی بن أبی طالب علیه السلام لم تزل الملائکه تستغفر له ما بقی لتلک الکتابه رسم.

ومن استمع إلی فضیله من فضائله غفر اللَّه له الذنوب الّتی اکتسبها بالاستماع.

ومن نظر إلی کتابه فی فضائله غفر اللَّه له الذنوب الّتی اکتسبها بالنظر...

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

خداوند تبارک و تعالی برای برادرم، علی بن ابی طالب، آن قدر فضیلت قرار داده که شمارش آن را فقط خدا می داند.

هرکس فضیلتی از فضایل او را بازگو کند و به آن اعتراف نماید، خداوند گناهان گذشته و آینده اش را بیامرزد، هر چند به اندازه جنّ و انس گناه کرده باشد.

و هر کس فضیلتی از فضایل علی علیه السلام را بنویسد، تا آن نوشته باقی است، فرشتگان برای او طلب آمرزش می کنند.

وهر که به فضیلتی از فضایل علی علیه السلام گوش دهد، خداوند گناهانی را که به وسیله گوش انجام داده می آمرزد.

و هر کس به نوشته ای از فضایل علی علیه السلام نگاه کند، خداوند گناهانی را که با چشم انجام داده، می آمرزد.

«أمالی صدوق، مجلس ۲۸، حدیث ۱۰»

مقدمه آیت اللَّه خرّازی

بسم اللَّه الرَّحمن الرَّحیم وبه نستعین

الحمد للَّه ربّ العالمین والصلوه والسلام علی سید الأنبیاء والمرسلین حبیب إله العالمین ابی القاسم محمد وآله الطاهرین ولعنه اللَّه علی اعدائهم إلی قیام یوم الدین

خداوند سرشت انسان ها را بر فطرت، عقل وگویش باطنی آفرید تا به راحتی بتوانند حق وحقیقت را بشناسند وآن را بپذیرند.

آنان که این فطرت خدادادی را در زیر ظلمت اعمال ورفتار زشت نپوشانده اند، حقایق را زودتر وبهتر از دیگران در می یابند.

مسأله ولایت امیرمؤمنان و امامان معصوم علیهم السلام از جمله مسائلی است که سرشت انسان های آزاد وپاک پذیرای آن است وبه آن اذعان دارند وهمین ولایت است که انسان را در صراط مستقیم قرار داده واز انحراف به چپ وراست باز می دارد واو را دارای عالی ترین نوع معرفت وبهترین گونه های اخلاقی و رفتاری می نماید.

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله فرمود: خداوند می فرماید: ولایت علی بن ابی طالب دژ وقلعه محکمی است که انسان را از آتش جهنم محفوظ می دارد.

ونعمت ولایت در حقیقت همان نعمت هدایت است که شایسته سئوال از آن است «وَلَتُسْئَلُنَّ يوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيم».

علمای اسلام در طول تاریخ اهمیت این مسأله را به خوبی درک کرده و روایات

و احادیث فراوانی را در جوامع اولیه نقل کرده اند و پیرامون موضوعات مختلف آن کتاب های ارزنده ای تالیف نمودند و سعی فراوانی در این زمینه مبذول داشتند. از جمله آنان مرحوم شیخ صدوق رحمه الله است که با کتاب های زیادی که تألیف کرده، نقش مهمی را در این زمینه ایفا نموده است، شکر اللّه مساعیه الجمیله.

مؤلف محترم کتاب جناب مستطاب آقای حاج سید محسن کمالی تقوی - زید عزه - به جهت علاقه وافری که به نشر فضایل ولایت دارند، اقدام به گزینش و نشر روایاتی از کتاب شریف «مجالس» تألیف شیخ صدوق قدس سره نموده اند آن را تورّق اجمالی نمودم، ترجمه آن آزاد و رساست واستفاده از آن برای فارسی زبانان سهل وآسان است.

امید دارم خداوند ایشان را در زمره ناشرین معارف اسلامی قرار دهد و مشمول این حدیث شریف باشند:

قال النبی صلی الله علیه وآله: «من نقل عنّی الی من لم یلحقنی من امتی اربعین حدیثاً کتب فی زمره العلماء وحشر فی جمله الشهداء.»

والسلام علی من اتّبع الهدی

سید محسن خرّازی

پیشگفتار

اشاره

حمد و سپاس بی پایان خدای متعال را سزاست که انسان را آفرید و راه کمال و سعادت را رهنمونش شد، و آنچه نمی دانست به او آموخت. درود بی کران بر خاتم پیامبران محمّد مصطفی صلی الله علیه وآله که پیامبری خود را با واژه قرائت و خواندن آغاز نمود وسلام بر نخستین جانشین ودروازه شهر علوم او حضرت علی علیه السلام و بر فرزندان معصوم آن حضرت که پیشوایان نور وهدایتند، بخصوص آخرین ذخیره الهی و احیاگر سنت محمدی حضرت مهدی علیه السلام.

به عنوان پیش گفتار، ابتدا به تاریخچه جمع آوری وتدوین حدیث پرداخته، پس از آن توضیح مختصری در باره املا وأمالی ارایه می کنم، سپس خلاصه ای از زندگی شیخ صدوق رحمه الله را از نظر گذرانده و در پایان در باره اثر حاضر مطالبی ذکر می شود.

۱ – تاریخچه جمع آوری و تدوین حدیث

الف) نقل روایت در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله

طبق نقل تاریخ، در زمان پیامبر خداصلی الله علیه وآله، نقل گفتار و رفتار ایشان، در بین مردم امری متداول بود. مسلمانان مشتاقانه آنچه را که از پیامبر خداصلی الله علیه وآله می دیدند یا می شنیدند، برای یکدیگر بازگو می نمودند.

به عبارت دیگر: روایت از پیامبر خداصلی الله علیه وآله یعنی بازگو کردن گفتار ورفتار ایشان، بسیار رواج داشت. به تدریج روایات شفاهی به شکل مکتوب ونوشته در آمد. این کار با توصیه، تأکید وتشویق حضرتش انجام می گرفت. در روایتی از آن حضرت نقل شده که فرمودند: علم ودانش را به بند آورید.

پرسیدند: راه ورسم به بند کشیدن آن چیست؟

فرمودند: کتابت ونوشتن آن. (۱)

وبـدین سان طالبان دانش های الهی پیرامون مدینه علم پیامبر خداصـلی الله علیه وآله گرد می آمدند و در طول دوران پیامبری ایشـان به فراخور فکر و انـدیشه خود از گفتارهـا و رفتارهـای حضـرتش توشه می گرفتنـد وآن هـا را ثبت وضـبط کرده، برای دیگران باز گو می کردند.

ب) جلو گیری از نقل ونوشتن حدیث در زمان پیامبرصلی الله علیه وآله

همان گونه که بیان شد، نقل حدیث در زمان حیات پیامبرصـلی الله علیه وآله، امری متداول بود، ولی در همان زمان با دسیسـه عدّه ای وبا هدف های خاص از این امر جلو گیری به عمل می آمد.

عبداللّٰه بن عمر می گوید: «من هر آنچه از پیامبر می شـنیدم، می نوشتم، اما قریش مرا از این کار باز داشتند و گفتند: تو هرچه از رسول خدا می شـنوی، می نویسـی و حال آن که او بشری است که گاه از روی خشم وغضب سخن می گوید (ولذا سخنان او قابل اعتماد نیست).

عبداللّٰه بن عمر در ادامه می گوید: از آن پس از نوشـتن حدیث خودداری نمودم واین مطلب را با پیامبرصـلی الله علیه وآله در میان گذاشتم.

ایشان به من فرمودند: بنویس؛ ودر حالی که به دهان خود اشاره می کردند، فرمودند: «سوگند به آن کسـی که جانم در دست اوست! چیزی جز حق، از این خارج نشده است.» (۲)

جلو گیری از نقل ونوشـتن احادیث پیامبرصلی الله علیه وآله در تمام طول حیات ایشان ادامه داشت. حتّی هنگامی که حضرتش در آخرین لحظـات عمر خویش درخواست قلم ودوات کردنـد، به بهـانه این که بـا وجود قرآن، نیازی به کلام پیامبر نیست وبا شعار «حسبنا کتاب اللّٰه»، از حاضر کردن قلم ودوات جلو گیری به عمل آمد. (۳)

۱- ۱. شهید ثانی: منیه المرید، مکتب الأعلام الاسلامی، ص: ۳۴۰.

۲- ۲. ابو داوود: سنن، تحقیق سعید محمد اللحام، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۰ ه. ق. ج: ۲ ص ۱۷۶.

۳- ۳. در صحیح بخاری - از کتب معتبره غیر شیعه - از ابن عبّاس نقل شده است که گفت: آن گاه که زمان احتضار پیامبر فرا رسـید، به کسـانی که نزد او حاضـر بودنـد، فرمود: {قلم ودوات} بیاوریـد تا برای شـما نوشـته ای بنویسم که پس از من هرگز گمراه نشویـد. بعضـی از حاضـرین گفتند: درد وبیماری بر او غلبه کرده، قرآن پیش ماست، کتاب خدا برای ما کافی است. در آن هنگام بین اهل خانه اختلاف به وجود آمـد، عـدّه ای گفتنـد: قلم و دوات را بیاورید، تا آنچه مورد نظر پیامبر است، نوشـته

شود، تـا این که هرگز گمراه نشویـد، و برخی از آن هـا غیر از این را می گفتنـد. وقتی که نزاع و گفت وگو بالا گرفت، پیامبر فرمودنـد: برخیزیـد (وبیرون برویـد). ابن عباس گویـد: تمام مصـیبت های پیش آمـده به واسـطه آن چیزی است که بین رسول خداصلی الله علیه وآله ونوشتن وصیت او فاصله ایجاد کرد. محمّد بن اسماعیل بخاری: صحیح بخاری، چاپ افست، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۱ ه. ق. ج: ۵ ص ۱۳۸.

ج) ادامه ممنوعیت ها پس از پیامبرصلی الله علیه وآله

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه وآله، جلوگیری از نقل وانتشار حدیث شدت گرفت. عایشه در این زمینه می گوید: پدرم ابوبکر، پانصد حدیث از پیامبر جمع آوری نموده بود، شبی را تا به صبح از این پهلو به آن پهلو می گشت ونمی خوابید. صبح روز بعد، از من خواست تا احادیث را نزد او ببرم. احادیث را نزد او حاضر کردم واو تمام آن ها را با آتش سوزاند. (۱)

و همچنین نقل شده است: ابوبکر به مردم اعلام کرد که آنچه احادیث نوشته شده در اختیار دارند، پیش او آورند. مردم به گمان این که ابوبکر قصد جمع آوری وتدوین آن ها را دارد، احادیث را نزد او گرد آوردند. آن گاه ابوبکر دستور سوزاندن آن ها را داد. (۲)

د) احادیث ساختگی

همزمان با این ممنوعیت ها که برای نقل احادیث صحیح نبوی اعمال می شد، نقل احادیث ساختگی آزاد بود. عدّه ای برای خوش خدمتی به حاکمان جور ویا با دستور مستقیم آنان، به جعل وساختن احادیث دروغین می پرداختند. وگروهی نیز با استفاده از همان روایات ساختگی، کتاب هایی را تالیف کردند.

به عنوان نمونه، در فضایل معاویه ویزید به اندازه ای حدیث ساخته شده بود که برخی از نویسندگان، تمام یا بخشی از کتاب خود را به ذکر روایات دروغین در فضایل آن دو اختصاص دادند. (۳)

ص:۱۵

۱- ۴. ابو عبداللّٰه شمس الدین الذهبی: تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۵.
۲- ۵. شیخ علی کورانی: تدوین القرآن، دار القرآن، قم، ص ۳۷۱.
۳- ۶. مراجعه شود به الغدیر {علامه امینی} ج ۵، ص ۲۹۱ و...

علاوه بر این، داستان های ساختگی اهل کتاب - بخصوص یهودیان - نه تنها آزادانه وبدون هیچ ممنوعیتی بازگو می گردید، بلکه ترویج آن ها مورد تأیید وتأکید قرار داشت.

ه.) احادیث پیامبرصلی الله علیه وآله واهل بیت علیهم السلام

در این میان، تنها اهل بیت پیامبرصلی الله علیه وآله وپیروان آن ها بودند که حافظ احادیث نبوی بوده واز بیان سنت پیامبرصلی الله علیه وآله خودداری نمی نمودند.

پر واضح است که آنچه ائمه أطهارعلیهم السلام نقل می کردند، تماماً صحیح ویقینی بود؛ چرا که آنان هم معصوم بودند وهم خزانه دار علوم پیامبرصلی الله علیه وآله، حتّی بسیاری از روایات به املای پیامبرصلی الله علیه وآله و خط امیرالمؤمنین علیه السلام منحصراً نزد آنان نگهداری می شد.

و) رفع ممنوعیت تدوین حدیث

به هر حال جلوگیری از ضبط و تدوین حدیث، مشکلات متعددی را برای عامّه - غیر شیعه - ایجاد کرده بود. مشکلاتی که حل آن ها جز با مراجعه به روایات ممکن نبود. چرا که حکم بسیاری از مسائل، تنها از روایات به دست می آمد. تا این که در زمان عمر بن عبدالعزیز - خلیفه اموی - پس از حدود ۹۵ سال، ممنوعیت حفظ وتدوین حدیث برداشته شد واز آن پس جمع آوری وتدوین احادیث در میان عامّه آغاز گردید.

امّا متأسّفانه از ابتدا، خشت اوّل این کار به صورتی نادرست نهاده شد؛ چرا که در میان مردم غالباً کسی که پیامبرصلی الله علیه وآله را درک کرده ومستقیماً از ایشان روایت نقل کند وجود نداشت وناگزیر تدوین حدیث با استفاده از منابع دست دوّم وسوّم، صورت می گرفت. عالمان وابسته به حکومت برای جمع آوری حدیث، حاضر بودند روایات منسوب به پیامبرصلی الله علیه وآله را از هر کسی - به غیر از خاندان وحی - بشنوند وبه ضبط و تدوین آن بپردازند.

در نتیجه، بسیاری از آنچه که آنان به نگارش در آوردند، روایات جعلی و اسرائیلیاتی بود که در میان مردم رواج پیدا کرده وبه پیامبرصلی الله علیه وآله نسبت داده شده بود وبدین ترتیب، غالب احادیث صحیح نبوی که همچنان در اختیار اهل بیت پیامبرعلیهم السلام و شاگردان مکتب آنان قرار داشت، مورد استفاده نگارندگان کتب حدیث عامه قرار نگرفت.

ص:۱۶

ز) نقش اصحاب ائمه در تدوین حدیث

ائمّه اطهارعلیهم السلام پس از رفع ممنوعیت مذکور، با شدّت بیشتری به نشر وگسترش احادیث صحیح، اهتمام ورزیده وبه تربیت شاگردان پرداختند. این امر در زمان امام باقرعلیه السلام وبخصوص امام صادق علیه السلام به بالاترین سطح خود رسیده بود، تا جایی که تعداد شاگردان امام صادق علیه السلام را چهار هزار نفر گفته اند. اصحاب وشاگردان آن حضرت، بیشترین نقش را در ترویج روایات صحیح داشته اند واکثر روایات شیعی از زبان ایشان نقل شده است. حسن بن علی وَشّاء گوید: در مسجد کوفه، نه صد دانشمند را دیدم که همگی می گفتند: «حدّثنی جعفر بن محمد». (۱)

در زمان امامان بعد نیز در هر زمان ومکان که فرصتی پیش می آمد، شیعیان ودوستداران اهل بیت، به شنیدن وحفظ وضبط سخنان ایشان همت می گماشتند. به طوری که وقتی امام رضاعلیه السلام در نیشابور حدیث معروف «سلسله الذهب» را بیان می فرمودند، بنابر برخی نقل ها، هفتاد هزار قلم برای نوشتن آن از قلمدان بیرون آمد.

به تدریج احادیث نزد اصحاب ائمّه علیهم السلام جمع آوری می شد وهر کس مجموعه ای از روایات را نزد خود نگهداری می کرد وبدین ترتیب، نخستین جوامع روایی شیعه به وجود آمد وهمین ها زمینه ساز کتاب های مفصّل روایی و از جمله کتب معروف چهارگانه شیعه، یعنی «کافی»، «من لا یحضره الفقیه»، «تهذیب» و«استبصار» شدند.

ح) نقش ایرانیان در تدوین حدیث

آنچه در این زمینه قابل توجّه است، شدّت اهتمام ایرانیان به امر تنظیم وتدوین احادیث می باشد. گرچه شنوندگان مستقیم روایات بیشتر غیر ایرانی بوده اند، امّا در نهایت، در حفظ وضبط وترتیب دادن به آن ها، ایرانیان بیشترین تلاش را کرده اند. تا جایی که نویسندگان کتاب های چهارگانه شیعه همگی ایرانی هستند. وحتی کتاب های حدیثی مهم غیر شیعه نیز، غالباً توسّط ایرانیان تألیف شده است.

۱- ۷. نجاشی: رجال، انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، قم، ۱۴۱۶، ص ۴۰.

۲ – املا وأمالی

واژه «أمـالی» جمع «املاـ» است، و«املاـ» تقریباً به همان معنای متبادر در ذهن؛ یعنی بیان کردن مطالب از سوی کسـی برای این که دیگری آن را بنویسد، می باشد.

این کار از زمان های دور رایج بوده است. چنان که کتابی به املای حضـرت موسـی علیه السـلام و به خطّ هارون علیه السـلام نسبت داده شده است (۱) همچنین کتابی به املای حضـرت عیسی علیه السلام وخط شمعون علیه السلام منسوب است. (۲) در نزد ائمّه علیهم السـلام نیز کتـاب هـایی به املاـی پیـامبر خداصـلی الله علیه وآله وفـاطمه زهراعلیهـا السـلام وبه خط امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام موجود بوده است. (۳)

صحیفه سجّادیه به املای امام سجّادعلیه السلام وخط امام باقرعلیه السلام ودر حضور امام صادق علیه السلام، نوشته شده است. (۴)

بسیاری از اصحاب ائمّه علیهم السلام در محضر آن بزرگواران، شنیده های خود را می نوشتند. حدیث معروف «توحید مفضّل» به املای امام صادق علیه السلام و خط یکی از اصحابشان به نام مفضل می باشد. (۵)

بیشـتر روایـات در بین راویـان احـادیث، به صـورت املاـ دست به دست می شـد. چه بسـیار که در سـند روایـات به این مطلب تصریح شده است.

به هر حال، شاید مطمئن ترین راه انتقال مطالب، روش املا باشد که در علوم وفنون مختلف، بین دانشـمندان وشاگردان آن ها، مرسوم بوده است. شـیوه کـار به این صورت بوده که دانشـمندی، در مجالسـی، دانسـته هـایش را بیان می کرده ودیگران گفته های او رامی نوشتند و گاه مجموعه مطالب نوشته شده به صورت کتاب و به نام «امالی» یا «مجالس» تألیف می شد.

در میان کتاب های شیعی که به این شیوه نگارش یافته، سه کتاب که توسط سه تن از دانشمندان بزرگ شیعه به نام های: شیخ مفید، شیخ صدوق وشیخ طوسی «رحمهم اللَّه» تألیف شده است، معروفیت بیشتری دارند.

۱– ۸. علامه مجلسی: بحار الأنوار ج ۱۰، ص ۲۰.

۲– ۹. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۴۹.

۳– ۱۰. کلینی: کافی، ج ۱، ص ۱۳۸ تا ۲۴۱.

۴– ۱۱. مراجعه شود به ابتدای صحیفه سجادیه.

۵– ۱۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار: ۳ ص: ۵۷.

«أمالی» یا «مجالس» شیخ صدوق رحمه الله مجموعه ای از حدود هزار روایت است که ایشان طی نود وهفت جلسه، در خلال سال های ۳۶۷ و ۳۶۸ ه. ق، هفته ای دو روز، وبیشتر در روزهای سه شنبه وجمعه، املا فرموده و شاگردانش، آن ها را نوشته اند.

موضوع روایات این کتاب متنوع وگوناگون است، امّا غالباً پیرامون ذکر فضایل اهل بیت علیهم السلام، مطالب اعتقادی، تاریخی، اخلاقی وپند واندرز می باشد.

این کتاب بارها توسط ناشرین مختلف به چاپ رسیده است و در بسیاری از چاپ ها، متن اصلی با ترجمه آیت اللّٰه کمره ای قدس سره همراه می باشد.

چاپ دیگری از کتاب «امالی» شیخ صدوق رحمه الله بدون ترجمه با مزایای فراوان توسّط بنیاد بعثت، در سال ۱۴۱۷ ه. ق، منتشر شده است. این نسخه مشتمل بر تحقیق وتطابق نسخ مختلف، وچند فهرست می باشد.

در سال های اخیر، کتابی به نام «ترتیب الأمالی» توسط آقای محمد جواد محمودی تألیف وبه وسیله مؤسسه معارف اسلامی، چاپ ومنتشر شده است. در این کتاب، هر سه امالی فوق الذکر با یکدیگر تلفیق و موضوع بندی شده اند. (۱)

۳ - نگاهی به زندگی شیخ صدوق رحمه الله

أبو جعفر، محمّد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مشهور به «شیخ صدوق» در حدود سال ۳۰۶ ه. ق با دعای امام عصر علیه السلام در شهر قم پا به عرصه وجود نهاد. شیخ طوسی رحمه الله، در کتاب «غیبت»، ماجرای ولادت ایشان را این گونه بیان می کند:

علی بن حسین بن موسی بن بابویه قدس سره (پدر شیخ صدوق)، همسری داشت که از او دارای فرزند نمی شد. از این رو نامه ای به شیخ حسین بن روح (از نواب اربعه امام زمان علیه السلام) نوشت واز او خواست تا از امام عصرعلیه السلام بخواهد که دعا فرماید، تا خداوند فرزندان فقیهی روزی او گرداند.

۱- ۱۳. محمد جواد محمودی: ترتیب الامالی، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، قم، ۱۴۲۰ ه. ق.

پس از مدتی پاسخ آمد که تو از این زن دارای فرزند نخواهی شد، اما بزودی مالک کنیزی از دیلمیان می شوی واز او صاحب دو فرزند فقیه خواهی شد. (۱)

شیخ صدوق رحمه الله خود نیز این ماجرا را در کتاب «کمال الدین» بیان می کند. (۲)

وبدین سان به برکت دعای حجّت حق حضرت امام عصرعلیه السلام، کودکی به نام «محمد» متولد شد که بعدها به شیخ صدوق ملقب گردید. او در بیت علم وتقوی رشد کرد. پدر ایشان علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی قدس سره، معروف به صدوق اول – از برجسته ترین علما وفقهای زمان خویش وپرچم دار مرجعیت وفتوی بود.

شیخ صدوق رحمه الله حدود ۲۲ سال از حیات پدر بزرگوارش را درک نمود ودر این مدّت از محضر او کسب علم ودانش کرد. علاوه بر این از خرمن علم ودانش علمای بزرگ دیگر قم نیز خوشه چیده وبهره مند شد. آن گاه برای شنیدن واخذ حدیث به شهرهای متعددی؛ نظیر ری، خراسان، بلخ، سمرقند، بغداد، مکّه ومدینه بار سفر بست و بدین ترتیب، بسیاری از اعاظم وبزرگان شیعه وغیر شیعه را درک کرد.

شیخ صدوق رحمه الله، کتاب های زیادی از خود به یادگار گذاشت. تألیفات او را تا ۳۰۰ عنوان ذکر کرده اند که کتاب «من لا یحضره الفقیه» از کتاب های چهارگانه شیعه از آن جمله است.

سرانجام شیخ صدوق؛ پس از حدود ۷۵ سال عمر با برکت، در سال ۳۸۱ ه. ق در شهر ری وفات کرد ودر همان جا به خاک سپرده شد. هم اکنون آرامگاه او در شهر ری معروف وزیارتگاه مردم است.

۴ – اثر حاضر

پر واضح است که مهمترین وظیفه جوامع انسانی توجّه صحیح به امر امامت وپیشوایی وولایت وهدایتگری است. اگر پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله، مردم به این امر حیاتی وحساس توجّه می نمودند، واز جانشین به حق ایشان؛ یعنی أمیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام پیروی می نمودند، به یقین در راه راست گام برداشته وبه سوی کمال حرکت می کردند. روی گردانی از آن حضرت، ایجاد انحراف در این امر خطیر بود.

۱– ۱۴. شیخ طوسی: الغیبه، مؤسسه معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱، ص: ۳۰۸.

۲– ۱۵. شیخ صدوق: کمال الدین، دار الکتب الا سلامیه، چاپ دوم ۱۳۹۵، ج: ۲، ص: ۵۰۳.

این جانب با توفیق الهی پس از مطالعه برخی از کتاب های شیخ صدوق علیه السلام، از آن جمله کتاب «امالی»، بر آن شدم تا از این کتاب، به ملاحظه اهمیت موضوع، روایاتی را درارتباط با حضرت علی علیه السلام برگزیده وبه صورت مجموعه ای مستقل در اختیار علاقه مندان قرار دهم.

بحمد اللّه این خواسته، با همکاری جمعی از دوستان وبا طی مراحلی تحقق پذیرفت. اُمید است مورد قبول مولای متقیان امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام بوده وموجب حصول معرفت بیشتر نسبت به صراط مستقیم گردد.

برای تحقق این اثر، ابتدا احادیث مورد نظر، از نسخه ای از کتاب «امالی» شیخ صدوق رحمه الله، با ترجمه آیت اللّه کمره ای رحمه الله گزینش (۱)، وسپس موضوع بندی شدند. ترجمه روایات نسبتاً روان ومناسب بود، ولی در عین حال، تماماً مورد تجدید نظر قرار گرفته وتغییرات زیادی در آن ها به وجود آمد.

اسناد روایات، گرچه مورد استفاده بسیاری از خوانندگان نمی باشد، اما به منظور تکمیل فایده وبرای آگاهی برخی که علاوه بر متن روایت، خواهان دانستن سند آن ها نیز هستند به صورت خلاصه آورده شده است. تلخیص اسناد روایات غالباً با استفاده از کتاب شریف «بحار الأنوار» صورت پذیرفته است.

در پایان از کلیه کسانی که در مراحل مختلف انجام کار ودر به ثمر رساندن این اثر، نقش داشته اند، به خصوص از برادر احمد سعیدی که زحمت اصلی کار برعهده ایشان بود و از حجّت الاسلام حسین احمدی و سید محمّد حسین تقوی سپاسگزاری نموده و برای یکایک آنان آرزوی موفقیت می کنم.

الامامه والولایه لأمیرالمؤمنین علی علیه السلام

من اللّه التوفیق

والسلام علی من اتبع الهدی

شهر مقدّس قم - سید محسن کمالی تقوی

ص:۲۱

۱- ۱۶. گفتنی است که در چاپ های مختلف «امالی» شماره روایات یکسان نیست واین موضوع ناشی از این امر است که گاه شیخ صدوق رحمه الله دو یا چند روایت را که اسناد وروات آن ها دقیقاً مانند هم بوده اند، به دنبال هم ذکر فرموده و در بسیاری از چاپ ها، در هنگام شماره گذاری، به این گونه روایات مجموعاً یک شماره اختصاص داده شده است. اما در برخی چاپ ها - از جمله، چاپ بنیاد بعثت - این دسته از احادیث از هم تفکیک شده و به هر یک از آن ها شماره جداگانه ای تعلق گرفته است. با این که روش اخیر درست به نظر می رسد، اما از آن جا که شماره گذاری روایات در غالب چاپ هایی که در

دسترس خوانندگان است، به روش اول صورت گرفته است، در این مجموعه نیز، آدرس ها، بر همان اساس ذکر شده اند.

ولادت، والدین و ازدواج حضرت

ولاده علی "علیه السلام"

۱ - حدّثنا الدقاق عن الأسدی عن موسی بن عمران، عن الحسین بن یزید، عن محمّد بن سنان، عن المفضّل، عن ثابت بن دینار، عن سعید بن جبیر قال: قال یزید بن قعنب:

کنت جالساً مع العبّاس بن عبدالمطّلب وفریق من عبد العزّی بإزاء بیت اللّه الحرام، إذ أقبلت فاطمه بنت أسد أُمّ أمیرالمؤمنین علیه السلام وکانت حامله به لتسعه أشهر وقد أخذها الطلق، فقالت: ربّ! إنّی مؤمنه بک وبما جاء من عندک من رسل وکتب وإنّی مصدّقه بکلام جدّی إبراهیم الخلیل علیه السلام وأنّه بنی البیت العتیق، فبحقّ الّذی بنی هذا البیت! وبحقّ المولود الّذی فی بطنی! لمّا یسّرت علی ولادتی. قال یزید بن قعنب: فرأینا البیت وقد انفتح عن ظهره، ودخلت فاطمه فیه وغابت عن أبصارنا والتزق الحائط. فرمنا أن ینفتح لنا قفل الباب، فلم ینفتح. فعلمنا أنّ ذلک أمر من أمر اللّه عزّ وجلّ.

ثمّ خرجت بعد الرابع وبیدها أمیرالمؤمنین علیه السلام، ثمّ قالت: إنّی فضّلت علی من تقدّمنی من النساء، لأنّ آسیه بنت مزاحم عبدت اللّه عزّ وجلّ سرّاً فی موضع لا یحبّ أن یعبد اللّه فیه إلاّ اضطراراً، وأنّ مریم بنت عمران هزّت النخله الیابسه بیدها حتّی أکلت منها رطباً جنیاً، وإنّی دخلت بیت اللّه الحرام، فأکلت من ثمار الجنّه وأوراقها. فلمّا أردت أن أخرج هتف بی هاتف:

یا فاطمه! سمّیه علیاً فهو علی، واللّه العلی الأعلی یقول: «إنّی شققت اسمه من اسمی، وأدّبته بأدبی، ووقفته علی غامض علمی، وهو الّذی یکسر الأصنام فی بیتی، وهو الّذی یؤذّن فوق ظهر بیتی ویقدّسنی ویمجّدنی، فطوبی لمن أحبّه وأطاعه، وویل لمن أبغضه وعصاه.»

۱ - یزید بن قعنب گوید:

بـا عبّاس فرزنـد عبـدالمطلب و گروهی از طـایفهٔ «عبـدالعُزّی» برابر خـانهٔ کعبـه نشســته بـودیم، ناگـاه فـاطمه بنـت اسـد، مـادر امیرالمؤمنین علیه السلام که به آن حضرت حامله بود وارد شد و در حالی که درد زایمان داشت در مقابل کعبه ایستاد و گفت: پروردگـارا! من به تو و به پیـامبران و کتـاب هـایی که از جانب تو آمـده ایمان دارم، سـخن جـدّم ابراهیم خلیل علیه السـلام را تصدیق می کنم، همو که این بیت عتیق را ساخته است. پس به حق کسـی که این خانه را ساخته و به حق مولودی که در شکم من است ولادت او را بر من آسان کن. یزید بن قعنب گوید: ما به چشم خود دیدیم که دیوار خانه از پشت شـکاف برداشت و فاطمه علیها السـلام وارد کعبه گشت واز دیـدگان ما پنهان شـد، سـپس دیوار به هم آمـد. خواستیم قفل درب خانه را باز کنیم ولی باز نشـد، فهمیـدیم این کار از جانب خدای بزرگ است. فاطمه علیها السـلام پس از چهار روز، در حالی که امیرالمؤمنین علیه السـلام را روی دست داشت از خانه بیرون آمـد وچنین گفت: من بر همه زنان پیشـین برتری داده شده ام، از آسـیه بهترم؛ چون او خـدا را به صورت پنهانی در جایی می پرستید که پرسـتش در آن مکان جز در موارد ناچاری پسـندیده نبود. (از مریم نیز بهترم) چرا که او درخت خرمـای خشـکیده را بـا دست خود تکـان داد و خرمـای تازه از آن خورد؛ ولی من در خانه محترم خدا «کعبه» وارد شدم و از میوه ها وخوردنی های بهشتی خوردم وچون خواستم بیرون آیم یک منادی آواز داد: ای فاطمه! نام این مولود را علی بگـذار، که او علی است وخداونـد علی اعلاـ می فرمایـد: نـام او را از نـام خود گرفتم، به آداب خودم ادبش کردم، واو را از پیچیدگی های علوم خودم آگاه ساختم، اوست که بت هایی را که در خانه من قرار دارد می شـکند. هموست که بر بام خانه ام اذان می گویـد و مرا تقدیس وتمجید می کند. پس خوشا به حال کسـی که او را دوست بدارد واز او اطاعت کند و وای به حال کسی که با او دشمنی ورزد واز فرمان او سر پیچی نماید. (۱)

۱- ۱۷. امالی صدوق، مجلس ۲۷، حدیث ۹.

والدا علی "علیه السلام"

۲ - حدّثنا إبن مسرور عن محمّد الحمیری، عن أبیه، عن البرقی، عن أبیه، عن خلف بن حمّاد، عن أبی الحسن العبدی، عن الأعمش، عن عبایه بن ربعی، عن عبد اللَّه بن عبّاس قال:

أقبل علی بن أبی طالب علیه السلام ذات یوم إلی النبی صلی الله علیه وآله باکیاً وهو یقول:

«إنّا للَّه وإنّا إلیه راجعون.»

فقال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله: مَهْ یا علی؟

فقال علی علیه السلام: یا رسول اللَّه! ماتت أمّی فاطمه بنت أسد.

قال: فبکی النّبی صلی الله علیه وآله، ثمّ قال: رحم اللَّه أمّک یا علی، أما إنّها إن کانت لک أُمّاً فقد کانت لی أُمّاً، خذ عمامتی هذه وخذ ثوبی هذین فکفّنها فیهما ومر النساء فلیحسن غسلها ولا تخرجها حتّی أجی ء فآلی أمرها.

قال: وأقبل النبی صلی الله علیه وآله بعد ساعه وأخرجت فاطمه أُمّ علی علیه السلام فصلّی علیها النبی صلی الله علیه وآله صلاه لم یصلّ علی أحد قبلها مثل تلک الصلاه، ثمّ کبّر علیها أربعین تکبیره. ثمّ دخل إلی القبر فتمدد فیه فلم یسمع له أنین ولا حرکه، ثمّ قال: یا علی! ادخل، یا حسن! ادخل.

فدخلا القبر فلمّا فرغ ممّا احتاج إلیه قال له: یا علی! اخرج. یا حسن! اخرج. فخرجا.

ثمّ زحف النبی صلی الله علیه وآله حتّی صار عند رأسها ثمّ قال: یا فاطمه! أنا محمّد سید ولد آدم ولا فخر، فإن أتاک منکر ونکیر فسألاک من ربّک فقولی: اللَّه ربّی ومحمّد نبیی والإسلام دینی والقرآن کتابی وابنی إمامی وولیی.

ثمّ قال: اللّهمّ ثبّت فاطمه بالقول الثابت.

ثمّ خرج من قبرها وحثا علیها حثیات، ثمّ ضرب بیده الیمنی علی الیسری فنفضهما، ثمّ قال: والّذی نفس محمّد بیده! لقد سمعت فاطمه تصفیق یمینی علی شمالی.

فقام إلیه عمّار بن یاسر فقال: فداک أبی وأمّی یا رسول اللَّه! لقد صلّیت علیها صلاه لم تصلّ علی أحد قبلها مثل تلک الصلاه؟

پدر و مادر حضرت علی "علیه السلام"

۲ - ابن عبّاس می گوید: روزی علی بن ابی طالب علیهما السلام گریه کنان خدمت پیامبرصلی الله علیه وآله رسید و گفت: «اِنّا للّٰه واِنّا اِلَیهِ راجِعُون.»

حضرت فرمود: آرام باش علی جان! چه شده؟

علی علیه السلام گفت: ای پیامبر خدا! مادرم از دنیا رفته است.

پیامبرصلی الله علیه وآله گریه کرد و فرمود:

خدا رحمت کند مادرت را، اگر او مادر تو بود، مادر من هم بود؛ این عمامه و پیراهن مرا بگیر وبا آن ها کفنش کن وبه زن ها بگو غسل او را به خوبی انجام دهند وجنازه اش را (برای نماز ودفن) خارج نکنند تا من بیایم که کار او با من است.

پیامبرصلی الله علیه وآله پس از ساعتی بر جنازه او حاضر شد، بر او نمازی خواند که همانند آن را بر هیچ مرده ای نخوانده بود، پس از آن بر او ۴۰ بار تکبیر گفت. سپس در قبر او وارد شد ودر آن آرام و بی صدا، دراز کشید.

بعد از آن پیامبر (خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام و امام حسن علیه السلام) فرمود: ای علی! ای حسن! داخل قبر شوید.

آن دو داخل قبر شدند و پس از انجام آنچه را که لازم بود، پیامبر از آنان خواست که خارج شوند، پس از قبر خارج شدند.

آن گاه پیامبر نزد سر فاطمه (بنت اسد) قرار گرفت و فرمود: ای فاطمه! من محمّد آقای فرزندان آدم هستم، هنگامی که دو فرشته نکیر و منکر آمدند واز پروردگارت پرسیدند، پاسخ داده، بگو: اللّٰه پروردگار من است، محمّد پیامبر من، اسلام دین من، قرآن کتابم و پسرم، امام و ولی من است.

سپس عرض کرد: خدایا! فاطمه را بر گفتار حق ثابت بدار.

آن گاه پیامبرصلی الله علیه وآله از قبر بیرون آمد، چند مشت خاك بر قبر او پاشید و دو دست خود را برهم زده، تکان داد و فرمود: به خدا قسم که فاطمه صدای دو دست مرا شنید.

عمّار یاسر عرض کرد: پدر و مادرم قربانت ای رسول خدا! نمازی بر او خواندید که پیش از او بر کسی نخوانده بودید؟

والدا على "عليه السلام"

فقـال: يـا أبـا اليقظـان! وأهـل ذلـک هی منّی ولقـد كـان لها من أبی طالب ولـد كثير ولقـد كان خيرهم كثيراً وكان خيرنا قليلاً، فكانت تشبعنی وتجيعهم وتكسونی وتعريهم وتدهننی وتشعثهم.

قال: فلِمَ كبّرت عليها أربعين تكبيره يا رسول اللَّه؟

قال صلى الله عليه وآله: نعم يا عمار! التفت عن يمينی فنظرت إلی أربعين صفّاً من الملائكه، فكبّرت لكلّ صف تكبيره.

قال: فتمددت فی القبر ولم يسمع لک أنين ولا حركه؟

قال: إنّ الناس يحشـرون يوم القيامه عراه فلم أزل أطلب إلی ربّی عزّ وجلّ أن يبعثها ستيره، والّـذی نفس محمّـد بيده! ما خرجت من قبرهـا حتّی رأيت مصـباحين من نور عنـد رأسـها ومصـباحين من نور عنـد يـديها ومصـباحين من نور عنـد رجليهـا وملكيها الموكّلين بقبرها يستغفران لها إلی أن تقوم الساعه.

٣ – حـدّثنا أبی عن سـعد، عن البرقی، عن أبيه، عن خلف بن حمّـاد، عن أبی الحسن العبـدی، عن الأعمش، عن عبايه بن ربعی، عن عبد اللَّه بن عبّاس، عن أبيه قال:

قال أبوطالب لرسول اللَّه صلى الله عليه وآله: يابن أخی! اللَّه أرسلک؟

قال: نعم.

قال: فأرنی آيه. قال: ادع لی تلک الشجره.

فدعاها فأقبلت حتّی سجدت بين يديه، ثمّ انصرفت.

فقال أبوطالب: أشهد أنّک صادق، يا علی! صلّ جناح ابن عمّک.

ص:٢٦

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: ای عمّار! او لایق آن بود، ابوطالب از او فرزندان بسیاری داشت و مال وثروت آن ها فراوان و مال وثروت ما کم بود. او مرا سیر می کرد و آن ها را گرسنه نگه می داشت، قبل از آن ها مرا می پوشاند وبهتر از آن ها مرا می آراست.

عرض کرد: ای پیامبر خدا! چرا برای او ۴۰ تکبیر گفتید؟

فرمود: ای عمّار! به سمت راست خود نگاه کردم دیدم ۴۰ صف از فرشتگان ایستاده بودند، از این رو برای هر صف، تکبیری گفتم.

عرض کرد: علت دراز کشیدن شما در قبر او بدون این که حرکت وصدایی داشته باشید چه بود؟

فرمود: روز قیامت همه برهنه محشور می شوند، من پیوسته از خدا خواستم او را پوشیده برانگیزاند. و سوگند به خدایی که جان محمّد در دست اوست! از قبر بیرون نشدم تا اینکه دیدم چراغ هایی از نور بالای سر، وپیش روی او وپایین پای او روشن شد و دو فرشته موکّل بر قبر او شدند که تا روز قیامت برایش آمرزش بجویند. (۱)

۳ - ابن عبّاس از پدرش نقل می کند:

روزی حضرت ابوطالب علیه السلام از پیامبر خداصلی الله علیه وآله پرسید: ای برادرزاده! آیا حقیقتاً خدا تو را فرستاده است؟

فرمود: آری.

ابوطالب گفت: دلیل و نشانه ای بیاور. آن درخت را فراخوان تا نزد من آید.

پیامبر درخت را فرا خواند، درخت پیش آمد و در برابر حضرت سجده کرد و برگشت.

ابوطالب گفت: گواهی می دهم که به راستی تو راست می گویی.

(و به فرزندش گفت:) ای علی! در جانب پسر عمویت به نماز بایست. (۲)

۱- ۱۸. امالی صدوق، مجلس ۵۱، حدیث ۱۴.

۲- ۱۹. امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۹، حدیث ۱۰.

زواج علی علیه السلام

۴ – حدّثنا إبن مسرور، عن إبن عامر، عن المعلّی، عن البزنطی، عن علی بن جعفر قال: سمعت أبا الحسن موسی بن جعفرعلیهما السلام یقول:

بینا رسول اللَّه صلی الله علیه وآله جالس إذ دخل علیه ملک له أربعه وعشرون وجهاً، فقال له رسول اللَّه صلی الله علیه وآله: حبیبی جبرئیل! لم أرک فی مثل هذه الصوره؟

فقال الملک: لست بجبرئیل، أنا محمود بعثنی اللَّه عزّ وجلّ أن أزوّج النور من النور.

فقال صلی الله علیه وآله: من ممّن؟

قال: فاطمه من علی.

قال: فلمّا ولی الملک إذاً بین کتفیه: «محمّد رسول اللَّه، علی وصیه.»

فقال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله: منذ کم کتب هذا بین کتفیک؟

فقال: من قبل أن یخلق اللَّه عزّ وجلّ آدم باثنین وعشرین ألف عام.

۵ – حدّثنا إبن المتوکل، عن السعدآبادی، عن البرقی، عن عبد العظیم الحسنی، عن الحسن بن عبد اللَّه، عن یونس بن ظبیان قال: قال أبو عبد اللَّه الصادق علیه السلام:

لفاطمهعلیها السلام تسعه أسماء عند اللَّه عزّ وجلّ: فاطمه والصدّیقه والمبارکه والطاهره والزکیه والرضیه والمرضیه والمحدّثه والزهراء.

ثمّ قال: تدری لأی شی ء سمّیت فاطمهعلیها السلام؟

قلت: أخبرنی یا سیدی.

قال: فطمت من الشرّ.

قال: ثمّ قال: لو لا أنّ أمیرالمؤمنین علیه السلام تزوّجها لما کان لها کفو علی وجه الأرض إلی یوم القیامه، آدم فمن دونه.

ازدواج حضرت علی "علیه السلام"

۴ - علی بن جعفر می گوید:

از امام موسی کاظم علیه السلام شنیدم که می فرمود: روزی پیامبر خداصلی الله علیه وآله نشسته بود که فرشته ای با ۲۴ صورت بر او وارد شد. حضرت فرمود: ای حبیب من! جبرئیل! تا کنون تو را به این صورت ندیده ام.

فرشته عرض کرد: من جبرئیل نیستم، من محمود هستم، خداوند مرا فرستاده که نور را به نور تزویج کنم.

فرمود: چه کسی را به چه کسی؟

عرض کرد: فاطمه را به علی.

فرمود: چون آن فرشته برگشت، میان دو کتفش را دیدم که نوشته بود: محمّد، رسول خداست و علی وصیّ او.

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: از چه زمانی این مطلب، میان دو شانه ات نوشته شده است؟

فرشته گفت: ۲۲ هزار سال پیش از آن که خداوند، آدم را خلق کند. (۱)

۵ - حضرت عبدالعظیم حسنی از حسن بن عبداللَّه از یونس بن ظبیان از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرتش فرمود:

حضرت فاطمه علیها السلام در پیشگاه خداوند متعال نُه اسم دارد: فاطمه، صدّیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، رضیه، مرضیه، محدّثه، زهرا.

سپس فرمود: آیا می دانی چرا او فاطمه نامیده شده است؟

گفتم: شما بفرمایید، ای آقای من!

فرمود: چون از هر شرّ و بدی دور است.

و آن گاه حضرتش فرمود: اگر امیرالمؤمنین علیه السلام با او ازدواج نکرده بود، در روی زمین تا روز قیامت هیچ همسر و همتایی در میان بنی آدم برای او نبود. (۲)

۱- ۲۰. امالی صدوق رحمه الله مجلس ۸۶، حدیث ۱۹.

۲- ۲۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۶، حدیث ۱۸.

علی علیه السلام در قرآن

علی علیه السلام فی القرآن

۶ - أخبرنی علی بن حاتم، عن أحمد الهمدانی، عن جعفر بن عبد اللَّه المحمّدی، عن کثیر بن عیاش، عن أبی الجارود، عن أبی جعفرعلیه السلام؛

فی قول اللَّه عزّ وجلّ: «إِنَّما وَلِیکُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِینَ آمَنُوا» (۱) الآیه.

قال: إنّ رهطاً من الیهود أسلموا؛ منهم عبد اللَّه بن سلام، أسد، ثعلبه، ابن یامین وابن صوریا، فأتوا النبی صلی الله علیه وآله فقالوا: یا نبی اللَّه! إنّ موسی علیه السلام أوصی إلی یوشع بن نون، فمن وصیک؟ یا رسول اللَّه ومن ولینا بعدک؟

فنزلت هذه الآیه: «إِنَّما وَلِیکُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یقِیمُونَ الصَّلاهَ وَیؤْتُونَ الزَّکاهَ وَهُمْ راکِعُونَ».

ثمّ قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله: قوموا.

فقاموا فأتوا المسجد، فإذاً سائل خارج.

فقال: یا سائل! أما أعطاک أحد شیئاً؟

قال: نعم، هذا الخاتم.

قال: من أعطاکه؟

قال: أعطانیه ذلک الرجل الّذی یصلّی.

قال: علی أی حال أعطاک؟

قال: کان راکعاً.

فکبّر النّبی صلی الله علیه وآله وکبّر أهل المسجد.

فقال النبی صلی الله علیه وآله: علی بن أبی طالب ولیکم بعدی.

۱- ۲۲. سوره المائده {۵}: الآیه ۵۵.

حضرت علی علیه السلام در قرآن

قسمت اول

۶ – امام باقرعلیه السلام در تفسیر آیه شریفه که می فرماید:

«ولی وسرپرست شما فقط خدا وپیامبر او وکسانی که ایمان آوردند... می باشند» فرمود:

عدّه ای از یهودیان؛ از جمله: عبداللّه بن سلام، اسد، ثعلبه، ابن یامین و ابن صوریا مسلمان شده، خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله رسیدند و عرض کردند: ای پیامبر خدا! حضرت موسی علیه السلام، یوشع بن نون را وصی وجانشین خود کرده، وصی وجانشین شما کیست؟ چه کسی پس از شما سرپرست ماست؟

در جواب آن ها، این آیه نازل شد که: «ولی وسرپرست شما فقط خدا و پیامبر او وکسانی که ایمان آوردند می باشند، همان ها که نماز را بر پا داشته و در حال رکوع صدقه می دهند.»

سپس رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: برخیزید (تا به مسجد برویم).

وقتی به مسجد رسیدند دیدند فقیری، از مسجد بیرون می آید، پیامبرصلی الله علیه وآله از او پرسیدند: آیا کسی به تو چیزی نداد؟

عرض کرد: آری، این انگشتری را.

حضرت فرمود: چه کسی آن را به تو داد؟

عرض کرد: این مردی که نماز می خواند.

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: در چه حالی انگشتر را به تو داد؟

عرض کرد: در حال رکوع بود.

پیامبرصلی الله علیه وآله تکبیر گفت، واهل مسجد هم تکبیر گفتند.

آن گاه حضرت فرمود: پس از من، علی بن ابی طالب ولی وسرپرست شماست. (۱)

۱– ۲۳. امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۶، حدیث ۴.

على "عليه السلام" فى القرآن ۷ - حدّثنا أحمد بن محمّد الصائغ العدل، عن عيسى بن محمّد العلوى، عن أحمد بن سلام الكوفى، عن الحسين بن عبد الواحد، عن حرب بن الحسن، عن أحمد بن إسماعيل بن صدقه، عن أبى الجارود، عن أبى جعفر محمّد بن على الباقرعليه السلام قال:

لمّا نزلت هذه الآيه على رسول اللَّه صلى الله عليه وآله «وَ كُلَّ شَیءٍ أَحْصَیناهُ فِی إِمامٍ مُبِینٍ»، (۱) قام رجلان من مجلسهما فقالا: يا رسول اللّه هو التوراه؟

قال: لا.

قالا: فهو الإنجيل؟

قال: لا.

قالا: فهو القرآن؟

قال: لا.

قال: فأقبل أميرالمؤمنين على بن أبى طالب عليه السلام فقال رسول اللَّه صلى الله عليه وآله:

هو هذا، إنّه الإمام الّذى أحصى اللّه تبارك وتعالى فيه علم كل شى ء.

۸ - حدّثنا إبن المتوكّل، عن محمّد العطار، عن إبن عيسى، عن القاسم، عن جدّه، عن عمرو بن مغلس، عن خلف، عن عطيه العوفى، عن أبى سعيد الخدرى قال:

سألت رسول اللّه صلى الله عليه وآله عن قول اللّه جلّ شأنه: «قالَ الَّذِی عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتابِ». (۲)

قال: ذاک وصى أخى سليمان بن داود.

فقلت له: يا رسول اللّه! فقول اللّه عزّ وجلّ: «قُلْ كَفى بِاللَّهِ شَهِیداً بَیْنِی وَبَیْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتابِ» (۳) ؟

قال: ذاک أخى على بن أبى طالب عليه السلام.

حضرت على "عليه السلام" در قرآن

ص:۳۲

۱- ۲۴. سوره يس {۳۶}، الآيه ۱۲.

۲- ۲۵. سوره النمل: الآيه ۴۰.

۳- ۲۶. سوره الرعد: الآیه ۴۳.

۷ – امام باقرعلیه السلام فرمود:

هنگامی که این آیه بر پیامبرصلی الله علیه وآله نازل شد که «ما همه چیز را در امام مبین ضبط کرده وبر شمرده ایم.» فوراً دو نفر برخاستند و پرسیدند: ای پیامبر خدا! آیا آن تورات است؟

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: نه.

گفتند: آیا انجیل است؟

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: نه.

گفتند: آیا قرآن است؟

فرمود: نه.

در همین هنگام، امیرمؤمنان علی علیه السلام از راه رسید؛ پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود: «امام مبین» همین است، که خداوند، علم هر چیزی را در او ضبط وشماره کرده است. (۱)

۸ – ابوسعید خدری می گوید:

از پیامبر خداصلی الله علیه وآله در باره این آیه که می فرماید: «گفت آن کسی که نزد او مقداری از علم کتاب بود، سؤال کردم.

فرمود: آن شخصی که مقداری علم از کتاب نزدش بود، وصی وجانشین برادرم، سلیمان بن داوود بود.

عرض کردم: ای پیامبر خدا! پس مقصود از این آیه «بگو: گواهی خداوند و گواهی کسی که همه علم به کتاب نزد اوست، بین من وشما کفایت می کند.»

کیست؟

فرمود: منظور از آن، برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام است. (۲)

۱– ۲۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۳۲، حدیث ۵

۲– ۲۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۳، حدیث ۳

على "عليه السلام" فى القرآن ۹ – حدّثنا محمّد بن على بن بابويه عن محمّد بن إبراهيم بن إسحاق، عن الجلودى، عن محمّد بن سهل، عن الخضر بن أبى فاطمه البلخى، عن وهيب بن نافع، عن كادح، عن الصادق جعفر بن محمّد، عن أبيه، عن آبائه عن على عليهم السلام؛

فى قوله عزّ وجلّ: «سَلامٌ عَلى اِل ياسِينَ». (۱)

قال: ياسين محمّدصلى الله عليه وآله ونحن آل ياسين.

* * *

۱۰ – حدّثنا محمّد بن الحسن، عن الصفّار، عن على بن محمّد القاسانى، عن سليمان بن داود المنقرى، عن يحيى بن سعيد، عن أبى عبد اللَّه الصادق، عن أبيه عليهما السلام:

فى قول اللَّه تبارک وتعالى:

«وَ يسْتَنْبِئُونَکَ أَحَقٌّ هُوَ قُلْ إِى وَرَبِّى إِنَّهُ لَحَقٌّ» (۲)

قال: يستنبئک يا محمّد! أهل مکّه عن على بن أبى طالب عليه السلام إمام هو؟ قل: إى وربّى إنّه لحقّ.

۱۱ – حدّثنا محمّد بن إبراهيم بن إسحاق، عن الجلودى، عن المغيره بن محمّد، عن إبراهيم بن محمّد، عن قيس بن الربيع و منصور بن أبى الأسود، عن الأعمش، عن المنهال بن عمرو، عن عباد بن عبد اللَّه قال: قال على عليه السلام:

ما نزلت من القرآن آيه إلاّ وقد علمت أين نزلت وفى من نزلت وفى أى شى ء نزلت وفى سهل نزلت أو فى جبل نزلت.

قيل: فما نزل فيک؟

فقال عليه السلام: لولا أنّکم سألتمونى ما أخبرتکم؛ نزلت فى الآيه «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِکُلِ ـقَوْمٍ هادٍ»؛ (۳)

فرسول اللَّه صلى الله عليه وآله المنذر وأنا الهادى إلى ما جاء به.

۱– ۲۹. سوره الصافات: الآيه ۱۳۰.

۲– ۳۰. سوره يونس: الآيه ۵۳.

۳– ۳۱. سوره الرعد، الآيه ۷.

حضرت علی "علیه السلام" در قرآن ۹ – امام صادق علیه السلام: از پدران گرامی اش نقل می کند:

امام علی علیه السلام در تفسیر آیه «سلام بر آل یاسین.» فرمود:

مقصود از یاسین محمّدصلی الله علیه وآله است و ما آل یاسین هستیم. (۱)

۱۰ – امام صادق علیه السلام فرمود:

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه که می فرماید: « (ای پیامبر!) از تو خبر می گیرند که آیا این موضوع حق است؟ بگو: آری، سوگند به پروردگارم! آن حق است.» فرمود:

یعنی ای محمّد! اهل مکّه از تو خبر می گیرند که آیا علی، امام است؟ بگو: آری، به خدا سوگند او امام و حق است. (۲)

۱۱ – امام علی علیه السلام فرمود: آیه ای از قرآن نازل نشد مگر آن که می دانم کجا نازل شده، درباره چه کسی نازل شده، در چه موضوعی؛ آیا در کوه یا دشت نازل شده است.

عرض شد: درباره خود شما چه آیه ای نازل شده؟

فرمود: اگر نمی پرسیدید، چیزی نمی گفتم (حال که سؤال کردید می گویم) در باره من این آیه نازل شده که: «تو تنها هشدار دهنده ای وبرای هر قومی هدایتگری است.» پس پیامبر خداصلی الله علیه وآله، هشدار دهنده است و من هدایتگر به آنچه او آورده است، می باشم. (۳)

۱– ۳۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۱.

۲– ۳۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۶، حدیث ۷.

۳– ۳۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۶، حدیث ۱۳.

١٢ - حدّثنا إبن البرقى، عن أبيه، عن جدّه، عن أبيه محمّد بن خالد، عن سهل بن المرزبان، عن محمّد بن منصور، عن عبد اللّه بن جعفر، عن محمّد بن الفيض بن المختار، عن أبيه، عن أبى جعفر محمّد بن على الباقر، عن أبيه، عن جدّه عليهم السلام قال:

خرج رسول اللّه صلى الله عليه وآله ذات يوم وهو راكب وخرج على عليه السلام و هو يمشى، فقال له:

يا أبا الحسن! إمّا أن تركب وإمّا أن تنصرف، فإنّ اللّه عزّ وجلّ أمرنى أن تركب إذا ركبت، وتمشى إذا مشيت، وتجلس إذا جلست إلاّ أن يكون حدّ من حدود اللّه لابدّ لك من القيام والقعود فيه، وما أكرمنى اللّه بكرامه إلاّ وقد أكرمك بمثلها، وخصّنى بالنّبوّه والرّساله وجعلك وليى فى ذلك، تقوم فى حدوده وفى صعب أموره.

والّذى بعث محمّداً بالحقّ نبياً! ما آمن بى من أنكرك، ولا أقرّ بى من جحدك، ولا آمن باللّه من كفر بك، وإنّ فضلك لَمِن فضلى وإنّ فضلى لك لفضل اللّه وهو قول ربّى عزّ وجلّ: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذلِكَ فَلْيفْرَحُوا هُوَ خَيرٌ مِمّا يجْمَعُونَ» (١) ففضل اللّه، نبوّه نبيكم، ورحمته، ولايه على بن أبى طالب. فبذلك، قال: بالنبوّه والولايه «فليفرحوا» يعنى: الشيعه. «هو خير ممّا يجمعون» يعنى: مخالفيهم من الأهل والمال والولد فى دار الدنيا.

١- ٣۵. سوره يونس: الآيه ۵٨.

۱۲ - امام باقرعلیه السلام از اجداد پاکش در مورد امام علی می فرماید:

روزی پیامبر خداصلی الله علیه وآله سوار بر مرکبی از خانه خارج شد، علی علیه السلام نیز پیاده به راه افتاد، پیامبرصلی الله علیه وآله به او فرمود:

ای علی! یا تو هم سوار شو یا برگرد؛ زیرا خدا به من دستور داده که اگر من سواره ام تو هم سواره باشی، اگر من پیاده ام، تو هم پیاده باشی، اگر نشسته ام تو هم بنشینی، جز در مواردی که حدّی از حدود الهی تو را ناگزیر به نشست و برخاست کند. خدا به من کرامتی نداده مگر این که مانند آن را به تو هم داده است، مرا به پیامبری و رسالت برگزیده و تو را ولی من ساخته که حدود آن را به پا داشته و مشکلات سخت آن را حل کنی.

سوگند به خدایی که محمّد را به حق به پیامبری برانگیخته! کسی که تو را انکار کند، به من ایمان نیاورده است و آن که (ولایت) تو را منکر شود، به پیامبری من اقرار نکرده است و آن که کافر به تو باشد، به خدا ایمان نیاورده است. فضل تو از فضل من است و فضل من از فضل خداست و این سخن خداست که می فرماید: «بگو: باید منحصراً به فضل ورحمت خدا شادمان شوند که آن بهتر است از آنچه اندوخته می کنند» پس مقصود از فضل خدا، نبوّت پیامبر شماست و مقصود از رحمت او، ولایت علی بن ابی طالب است، ومقصود از کسانی که باید شادمان شوند، شیعیان می باشند. و این که فرمود: «آن بهتر است از آنچه اندوخته می کنند» یعنی: از آنچه مخالفین - از اهل ومال وفرزند در دنیا - جمع می کنند.

ص:۳۷

واللّه یـا علی! ما خلقت إلاّ لیعبـد [لتعبـد] ربّک ولیعرف بک معالم الـدین ویصـلح بک دارس السبیل ولقـد ضلّ من ضلّ عنک ولن یهتـدی إلی اللّه عزّ وجـلّ من لم یهتـد إلیـک وإلی ولایتـک، وهو قول ربّی عزّ وجـلّ: «وَإِنِّی لَغَفّارٌ لِمَنْ تابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صالِحاً ثُمَّ اهْتَدی (۱) یعنی إلی ولایتک، ولقد أمرنی ربّی تبارک وتعالی أن أفترض من حقک ما أفترضه من حقّی وإنّ حقّک لمفروض علی من آمن، ولولاک لم یعرف حزب اللّه وبک یعرف عدوّ اللّه، ومن لم یلقه بولایتک لم یلقه بشی ء.

ولقد أنزل اللّه عزّ وجلّ إلی: «یا أَیهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیکَ مِنْ رَبِّکَ» (۲) یعنی فی ولایتک یا علی «وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ» (۳) ولو لم أبلغ ما أمرت به من ولایتک لحبط عملی، ومن لقی اللّه عزّ وجلّ بغیر ولایتک فقد حبط عمله، وعدٌ ینجز لی وما أقول إلاّ قول ربّی تبارک وتعالی وإنّ الّذی أقول لمن اللّه عزّ وجلّ أنزله فیک.

۱- ۳۶. سوره طه: الآیه ۸۲.

۲- ۳۷. سوره المائده: الآیه ۶۷.

۳- ۳۸. سوره المائده: الآیه ۶۷.

ای علی! به خدا قسم! تو آفریده نشدی مگر برای آن که به وسیله تو خدا عبادت شود، ومعالم دین شناخته گردد و کهنگی راه (خدا) اصلاح شود. گمراه واقعی کسی است که از تو گمراه شد و کسی که به تو و ولایت تو هدایت نشود هرگز راهی به سوی خدا ندارد و این است سخن خداوند که: «و من هر که را توبه کند وایمان آورد وعمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، بسیار مورد عفو وآمرزش خود قرار می دهم» یعنی به ولایت تو هدایت شود. به طور حتم خداوند به من فرمان داده که همان حقّی که برای من مقرّر شده برای تو مقرّر کنم، حق تو بر هر که به من ایمان آورده واجب است، اگر تو نبودی حزب خدا شناخته نمی شد، به وسیله تو دشمن خدا شناخته می شود و هر که خدا را با ولایت تو، ملاقات نکند، دست خالی او را ملاقات کرده است.

خداوند این آیه را بر من نازل فرمود: «ای پیامبر! آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده - یعنی در باره ولایت تو ای علی - ابلاغ کن، و اگر این کار را نکنی در واقع رسالت او را ابلاغ نکرده ای» و اگر آنچه از ولایت تو دستور داشتم ابلاغ نکرده بودم، تمام اعمالم بی اثر و نابود می شد وهر که خدا را بدون ولایت تو ملاقات کند عملش نابود است. این وعده ای است که برای من حتمی است و من هم چیزی جز سخن خدا نمی گویم و آنچه می گویم از جانب خدای متعال است که درباره تو نازل فرموده است. (۱)

۱- ۳۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۴، حدیث ۱۶.

قسمت دوم

۱۳ - حدّثنا الحافظ عن محمّد بن القاسم بن زکریا والحسین بن علی السکونی، عن محمّد بن الحسن السکونی، عن صالح بن أبی الأسود، عن أبی المطهر المذاری، عن سلام الجعفی، عن أبی جعفر الباقرعلیهما السلام، عن أبی برزه، عن النبی صلی الله علیه وآله قال:

إنّ اللَّه عزّ وجلّ عهد إلی فی علی علیه السلام عهداً.

قلت: یا ربّ! بینه لی.

قال: اسمع.

قلت: قد سمعت.

قال: إنّ علیاً رایه الهدی وإمام أولیائی ونور من أطاعنی، وهو الکلمه الّتی ألزمتها المتّقین، من أحبّه أحبّنی ومن أطاعه أطاعنی.

۱۴ - حدّثنا أحمد بن علی بن إبراهیم بن هاشم، عن أبیه، عن جدّه، عن علی بن معبد، عن الحسین بن خالد، عن أبی الحسن علی بن موسی الرضا، عن آبائه، عن أمیرالمؤمنین علی بن أبی طالب علیهم السلام قال: قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

أخبرنی جبرئیل عن اللَّه جلّ جلاله أنّه قال:

علی بن أبی طالب حجّتی علی خلقی ودیان دینی، أخرج من صلبه أئمّه یقومون بأمری، ویدعون إلی سبیلی، بهم أدفع العذاب عن عبادی وإمائی، وبهم أنزل رحمتی.

۱۵ - حدّثنا إبن مسرور، عن إبن عامر، عن عمّه، عن إبن أبی عمیر، عن حمزه بن حمران، عن أبیه، عن أبی حمزه، عن علی بن الحسین، عن أبیه، عن أمیرالمؤمنین علیهم السلام؛

أنّه جاء إلیه رجل فقال:

یا أبا الحسن! إنّک تدعی أمیرالمؤمنین، فمن أمّرک علیهم؟

قال علیه السلام: اللَّه جلّ جلاله أمّرنی علیهم.

ص:۴۰

سخنانی از خداوند درباره حضرت علی "علیه السلام" سخنانی از خداوند درباره حضرت علی علیه السلام

۱۳ - امام باقرعلیه السلام از پیامبر خداصلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود:

خداوند متعال درباره علی علیه السلام به من سفارش کرد.

عرض کردم: پروردگار من! توضیح بفرما.

فرمود: گوش فرا ده.

عرض کردم: آماده ام.

فرمود: به راستی که علی پرچم هـدایت وپیشوای دوسـتان من است. او نور است برای کسـی که از من اطاعت کند، همو اسـت کلمه ای که پرهیزکاران بدان ملتزم شوند؛ هر کس او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس اطاعتش کند از من اطاعت کرده است. (۱)

۱۴ - امام رضاعلیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

خداوند به وسیله جبرئیل به من خبر داد و فرمود:

علی بن ابی طالب حجّت من بر آفریده هایم وحکم کننده بر طبق دینم می باشد.

از نسل او امامانی برآورم که به امر من قیام کرده و به راه من فرا خواننـد، به برکت آن ها، عـذاب را از بندگان و کنیزانم برمی دارم و رحمتم را نازل می نمایم. (۲)

۱۵ - مردی خدمت امام علی علیه السلام آمد و عرض کرد:

به شما امیرالمومنین می گویند، چه کسی شما را امیر مردم قرار داده است؟

فرمود: خداوند مرا امیر بر آن ها قرار داده است.

۱- ۴۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۲۳.

۲- ۴۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۱، حدیث ۷.

نصوص من اللّه فی علی "علیه السلام" فجاء الرجل إلی رسول اللّه صلی الله علیه وآله فقال: یا رسول اللّه! أیصدق علی فیما یقول إن اللّه أمّره علی خلقه؟

فغضب النبی صلی الله علیه وآله ثمّ قال: إنّ علیاً أمیرالمؤمنین بولایه من اللّه عزّ وجلّ عقدها له فوق عرشه وأشهد علی ذلک ملائکته؛ إنّ علیاً خلیفه اللّه وحجّه اللّه وإنّه لإمام المسلمین، طاعته مقرونه بطاعه اللّه، ومعصیته مقرونه بمعصیه اللّه، فمن جهله فقد جهلنی، ومن عرفه فقد عرفنی، ومن أنکر إمامته فقد أنکر نبوتی، ومن جحد إمرته فقد جحد رسالتی، ومن دفع فضله فقد تنقصنی، ومن قاتله فقد قاتلنی، ومن سبّه فقد سبّنی لأنّه منّی، خلق من طینتی وهو زوج فاطمه ابنتی وأبو وَلَدی الحسن والحسین.

ثمّ قال صلی الله علیه وآله: أنا وعلی وفاطمه والحسن والحسین وتسعه من ولد الحسین حجج اللّه علی خلقه، أعداؤنا أعداء اللّه، وأولیاؤنا أولیاء اللّه.

۱۶ – حدّثنا الحسین بن محمّد بن سعید الهاشمی، عن فرات بن إبراهیم الکوفی، عن محمّد بن ظهیر، عن الحسین بن علی العبدی، عن محمّد بن عبد الواحد الواسطی، عن محمّد بن ربیعه، عن إبراهیم بن یزید، عن عمرو بن دینار، عن طاوس، عن ابن عبّاس قال:

سمعت رسول اللّه صلی الله علیه وآله و هو علی المنبر یقول – وقد بلغه عن أناس من قریش إنکار تسمیته لعلی أمیرالمؤمنین – فقال:

معاشر الناس! إنّ اللّه عزّ وجلّ بعثنی إلیکم رسولاً وأمرنی أن أستخلف علیکم علیاً أمیراً، ألا فمن کنت نبیه فإنّ علیاً أمیره تأمیر أمّره اللّه عزّ وجلّ علیکم وأمرنی أن أعلمکم ذلک لتسمعوا له وتطیعوا، إذا أمرکم تأتمرون وإذا نهاکم عن أمر تنتهون.

ألا فلا یأتمرن أحد منکم علی علی علیه السلام فی حیاتی ولا بعد وفاتی، فإنّ اللّه تبارک وتعالی أمّره علیکم وسمّاه أمیرالمؤمنین ولم یسمّ أحداً من قبله بهذا الاسم.

سخنانی از خداوند درباره حضرت علی "علیه السلام" مرد عرب خدمت پیامبرصلی الله علیه وآله رفت و عرض کرد: آیا علی راست می گوید که خدا او را امیر قرار داده است؟

پیامبرصلی الله علیه وآله خشمگین شد و فرمود: به راستی چنین است که علی به ولایت الهی، امیر بر مردم شده؛ خداوند این ولایت را در آسمان ها منعقد کرده و فرشتگان را بر آن گواه گرفته که: علی، خلیفه و حجّت خدا و امام مسلمانان است، اطاعت از او همراه با اطاعت از خداست و نافرمانی از او، همراه با نافرمانی خداست. هر کس او را نشناسد، مرا نشناخته و هر کس او را بشناسد مرا شناخته است، هر کس منکر امامت او شود منکر پیامبری من شده و هر کس امیری او را انکار کند رسالت مرا انکار کرده است. آن که فضیلت او را نفی و دفع کند (فضیلت) مرا کاسته است؛ هر که با او نبرد کند، با من نبرد کرده؛ هر که او را دشنام دهد، مرا دشنام داده؛ زیرا او از من است، از طینت وسرشت من آفریده شده، او همسر فاطمه، دختر من و پدر دو فرزندم، حسن و حسین است.

سپس فرمود: من، علی، فاطمه، حسن، حسین و نه فرزند او، حجّت های خدا بر آفریدگان هستیم، دشمنان ما، دشمنان خدا و دوستان ما، دوستان خدایند. (۱)

۱۶ - ابن عبّاس می گوید:

به پیامبر خداصلی الله علیه وآله خبر رسید که برخی از قریش، عنوان «امیرالمؤمنین» را برای علی علیه السلام انکار می کنند. حضرتش بر فراز منبر رفت و در سخنرانی خود فرمود:

ای مردم! خداوند مرا بر شما پیامبر قرار داده و دستور فرموده که علی را به عنوان امیر شما پس از خودم معرفی کنم. پس آگاه باشید! هر کس من پیامبر او هستم، علی امیر اوست، امارتی که خدا فرمان داده و به من دستور فرموده که شما را از آن آگاه کنم، تا سخن او را به گوش جان بخرید؛ اگر دستور داد، اطاعت کنید و اگر نهی کرد برحذر باشید.

آگاه باشید! کسی از شما حق ندارد بر علی، امیر باشد، نه در زمان حیات من و نه پس از مرگ من؛ زیرا که خداوند او را بر شما امیر کرده و به عنوان «امیرالمؤمنین» لقب داده و هیچ کس پیش از او به آن نام، نامیده نشده است.

۱- ۴۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۷، حدیث ۸.

نصوص من اللّه فی علی "علیه السلام" وقد أبلغتکم ما أرسلت به إلیکم فی علی، فمن أطاعنی فیه فقد أطاع اللّه، ومن عصانی فیه فقد عصی اللّه عزّ وجلّ ولا ـ حجه له عند اللّه عزّ وجلّ وکان مصیره إلی ما قال اللّه عزّ وجلّ فی کتابه: «وَ مَنْ یعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَیتَعَدَّ حُدُودَهُ یدْخِلْهُ ناراً خالِداً فِیها». (1)

۱۷ - حدّثنا ماجیلویه، عن محمّد العطّار، عن سهل بن زیاد، عن محمّد بن الولید، عن یونس بن یعقوب، عن سنان بن طریف، عن أبی عبد اللّه الصادق علیه السلام قال:

قال: اِنّا أوّل أهل بیت نوه اللّه بأسمائنا، إنّه لمّا خلق اللّه السماوات والأرض أمر منادیاً فنادی:

أشهد أن لا إله إلّا اللّه - ثلاثاً -، أشهد أنّ محمّداً رسول اللّه - ثلاثاً - أشهد أنّ علیاً أمیرالمؤمنین حقّاً - ثلاثاً -.

۱۸ - حدّثنا أحمد بن محمّد بن یحیی العطّار، عن أبیه، عن محمّد بن عبد الجبّار، عن أحمد الأزدی، عن أبان بن عثمان، عن أبان بن تغلب، عن عکرمه، عن ابن عبّاس قال:

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله:

إنّ اللّه تبارک وتعالی آخی بینی وبین علی بن أبی طالب، وزوّجه ابنتی من فوق سبع سماواته، وأشهد علی ذلک مقرّبی ملائکته وجعله لی وصیاً وخلیفه، فعلی منّی وأنا منه، محبّه محبّی، ومبغضه مبغضی، وإن الملائکه لتقرّب إلی اللّه بمحبّته.

۱- ۴۳. سوره النساء {۴}: الآیه ۱۴.

سخنانی از خداونـد درباره حضـرت علی "علیه السـلام" من آنچه دسـتور داشـتم درباره علی گفتم، هر که در این دسـتور، مرا اطاعت کنـد خدا را اطاعت کرده و آن که نپذیرد معصـیت خدا نموده است و بداند نزد خدا عذری ندارد و سـرانجامش همان است که خداوند در قرآن فرموده: «هر که از خدا و پیامبرش نافرمانی کند و از حدودش تجاوز نماید، او را در آتشـی وارد می کند که همیشه در آن خواهد ماند.» (۱)

۱۷ - امام صادق علیه السلام فرمود:

ما نخستین خاندانی هستیم که خداوند نام ما را بلند کرده است.

آن گاه که خداوند آسمان ها و زمین را آفرید به فرشته ای دستور داد سه بار اعلان کند:

گواهی می دهم که هیچ معبودی جز خدا نیست.

گواهی می دهم که محمّد پیامبر خداست.

گواهی می دهم که علی، به حقیقت امیرمؤمنان است. (۲)

۱۸ - پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

خداوند تبارك و تعالی، از بالای هفت آسـمان، بین من و علی برادری قرار داد و دخترم را همسـر او کرد و فرشتگان مقرّب را بر آن گواه گرفت و او را وصـی و خلیفه ام نمود. پس علی علیه السلام از من است و من از علی، دوست او دوست من است و دشمن او، دشمن من؛ به راستی که فرشته ها، به وسیله دوستی او خود را به خدا نزدیك می کنند. (۳)

۱- ۴۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۳، حدیث ۱۱.

۲- ۴۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۸، حدیث ۴.

۳- ۴۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۶، حدیث ۶.

۱۹ – حدّثنا إبن سعید الهاشمی عن فرات، عن محمّد بن ظهیر، عن محمّد بن الحسین بن أخی یونس، عن محمّد بن یعقوب النهشلی، عن الرضا، عن آبائه علیهم السلام، عن النبی صلی الله علیه وآله، عن جبرئیل، عن میکائیل، عن إسرافیل، عن اللّٰه – جلّ جلاله – أنّه قال:

أنا اللّٰه لا إله إلاّ أنا، خلقت الخلق بقدرتی فاخترت منهم من شئت من أنبیائی واخترت من جمیعهم محمّداًصلی الله علیه وآله حبیباً وخلیلاً وصفیاً، فبعثته رسولاً إلی خلقی واصطفیت له علیاً فجعلته له أخاً ووصیاً ووزیراً ومؤدّیاً عنه من بعده إلی خلقی، وخلیفتی علی عبادی لیبین لهم کتابی ویسیر فیهم بحکمی.

وجعلته العلم الهادی من الضلاله، وبابی الّذی أوتی منه، وبیتی الّذی من دخله کان آمناً من ناری، وحصنی الّذی من لجأ إلیه حصنه من مکروه الدنیا والآخره، ووجهی الّذی من توجّه إلیه لم أصرف وجهی عنه، وحجّتی فی السماوات والأرضین علی جمیع من فیهنّ من خلقی. لا أقبل عمل عامل منهم إلاّ بالإقرار بولایته مع نبوّه أحمد رسولی وهو یدی المبسوطه علی عبادی وهو النعمه الّتی أنعمت بها علی من أحببته من عبادی.

فمن أحببته من عبادی وتولیته، عرّفته ولایته ومعرفته ومن أبغضته من عبادی، أبغضته لانصرافه عن معرفته وولایته.

فبعزّتی حلفت وبجلالی أقسمت أنّه لا یتولّی علیاً عبد من عبادی إلاّ زحزحته عن النّار وأدخلته الجنّه ولا یبغضه عبد من عبادی ویعدل عن ولایته إلاّ أبغضته وأدخلته النار وبئس المصیر.

۲۰ – حدّثنا إبن إدریس، عن أبیه، عن البرقی، عن إبن معروف، عن محمّد بن یحیی الخزاز، عن طلحه بن زید، عن الصادق، عن أبیه، عن آبائه علیهم السلام قال: قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله: أتانی جبرئیل من قبل ربّی جلّ جلاله فقال: یا محمّد! إنّ اللّٰه – عزّ وجلّ – یقرئک السلام ویقول لک: بشّر أخاک علیاً بأنّی لا أعذّب من تولاّه ولا أرحم من عاداه.

سخنانی از خداوند درباره حضرت علی "علیه السلام"

۱۹ – امام رضاعلیه السلام از پدرانش و آن ها از پیامبر خداصلی الله علیه وآله و ایشان از جبرئیل، و او از میکائیل، و او از اسرافیل نقل می کنند، که خداوند فرمود:

منم خدایی که جز من معبودی نیست، مخلوقات را با قدرت خود آفریدم، از بین آن ها پیامبرانی را برگزیدم و از میان پیامبران نیز محمّدصلی الله علیه وآله را به عنوان حبیب و خلیل و صفیّ انتخاب کردم، آن گاه او را به سوی مردم فرستادم و علی را به عنوان برادر و وصیّ و وزیر او قرار دادم تا بعد از محمّد، پیام رسان او به مردم و جانشین من باشد و قرآن مرا برای آن ها بیان نماید و حکم مرا در میان آن ها اجرا کند.

من علی را به عنوان نشانه وپرچمی هدایت گر از گمراهی قرار دادم، او دری است که مردم از آن در آیند، او خانه من است که هر که داخل آن شود از آتش دوزخ من در امان باشد، دژ محکم من است که هر کس بدان پناه برد، از بدی دنیا و آخرت محفوظ بماند. او وجه من است که هرکس به او رو کند، از او رو برنگردانم. او حجّت من در آسمان ها و زمین است؛ تنها عمل کسانی را می پذیرم که به ولایت علی ورسالت احمد پیامبرم، اقرار کنند، او دست گشاده من بر بندگان است. او نعمتی است که به هر یک از بندگانم که دوست داشتم دادم.

پس هر کس از بندگانم را که دوست داشتم، دوستی و شناخت علی را نصیب او کردند و هر کدام از بندگانم را که دشمن دارم به خاطر این است که از دوستی و شناخت علی روگردان است.

به عزّت و جلال خودم سوگند خورده ام که هرکس علی را دوست بدارد، او را ازدوزخ دور سازم و وارد بهشت نمایم، و هرکس او را دشمن بدارد و ازولایتش روی برگرداند، من با او دشمنی نموده و او را داخل دوزخ نمایم که آنجا بد سرانجامی است. (۱)

۲۰ – امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

جبرئیل از طرف خدای بزرگ، نزد من آمد و گفت: ای محمّد! خداوند عزیز به تو سلام می رساند و می فرماید:

برادرت علی را مژده بده که هر که او را دوست بدارد، عذابش نمی کنم و به کسی که با او دشمنی کند، ترحّم نمی کنم. (۲)

ص:۴۷

۱– ۴۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۳۹، حدیث ۱۰.

۲– ۴۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۰، حدیث ۸.

قسمت سوم

نصوص من اللّه فی علی "علیه السلام"

۲۱ - حدّثنا علی بن أحمد البرقی، عن أبیه، عن جده أحمد بن أبی عبد اللّه، عن أبیه محمّد بن خالد، عن خلف بن حماد، عن أبی الحسن العبدی، عن الأعمش، عن عبایه بن ربعی، عن عبد اللّه بن عبّاس قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله:

أتانی جبرئیل وهو فرح مستبشر، فقلت له: حبیبی جبرئیل! بما أنت فیه من الفرح ما منزله أخی وابن عمّی علی بن أبی طالب علیه السلام عند ربّه؟

فقال جبرئیل: یا محمّد! والّذی بعثک بالنبوّه واصطفاک بالرّساله! ما هبطت فی وقتی هذا إلاّ لهذا؛ یا محمّد! اللّه العلی الأعلی یقرأ علیک السلام ویقول: محمّد نبی رحمتی وعلی مقیم حجّتی، لا أعذّب من والاه وإن عصانی، ولا أرحم من عاداه وإن أطاعنی.

۲۲ - حدّثنا علی بن عیسی، عن علی بن محمّد ماجیلویه، عن البرقی، عن محمّد بن حسان السلمی، عن محمّد بن جعفر بن محمّد، عن أبیه عن آبائه علیهم السلام قال:

نزل جبرئیل علی النبی صلی الله علیه وآله فقال: یا محمّد! السلام یقرئک السلام ویقول: خلقت السّماوات السبع وما فیهنّ والأرضین السبع ومن علیهنّ وما خلقت موضعاً أعظم من الرکن والمقام، ولو أنّ عبداً دعانی هناک منذ خلقت السماوات والأرضین ثمّ لقینی جاحداًلولایه علی لأکببته فی سقر.

۲۳ - حدّثنا إبن إدریس، عن أبیه، عن محمّد بن عبد الجبّار، عن الأزدی، عن إسماعیل بن الفضل، عن أبیه، عن ثابت بن دینار، عن سعید بن جبیر، عن إبن عبّاس قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله:

إنّ اللّه تبارک وتعالی أوحی إلی أنّه جاعل لی من اُمّتی أخاً و وارثاً وخلیفه و وصیاً.

فقلت: یا ربّ! من هو؟

فأوحی إلی عزّ وجلّ: یا محمّد! إنّه إمام اُمّتک وحجّتی علیها بعدک.

فقلت: یا ربّ! من هو؟

سخنانی از خداوند درباره حضرت علی "علیه السلام"

۲۱ - ابن عبّاس می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

روزی جبرئیل با شادی و خرّمی نزد من آمـد، گفتم: اکنون که با چنین حالی آمـدی، بگو بدانم مقام برادرم علی بن ابی طالب نزد پروردگار چگونه است؟

جبرئیل گفت: سوگنـد به خـدا که من هم فقط برای همین موضوع آمـده ام. ای محمّد! خداوند متعال به تو سـلام می رساند و می فرماید: محمّد، پیامبر رحمت من است و علی برپا دارنده حجّت من؛ دوستانش را عذاب نکنم، هر چند گناهکار باشند و به دشمنانش رحم نکنم، اگر چه از من اطاعت کرده باشند. (۱)

۲۲ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند:

جبرئیل بر پیامبرصـلی الله علیه وآله نازل شـد و گفت: ای محمّـد! خـدا به تو سـلام می رسانـد و می فرمایـد: در آفرینش هفت آسـمان و آنچه در آن است و هفت زمین و آنچه بر آن است، جـایی عظیم تر وبـا شـکوه تر از «رکن و مقام» نیافریـدم (که در آنجا هر دعایی مستجاب است، با این حال) اگر بنده ای، از ابتدای آفرینش آسمان ها و زمین تا روز مرگش، در آن مکان مرا بخوانـد امّـا منکر ولاـیت علی بن ابی طـالب علیه السـلام باشـد دعـای او را مسـتجاب نمی کنم و او را بـا صـورت به آتش می اندازم. (۲)

۲۳ - ابن عبّاس می گوید:

پیامبر خداصـلی الله علیه وآله فرمود: خداوند متعال به من وحی کرد که از میان امتم کسـی را وارث، جانشـین و وصی من قرار می دهد.

عرض کردم: پروردگارم! او کیست؟

فرمود: ای محمّد! او امام اُمّت تو و حجّت من بر آن ها پس از توست.

عرض کردم: پروردگارم! نامش چیست؟

۱- ۴۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۴، حدیث ۱۰.

۲- ۵۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۳، حدیث ۱۲.

نصوص من اللَّه فی علی "علیه السلام" فأوحی إلی عزّ وجلّ: یا محمّد! ذاک من أُحِبّه ویحبّنی، ذاک المجاهد فی سبیلی والمقاتل لناکثی عهدی والقاسطین فی حکمی والمارقین من دینی، ذاک ولیی حقّاً، زوج ابنتک وأبو ولدک علی بن أبی طالب علیه السلام.

۲۴ - حدّثنا أبی، عن الحمیری، عن إبن عیسی، عن أبیه، عن یونس، عن منصور الصیقل، عن الصادق جعفر بن محمّد، عن آبائه علیهم السلام قال: قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

لمّا أسری بی إلی السماء عهد إلی ربّی فی علی علیه السلام ثلاث کلمات.

فقال: یا محمّد!

فقلت: لبّیک ربّی.

فقال: إنّ علیاً إمام المتّقین وقائد الغرّ المحجّلین ویعسوب المؤمنین.

۲۵ - حدّثنا ماجیلویه، عن محمّد العطّار، عن جعفر بن محمّد الکوفی، عن محمّد بن الحسین بن زید، عن عبد اللَّه بن الفضل، عن الصادق جعفر بن محمّد، عن أبیه، عن آبائه علیهم السلام قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله: لیله أسری بی إلی السماء کلّمنی ربّی جلّ جلاله فقال: یا محمّد!

فقلت: لبّیک ربّی.

فقال: علی حجّتی بعدک علی خلقی وإمام أهل طاعتی، من أطاعه أطاعنی ومن عصاه عصانی، فانصبه لأمّتک یهتدون به بعدک.

۲۶ - حدّثنا محمّد بن أ حمد السنانی عن محمّد بن أبی عبداللَّه الأسدی الکوفی، عن النخعی، عن النوفلی، عن علی بن سالم، عن أبیه، عن سعد بن طریف، عن سعید بن جبیر، عن ابن عبّاس؛ قال: قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله لعلی علیه السلام:

یا علی! أنت إمام المسلمین، وأمیرالمؤمنین، وقائد الغر المحجّلین، وحجّه اللَّه بعدی علی الخلق أجمعین، وسید الوصیین و وصی سید النّبیین.

سخنانی از خداوند درباره حضرت علی "علیه السلام" فرمود: ای محمّد! او همان است که دوستش دارم و او هم مرا دوست می دارد، همان کسی که در راه من جهاد می کند و با پیمان شکنان عهد من، و قاسطان وبیدادگران در فرمان من، ومارقان وبیرون روندگان از دین من نبرد خواهد نمود، او حقیقتاً ولیّ من، همسر دختر تو وپدر فرزندانت، علیّ بن ابی طالب علیه السلام است. (۱)

۲۴ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

هنگامی که به معراج رفتم، پروردگارم درباره علی علیه السلام، سه کلمه سفارش کرد و فرمود: ای محمّد!

گفتم: لبّیک، بله ای پروردگار من!

فرمود: علی، امام پرهیزکاران، پیشوای دست و روسفیدان و سرور وپناه مؤمنان است. (۲)

۲۵ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند:

پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود: شبی که مرا به معراج بردند پروردگارم فرمود: ای محمّد!

عرض کردم: لبّیک، بله ای پروردگار من!

فرمود: پس از تو علی، حجّت من بر آفریدگانم و امام و پیشوای اطاعت کنندگان من است؛ هر کس از او اطاعت کند در واقع از من اطاعت کرده و هر کس نافرمانی اش کند نافرمانی مرا کرده است، پس او را بر امت خود به امامت منصوب کن تا پس از تو به وسیله او هدایت شوند. (۳)

۲۶ - ابن عباس می گوید: پیامبرصلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! تو إمام مسلمانان و أمیرمؤمنان و پیشوای دست و رو سفیدانی و پس از من حجت خدا بر همه خلق و سرور اوصیا، و وصی سرور پیامبران هستی.

۱- ۵۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۱، حدیث ۱۷.

۲- ۵۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۱۷.

۳- ۵۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۲۷.

نصوص من اللّٰه فی علی "علیه السلام" یا علی! إنّه لمّا عرج بی إلی السماء السابعه، ومنها إلی سدره المنتهی، ومنها إلی حجب النور، وأکرمنی ربّی جل جلاله بمناجاته، قال لی: یا محمّد!

قلت: لبّیک ربّی وسعدیک، تبارکت وتعالیت.

قال: إنّ علیاً إمام أولیائی، ونور لمن أطاعنی، وهو الکلمه التی ألزمتها المتّقین، من أطاعه أطاعنی، ومن عصاه عصانی.

۲۷ – حدّثنا ابن الولید، عن الصفار، عن إبن عیسی، عن محمّد بن سنان، عن أبی مالک الحضرمی، عن إسماعیل بن جابر؛

عن أبی جعفر الباقرعلیه السلام فی حدیث طویل یقول فیه:

إنّ اللّٰه تبارک وتعالی لمّا أسری نبیه صلی الله علیه وآله قال له:

یا محمّد! إنّه قد انقضت نبوّتک وانقطع أکلک، فمن لأُمّتک من بعدک؟

فقلت: یا ربّ! إنّی قد بلوت خلقک فلم أجد أحداً أطوع لی من علی بن أبی طالب.

فقال عزّ وجلّ: ولی یا محمّد! فمن لِاُمّتک؟

فقلت: یا ربّ! إنّی قد بلوت خلقک فلم أجد أحداً أشدّ حبّاً لی من علی بن أبی طالب.

فقال عزّ وجلّ: ولی یا محمّد، فأبلغه أنّه رایه الهدی وإمام أولیائی ونور لمن أطاعنی.

سخنـانی از خداونـد دربـاره حضـرت علی "علیه السـلام" ای علی! چون مرا به آسـمان هفتم عروج دادنـد و از آنجـا به سـدره المنتهی و از آنجا به حجاب های نور بردند وخداوند مرا به مناجات خویش گرامی داشت، به من فرمود: ای محمد!

پاسخ دادم: لبیک، بله ای پرودگارم، آماده به فرمانم، تو والا مقام و برتری.

خداونـد فرمود: به درستی که علی پیشوای دوسـتان من می باشـد و برای هرکس که مرا اطاعت کند نور است و او همان کلمه ای است که پرهیزکاران را همراه او قرار داده ام. هر کس او را اطاعت کند مرا اطاعت کرده است وهر کس از او نافرمانی کند از من نافرمانی کرده است. (۱)

۲۷ – امام باقرعلیه السلام در ضمن حدیثی طولانی فرمود:

آن گاه که خداوند متعال، پیامبرش را به معراج برد، به او فرمود:

ای محمّـد! هنگـام پیـامبری ات به سـر رسـیده و عمرت تمام شـده است، چه کسـی را پس از خودت، برای امّتت رهبر قرار می دهی؟

گفتم: پروردگارا! همه خلق را آزمودم، کسی را مطیع تر از علی بن ابی طالب نسبت به خودم نیافتم.

فرمود: نسبت به من نیز چنین است.

ای محمدا! چه کسی را پس از خودت برای اُمتت رهبر قرار می دهی؟

گفتم: پروردگارا! به راستی همه خلق را آزمودم، کسی را محبوبتر از علی بن ابی طالب نسبت به خودم نیافتم.

فرمود: و نسـبت به من نیز چنین است. پس به او اعلاـم کن که او پرچم هـدایت و پیشوای دوسـتان من است، او نور وروشـنایی برای هر کسی است که مرا اطاعت کند. (۲)

۱– ۵۴. امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۹، حدیث ۱۶.

۲– ۵۵. امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۲۴.

غدیر، آخرین وصایای رسول اکرم، وصی، امامت، منزلت حضرت

أحادیث حول الغدیر

۲۸ - حدّثنا أبی، عن سعد، عن البرقی، عن أبیه، عن خلف بن حمّاد، عن أبی الحسن العبدی، عن الأعمش، عن عبایه بن ربعی، عن عبد اللّه بن عبّاس قال:

... فتقدّم رسول اللّه صلی الله علیه وآله ما شاء اللّه أن یتقدّم حتّی سمع ما قال الربّ تبارک وتعالی: «أنا المحمود وأنت محمّد، شققت اسمک من اسمی، فمن وصلک وصلته، ومن قطعک بتکته، أنزل إلی عبادی فأخبرهم بکرامتی إیاک وأنّی لم أبعث نبیاً إلّا جعلت له وزیراً وأنّک رسولی وأنّ علیاً وزیرک.»

فهبط رسول اللّه صلی الله علیه وآله فکره أن یحدّث الناس بشی ءٍ کراهیه أن یتّهموه، لأنّهم کانوا حدیثی عهد بالجاهلیه.

حتّی مضی لذلک ستّه أیام فأنزل اللّه تبارک وتعالی: «فَلَعَلَّکَ تارِکٌ بَعْضَ ما یوحی إِلَیکَ وَضائِقٌ بِهِ صَدْرُکَ». (۱)

فاحتمل رسول اللّه صلی الله علیه وآله ذلک حتّی کان یوم الثامن فأنزل اللّه تبارک وتعالی علیه: «یا أَیهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیکَ مِنْ رَبِّکَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَاللَّهُ یعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ». (۲)

فقال رسول اللّه صلی الله علیه وآله: تهدید بعد وعید، لأمضینّ أمر اللّه عزّ وجلّ فإن یتّهمونی ویکذبونی فهو أهون علی من أن یعاقبنی العقوبه الموجعه فی الدنیا والآخره.

قال: وسلّم جبرئیل علی علی بإمره المؤمنین.

۱- ۵۶. سوره هود {۱۱}: الآیه ۱۲.

۲- ۵۷. سوره المائده {۵}: الآیه ۶۷.

فقال علی علیه السلام: یا رسول اللَّه! أسمع الکلام ولا أحسّ الرؤیه.

فقال صلی الله علیه وآله: یا علی! هذا جبرئیل أتانی من قبل ربّی بتصدیق ما وعدنی.

ثمّ أمر رسول اللَّه صلی الله علیه وآله رجلاً فرجلاً من أصحابه حتّی سلّموا علیه بإمره المؤمنین.

روایاتی پیرامون غدیر

۲۸ - ابن عباس رخداد معراج پیامبر را تعریف می کرد تا بدین جا رسید که پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود:

پروردگار تبارک وتعالی (در آسمان به من) فرمود: من محمود هستم وتو محمّد، نام تو را از نام خود گرفتم. پس هر کس به تو پیوست، پیوند او را با خود برقرار سازم وهر کس از تو برید پیوند او را قطع کنم.

به سوی بندگانم برو وآنان را از کرامتی که بر تو داشتم آگاه کن (و نیز به آنان بگو) که من هیچ پیامبری را مبعوث نکردم مگر اینکه برای او وزیری قرار دادم. تو پیامبر من هستی وعلی وزیر تو.

آن گاه پیامبر به زمین فرود آمد، ولی به خاطر آن که مبادا مورد تهمت و تکذیب قرار گیرد دوست نداشت (در باره آنچه شنیده بود) به مردم چیزی بگوید؛ چرا که آنان تازه دوران جاهلیت را پشت سر گذاشته بودند.

شش روز از این امر گذشت خداوند این آیه را فرو فرستاد که: «شاید که تو برخی از آنچه که به تو وحی شده ترک کرده ودلتنگ شدی.»

پیامبر خداصلی الله علیه وآله بار سنگین این آیه را بدوش کشید تا این که در روز هشتم، این آیه نازل شد: «ای رسول! آنچه از جانب پروردگارت به تو رسیده، ابلاغ کن واگر انجام ندهی در واقع رسالت خود را ابلاغ نکرده ای وخدا تو را از شرّ مردم حفظ خواهد کرد.»

پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود: ابتدا اخطار داده شدم و اینک تهدید شدم، باید دستور خدا را اجرا کنم که اتّهام و تکذیب مردم آسان تر از عذاب و عقوبت خداست.

و جبرئیل با عنوان امیرالمؤمنین به علی علیه السلام سلام کرد.

علی علیه السلام عرض کرد: ای پیامبر خدا! کلامی می شنوم؛ ولی کسی را نمی بینم.

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: این جبرئیل است که از جانب خدا آمده تا آنچه (را خدا در باره تو) به من وعده داده است، تصدیق کند.

سپس پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمان داد همه، یکی یکی آمدند و با عنوان «امیرالمؤمنین» بر او سلام دادند.

أحاديث حول الغدير ثمّ قال: يا بلال! ناد فى الناس أن لا يبقى غداً أحد إلاّ عليل إلاّ خرج إلى غدير خم.

فلمّا كان من الغد خرج رسول اللّه صلى الله عليه وآله بجماعه أصحابه، فحمد اللّه وأثنى عليه، ثمّ قال:

أيها الناس! إنّ اللّه تبارك وتعالى أرسلنى عليكم برساله، إنّى ضقت بها ذرعا مخافه أن تتّهمونى وتكذّبونى حتّى أنزل اللّه على وعيداً بعد وعيد؛ فكان تكذيبكم إياى أيسر على من عقوبه اللّه إياى. إنّ اللّه تبارك وتعالى أسرى بى وأسمعنى وقال: يا محمّد! أنا المحمود وأنت محمّد، شققت اسمک من اسمى، فمن وصلک وصلته ومن قطعک بتکته، أنزل إلى عبادى فأخبرهم بكرامتى إياک وأنّى لم أبعث نبياً إلاّ جعلت له وزيراً وأنّک رسولى وأنّ علياً وزيرک.

ثمّ أخذصلى الله عليه وآله بيدى على بن أبى طالب عليه السلام فرفعهما حتّى نظر الناس إلى بياض إبطيهما ولم ير قبل ذلک، ثمّ قال:

أيها النّاس! إنّ اللّه تبارک وتعالى مولاى وأنا مولى المؤمنين، فمن كنت مولاه فعلى مولاه، اللّهمّ وال من والاه، وعاد من عاداه، وانصر من نصره، واخذل من خذله.

فقال الشكّاک والمنافقون والّذين فى قلوبهم مرض وزيغ: نبرأ إلى اللّه من مقالته ليس بحتم ولا نرضى أن يكون على وزيره، هذه منه عصبيه.

فقال سلمان والمقداد وأبوذر وعمار بن ياسر: و اللّه! ما برحنا العرصه

حتّى نزلت هذه الآيه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلامَ دِيناً» (۱) فكرر رسول اللّه صلى الله عليه وآله ذلک ثلاثاً.

ثمّ قال: إنّ كمال الدين وتمام النعمه ورضى الربّ بإرسالى إليكم بالولايه بعدى لعلى بن أبى طالب، (عليه الصلوه وعليه السلام).

ص:۵۶

۱– ۵۸. سوره المائده {۵}: الآيه ۳.

روایاتی پیرامون غدیرآن گاه به بلال فرمود: اعلان کن که فردا همه – جز افراد بیمار – در غدیر خم جمع شوند.

روز بعد پیامبرصلی الله علیه وآله با گروهی از اصحابش (به غدیر خم) رفت وپس از حمد وثنای خداوند فرمود:

ای مردم! خداونـد مأموریتی به من داده است؛ ولی از ترس این که مرا متّهم کنید و تکذیب نمایید، آن را اعلان نکردم، تا این که خداونـد دو بـار مرا تهدیـد کرد، دیـدم شـکیبایی در مقابـل تکـذیب شـما آسـان تر از گرفتار شـدن به عقوبت خـدا است. پروردگار تبارک و تعالی مرا به آسمان برد و فرمود: ای محمّد! من محمود هستم و تو محمد. نام تو را از نام خود گرفتم، پس هر کس به تو پیوست، پیوند او را با خود برقرار سازم و هر کس از تو برید پیوند خود را با او قطع کنم. به سوی بندگانم برو و آنـان را از کرامتی که بر تو داشـتم آگاه کن (و به آنان بگو که) من هیـچ پیامبری را مبعوث نکردم، مگر اینکه برای او وزیری قرار دادم. تو پیامبر من هستی و علی وزیر تو.

آن گاه پیامبرصـلی الله علیه وآله دست علی علیه السـلام را بالا گرفت، به طوری که مردم سـفیدی زیر بغل آن دو را دیدنـد – که پیش از این دیده نشده بود – سپس فرمود:

ای مردم! به راستی که خدا مولای من است و من مولای مؤمنان، هر که من مولای اویم، علی هم مولای اوست، خدایا! دوست او را دوست بدار و دشمن او را دشمن بدار، یاری کننده اش را یاری کن و خوار کن هر که او را تنها گذارد.

شکّاکان، منافقان و بیماردلان گفتنـد: ما از این سـخنان بیزاریم وراضـی نیستیم که علی وزیر او باشد، چون این کار را از روی تعصّب خویشاوندی انجام داده است.

سلمان، مقداد، ابوذر و عمّار گفتند: به خدا قسم! از آن محل بیرون نشده بودیم

تا که این آیه نازل شـد: امروز دین شـما را برایتان به کمال رساندم ونعمتم را بر شـما تمام کردم واسـلام را به عنوان دین شـما پسندیدم.

حضرت این آیه را سه بار تکرار کرد، آن گاه فرمود: کمال دین و تمام نعمت و رضایت وخشنودی خداوند به واسطه فرستادن من به سوی شما برای ابلاغ ولایت علی بن أبی طالب بعد از خودم می باشد. (۱)

۱– ۵۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۶، حدیث ۱۰.

۲۹ – حدّثنا محمّد بن عمر الحافظ، عن محمّد بن الحسين بن حفص، عن محمّد بن هارون، عن قاسم بن الحسن، عن يحيى بن عبد الحميد، عن قيس بن الربيع، عن أبى هارون، عن أبى سعيد قال:

لمّا كان يوم غدير خم أمر رسول اللَّه صلى الله عليه وآله منادياً فنادى: «الصلاه جامعه.»

فأخذ بيد على عليه السلام و قال: اللّهمّ من كنت مولاه فعلى مولاه، اللّهمّ وال من والاه وعاد من عاداه.

فقال حسان بن ثابت: يا رسول اللَّه! أقول فى على شعراً؟

فقال رسول اللَّه صلى الله عليه وآله: افعل.

فقال:

يناديهم يوم الغدير نبيهم

بخمّ و أكرم بالنبى مناديا

يقول: فمن مولاكم و وليكم

فقالوا و لم يبدوا هناك التعاديا

إلهك مولانا و أنت ولينا

ولن تجدن منا لك اليوم الدهر]عاصيا

فقال له: قم يا على! فإنّنى

رضيتك من بعدى إماماً و هاديا

وكان [فقام على أرمد العين يبتغى

لعينه مما يشتكيه مداويا

فداواه خير الناس منه بريقه برقيه]

فبورك مرقيا و بورك راقيا

۳۰ – حدّثنا محمّد بن عمر الحافظ، عن جعفر بن محمّد الحسـنی، عن محمّد بن علی بن خلف، عن سـهل بن عامر، عن زافر بن سلیمان، عن شریک، عن أبی إسحاق قال:

قلت لعلی بن الحسین علیه السلام:

ما معنی قول النبی صلی الله علیه وآله «من کنت مولاه فعلی مولاه»؟

قال: أخبرهم أنّه الإمام بعده.

روایاتی پیرامون غدیر

ص:۵۸

۲۹ - ابوسعید می گوید:

روز غدیر، پیامبر خداصلی الله علیه وآله دستور داد که همه برای نماز جمع شوند، سپس دست علی بن ابی طالب را گرفت و فرمود:

هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا! دوست بدار، دوستان علی را و دشمن بدار، دشمنان او را.

حسّان بن ثابت، شاعر معروف عرض کرد: اجازه می دهید درباره علی، شعری بگویم؟

فرمود: بگو.

گفت: «پیامبرشان در روز غدیرخم آن ها را ندا داد و پیامبر چه ندا دهنده گرامی است.

او می گفت: مولا و ولی شما چه کسی است؟ آنان در حالی که دشمنی شان علنی نبود، پاسخ دادند:

خدای تو مولای ما است و تو ولی ما هستی و هرگز امروز از ما نافرمانی نخواهی دید. پیامبر به علی علیه السلام فرمود: ای علی! به پاخیز که من به پیشوایی و هدایت گری تو پس از خودم راضی و خشنودم.

علی در حالی برخاست که در جستجوی دوایی برای چشم درد خود بود.

پس بهترین مردم، چشمان او را با آب دهان مبارکش مداوا کرد. تبریک بر این طبیب و بر این بیمار باد!» (۱)

۳۰ - ابواسحاق می گوید: به امام سجّادعلیه السلام عرض کردم:

معنای فرمایش پیامبرصلی الله علیه وآله که «هر کس من مولای اویم، علی مولای اوست» چیست؟

امام سجّادعلیه السلام فرمود: یعنی پیامبرصلی الله علیه وآله به مردم خبر داد که پس از وی، علی علیه السلام، امام است. (۲)

۱- ۶۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۴، حدیث ۳.

۲- ۶۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۶، حدیث ۲.

۳۱ - حدّثنا الحسين بن إبراهيم، عن على بن إبراهيم، عن جعفر بن سلمه الأصبهانى، عن إبراهيم بن محمّد، عن القتاد، عن على بن هاشم بن البريد، عن أبيه قال:

سئل زيد بن على عليه السلام عن قول رسول اللَّه صلى الله عليه وآله؛

«من كنت مولاه فعلى مولاه»؟

قال: نصبه علماً ليعلم به حزب اللَّه عند الفرقه.

۳۲ - حدّثنا الحسن بن محمّد السكونى، عن إبراهيم بن محمّد، عن أبى جعفر بن السرى وأبى نصر بن موسى، عن على بن سعيد، عن ضمره بن شوذب، عن مطر، عن شهر بن حوشب، عن أبى هريره قال:

من صام يوم ثمانيه عشر من ذى الحجه كتب اللَّه له صيام ستّين شهراً وهو يوم غدير خم لما أخذ رسول اللَّه صلى الله عليه وآله بيد على بن أبى طالب عليه السلام و قال: ألست أولى بالمؤمنين؟

قالوا: نعم، يا رسول اللَّه.

قال: من كنت مولاه فعلى مولاه.

فقال له عمر: بخّ بخّ يابن أبى طالب! أصبحت مولاى ومولى كلّ مسلم.

فأنزل اللَّه عزّ وجلّ: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ». (۱)

۳۳ - حدّثنا إبن سعيد الهاشمى، عن فرات، عن محمّد بن ظهير، عن عبد اللَّه بن الفضل، عن الصادق، عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول اللَّه صلى الله عليه وآله:

يوم غدير خم أفضل أعياد أمتى وهو اليوم الّذى أمرنى اللَّه تعالى ذكره فيه بنصب أخى على بن أبى طالب، علماً لأمتى، يهتدون به من بعدى وهو اليوم الّذى أكمل اللَّه فيه الدّين وأتمّ على أمّتى فيه النعمه ورضى لهم الإسلام ديناً.

۱- ۶۲. سوره المائده {۵}: الآيه ۳.

۳۱ - از زید، فرزند امام سجّادعلیه السلام در مورد فرمایش پیامبر خداصلی الله علیه وآله که فرمود:

"هرکه من مولای اویم، علی مولای اوست" پرسیده شد.

گفت: یعنی پیامبرصلی الله علیه وآله او را نشانه هدایت قرار داد تا هنگام اختلاف و تفرقه، حزب اللَّه به وسیله او مشخص شود. (۱)

۳۲ - ابوهریره می گوید:

هر کس روز عید غدیر را که مصادف با ۱۸ ذیحجه است روزه بگیرد، خداوند ثواب روزه شصت ماه را به او عطا می کند، زیرا در این روز، پیامبر خداصلی الله علیه وآله دست علی بن ابی طالب علیه السلام را گرفت و به مردم فرمود:

آیا من، از مؤمنان، به خودشان سزاوارتر نیستم؟

همگی گفتند: آری، ای پیامبر خدا.

سپس پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: هرکه من مولای او هستم، علی مولای او است.

در این حال عمر گفت: به به، ای پسر ابی طالب! مولای من و مولای همه مسلمانان شدی.

آن گاه خداوند این آیه را نازل فرمود: «امروز دین شما را برایتان به کمال رساندم.» (۲)

۳۳ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

بهترین عید امت من، عید غدیر خم است، و آن روزی است که خدای تعالی به من فرمان داد، برادرم، علی را به امامت نصب کنم تا مردم پس از من به وسیله او هدایت گردند و آن همان روزی است که خداوند در آن دین را کامل و نعمت را بر امّت من تمام کرد و دین اسلام را برای آن ها پسندید.

۱- ۶۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۶، حدیث ۳.

۲- ۶۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱، حدیث ۲.

أحاديث حول الغدير ثمّ قال صلى الله عليه وآله: معاشر الناس! إنّ علياً منى وأنا من على، خلق من طينتى وهو إمام الخلق بعدى، يبين لهم ما اختلفوا فيه من سنّتى و هو أميرالمؤمنين وقائد الغر المحجّلين ويعسوب المؤمنين وخير الوصيين وزوج سيده نساء العالمين وأبو الأئمّه المهديين.

معاشر الناس! من أحب علياً أحببته ومن أبغض علياً أبغضته، ومن وصل علياً وصلته، ومن قطع علياً قطعته، ومن جفا علياً جفوته، ومن والى علياً واليته، ومن عادى علياً عاديته.

معاشر الناس! أنا مدينه الحكمه وعلى بن أبى طالب بابها ولن تؤتى المدينه إلّا من قبل الباب وكذب من زعم أنه يحبّنى ويبغض علياً.

معاشر الناس! والّذى بعثنى بالنبوه واصطفانى على جميع البريه! ما نصبت علياً علماً لأمتى فى الأرض حتّى نوه اللّه باسمه فى سماواته وأوجب ولايته على ملائكته.

روایاتی پیرامون غـدیر سـپس فرمود: ای مردم! بدانیـد علی از من است و من از علی ام، او از طینت و سـرشت من آفریـده شده است و پس از من، او امام آفریدگان است و آنچه از سنّت من مورد اختلاف باشد بیان می کند؛ او امیرمؤمنان، پیشوای دسـت و روسفیدان، رهبر و پناه مؤمنان، بهترین جانشینان، همسر سرور بانوان جهان، و پدر امامان هدایتگر است.

ای مردم! هر که علی را دوست بدارد، من دوسـتش دارم و هر که او را دشـمن بدارد من دشمنش دارم. می پیوندم به هر که به علی بپیوندد و جدایم از هر که از علی جداست؛ هر که به علی جفا کند من هم به او پاسخ خواهم داد، هر که با او دوستی

کند با او دوستی کنم و هر که با علی دشمنی ورزد با او دشمنی ورزم.

ای مردم! من شـهر حکمت هسـتم و علی در آن است و داخل شـهر نمی توان شد مگر از در آن. دروغ می گوید هر که گمان دارد مرا دوست می دارد، در حالی که با علی دشمن است.

ای مردم! قسم به خـدایی که مرا به پیـامبری برانگیخت و بر تمـام مردم برتری داد! من علی را در روی زمین به خلافت نصب نکردم مگر این که پیش از من خداوند نامش را در آسمان ها بلند کرده، و ولایتش را بر فرشتگان واجب نموده است. (1)

۱- ۶۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۶، حدیث ۸.

وصايا رسول اللّه "صلى اللّه عليه واله" الأخيره

۳۴ – حدّثنا الحافظ، عن محمّد بن أحمد بن ثابت بن كنانه، عن محمّد بن الحسن بن العبّاس، عن حسن بن الحسين العرنى، عن عمرو بن ثابت، عن عطاء، عن أبى يحيى، عن ابن عبّاس قال:

صعد رسول اللّه صلى الله عليه وآله المنبر فخطب و اجتمع الناس إليه فقال صلى الله عليه وآله:

يـا معشـر المؤمنين! إنّ اللّه عزّوجـلّ أوحى إلى أنّى مقبوض و أنّ ابن عمّى علياً مقتول و أنّى أيها النّاس! أخبركم خبراً إن عملتم به سلمتم و إن تركتموه هلكتم.

إنّ ابن عمّى علياًعليه السـلام هو أخى و هو وزيرى و هو خليفتى و هو المبلّغ عنى و هو إمام المتّقين، و قائـد الغر المحجلين، إن استرشـدتموه أرشـدكم، وإن تبعتموه نجوتم، وإن خالفتموه ضـللتم، وإن أطعتموه فاللّه أطعتم، وإن عصـيتموه فاللّه عصـيتم، وإن بـايعتموه فاللّه بايعتم، و إن نكثتم بيعته فبيعه اللّه نكثتم، إنّ اللّه عزّ وجلّ أنزل على القرآن و هو الّـذى من خالفه ضلّ، ومن ابتغى علمه عند غير على هلك.

أيهـا النـاس! اسـمعوا قولى و اعرفوا حق نصـيحتى و لاـ تخلّفونى فى أهـل بيتى إلاّـ بالّـذى أمرتم به من حفظهم، فـإنّهم حامتى و قرابتى وإخوتى وأولاـدى، وإنّكم مجموعون و مسـاءلون عن الثقلين، فـانظروا كيف تخلّفونى فيهما، إنهم أهل بيتى، فمن آذاهم آذانى و مـن ظلمهـم ظلمنى، ومن أذلّهم أذلّنى، ومن أعزّهم أعزّنى، ومن أكرمهم أكرمنى، ومن نصـرهـم نصـرنى، ومن خـذلهم خذلنى، ومن طلب الهدى فى غيرهم فقد كذبنى.

آخرین وصیت های پیامبر "صلی اللّه علیه وآله"

۳۴ – ابن عبّاس می گوید: روزی پیامبر خداصلی الله علیه وآله بر فراز منبر رفت و در حالی که مردم گرد او جمع شده بودند، شروع به سخنرانی کرد وفرمود:

ای گروه مؤمنان! خداوند عزیز وحی کرده که من قبض روح خواهم شد، و پسر عمویم، علی، به شهادت خواهد رسید و اینک ای مردم! من به شما خبری می دهم که اگر به آن عمل کنید سالم بمانید و اگر ترک کنید هلاک شوید و آن خبر این است:

به راستی که پسر عمویم، علی، برادر، وزیر و جانشین من است، او از طرف من تبلیغ می کند و او امام پرهیزکاران و پیشوای روسفیدان است؛ اگر از او راهنمایی بخواهید ارشادتان کند، اگر پیرو او شوید نجات می یابید و اگر مخالفت او کنید گمراه می شوید؛ اطاعت از او اطاعت از خدا ونافرمانی او، نافرمانی خدا است؛ بیعت با او، بیعت با خدا و نقض عهد او، نقض عهد خداست؛ براستی که خداوند قرآن را بر من نازل فرمود و قرآن همان چیزی است که اگر کسی با آن مخالفت کند، گمراه شود و هر کس دانش قرآن را از غیر راه علی جستجو کند هلاک گردد.

ای مردم! گفتار مرا بشنوید، حق اندرز مرا بشناسید و پس از من نسبت به خاندانم، آن گونه که امر کردم عمل کنید و آنان را حفظ نمایید، زیرا آن ها در حوزه من و خویشان و برادران و فرزندان من هستند. شما حتماً در روز قیامت جمع خواهید شد و از قرآن و عترت من بازپرسی می شوید، پس از من مواظب باشید که با آن ها چگونه رفتار می کنید؛ آنان خاندان من هستند هر کس آزارشان دهد مرا آزار داده، هر کس به آن ها ستم کند به من ستم کرده، هر کس خوارشان کند مرا خوار کرده، هر کس عزیزشان کند مرا عزیز داشته، هر کس آن ها را گرامی دارد مرا گرامی داشته، هر که آن ها را یاری کند مرا یاری کرده، هر که از یاری آن ها دست بردارد از یاری من دست برداشته و هر کس از غیر آن ها هدایت بخواهد مرا تکذیب کرده است.

ص:۶۵

وصايـا رسول اللَّه "صـلى اللَّه عليه واله" الأخيرهأيها الناس! اتّقوا اللَّه وانظروا ما أنتم قائلون إذا لقيتموه؛ فإنّى خصم لمن آذاهم و من كنت خصمه خصمته، أقول قولى هذا و أستغفر اللَّه لى و لكم.

۳۵ - حدّثنا الطّالقانى، عن محمّد بن حمدان الصيدلانى، عن محمّد بن مسلم الواسطى، عن محمّد بن هارون، عن خالد الحذاء، عن أبى قلابه، عن عبد اللَّه بن زيد الجرمى، عن إبن عبّاس قال:

لمّا مرض رسول اللَّه صـلى الله عليه وآله وعنـده أصـحابه، قـام إليه عمّـار بن ياسـر فقـال له: فـداك أبى وأُمّى! يا رسول اللَّه من يغسلك منّا إذا كان ذلك منك؟

قال صلى الله عليه وآله: ذاك على بن أبى طالب عليه السلام لأنّه لا يهم بعضو من أعضائى إلّا أعانته الملائكه على ذلك.

فقال له: فداك أبى وأُمّى يا رسول اللَّه صلى الله عليه وآله فمن يصلّى عليك منّا إذا كان ذلك منك؟

قال: مه رحمك اللَّه.

ثمّ قال لعلى عليه السلام: يابن أبى طالب! إذا رأيت روحى قد فارقت جسدى فاغسلنى وأنق غسلى وكفنى فى طمرى هذين - أو فى بياض مصر وبرد يمان - ولا تغال كفنى واحملونى حتّى تضعونى على شفير قبرى، فأوّل من يصلّى على الجبّار جلّ جلاله من فوق عرشه، ثمّ جبرئيـل وميكائيل وإسـرافيل فى جنود من الملائكه لا يحصـى عـددهم إلّا اللَّه عزّ وجلّ، ثمّ الحافّون بالعرش، ثمّ سكّان أهـل سـماء فسـماء، ثمّ جـلّ أهـل بيتى ونسائى الأقربون فالأقربون، يؤمون إيماء ويسـلّمون تسـليماً لا تؤذونى [لايؤذونى] بصوت ناديه ولا مزنه.

آخرین وصیت های پیامبر "صلی اللّه علیه وآله "ای مردم! از خدا بیم داشته باشید و مواظب باشید که هنگام ملاقات خدا چه خواهید گفت. به راستی که من، خصم کسی هستم که آن ها را آزار دهد و هر کس من خصم او باشم با او مخاصمه کنم (مغلوب و مقهورش سازم). این گفتار من است که می گویم و برای خود و شما از خداوند طلب آمرزش می کنم. (۱)

۳۵ - ابن عبّاس در یک حدیث طولانی می گوید:

آن گاه که پیامبر خداصلی الله علیه وآله بیمار شد، عده ای از یاران، محضرش بودند، عمّار برخاست وپرسید: پدر و مادرم فدای شما، ای پیامبر خدا! اگر اتفاقی افتاد، چه کسی شما را غسل می دهد؟

حضرت فرمود: آن وظیفه علی علیه السلام است؛ زیرا هرگاه قصد حرکت دادن هر عضوی از اعضایم را بکند، فرشتگان به او کمک می کنند.

عرض کرد: پدر و مادرم قربانت! چه کسی بر شما نماز خواهد خواند؟

حضرت فرمود: خدا تو را رحمت کند. خاموش باش.

سپس رو به حضرت علی علیه السلام فرمود: ای علی! چون دیدی روح از بدنم خارج شد، مرا غسل بده و خوب غسل بده و با این دو پارچه کفن کن - یا در پارچه سفید مصر و یا برد یمانی - ولی با پارچه گران مرا کفن نکن. آن گاه مرا بردارید و بر لب قبر بگذارید، نخستین کسی که بر من نماز گزارد (۲) خداست، آن گاه جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و دیگر فرشتگان که شمار آن ها را جز خداوند نمی داند بر من نماز می گزارند. سپس آن ها که گرد عرشند و سپس اهل آسمان ها و پس از آن ها همه خاندانم و همسرانم به ترتیب خویشاوندی (که با من دارند)، اشاره ای کنند وسلام دهند. و مرا با شیون و ناله نیازارند.

۱- ۶۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۵، حدیث ۱۱.

۲- ۶۷. ممکن است مراد از صلوه خدا، رحمت خدا باشد. چنان که امام موسی بن جعفرعلیهما السلام در رابطه با آیه: «اِنَّ اللّهَ وَمَلائِکَتَهُ یصَلُّونَ عَلَی...» می فرماید: صلاه خدا رحمت اوست... «ثواب الأعمال ص ۳۴۷.»

وصایا رسول اللَّه "صلی اللَّه علیه واله" الأخیره... فروی عن ابن عبّاس أنّ رسول اللَّه صلی الله علیه وآله فی ذلک المرض کان یقول: ادعوا لی حبیبی، فجعل یدعی له رجل بعد رجل، فیعرض عنه، فقیل لفاطمه، امضی إلی علی فما نری رسول اللَّه یرید غیر علی فبعثت فاطمه إلی علی علیه السلام، فلمّا دخل فتح رسول اللَّه صلی الله علیه وآله عینیه وتهلّل وجهه ثمّ قال: إلیّ یا علی، إلیّ یا علی!

فما زال یدنیه حتّی أخذه بیده وأجلسه عند رأسه، ثمّ اُغمی علیه.

فجاء الحسن والحسین علیهما السلام یصیحان ویبکیان حتّی وقعا علی رسول اللَّه صلی الله علیه وآله فأراد علی علیه السلام أن ینحّیهما عنه، فأفاق رسول اللَّه صلی الله علیه وآله، ثمّ قال: یا علی دعنی أشمّهما ویشمّانی، وأتزوّد منهما، ویتزوّدان منّی، أما إنّهما سیظلمان بعدی ویقتلان ظلماً، فلعنه اللَّه علی من یظلمهما.

یقول ذلک ثلاثاً.

ثمّ مدّ یده إلی علی علیه السلام، فجذبه إلیه، حتّی أدخله تحت ثوبه الّذی کان علیه، ووضع فاه علی فیه، وجعل یناجیه مناجاه طویله حتّی خرجت روحه الطیبه، صلوات اللَّه علیه وآله.

فانسلّ علی من تحت ثیابه، وقال: أعظم اللَّه اُجورکم فی نبیکم، فقد قبضه اللَّه إلیه، فارتفعت الأصوات بالضجّه والبکاء.

فقیل لأمیر المؤمنین علیه السلام: ما الّذی ناجاک به رسول اللَّه صلی الله علیه وآله حین أدخلک تحت ثیابه؟

فقال: علّمنی ألف باب، یفتح لی کلّ باب ألف باب.

آخرین وصیت های پیامبر "صلی اللَّه علیه وآله"... از ابن عبّاس روایت شده است که رسول خداصلی الله علیه وآله در این بیماری می فرمود: «دوست مرا حاضر کنید.» هر مردی را حاضر می کردند حضرت از او رو می گردانیدند. به فاطمه علیها السلام گفتند برو علی را بیاور. گمان نداریم رسول خداصلی الله علیه وآله کسی جز او را بخواهد. فاطمه دنبال علی علیه السلام فرستاد چون آن حضرت وارد شد رسول خداصلی الله علیه وآله دو چشم گشود و چهره اش باز و درخشنده شد. آن گاه علی علیه السلام را نزد خود فرا خواند و دستش را گرفت و او را بالای سر خود نشاند و سپس از هوش رفت.

حسن و حسین علیهما السلام در حالی که شیون و گریه می کردند خود را روی رسول خداصلی الله علیه وآله انداختند. علی علیه السلام خواست آن ها را بلند کند، رسول خداصلی الله علیه وآله به هوش آمد و فرمود: ای علی! کاری به آن ها نداشته باش، بگذار آن ها را ببویم و آنان مرا ببویند، من از آن ها توشه گیرم و آنان از من. آن ها پس از من ستم کشند و به ظلم کشته شوند. لعنت خدا بر کسی که به آن ها ستم کند.

سه بار این را فرمود. پس از آن دست دراز کرد وعلی علیه السلام را درون بستر خود کشید و لب به لبش نهاد و با او رازی طولانی گفت، تا جان پاکش در آمد.

پس علی علیه السلام از بستر پیامبر بیرون شد و فرمود: خداوند در صبر بر مرگ پیامبر پاداش شما را بزرگ گرداند که خدا او را به نزد خویش برد. آن گاه آواز شیون و گریه برخاست.

از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیدند، رسول خداصلی الله علیه وآله در بستر خود محرمانه با تو چه گفت؟

فرمود: هزار درِ علم به من آموخت که از هر در، هزار در برایم گشوده می شود. (۱)

ص:۶۹

۱- ۶۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۲، حدیث ۶.

اتصال الوصیه

۳۶ - حدّثنا إبن المتوکل، عن الحمیری، عن إبن عیسی، عن الحسن بن محبوب، عن مقاتل بن سلیمان، عن أبی عبد اللَّه الصادق علیه السلام قال: قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

أنا سید النبیین ووصیی سید الوصیین أوصیائی ساده الأوصیاء.

إنّ آدم علیه السلام سأل اللَّه عزّ وجلّ أن یجعل له وصیاً صالحاً.

فأوحی اللَّه عزّ وجلّ إلیه: أنّی أکرمت الأنبیاء بالنبوّه ثمّ اخترت خلقی وجعلت خیارهم الأوصیاء.

ثمّ أوحی اللَّه عزّ وجلّ إلیه: یا آدم! أوص إلی شیث، فأوصی آدم إلی شیث وهو هبه اللَّه بن آدم.

وأوصی شیث إلی ابنه شبان وهو ابن نزله الحوراء الّتی أنزلها اللَّه علی آدم من الجنّه فزوّجها ابنه شیثاً.

وأوصی شبان إلی مجلث، وأوصی مجلث إلی محوق، وأوصی محوق إلی غثمیشا [عثمیشا]، و أوصی غثمیشا إلی أخنوخ وهو إدریس النبی علیه السلام وأوصی إدریس إلی ناحور ودفعها ناحور إلی نوح النبی علیه السلام وأوصی نوح إلی سام، وأوصی سام إلی عثامر، وأوصی عثامر إلی برعیثاشا [برعیثاثا]، و أوصی برعیثاشا إلی یافث، وأوصی یافث إلی بره، وأوصی بره إلی جفسیه [جفیسه]، و أوصی جفسیه إلی عمران ودفعها عمران إلی إبراهیم خلیل الرحمان علیه السلام، وأوصی إبراهیم إلی ابنه إسماعیل وأوصی إسماعیل إلی إسحاق، وأوصی إسحاق إلی یعقوب، وأوصی یعقوب إلی یوسف، وأوصی یوسف إلی بثریاء، وأوصی بثریاء إلی شعیب علیه السلام و دفعها شعیب إلی موسی بن عمران وأوصی موسی بن عمران، إلی یوشع بن نون، وأوصی یوشع بن نون إلی داودعلیه السلام. وأوصی داود إلی سلیمان، وأوصی سلیمان إلی آصف بن برخیا، وأوصی آصف بن برخیا إلی زکریا ودفعها زکریا إلی عیسی بن مریم، وأوصی عیسی إلی شمعون بن حمون الصفا، وأوصی شمعون إلی یحیی بن زکریا وأوصی یحیی بن زکریا إلی منذر، وأوصی منذر إلی سلیمه، وأوصی سلیمه إلی برده.

اتصال وصایت

۳۶ – امام صادق علیه السلام می فرماید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

من سید پیامبرانم و وصی من، سید اوصیا، و اوصیای من سید همه اوصیا می باشند.

حضرت آدم از خدا خواست که وصی صالح وشایسته ای برای او قرار دهد.

خداوند به او وحی نمود: من پیامبران را با نبوّت گرامی داشتم و از بین خلق خود، بهترین آن ها را به عنوان وصی برگزیدم.

آن گاه به او وحی شد که: «شیث را وصی خود قرار ده» پس آدم به شیث که همان هبه اللّٰه بن آدم است وصیت نمود.

شیث به پسرش شبان وصیت کرد «شبان پسر نزله حوراء است که خداوند او را از بهشت برای آدم آورد تا او را به شیث تزویج کند.»

شبان به مجلث وصیت کرد، او به محوق، محوق به غثمیشا، او به اخنوع – یعنی ادریس نبی – ادریس به ناحور، او به نوح، نوح به سام، سام به عثامر، عثامر به برعیثاشا، او به یافث، او به بره، او به جفسیه، او به عمران، او به ابراهیم خلیل، او به اسماعیل، او به اسحاق، او به یعقوب، او به یوسف، او به بثریا، او به شعیب، او به موسی بن عمران، او به یوشع بن نون، او به داوود، او به سلیمان، او به آصف بن برخیا، او به زکریا، او به عیسی بن مریم، او به شمعون بن حمون صفا، او به یحیی بن زکریا، او به منذر، او به سلیمه، و او به برده وصیت کرد.

ص:۷۱

اتصال الوصیهثمّ قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله: ودفعها إلی برده وأنا أدفعها إلیک یا علی! وأنت تدفعها إلی وصیک ویدفعها وصیک إلی أوصیائک من ولدک واحداً بعد واحد حتّی یدفع إلی خیر أهل الأرض بعدک.

ولتکفّرنّ بک الأمه ولتختلفنّ علیک اختلافاً شدیداً، الثابت علیک کالمقیم معی، والشاذ عنک فی النار، والنار مثوی للکافرین.

ص:۷۲

اتصال وصایت سپس پیامبرصلی الله علیه وآله فرمودند:

و برده هم آن را به من داد، و من آن را به تو می دهم ای علی!

تو نیز آن را به وصی خود می دهی و او به اوصیای از فرزندانت، یکی پس از دیگری تا این که به دست بهترین فرد روی زمین برسد.

این اُمّت به تو کافر خواهند شد و درباره تو سخت اختلاف می کنند، هر کس در پیروی تو ثابت بماند مانند کسی است که همراه من ثابت قدم بوده و آن که از تو کناره گیری کند جایش در آتش دوزخ است و آتش اقامت گاه کافران است. (۱)

ص:۷۳

۱- ۶۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۳، حدیث ۳.

۳۷ - حدثنا السکونی عن الحضرمی، عن یحیی الحمانی، عن أبو عوانه، عن أبی بلج، عن عمرو بن میمون، عن إبن عبّاس قال: قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله:

علی ولی کلّ مؤمن من بعدی.

۳۸ - حدّثنا أحمد بن محمّد، عن محمّد بن علی بن یحیی، عن أبی بکر بن نافع، عن أمیه بن خالد، عن حمّاد بن سلمه، عن علی بن زید، عن علی بن الحسین علیه السلام قال: سمعت أبی یحدّث عن أبیه أمیرالمؤمنین علی بن أبی طالب أنّه قال: سمعت رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله یقول:

یا علی! والّذی فلق الحبّه وبرأ النسمه! إنّک لأفضل الخلیقه بعدی.

یا علی! أنت وصیی وإمام أُمّتی، من أطاعک أطاعنی، ومن عصاک عصانی.

۳۹ - حدّثنا إبن مسرور، عن إبن عامر، عن عمّه، عن إبن أبی عمیر، عن سلیمان بن مهران، عن الصادق جعفر بن محمّد، عن أبیه محمّد بن علی، عن أبیه علی بن الحسین، عن أبیه الحسین بن علی، عن أبیه، علی بن أبی طالب علیهم السلام قال: قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله:

یا علی! أنت أخی وأنا أخوک، یا علی! أنت منّی وأنا منک، یا علی! أنت وصیی وخلیفتی وحجّه اللّٰه علی أُمّتی بعدی، لقد سعد من تولّاک وشقی من عاداک.

۴۰ - حدّثنا إبن مسرور، عن محمّد الحمیری، عن أبیه، عن یعقوب بن یزید، عن الحسن بن علی بن فضّال، عن أبی الحسن علی بن موسی الرضا، عن أبیه، عن آبائه علیهم السلام قال:

قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله:

علی منّی وأنا من علی، قاتل اللّٰه من قاتل علیاً، لعن اللّٰه من خالف علیاً. علی إمام الخلیقه بعدی، من تقدّم علی علی فقد تقدّم علی، ومن فارقه فقد فارقنی، ومن آثر علیه فقد آثر علی، أنا سلم لمن سالمه، وحرب لمن حاربه، وولی لمن والاه، وعدوّ لمن عاداه.

امامت حضرت علی "علیه السلام"

۳۷ - ابن عبّاس نقل می کند:

پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود: علی پس از من، مولای مؤمنان است. (۱)

۳۸ - امام سجّادعلیه السلام می فرماید:

از پدرم شنیدم که از پدر بزرگوارش علی علیه السلام نقل می فرمود: از پیامبر خداصلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود: ای علی! سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جانداران را آفرید! به راستی که تو پس از من بهترین مردم هستی.

ای علی! تو وصی من و امام اُمّت من هستی، هر کس از تو اطاعت کند از من اطاعت کرده است و هر که از تو نافرمانی کند، از من نافرمانی کرده است. (۲)

۳۹ - امام صادق از پدران بزرگوارش، از امام علی علیهم السلام نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله به من فرمود:

ای علی! تو برادر من و من برادر توام؛ تو از منی و من از تو هستم. ای علی! تو وصی و خلیفه من می باشی و پس از من حجت خدا بر اُمّت هستی؛ به طور حتم رستگار شد کسی که با تو دوستی ورزید و بدبخت شد آن که با تو دشمنی کرد. (۳)

۴۰ - امام رضاعلیه السلام از پدرانش نقل می فرماید که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

علی از من است و من هم از علی هستم، خدا در نبرد است با کسی که با علی نبرد کند و لعنت می کند هر که را مخالف علی باشد.

پس از من علی، امام مردم است، هر که از علی پیشی گیرد از من پیشی گرفته است، وهر که از او جدا شود از من جدا شده؛ من با هر که با او در سازش است در سازش هستم ودر نبردم با هر که با او در نبرد است؛ دوستم با دوستان علی، و دشمنم با دشمنان او. (۴)

۱- ۷۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱، حدیث ۳.

۲- ۷۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۳، حدیث ۱۰.

۳- ۷۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۷، حدیث ۱۲.

۴- ۷۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۴، حدیث ۱۲.

۴۱ - حدّثنا أبى، عن المؤدّب، عن أحمد بن على الأصبهانى، عن إبراهيم بن محمّد الثقفى، عن الكوفى، عن سليمان بن عبد اللّه الهاشمى، عن إبن سنان، عن المفضّل، عن جابر الجعفى قال: سمعت جابر بن عبد اللّه الأنصارى يقول: سمعت رسول اللّه صلى الله عليه وآله يقول لعلى بن أبى طالب عليه السلام:

يا على أنت أخى ووصيى ووارثى وخليفتى على أُمّتى فى حياتى وبعد وفاتى، محبّك محبّى، ومبغضك مبغضى، وعدوّك عدوّى، ووليك وليى.

۴۲ - حدّثنا أبى، عن المؤدّب، عن أحمد بن على الأصبهانى، عن الثقفى، عن عبد الرحمان بن أبى هاشم، عن يحيى بن الحسين، عن سعد بن طريف، عن الأصبغ بن نباته، عن سلمان الفارسى قال:

سمعت رسول اللّه صلى الله عليه وآله يقول:

يا معاشر المهاجرين والأنصار! ألا أدلّكم على ما إن تمسّكتم به لن تضلّوا بعدى أبداً؟

قالوا: بلى يا رسول اللّه.

قال: هذا على أخى ووصيى ووزيرى ووارثى وخليفتى إمامكم، فأحبّوه لحبّى، وأكرموه لكرامتى، فإنّ جبرئيل أمرنى أن أقوله لكم.

۴۳ - حدّثنا عبداللّه بن محمّد الصائغ، عن محمّد بن عيسى الوسقندّى، عن أبيه، عن إبراهيم بن ديزيل، عن الحكم بن سليمان، عن على بن هاشم، عن مطير بن ميمون، عن أنس يقول: حدّثنى سلمان الفارسى رحمه الله؛

أنّ نبى اللّه صلى الله عليه وآله يقول:

إنّ أخى ووزيرى وخير من أخلّفه بعدى، على بن أبى طالب عليه السلام.

۴۴ - حدّثنا إبن مسرور، عن إبن عامر، عن عمّه، عن الأزدى، عن أبان بن عثمان، عن أبان بن تغلب، عن عكرمه، عن ابن عبّاس قال:

قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله لعلى بن أبى طالب عليه السلام ذات يوم وهو فى مسجد قباء والأنصار مجتمعون: يا على! أنت أخى وأنا أخوك.

امامت حضرت علی "علیه السلام"

۴۱ - جابر بن عبداللّه انصاری می گوید:

از پیامبر خداصلی الله علیه وآله شنیدم که به علی بن ابی طالب علیه السلام می فرمود:

ای علی! تـو برادر، وصـی، وارث و خلیفـه مـن بر اُمّـت هسـتی؛ چه در دوران زنـدگی من و چه بعـد از وفـات من؛ دوست تـو، دوست من است و دشمن تو، دشمن من؛ بدخواه تو، بدخواه من است و پیرو تو، پیرو من. (۱)

۴۲ - سلمان فارسی رحمه الله گوید: از پیامبر خداصلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود:

ای گروه مهاجر و انصار! آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که اگر بدان چنگ زنید، هرگز پس از من گمراه نخواهید شد؟

گفتند: بفرمایید، ای رسول خدا!

فرمود: این علی که برادر و وصـی، و وزیر، و وارث و خلیفه من است، امام شما می باشد. پس او را به خاطر محبّت من دوست بدارید و به خاطر من گرامی اش دارید، چرا که این فرمان جبرئیل است که به شما بگویم. (۲)

۴۳ - سلمان فارسی می گوید:

از پیامبر خداصـلی الله علیه وآله شنیدم که می فرمود: علی بن ابی طالب، برادر و وزیر من و بهترین کسی است که او را پس از خودم جانشین قرار می دهم. (۳)

۴۴ - ابن عبّاس می گوید:

روزی پیامبر خداصـلی الله علیه وآله در مسـجد قباء که گروهی از انصار هم جمع بودند به علی علیه السلام فرمود: ای علی! تو برادر منی و من هم برادر توام.

۱- ۷۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۶، حدیث ۵.

۲- ۷۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۲۱.

۳- ۷۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۵، حدیث ۵.

امامه علی "علیه السلام" یا علی! أنت وصیی وخلیفتی وإمام أَمّتی بعدی، والی اللَّه من والاک، وعادی اللَّه من عاداک، وأبغض اللَّه من أبغضک، ونصر اللَّه من نصرک، وخذل اللَّه من خذلک.

یا علی! أنت زوج ابنتی وأبو ولدی.

یا علی! إنّه لمّا عرج بی السماء عهد إلی ربّی فیک ثلاث کلمات، فقال: یا محمّد!

قلت: لبّیک ربّی وسعدیک، تبارکت وتعالیت.

فقال: إنّ علیاً إمام المتّقین وقائد الغرّ المحجّلین ویعسوب المؤمنین.

۴۵ - حدّثنا العطار، عن أبیه، عن یعقوب بن یزید، عن إبن أبی عمیر، عن سیف بن عمیره، عن أشعث بن سوار، عن الأحنف بن قیس، عن أبی ذر الغفاری رحمه الله قال:

کنّا ذات یوم عند رسول اللَّه صلی الله علیه وآله فی مسجد قبا ونحن نفر من أصحابه إذ قال: معاشر أصحابی! یدخل علیکم من هذا الباب رجل هو أمیرالمؤمنین وإمام المسلمین.

قال: فنظروا وکنت فیمن نظر، فإذا نحن بعلی بن أبی طالب علیه السلام قد طلع.

فقام النبی صلی الله علیه وآله فاستقبله وعانقه وقبّل ما بین عینیه وجاء به حتّی أجلسه إلی جانبه، ثمّ أقبل علینا بوجهه الکریم، فقال:

هذا إمامکم من بعدی، طاعته طاعتی، ومعصیته معصیتی، و طاعتی طاعه اللَّه ومعصیتی معصیه اللَّه عزّ وجلّ.

امامت حضـرت علی "علیه السـلام" ای علی! تو پس از من، وصی و خلیفه و امام اُمّت من هستی، خدا را دوست دارد آن کس که تو را دوست دارد، دشـمن خـداست آن که دشـمن توست، وبـا خـدا بغض دارد هر که بـا تو بغض دارد. هر که تو را یاری کند خدا را یاری کرده و هر که از یاری تو خودداری کند از یاری خدا سر باز زده است.

ای علی! تو همسر دخترم و پدر فرزندان منی.

ای علی! آن گاه که به معراج رفتم، پروردگارم درباره تو سفارش کرد و فرمود:

ای محمّد!

گفتم: لبیک، بله ای خدای من، تو والا مقام و برتری!

فرمود: علی، امام پرهیزکاران و پیشوای دست و روسفیدان و سرور و جلودار مؤمنان است. (۱)

۴۵ - ابوذر غفاری رحمه الله می گوید:

روزی همراه تعدادی از یاران رسول خداصـلی الله علیه وآله در مسـجد قبا در محضـرش بودیم. پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: ای گروه یارانم! اکنون از این در، کسی وارد می شود که امیرمؤمنان و امام مسلمانان است.

ابوذر گفت: ما همه به آن در نگاه کردیم، ناگاه علی بن ابی طالب علیه السلام نمایان شد.

پیامبرصلی الله علیه وآله برخاست و با استقبال از علی علیه السلام، او را در آغوش کشید، میان دو چشمش را بوسید و او را در کنار خود نشاند. سپس رو به ما کرد و فرمود:

این علی پس از من امام شـماست؛ اطاعت از او، اطاعت از من است، نافرمانی او نافرمانی من است، و اطاعت و نافرمانی از من، اطاعت و نافرمانی از خداست. (۲)

۱- ۷۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۶، حدیث ۷.

۲- ۷۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۰، حدیث ۷.

منزله على "عليه السلام"

۴۶ - حدّثنا الطالقانى، عن أحمد الهمدانى، عن أحمد بن صالح، عن حكيم بن عبد الرحمان، عن مقاتل بن سليمان، عن الصادق، عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول اللَّه صلى الله عليه وآله لعلى بن أبى طالب عليه السلام:

يا على! أنت منّى بمنزله هبه اللَّه من آدم، وبمنزله سام من نوح، وبمنزله إسحاق من إبراهيم، وبمنزله هارون من موسى، وبمنزله شمعون من عيسى، إلاّ أنّه لا نبى بعدى.

يا على! أنت وصيى وخليفتى، فمن جحد وصيتك وخلافتك فليس منّى ولست منه وأنا خصمه يوم القيامه.

يا على! أنت أفضل أُمّتى فضلاً، وأقدمهم سلماً، وأكثرهم علماً، وأوفرهم حلماً، وأشجعهم قلباً، وأسخاهم كفّاً.

يا على! أنت الإمام بعدى والأمير، وأنت الصاحب بعدى والوزير، ومالك فى أُمّتى من نظير.

يا على! أنت قسيم الجنّه والنار، بمحبّتك يعرف الأبرار من الفجّار، ويميز بين الأشرار والأخيار، وبين المؤمنين والكفّار.

۴۷ - حدّثنا الفامى، عن محمّد الحميرى، عن أبيه، عن أيوب بن نوح، عن إبن أبى عمير، عن أبان، عن سعد الكنانى، عن الأصبغ بن نباته، عن عبد اللَّه بن عبّاس قال:

قال رسول اللَّه صلى الله عليه وآله لعلى عليه السلام:

يا على! أنت خليفتى على أُمّتى فى حياتى وبعد موتى، وأنت منّى كشيث من آدم، وكسام من نوح، وكاسمعيل من إبراهيم، وكيوشع من موسى، وكشمعون من عيسى.

يا على! أنت وصيى ووارثى وغاسل جثّتى وأنت الّذى توارينى فى حفرتى وتؤدّى دينى وتنجز عداتى.

يا على! أنت أميرالمؤمنين وإمام المسلمين، وقائد الغرّ المحجّلين، ويعسوب المتّقين.

منزلت حضرت علی "علیه السلام"

۴۶ – امـام صـادق علیه السـلام از پـدران بزرگوارش نقـل می کنـد که پیامبر خداصـلی الله علیه وآله به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

ای علی! تو نسـبت به من، هماننـد هبه اللّه نسبت به آدم هستی، وماننـد سـام برای نوح، و اسـحاق برای ابراهیم، و هارون برای موسی و شمعون برای عیسی هستی، جز آن که پس از من پیامبری نیست.

ای علی! تو وصـی و خلیفه من هستی. پس هر کس این را انکار کند از من نیست و من هم از او نیستم و در روز قیامت دشمن اویم.

ای علی! تو برترین فرد اُمّت من از نظر فضل، و پیشگام ترین آن ها از نظر پذیرش اسـلام، و دانشمندترین آن ها از نظر دانش، و بردبارترین آن ها از نظر شکیبایی، وشجاع ترین آن ها از نظر قلب وسخاوتمندترین آن ها از نظر کرم وبخشش هستی.

ای علی! تو امام و امیر پس از منی، تو یار و وزیر منی؛ و کسی مانند تو در میان امت من نیست.

ای علی! تو قسـمت کننـده بهشت و دوزخ هستی. به دوستی تو، نیکان از فاسـقان شـناخته شوند، و خوبان از بدان، و مؤمنان از کافران جدا شوند. (۱)

۴۷ – ابن عبّاس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! تو خلیفه من بر اُمتم در دوران زندگی و پس از مرگ من هستی، تو نسبت به من مانند شیث نسبت به آدم هستی، و مانند سام برای نوح، و اسماعیل برای ابراهیم، و یوشع برای موسی و شمعون برای عیسی هستی.

ای علی! تو وصـی و وارث منی، تو مرا غسـل می دهی و به خاك می سـپاری، تو دَین مرا ادا می کنی و به وعـده هایم وفا می نمایی.

ای علی! تو امیرمؤمنان، و امام مسلمانان و پیشوای دست و رو سفیدان و پناه پرهیزکاران هستی.

۱– ۷۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۱، حدیث ۴.

منزله على "عليه السلام" يا على! أنت زوج سيده النساء، فاطمه ابنتى وأبو سبطى الحسن والحسين.

يا على! إنّ اللّٰه تبارك وتعالى جعل ذريه كلّ نبى من صلبه وجعل ذريتى من صلبك.

يا على! من أحبّك ووالاك أحببته وواليته، ومن أبغضك وعاداك أبغضته وعاديته، لأنّك منّى وأنا منك.

يا على! إنّ اللّٰه طهّرنا واصطفانا لم يلتق لنا أبوان على سفاح قط من لدن آدم فلا يحبّنا إلاّ من طابت ولادته.

يا على! أبشر بالشهاده فإنّك مظلوم بعدى ومقتول.

فقال على عليه السلام: يا رسول اللّٰه وذلك فى سلامه من دينى؟

قال: فى سلامه من دينك، يا على! إنك لن تضلّ ولم تزل، ولولاك لم يعرف حزب اللّٰه بعدى.

منزلت حضرت علی "علیه السلام" ای علی! تو شوهر سرور زنان، فاطمه دختر منی و پدر دو نواده ام حسن و حسین هستی.

ای علی! خداوند ذریه هر پیامبری را از نسل خود او قرار داد و ذریه مرا از نسل تو.

ای علی! هر کس دوست و خواهان تو باشد من هم دوست و خواهان او هستم و هر کس با تو کینه و دشمنی داشته باشد من هم با او چنین باشم؛ چون تو از من هستی و من از تو.

ای علی! خداوند ما را پاک نموده و برگزیده است، هیچ یک از پدران و مادران ما از زمان آدم تا کنون آلوده به فساد نشده اند؛ بنابراین، دوست ندارد ما را مگر کسی که حلال زاده است.

ای علی! مژده باد بر تو که شهید می شوی؛ زیرا تو پس از من مظلوم و مقتول می شوی.

در این هنگام علی علیه السلام عرضه داشت: ای رسول خدا! آیا در آن حال، دین من سالم است؟

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: آری، دین تو سالم باشد. ای علی! تو هرگز گمراه نمی شوی و لغزشی هم در تو نیست، اگر تو نبودی پس از من حزب خدا شناخته نمی شد. (۱)

۱- ۸۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۸، حدیث ۱۷.

ثواب یاد و کتابت، ولایت حضرت ، کشتی نجات

ثواب ذکر وکتابه و... فضائل علی "علیه السلام"

۴۸ - حدّثنا الطالقانی، عن الجلودی، عن الجوهری، عن محمّد بن عماره، عن أبیه، عن الصادق، عن آبائه الصادقین علیهم السلام قال: قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

إنّ اللَّه تبارک وتعالی جعل لأخی علی بن أبی طالب فضائل لا یحصی عددها غیره.

فمن ذکر فضیله من فضائله مقرّاً بها غفر اللَّه له ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر ولو وافی القیامه بذنوب الثقلین.

ومن کتب فضیله من فضائل علی بن أبی طالب لم تزل الملائکه تستغفر له ما بقی لتلک الکتابه رسم.

ومن استمع إلی فضیله من فضائله غفر اللَّه له الذنوب الّتی اکتسبها بالاستماع.

ومن نظر إلی کتابه فی فضائله غفر اللَّه له الذنوب الّتی اکتسبها بالنظر.

ثمّ قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

النظر إلی علی بن أبی طالب عباده، وذکره عباده، ولا یقبل إیمان عبد إلّا بولایته والبراءه من أعدائه.

ص:۸۴

ثواب بیان و نوشتن و... فضایل حضرت علی "علیه السلام"

۴۸ – امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

خداوند تبارک و تعالی برای برادرم، علی بن ابی طالب، آن قدر فضلیت قرار داده که شمارش آن را فقط خدا می داند.

هر کس فضیلتی از فضایل او را بازگو کند و به آن اعتراف نماید، خداوند گناهان گذشته و آینده اش را بیامرزد، هر چند به اندازه جنّ و انس گناه کرده باشد.

و هر کس فضیلتی از فضایل علی علیه السلام را بنویسد، تا آن نوشته باقی است، فرشتگان برای او طلب آمرزش می کنند.

وهر که به فضیلتی از فضایل علی علیه السلام گوش دهد، خداوند می آمرزد گناهانی را که به وسیله گوش انجام داده است.

وهر کس به نوشته ای از فضایل علی علیه السلام نگاه کند، خداوند گناهانی را که با چشم انجام داده، می آمرزد.

سپس پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

نگاه کردن به علی علیه السلام و یاد کردن او، عبادت است وایمان بنده ای پذیرفته نمی شود مگر با ولایت علی علیه السلام و بیزاری از دشمنان او. (۱)

۱- ۸۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۸، حدیث ۹.

ولایه علی "علیه السلام"

۴۹ - حدّثنا القطان، عن عبد الرحمان بن محمّد الحسینی، عن محمّد بن إبراهیم الفزاری، عن عبد اللَّه بن یحیی الأهوازی، عن علی بن عمرو، عن الحسن بن محمّد بن جمهور، عن علی بن بلال، عن علی بن موسی الرضا، عن موسی بن جعفر، عن جعفر بن محمّد، عن محمّد بن علی، عن علی بن الحسین، عن الحسین بن علی، عن علی بن أبی طالب علیهم السلام عن النبی صلی الله علیه وآله، عن جبرئیل، عن میکائیل، عن إسرافیل، عن اللوح، عن القلم قال: یقول اللَّه تبارک و تعالی:

«ولایه علی بن أبی طالب حصنی فمن دخل حصنی أمن ناری.»

۵۰ - حدّثنا إبن إدریس، عن أبیه، عن إبراهیم بن هاشم، عن محمّد بن سنان، عن أبی الجارود، عن سعید بن جبیر، عن إبن عبّاس قال: قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

ولایه علی بن أبی طالب ولایه اللَّه، وحبّه عباده اللَّه، واتّباعه فریضه اللَّه، وأولیاؤه أولیاء اللَّه، وأعداؤه أعداء اللَّه، وحربه حرب اللَّه، و سلمه سلم اللَّه عزّ وجلّ.

۵۱ - حدّثنا السنانی، عن الأسدی، عن النخعی، عن النوفلی، عن علی بن سالم، عن أبیه، عن أبان بن عثمان، عن أبان بن تغلب، عن عکرمه، عن إبن عبّاس قال: قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

قال اللَّه جلّ جلاله:

لو اجتمع الناس کلّهم علی ولایه علی ما خلقت النار.

۵۲ - حدّثنا أبی، عن سعد بن عبد اللَّه، عن سلمه بن الخطّاب، عن محمّد بن تسنیم الورّاق، عن عبد الرحمان بن کثیر، عن أبیه، عن الصادق جعفر بن محمّد، عن أبیه، عن آبائه علیهم السلام قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله ذات یوم لأصحابه:

معاشر أصحابی! إنّ اللَّه جلّ جلاله یأمرکم بولایه علی بن أبی طالب علیه السلام و الاقتداء به، فهو ولیکم وإمامکم من بعدی، لا تخالفوه فتکفروا، ولا تفارقوه فتضلّوا.

ولایت حضرت علی "علیه السلام"

۴۹ - امام رضاعلیه السلام از پدرانش، از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، از جبرئیل، از میکائیل، از اسرافیل، از لوح و قلم نقل می کند:

خدای متعال می فرماید: ولایت علی بن ابی طالب دژ محکم من است، هر کس در این دژ داخل شود، از آتش دوزخ من در امان است. (۱)

۵۰ - ابن عباس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

ولایت علی بن ابی طالب، ولایت خداست؛ دوستی اش عبادت او، و پیروی از او فریضه و واجب الهی است. دوستان او، دوستان خدا و دشمنانش، دشمنان خدایند. جنگ با علی، جنگ با خداست و سازش با او، سازش با خداوند متعال است. (۲)

۵۱ - ابن عبّاس می گوید:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: خدای متعال می فرماید: اگر همه مردم بر ولایت علی علیه السلام متفق می شدند، من دوزخ را نمی آفریدم. (۳)

۵۲ - امام صادق علیه السلام می فرماید:

روزی پیامبر خداصلی الله علیه وآله به یارانش فرمود:

ای گروه یارانم! به راستی که خداوند متعال به شما دستور می دهد که به ولایت علی چنگ بزنید و از او پیروی کنید؛ زیرا او پس از من ولی و امام شماست، با او مخالفت نکنید که کافر می شوید و از او جدا نشوید که گمراه گردید.

۱- ۸۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۱، حدیث ۹.

۲- ۸۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹، حدیث ۳.

۳- ۸۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۴، حدیث ۷.

ولايه على "عليه السلام" إنّ اللَّه جلّ جلاله جعل علياً علماً بين الإيمان والنفاق، فمن أحبّه كان مؤمناً ومن أبغضه كان منافقاً.

إنّ اللَّه جلّ جلاله جعل علياً وصيى ومنار الهدى بعدى، فهو موضع سرّى، وعيبه علمى، وخليفتى فى أهلى، إلى اللَّه أشكو ظالميه من اُمّتى مِنْ بعدى.

۵۳ - حدّثنا محمّد بن موسى بن المتوكل، عن على بن الحسين السعدآبادى، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه البرقى، عن أبيه، عن محمّد بن سنان، عن المفضل بن عمر، عن الصادق جعفر بن محمّدعليهما السلام قال:

بنى الإسلام على خمس دعائم: على الصلاه والزكاه والصوم و الحجّ وولايه أميرالمؤمنين والأئمّه من ولده عليهم السلام.

۵۴ - حدّثنا على بن أحمد بن موسى، عن الأسدى، عن النخعى، عن إبراهيم بن الحكم، عن عمرو بن جبير، عن أبيه، عن أبى جعفر الباقرعليهما السلام قال:

بعث رسول اللَّه صلى الله عليه وآله علياً إلى اليمن، فانفلت فرس لرجل من أهل اليمن فنفح رجلًا برجله فقتله وأخذه أولياؤه ليقتلوه، فرفعوه إلى على عليه السلام فأقام صاحب البينه أنّ الفرس انفلت من داره فنفح الرجل برجله.

فأبطل على عليه السلام دم الرجل.

فجاء أولياء المقتول من اليمن إلى النبى صلى الله عليه وآله يشكون علياً فيما حكم عليهم، فقالوا: إنّ علياً ظلمنا وأبطل دم صاحبنا.

فقال رسول اللَّه صلى الله عليه وآله: إنّ علياً ليس بظلّام ولم يخلق على للظلم وإنّ الولايه من بعدى لعلى والحكم حكمه والقول قوله، لا يردّ حكمه وقوله وولايته إلّا كافر، ولا يرضى بحكمه وقوله وولايته إلّا مؤمن.

فلمّا سمع اليمانيون قول رسول اللَّه صلى الله عليه وآله فى على عليه السلام قالوا: يا رسول اللَّه! رضينا بقول على وحكمه.

فقال رسول اللَّه صلى الله عليه وآله: هو توبتكم ممّا قلتم.

ولایت حضرت علی "علیه السلام" همانا خداوند، علی را نشانه بین ایمان و نفاق قرار داده، هر که او را دوست بدارد مؤمن است و هر که با او دشمنی کند، منافق است.

به راستی که خداوند، علی را وصی من و چراغ هدایت پس از من قرار داده است، او رازدار و گنجینه علم من و خلیفه و جانشین من است.

من از کسانی از امتم که پس از من به او ستم می کنند، تنها نزد خدا شِکوه می برم. (۱)

۵۳ – امام صادق علیه السلام فرمود:

دین اسلام بر پنج پایه استوار شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت امیرمؤمنان و امامان از فرزندانش علیهم السلام. (۲)

۵۴ – امام باقرعلیه السلام فرمود:

پیامبر خداصلی الله علیه وآله، علی علیه السلام را به سوی یمن فرستاد (تا اُمور آنجا را سامان دهد). در یمن اسب کسی فرار کرد و با زدن لگد، فردی را کشت. خانواده فرد کشته شده، صاحب اسب را گرفتند و خدمت امام علی علیه السلام آورده، از او شکایت کردند.

صاحب اسب دلیل آورد که اسبم فرار کرده و او را کشته است.

بنابراین، علی علیه السلام صاحب اسب را بی گناه دانست.

خانواده مقتول ناراحت شده، خدمت پیامبرصلی الله علیه وآله آمدند و از حکم علی علیه السلام شکایت کرده، گفتند: علی به ما ظلم کرده است.

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: علی نه ظالم است و نه برای ظلم آفریده شده. ولایت و سرپرستی بعد از من با اوست، حکم واقعی همان است که او صادر کرده، و سخن همان است که او گفته. جز کافر کسی حکم، قول و ولایت او را رد نمی کند وجز مؤمن کسی به حکم، قول وولایت او خشنود نمی گردد.

هنگامی که یمنی ها سخن پیامبر خداصلی الله علیه وآله را در باره علی علیه السلام شنیدند، گفتند: ما به حکم علی علیه السلام راضی شدیم.

پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود: این گفته، توبه شما باشد برای آنچه قبلاً گفتید. (۳)

۱- ۸۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۷، حدیث ۱۹.

۲– ۸۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۵، حدیث ۱۴.

۳– ۸۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۵، حدیث ۷.

ولایه علی "علیه السلام"

۵۵ - حدّثنا أبی، عن سعد بن عبد اللَّه، عن إبن عیسی، عن العبّاس بن معروف، عن الحسین بن یزید، عن الیعقوبی، عن عیسی بن عبد اللَّه العلوی، عن أبیه، عن أبی جعفر محمّد بن علی الباقر عن أبیه، عن جده علیهم السلام قال: قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

من سرّه أن یجوز علی الصراط کالریح العاصف ویلج الجنّه بغیر حساب فلیتولّ ولیی ووصیی وصاحبی و خلیفتی علی أهلی وأمتی علی بن أبی طالب، ومن سرّه أن یلج النار فلیترک ولایته، فوعزّه ربّی وجلاله إنّه لباب اللَّه الّذی لا یؤتی إلاّ منه وإنه الصراط المستقیم وإنّه الّذی یسأل اللَّه عن ولایته یوم القیامه.

۵۶ - حدّثنا ماجیلویه، عن عمّه محمّد بن أبی القاسم، عن محمّد بن علی القرشی، عن محمّد بن سنان، عن المفضّل بن عمر، عن الصادق جعفر بن محمّد، عن أبیه، عن آبائه علیهم السلام قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

... فمن أراد منکم أن یتخلّص من هول ذلک الیوم فلیتولّ ولیی، لیتّبع وصیی وخلیفتی من بعدی علی بن أبی طالب علیه السلام، فإنّه صاحب حوضی، یذود عنه أعداءه ویسقی أولیاءه، فمن لم یسق منه لم یزل عطشان ولم یرو أبداً، ومن سقی منه شربه لم یشق ولم یظمأ أبداً.

وإنّ علی بن أبی طالب علیه السلام لصاحب لوائی فی الآخره کما کان صاحب لوائی فی الدنیا وإنه أوّل من یدخل الجنّه، لأنّه یقدمنی وبیده لوائی تحته آدم ومن دونه من الأنبیاء.

ولایت حضرت علی "علیه السلام"

۵۵ - پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

هر که دوست دارد به سرعت باد از پل صراط عبور کند و بدون حساب وارد بهشت شود، باید ولایت ولی، و وصی، و رفیق و خلیفه من بر خاندان و اُمّتم، علی بن ابی طالب را بپذیرد، و هر که دوست دارد به جهنّم برود ولایت علی را ترک کند. به عزّت و جلال پروردگارم قسم! او همان باب الهی است که باید همه از آن عبور کنند، او همان صراط مستقیم است؛ و او همان کسی است که خداوند در روز قیامت، از ولایتش می پرسد. (۱)

۵۶ - امام صادق علیه السلام از اجداد بزرگوارش نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله در ضمن سخنانی فرمود:

... هر کدام از شما که می خواهد از عذاب روز قیامت در امان باشد، باید ولایت ولی من را بپذیرد و تابع وصی و خلیفه پس از من علی بن ابی طالب باشد؛ زیرا او صاحب حوض کوثر است، دشمنانش را از آن دور و دوستانش را سیراب می کند؛ هر که از آن ننوشد همیشه تشنه است و سیراب نشود، و هر کس از آن جرعه ای بنوشد هرگز تشنه نشود.

به راستی که علی در آخرت پرچمدار من خواهد بود، آن سان که در دنیا پرچمدار من است، او نخستین کسی است که وارد بهشت می شود، زیرا در جلوی من و حامل پرچم من است که زیر آن پرچم آدم و سایر پیامبران قرار دارند. (۲)

۱- ۸۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۸، حدیث ۴.

۲- ۸۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۷، حدیث ۹.

علی "علیه السلام" سفینه النجاه

۵۷ – حدّثنا حمزه العلوی، عن علی بن إبراهیم، عن أبیه، عن علی بن معبد، عن الحسین بن خالد، عن أبی الحسن علی بن موسی الرضا، عن أبیه، عن آبائه علیهم السلام قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

من أحبّ أن یرکب سفینه النجاه ویستمسک بالعروه الوثقی ویعتصم بحبل اللَّه المتین، فلیوال علیاً بعدی، ولیعاد عدوّه ولیأتمّ بالأئمّه الهداه من ولده، فإنّهم خلفائی وأوصیائی و حجج اللَّه علی الخلق بعدی وساده أُمّتی وقاده الأتقیاء إلی الجنّه، حزبهم حزبی وحزبی حزب اللَّه وحزب أعدائهم حزب الشیطان.

ص:۹۲

حضرت علی "علیه السلام" کشتی نجات

۵۷ – امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش علیهم السلام از پیامبر خداصلی الله علیه وآله نقل می کند که حضرتش فرمود:

هر کس دوست دارد بر کشتی نجات سوار شود و به حلقه محکم چنگ بزند و به ریسمان الهی در آویزد، باید علی علیه السلام را دوست بدارد و با دشمن او دشمن باشد، و نیز به امامان از فرزندان او اقتدا کند؛ زیرا آنان، خلیفه و وصی من، و حجّت خدا بر مردم و سروران اُمّت من هستند، آن ها جلودار پرهیزکاران به سوی بهشت هستند. حزب آن ها، حزب من است و حزب من، حزب خداست و حزب دشمنان آن ها، حزب شیطان است. (۱)

۱– ۹۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵، حدیث ۵.

میزان حق، علم حضرت، خصال انبیا، اول مسلم، سد الابواب

علی "علیه السلام" میزان الحق

۵۸ - حدّثنا ماجیلویه، عن عمّه، عن محمّد بن علی الکوفی، عن محمّد بن سنان، عن المفضّل بن عمر، عن جابر بن یزید، عن سعید بن المسیب، عن عبد الرحمان بن سمره قال:

قلت: یا رسول اللَّه! أرشدنی إلی النجاه.

فقال صلی الله علیه وآله: یابن سمره! إذا اختلفت الأهواء وتفرّقت الآراء فعلیک بعلی بن أبی طالب، فإنّه إمام أُمّتی وخلیفتی علیهم من بعدی، وهو الفاروق الّذی یمیز بین الحقّ والباطل، من سأله أجابه، ومن استرشده أرشده، ومن طلب الحق من عنده وجده، ومن التمس الهدی لدیه صادفه، ومن لجأ إلیه أمنه، ومن استمسک به نجاه، ومن اقتدی به هداه.

یابن سمره! سلم من سلم له ووالاه، وهلک من ردّ علیه وعاداه.

یابن سمره! إنّ علیاً منّی، روحه من روحی وطینته من طینتی، وهو أخی وأنا أخوه، وهو زوج ابنتی فاطمه سیده نساء العالمین، من الأوّلین والآخرین، وإنّ منه إمامَی أُمّتی وسیدی شباب أهل الجنّه الحسن والحسین وتسعه من ولد الحسین علیه السلام تاسعهم قائم أُمّتی یملأ الأرض قسطاً وعدلاً کما ملئت جوراً وظلماً.

ص:۹۴

حضرت علی "علیه السلام" میزان حقّ

۵۸ – عبدالرحمان، فرزند سمره می گوید:

به پیامبر خداصلی الله علیه وآله عرض کردم: مرا به سوی نجات راهنمایی فرما.

پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود: ای پسر سمره! آن گاه که رأی ها و نظرها وخواسته ها مختلف شد، تو همواره، طرف علی بن ابی طالب باش؛ زیرا او پس از من، امام اُمت من و خلیفه من بر شماست، او فاروق است که حق را از باطل جدا کند.

هر کس از او سؤال کند، جوابش دهد؛ و آن که از او راهنمایی بخواهد، ارشادش نماید؛ هر کس نزد او حق را بجوید وهدایت را طلب کند بدان ها می رسد. هر که به او پناه برد، امانش دهد و هر که بدو چنگ زند، نجاتش دهد و آن که به او اقتدا کند به سر منزل مقصود رسد.

ای پسر سمره! هر کس تسلیم علی علیه السلام باشد و او را دوست بدارد، سالم بماند و آن که امر او را رد کند و دشمنش باشد، نابود شود.

ای پسر سمره! به راستی که علی علیه السلام از من است، روح و سرشت او از روح و سرشت من است. او برادر من و من برادر اویم، او همسر دخترم، فاطمه است که برترین زنان جهانیان از آغاز تا پایان است، و از اوست دو امام امّت من و آقای جوانان بهشت، حسن و حسین و نُه امام از فرزندان حسین علیه السلام که نهمین آن ها قائم امت من است، همو که زمین را از عدل و داد پر کند، چنان که از ظلم و جور پر شده باشد، (همه) از نسل او می باشند. (۱)

۱- ۹۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷، حدیث ۳.

۵۹ - حدّثنا أبی، عن المؤدّب، عن أحمد بن علی، عن الثّقفی، عن محمّد بن علی الصرّاف، عن الحسین بن الحسن الأشقر، عن علی بن هاشم، عن أبی رافع، عن محمّد بن أبی بکر، عن عباد بن عبد اللَّه، عن سلمان عن النبی صلی الله علیه وآله قال:

أقضی أُمّتی وأعلم أُمّتی بعدی علی.

۶۰ - حدّثنا أبی، عن المؤدّب، عن أحمد بن علی الأصبهانی، عن إبراهیم بن محمّد الثقفی قال: حدّثنا مخول بن إبراهیم قال: حدّثنا عبد الرحمان بن الأسود الیشکری، عن محمّد بن عبید اللَّه، عن سلمان الفارسی رحمه الله قال:

سألت رسول اللَّه صلی الله علیه وآله من وصیک من أُمّتک فإنّه لم یبعث نبی إلاّ کان له وصی من أُمّته؟

فقال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله: لم یبین لی بعدُ.

فمکثت ما شاء اللَّه أن أمکث، ثمّ دخلت المسجد، فنادانی رسول اللَّه صلی الله علیه وآله فقال: یا سلمان! سألتنی عن وصیی من أُمّتی، فهل تدری من کان وصی موسی من أُمّته؟

فقلت: کان وصیه یوشع بن نون.

فتاه، قال: فهل تدری لم کان أوصی إلیه؟

فقلت: اللَّه ورسوله أعلم.

قال: أوصی إلیه لأنّه کان أعلم أُمّته بعده، ووصیی وأعلم أُمّتی من بعدی علی بن أبی طالب علیه السلام.

۶۱ - حدّثنا إبن موسی، عن إبن زکریا القطّان، عن إبن حبیب، عن عطیه بن اسماعیل، عن أبی عماره محمّد بن أحمد، عن العبّاس بن یزید النجرانی و إسحاق بن إبراهیم الورّاق، معاً عن ضرار بن صرد، عن المعتمر بن سلیمان، عن أبیه، عن الحسن، عن أنس بن مالک قال:

قال النبی صلی الله علیه وآله:

علی یبین لأُمّتی ما اختلفوا فیه من بعدی.

دانش حضرت علی "علیه السلام"

۵۹ – سلمان فارسی می گوید:

پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

علی، بهترین قاضی و داور ودانشمندترین مردم پس از من است. (۱)

۶۰ – سلمان فارسی رحمه الله می گوید:

روزی از پیامبر خداصلی الله علیه وآله پرسیدم: وصی شما کیست؟ چون هیچ پیامبری مبعوث نشده مگر این که از اُمّت خود وصیی داشته است.

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: هنوز چیزی برای من بیان نشده است.

سلمان می گوید: مدّتی گذشت و من سکوت کردم، تا این که روزی داخل مسجد شدم، پیامبرصلی الله علیه وآله مرا صدا زد و فرمود:

ای سلمان! در مورد وصی خودم پرسیدی، آیا می دانی وصی موسی چه کسی بود؟

عرض کردم: یوشع بن نون.

پیامبر صلی الله علیه وآله درنگی کرد و فرمود: می دانی چرا به او وصیت کرد؟

عرض کردم: خدا و رسولش بهتر می دانند.

پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود: چون او، پس از موسی، عالم ترین مردم بود، و وصی من و عالم ترین اُمّت من، پس از من علی بن أبی طالب علیهما السلام است. (۲)

۶۱ – انس بن مالک می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

علی، آنچه را که امتم پس از من در آن اختلاف کنند، بیان و روشن خواهد کرد. (۳)

۱– ۹۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۱، حدیث ۲۰.

۲– ۹۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴، حدیث ۱.

۳– ۹۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۴، حدیث ۶.

علم على "عليه السلام" ۶۲ - حدّثنى أبى، عن المؤدب، عن أحمد بن على الإصبهانى، عن إبراهيم بن محمد، عن محمّد بن على الصراف، عن الحسين بن الحسن الأشقر، عن صالح بن أبى الأسود، عن أخيه، عن عبد اللَّه بن الحسن بن الحسن بن على، عن أبيه، عن جدّه قال:

كان النّبى صلى الله عليه وآله إذا نزّل عليه الوحى نهاراً لم يمس حتّى يخبر به علياً وإذا نزّل عليه ليلًا لم يصبح حتّى يخبر به علياً.

۶۳ - حدّثنا إبن ناتانه، عن على بن إبراهيم بن هاشم، عن جعفر بن سلمه الأهوازى، عن الثقفى، عن إسماعيل بن بشّار، عن عبد اللَّه بن بلج المصرى، عن إبراهيم بن أبى يحيى المدنى، عن محمّد بن المنكدر قال: سمعت أبا أمامه يقول:

كان على عليه السلام إذا قال شيئاً لم نشكّ فيه، وذلك أنّا سمعنا رسول اللَّه صلى الله عليه وآله يقول: خازن سرّى بعدى على عليه السلام.

۶۴ - حدّثنا إبن ناتانه، عن على بن ابراهيم، عن جعفر بن سلمه، عن الثقفى، عن المسعودى، عن يحيى بن سالم العبدى، عن إسرائيل، عن ميسره، عن المنهال بن عمرو، عن زرّ بن حبيش قال:

مرّ على عليه السلام على بغله رسول اللَّه صلى الله عليه وآله وسلمان فى ملاء، فقال سلمان رحمه الله: ألاـ تقومون تأخذون بحجزته تسألونه؟ فو الّذى فلق الحبّه وبرأ النسمه! إنّه لا يخبركم بسرّ نبيكم أحد غيره وإنّه لعالم الأرض وربّانيها وإليه تسكن، لو فقدتموه لفقدتم العلم وأنكرتم الناس.

دانش حضرت علی "علیه السلام" ۶۲ - امام حسن علیه السلام فرمود:

روش پیـامبر خداصـلی الله علیه وآله همواره چنین بود که هر گـاه به هنگام روز بر حضـرتش وحی می شـد (وآیه ای نازل می گشت)، آن را تا شب نشده به علی علیه السـلام گزارش می داد، و اگر شب وحی می رسـید، تا صبح نشده به علی علیه السلام اطلاع می داد. (۱)

۶۳ - ابا امامه می گوید:

هر چه علی علیه السـلام می فرمود، در آن شکّ وتردید نمی کردیم؛ زیرا از پیامبر خداصـلی الله علیه وآله شنیده بودیم که می فرمود:

پس از من، گنجینه دار رازهای من، علی علیه السلام است. (۲)

۶۴ - فرزند حبیش می گوید:

امام علی علیه السـلام سوار بر مرکب پیامبرصلی الله علیه وآله از محلی عبور می کرد. سلمان که با گروهی از مردم نشسته بود، به آن ها گفت: آیا بلند نمی شوید که دامنش را بگیرید و از او پرسش کنید؟

به خـدا سوگنـد! هیـچ کس جز او نمی توانـد شـما را از اسـرار پیامبرصـلی الله علیه وآله آگـاه سـازد، او عـالم زمین و ربانی و پرورش دهنـده آن اسـت، زمیـن به واسـطه او آرامش می گیرد، اگر او را از دست بدهیـد علم را از دست داده ایـد ونسـبت به مردم شناخت پیدا نخواهید کرد. (۳)

۱- ۹۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۱، حدیث ۲۱.

۲- ۹۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۱، حدیث ۱۸.

۳- ۹۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۱، حدیث ۱۹.

۶۵ – حدّثنا البرقى، عن أبيه، عن جدّه، عن أبيه محمّد بن خالد، عن غياث بن إبراهيم، عن ثابت بن دينار، عن سعد بن طريف، عن سعيد بن جبير، عن ابن عبّاس قال:

قال رسول اللَّه صلى الله عليه وآله لعلى بن أبى طالب عليه السلام:

يا على! أنا مدينه الحكمه وأنت بابها، ولن تؤتى المدينه إلّا من قبل الباب، وكذب من زعم أنّه يحبّنى ويبغضك لأنّك منّى وأنا منك، لحمك من لحمى ودمك من دمى، وروحك من روحى، وسريرتك سريرتى، وعلانيتك علانيتى، وأنت إمام أُمّتى وخليفتى عليها بعدى.

سعد من أطاعك، وشقى من عصاك، وربح من تولّاك، وخسر من عاداك، وفاز من لزمك، وهلك من فارقك.

مثلك ومثل الأئمّه من ولدك بعدى مثل سفينه نوح عليه السلام، من ركبها نجا ومن تخلّف عنها غرق، ومثلكم مثل النجوم، كلّما غاب نجم طلع نجم إلى يوم القيامه.

۶۶ – حدّثنا إبن الوليد، عن إبن متيل، عن إبن أبى الخطّاب، عن محمّد بن سنان، عن أبى الجارود، عن أبى جعفر محمّد بن على الباقرعليهم السلام قال: سمعت جابر بن عبد اللَّه الأنصارى يقول:

إنّ رسول اللَّه صلى الله عليه وآله كان ذات يوم فى منزل أمّ إبراهيم وعنده نفر من أصحابه، إذ أقبل على بن أبى طالب عليه السلام، فلمّا بصر به النبى صلى الله عليه وآله قال:

يا معشر الناس! أقبل إليكم خير الناس بعدى وهو مولاكم، طاعته مفروضه كطاعتى، ومعصيته محرّمه كمعصيتى.

معاشر الناس! أنا دار الحكمه وعلى مفتاحها، ولن يوصل إلى الدار إلّا بالمفتاح.

وكذب من زعم أنّه يحبّنى ويبغض علياً.

حضرت علی "علیه السلام" دروازه شهر علم

۶۵ - ابن عباس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! من شهر حکمت هستم و تو درِ آن، و وارد شهر نشوند مگر از درِ آن.

دروغ می گوید کسی که پندارد مرا دوست دارد و با تو دشمنی می کند، زیرا تو از منی و من از تو، گوشت تو از گوشت من است، خون و جان تو از خون و جان من و نهان و آشکار تو، نهان و آشکار من است، تو امام اُمّت و خلیفه پس از من هستی، خوشبخت کسی است که از تو اطاعت کند و بدبخت آن که از تو نافرمانی کند.

دوست تو، رستگار شده و دشمن تو بدبخت گردیده؛ کسی که ملازم تو باشد سود برده و آن که از تو جدا شود، زیان کرده است.

تو و امامان پس از تو، همانند کشتی نوح هستید؛ هر کس بر آن سوار شود، نجات یابد و هرکه تخلف ورزد، غرق شود.

مَثَلِ شما تا روز رستاخیر، همچون ستارگان است، هرگاه ستاره ای غروب کند ستاره دیگری طلوع می نماید. (۱)

۶۶ - امام باقرعلیه السلام از قول جابر بن عبداللَّه انصاری می فرماید:

روزی پیامبر خداصلی الله علیه وآله، در منزل اُمّ ابراهیم بود و تعدادی از یاران هم حاضر بودند، در این هنگام علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شد، همین که چشم پیامبرصلی الله علیه وآله به علی علیه السلام افتاد، فرمود:

ای مردم! اکنون بهترین فرد پس از من، پیش شما آمد، او مولای شماست، اطاعت او چون اطاعت من واجب است و نافرمانی او نیز مانند نافرمانی من حرام است.

ای مردم! من خانه حکمت هستم و علی علیه السلام کلید آن و کسی نمی تواند وارد خانه شود مگر به وسیله کلید آن.

و دروغ می گوید آن که گمان می کند مرا دوست دارد، ولی دشمن علی است. (۲)

ص:۱۰۱

۱- ۹۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۵، حدیث ۱۸.

۲- ۹۹. أمالی صدوق، مجلس ۵۶، حدیث ۸.

على "عليه السلام" باب مدينه العلم ۶۷ - حدّثنا محمّد بن أحمد بن إبراهيم الليثى، عن أحمد الهمدانى، عن يعقوب بن يوسف، عن أحمد بن حمّاد، عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن أبى جعفر الباقر، عن على بن الحسين، عن الحسين بن على، عن على بن أبى طالب عليهم السلام قال: قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله:

أنا مدينه الحكمه وهى الجنّه، وأنت يا على! بابها، فكيف يهتدى المهتدى إلى الجنّه ولا يهتدى إليها إلاّ من بابها.

ص:۱۰۲

حضـرت علی "علیه السلام" دروازه شهر علم ۶۷ - امام باقرعلیه السـلام از پدر بزرگوارش امام سجادعلیه السلام از امام حسین علیه السلام از امام علی علیه السلام نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

من شـهر حکمت هستم که آن همان بهشت می باشد و تو ای علی درِ آن هستی و چگونه کسی می تواند وارد بهشت شود جز از در آن. (۱)

۱- ۱۰۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۱، حدیث ۱۱.

فى على "عليه السلام" خصال الأنبياء

۶۸ - حدّثنا إبن الوليد، عن إبن متّيل، عن إبن أبى الخطّاب، عن محمّد بن سنان، عن جعفر بن سليمان، عن الثمالى، عن سيد العابدين على بن الحسين عن أبيه عليهما السلام قال:

نظر رسول اللّه صلى الله عليه وآله ذات يوم إلى على عليه السلام وقد أقبل وحوله جماعه من أصحابه فقال صلى الله عليه وآله:

من أراد أن ينظر إلى يوسف فى جماله، وإلى إبراهيم فى سخائه، وإلى سليمان فى بهجته، وإلى داود فى قوّته فلينظر إلى هذا.

۶۹ - حدّثنا أبى، عن إبراهيم بن عمروس، عن الحسن بن إسماعيل القحطبى، عن سعيد بن الحكم بن أبى مريم، عن أبيه، عن الأوزاعى، عن يحيى بن أبى كثير، عن عبد اللّه بن مرّه، عن سلمه بن قيس قال: قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله:

على عليه السلام فى السماء السابعه كالشمس بالنهار فى الأرض، وفى السماء الدنيا كالقمر بالليل فى الأرض، أعطى اللّه علياً من الفضل جزءاً لو قسّم على أهل الأرض لوسعهم، وأعطاه اللّه من الفهم جزءاً لو قسّم على أهل الأرض لوسعهم؛

شبّهت لينه بلين لوط، وخلقه بخلق يحيى، وزهده بزهد أيوب، وسخاه بسخاء إبراهيم، وبهجته ببهجه سليمان بن داود، وقوّته بقوّه داود؛

له اسم مكتوب على كلّ حجاب فى الجنّه، بشّرنى به ربّى وكانت له البشاره عندى.

على عليه السلام محمود عند الحقّ، مزكى عند الملائكه، وخاصّتى وخالصتى

وظاهرتى ومصباحى وجنّتى ورفيقى، آنسنى به ربّى، فسألت ربّى أن لا يقبضه قبلى وسألته أن يقبضه شهيداً بعدى؛

أدخلت الجنّه فرأيت حور على عليه السلام أكثر من ورق الشجر وقصور على عليه السلام كعدد البشر، على منّى وأنا من على عليه السلام، من تولّى علياً، فقد تولّانى، حبّ على عليه السلام نعمه واتّباعه فضيله، دان به الملائكه وحفّت به الجنّ الصالحون.

ویژگی همه انبیا "علیهم السلام" در علی جمع است

۶۸ - امام سجادعلیه السلام از پدرش نقل می فرماید:

روزی امام علی علیه السلام به طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می آمد و گروهی از یاران هم گرداگرد ایشان بودند، رسول خداصلی الله علیه وآله به علی نگاه کرد و فرمود:

هر کس می خواهد به جمال یوسف، سخاوت ابراهیم، بهجت سلیمان و حکمت داوود بنگرد باید به این علی نگاه کند. (۱)

۶۹ - سلمه بن قیس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

علی علیه السلام در آسمان هفتم، همچون خورشید درخشان در روز؛ و در آسمان دنیا، همچون ماه تابان در شب است. خداوند، آن قدر فضیلت و فهم به علی داده است که اگر بر اهل زمین تقسیم شود به همه برسد.

علی علیه السلام به پیامبران الهی شباهت دارد؛ در نرمش به لوط پیامبر، در اخلاق به یحیی، در زهد به ایوب، در سخاوت به ابراهیم، در سُرور و خرّمی به سلیمان و در توانایی به داوودعلیهم السلام.

نام علی علیه السلام بر همهٔ پرده های بهشت، نگاشته شده است؛ پروردگارم، مرا به وجود او مژده داد و همین مژده من به او بود.

علی علیه السلام در پیشگاه الهی، ستایش شده و نزد فرشتگان منزّه و پاکیزه است، او خاص و خالص من است، نور و ظهور من و بهشت و رفیق من است.

خداوند مرا با او مأنوس کرد؛ بنابراین، از خدا خواستم تا پیش از من نمیرد و بعد از من، مرگ او را شهادت قرار بدهد.

آن گاه که وارد بهشت شدم، حوریان علی علیه السلام را بیش از برگ درختان دیدم و کاخ های او را، به شمار افراد انسان.

علی علیه السلام از من است و من هم از اویم؛ دوست دار او، دوست دار من است.

دوستی علی علیه السلام نعمت است و پیروی از او فضیلت، که این اعتقاد فرشتگان است وصالحین از جن گرداگرد او هستند.

۱- ۱۰۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۴، حدیث ۱۱.

فى على "عليه السلام" خصال الأنبياءلم يمش على الأرض ماش بعدى إلاّ كان هو أكرم منه عزّاً وفخراً ومنهاجاً، لم يك فظّاً عجولاً ـ ولا ـ مسترسلاً لفساد ولا متعنّداً، حملته الأرض فأكرمته، لم يخرج من بطن اُنثى بعدى أحد كان أكرم خروجاً منه، ولم ينزل منزلاً ـ إلاّ ـ كان ميموناً، أنزل اللّه عليه الحكمه ورداه بالفهم، تجالسه الملائكه ولا يراها؛ ولو أوحى إلى أحد بعدى لأوحى إليه، فزين اللّه به المحافل، وأكرم به العساكر، وأخصب به البلاد، و أعزّ به الأجناد، مثله كمثل بيت اللّه الحرام يزار ولا ـ يزور، ومثله كمثل القمر إذا طلع أضاء الظلمه، ومثله كمثل الشمس إذا طلعت أنارت، وصفه اللّه فى كتابه، ومدحه بآياته، ووصف فيه آثاره وأجرى منازله، فهو الكريم حياً والشهيد ميتاً.

ص:١٠٦

ویژگی همه انبیا "علیهم السلام" در علی جمع است پس از من، علی علیه السلام عزیزترین، پرافتخارترین و نورانی ترین کسی است که بر زمین گام گذاشته است. او نه خشن و شتابکار است و نه نسبت به فساد، سهل انگار و عنادورز، زمین او را با کرامت حمل می کند.

پس از من، هیچ فرزندی گرامی تر از او متولّد نشده است؛ بنابراین بر هر مکانی گام نهد، آنجا را مبارک گرداند. خداوند حکمت را بر او نازل کرده و فهم و دانش بر او پوشانده است، فرشتگان همنشین اویند ولی آن ها را نمی بیند. اگر قرار بود، بعد از من بر کسی وحی شود، حتماً بر او وحی می شد. خداوند به وجود او محفل ها را زینت داده، ارتش ها را گرامی داشته و به شهرها فراوانی و به لشکرها عزّت داده است. مَثَل علی علیه السلام مَثل کعبه است که همه به زیارت او می روند ولی او به زیارت کسی نمی رود. او همانند ماه، تاریکی را براندازد و چون خورشید، روشن سازد.

خداوند علی علیه السلام را در کتاب خود وصف و با آیاتش او را ستایش کرده، آثارش را توصیف نموده و در منازلش روان ساخته است. پس زندگی او با کرامت و بزرگواری و مرگ او با شهادت است. (۱)

۱- ۱۰۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲، حدیث ۷.

على "عليه السلام" أوّل مسلمٍ

۷۰ – حدّثنا العطّار، عن أبيه، عن إبن عيسى، عن الحسين [الحسن] بن سعيد، عن على بن جعفر، عن محمّد بن عمر الجرجانى قال: قال الصادق جعفر بن محمّدعليهما السلام:

أوّل جماعه كانت أنّ رسول اللّه صلى الله عليه وآله كان يصلّى وأميرالمؤمنين على بن أبى طالب عليه السلام معه...

۷۱ – حدّثنا أبى، عن سعد، عن عباد بن سليمان، عن محمّد بن سليمان، عن أبيه سليمان الديلمى، عن عمير بن الحارث، عن عمران بن ميثم، عن أبى سخيله قال:

أتيت أباذر رحمه اللّه، فقلت: يا أباذر! إنّى قد رأيت اختلافاً [اختلاطاً] فبما ذا تأمرنى؟

قال: عليك بهاتين الخصلتين، كتاب اللّه والشيخ على بن أبى طالب عليه السلام، فإنّى سمعت رسول اللّه صلى الله عليه وآله يقول: هذا أوّل من آمن بى وأوّل من يصافحنى يوم القيامه، وهو الصدّيق الأكبر، وهو الفاروق الّذى يفرق بين الحقّ والباطل.

۷۲ – حدّثنا إبن سعيد الهاشمى، عن فرات، عن محمّد بن على بن معمر، عن أحمد بن على الرملى، عن محمّد بن موسى، عن يعقوب بن إسحاق، عن عمرو بن منصور، عن إسماعيل بن أبان، عن يحيى بن أبى كثير، عن أبيه، عن أبى هارون العبدى، عن جابر بن عبد اللّه الأنصارى قال: قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله:

على بن أبى طالب أقدم أُمّتى سلماً، وأكثرهم علماً، وأصحّهم ديناً، وأفضلهم يقيناً، وأحلمهم حلماً، وأسمحهم كفّاً، وأشجعهم قلباً، وهو الإمام والخليفه بعدى.

علی "علیه السلام" نخستین مسلمان

۷۰ - امام صادق علیه السلام فرمود:

نخستین نماز جماعتی که برپا شد این گونه بود که پیامبر خداصلی الله علیه وآله نماز می خواند، و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام او را همراهی می کرد... (۱)

۷۱ - شخصی به نام ابی سخیله می گوید:

خدا رحمت کند ابوذر را، روزی نزد وی رفتم و گفتم: ای ابوذر! به نظر شما در این اختلافی که پیش آمده است، چه باید کرد؟

ابوذر گفت: بر تو واجب است که همواره ملازم قرآن و این بزرگ مرد، حضرت علی علیه السلام باشی؛ زیرا از پیامبر خداصلی الله علیه وآله شنیدم که می فرمود: علی، نخستین کسی است که به من ایمان آورده و نخستین کسی است که در روز قیامت با من دست خواهد داد، او صدّیق اکبر است و او همان فاروقی است که حق را از باطل جدا می کند. (۲)

۷۲ - جابر بن عبداللَّه انصاری می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

علی بن ابی طالب، کسی است که پیش از همه مسلمان شده و بیش از همه علم دارد؛ در صحّت دین و یقین، برتر از دیگران است و از نظر بردباری، سخاوت و دلاوری و مردم داری سرآمد همه است. و همو پس از من، امام و خلیفه می باشد. (۳)

۱- ۱۰۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۶، حدیث ۴.

۲- ۱۰۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۳۷، حدیث ۵.

۳- ۱۰۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲، حدیث ۶.

سدّ الأبواب

۷۳ - حدّثنا محمّد بن عمر البغدادی، عن التّمیمی، عن الرّضاعلیه السـلام، عن آبائه علیهم السلام، عن علی بن أبی طالب علیهما السلام قال: قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

سدّوا الأبواب الشارعه فی المسجد إلاّ باب علی.

۷۴ - حدّثنا محمّد بن عمر الحافظ البغدادی، عن أحمد بن موسی، عن خلف بن سالم، عن غندر، عن عوف، عن میمون بن أبی عبد اللَّه، عن زید بن أرقم قال:

کان لنفر من أصحاب رسول اللَّه صلی الله علیه وآله أبواب شارعه فی المسجد، فقال صلی الله علیه وآله یوماً: سدّوا هذه الأبواب إلاّ باب علی.

فتکلّم فی ذلک الناس.

قال: فقام رسول اللَّه صلی الله علیه وآله فحمد اللَّه وأثنی علیه ثمّ قال:

أمّا بعد، فإنّی أمرت بسدّ هذه الأبواب غیر باب علی، فقال فیه قائلکم وإنّی واللَّه! ما سددت شـیئاً ولا فتحته ولکنّی أمرت بشـی ء فاتبعته.

ص:۱۱۰

بسته شدن درب ها

۷۳ - امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش از امام علی علیه السلام نقل می فرماید که پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

درِ خانه هایی را که به مسجد باز می شود ببندید، جز درِ خانه علی را. (۱)

۷۴ - زید بن ارقم می گوید:

درب خانه چندتن از یاران رسول خداصلی الله علیه وآله به مسجد باز می شد، روزی پیامبرصلی الله علیه وآله فرمان داد: به جز درِ خانه علی علیه السلام همه درها را ببندید!

در این مورد، بین مردم سخنانی در گرفت؛

پس پیامبر خداصلی الله علیه وآله برخاست و بعد از حمد و ثنای خدا فرمود:

بدانید! به من فرمان رسیده بود که: همه درها - به جز درِ خانه علی - بسته شود، برخی از مردم چیزهایی گفته اند؛ ولی به خدا قسم که من از پیش خود، کاری نکردم، بلکه فرمانی دریافت کردم و آن را اطاعت کردم. (۲)

۱- ۱۰۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۴، حدیث ۶.

۲- ۱۰۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۴، حدیث ۴.

حلقه در بهشت، زندگی شخصی، کرامات، فضایل و مناقب حضرت از زبان خود و غیر

حلقه باب الجنّه

۷۵ - حدّثنا أبی، عن المؤدّب، عن أحمد بن علی الأصبهانی، عن الثقفی، عن محمّد بن داود، عن منذر العشرانی، عن سعید بن زید، عن أبی قتیل [أبی قنبل عن أبی الجارود، عن سعید بن جبیر، عن ابن عبّاس، عن النبی صلی الله علیه وآله قال:

إنّ حلقه باب الجنّه من یاقوته حمراء علی صفائح الذهب، فإذا دقّت الحلقه علی الصفحه طنّت وقالت: یا علی!

ص:۱۱۲

حلقه درِ بهشت

۷۵ - ابن عبّاس می گوید رسول خداصلی الله علیه وآله فرمودند:

حلقه در بهشت از یاقوت سرخ است بر صفحه ای از طلا، هرگاه حلقه بر در کوبیده شود، بانگی بر آورد و بگوید: یا علی! (۱)

ص:۱۱۳

۱- ۱۰۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۶، حدیث ۱۳.

سیره علی "علیه السلام" فی نفسه

۷۶ - حدّثنا أبی، عن علی بن إبراهیم، عن أبیه، عن عبد الرحمن بن أبی نجران، عن عاصم بن حمید، عن محمّد بن قیس، عن أبی جعفر الباقرعلیه السلام أنّه قال:

واللّه! إن کان علی علیه السلام لیأکل أکل العبد ویجلس جلسه العبد، وإن کان لیشتری القمیصین السنبلانیین فیخیر غلامه خیرهما، ثمّ یلبس الآخر، فإذا جاز أصابعه قطعه، وإذا جاز کعبه حذفه، ولقد ولی خمس سنین ما وضع آجره علی آجره، ولا لبنه علی لبنه، ولا أقطع قطیعاً، ولا أورث بیضاء ولا حمراء وان کان لیطعم الناس خبز البرّ واللحم وینصرف إلی منزله ویأکل خبز الشعیر والزیت والخلّ، وما ورد علیه أمران کلاهما للّه رضی إلاّ أخذ بأشدهما علی بدنه.

ولقد أعتق ألف مملوک من کدّ یده تربت فیه یداه وعرق فیه وجهه، وما أطاق عمله أحد من الناس وإن کان لیصلّی فی الیوم و اللیله ألف رکعه، وإن کان أقرب الناس شبهاً به علی بن الحسین علیهما السلام وما أطاق عمله أحد من الناس بعده.

وسمع رجل من التابعین أنس بن مالک یقول: نزلت هذه الآیه فی علی بن أبی طالب علیه السلام «أَمَّنْ هُوَ قانِتٌ آناءَ اللَّیلِ ساجِداً وَقائِماً یحْذَرُ الآخِرَهَ وَیرْجُوا رَحْمَهَ رَبِّهِ». (۱)

قال الرجل فأتیت علیاًعلیه السلام لأنظر إلی عبادته فأشهد باللّه لقد أتیته وقت المغرب، فوجدته یصلّی بأصحابه المغرب، فلمّا فرغ منها جلس فی التعقیب إلی أن قام إلی عشاء الآخره. ثمّ دخل منزله فدخلت معه فوجدته طول اللیل یصلّی و یقرأ القرآن إلی أن طلع الفجر، ثمّ جدّد وضوءه وخرج إلی المسجد وصلی بالناس صلاه الفجر، ثمّ جلس فی التعقیب إلی أن طلعت الشمس، ثمّ قصده الناس فجعل یختصم إلیه رجلان فإذا فرغا قاما واختصم آخران إلی أن قام إلی صلاه الظهر.

۱- ۱۰۹. سوره الزمر {۳۹}: الآیه ۹.

زندگی شخصی حضرت علی"علیه السلام

۷۶ – محمّد بن قیس گوید: امام باقرعلیه السلام فرمود:

به خدا قسم! که خوراک و نشست و برخاست امام علی علیه السلام همانند بندگان بود؛ هر گاه دو پیراهن می خرید، به خدمتکارش می فرمود که بهترینش را تو بر دار و خود پیراهن دیگر را می پوشید؛ اگر آستین پیراهن، از انگشتانش بلندتر بود آن را قطع می کرد و نیز اگر پایین آن از مچ پا می گذشت، آن را می برید.

پنج سال حکومت کرد؛ ولی هیچ آجر و خشت خامی را روی هم ننهاد، جایی را مالک نشد و پول و نقره و طلایی به ارث نگذاشت، بهترین نان گندم و گوشت را به مستمندان می خورانید ولی خود، نان جو و سرکه می خورد.

هرگاه با دو کار خداپسند رو به رو می شد که باید یکی را برگزیند، سخت تر آن ها را برمی گزید.

با دست رنج خود که با خاک آلود شدن دستانش وعرق کردن چهره اش به دست آورده بود، ۱۰۰۰ بنده را آزاد کرد. احدی توان انجام کارهای او را نداشت، در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند، اگرچه شبیه ترین مردم به او از این جهت امام سجادعلیه السلام بود، ولی بعد از او کسی توان انجام کار ایشان را نداشت.

مردی از تابعان، از انس بن مالک شنید که می گفت: این آیه در مورد امام علی علیه السلام نازل شده که: «... یا کسی که شب را به قیام و سجده به جهت ترس از آخرت بگذراند و به رحمت پروردگارش امید داشته باشد.»

آن مرد می گوید: پیش علی علیه السلام رفتم تا عبادت او را بنگرم، خدا گواه است هنگام مغرب نزد او رفتم، همراه یارانش مشغول خواندن نماز مغرب بود، سپس مشغول تعقیبات و مستحبات شد. نماز عشاء را نیز خواند و به منزل آمد، من همراه او رفتم، در تمام شب مشغول نماز و قرآن بود تا این که سپیده صبح طلوع کرد، وضو گرفت و به مسجد آمد، نماز صبح را با مردم خواند و تا هنگام طلوع آفتاب مشغول تعقیبات شد؛ آن گاه مردم، دو نفر دو نفر می آمدند و اختلافات خود را مطرح می کردند، جواب می گرفتند و می رفتند این کار تا ظهر ادامه داشت.

ص:۱۱۵

سیره علی "علیه السلام" فی نفسه قال: فجدّد لصلاه الظهر وضوءه، ثمّ صلّی بأصحابه الظهر، ثمّ قعد فی التعقیب إلی أن صلّی بهم العصر، ثمّ أتاه الناس فجعل یقوم رجلان ویقعد آخران یقضی بینهم ویفتیهم إلی أن غابت الشمس فخرجت وأنا أقول: أشهد باللَّه أنّ هذه الآیه نزلت فیه.

۷۷ – حدّثنا أبی، عن سعد، عن إبن هاشم، عن إبن مرار، عن یونس، عن عبد اللَّه بن سنان، عن أبی حمزه الثمالی، عن الأصبغ بن نباته أنّه قال:

کان أمیرالمؤمنین علی بن أبی طالب علیه السلام إذا أتی بالمال أدخله بیت مال المسلمین، ثمّ جمع المستحقین، ثمّ ضرب یده فی المال فنثره یمنه ویسره و هو یقول: یا صفراء! یا بیضاء! لا تغرینی، غرّی غیری.

هذا جنای وخیاره فیه

إذ کلّ جان یده إلی فیه

ثمّ لا ـ یخرج حتّی یفرق ما فی بیت مال المسلمین ویؤتی کلّ ذی حق حقّه، ثمّ یأمر أن یکنس ویرشّ ثمّ یصلّی فیه رکعتین، ثمّ یطلق الدنیا ثلاثاً یقول بعد التسلیم: یا دنیا! لا تتعرّضین لی ولا تتشوّقین ولا تغرّینی فقد طلّقتک ثلاثاً لا رجعه لی علیک.

۷۸ – حدّثنا الطالقانی، عن محمّد بن جریر الطبری، عن الحسن بن محمّد، عن محمّد بن عبد الرحمان المخزومی، عن محمّد بن أبی یعفور، عن موسی بن أبی أیوب التمیمی، عن موسی بن المغیره، عن الضحّاک بن مزاحم قال:

ذکر علی علیه السلام عند ابن عبّاس بعد وفاته فقال:

وا أسفاه! علی أبی الحسن، مضی واللَّه ما غیر ولا بدّل ولا قصر ولا جمع ولا منع ولا آثر إلّا اللَّه. واللَّه! لقد کانت الدنیا أهون علیه من شسع نعله، لیث فی الوغا، بحر فی المجالس، حکیم فی الحکماء، هیهات! قد مضی إلی الدرجات العلی.

زنـدگی شخصـی حضـرت علی "علیه السـلام" سـپس علی علیه السـلام برخـاست، وضو تازه کرد و نماز ظهر را همراه یارانش خوانـد، سـپس تعقیبات نماز ظهر و پس از آن نماز عصـر و باز موقع مراجعه مردم بود که دو نفر دو نفر می آمدنـد و امام علی علیه السـلام بین آن ها قضاوت می کرد تا این که آفتاب غروب کرد و از نزد او خارج شـدم. گفتم: خـدا را گواه می گیرم که این آیه درمورد علی نازل شده است. (۱)

۷۷ - اصبغ بن نباته می گوید:

هنگـامی که برای امیرالمؤمنین علیه السـلام، مالیـات می آوردنـد، آن را وارد بیت المال (خزانه مسـلمانان) کرده، مسـتحقان را جمع می نمود و پول ها را با دست خود به راست و چپ، پهن می کرد و می فرمود:

ای پول های زرد و سفید! مرا فریب ندهید، بروید دیگری را فریب دهید.

سپس این ضـرب المثل را بیان می فرمود: این تمام آن چیزی است که من چیـده ام و بهترین چیـده های من نیز در میان آن ها است (و خود هیچ از آن ها نخورده ام).

در زمانی که هر کس چیزی چیده، دستش در دهان خودش می باشد.

سپس امـام به تقسـیم پـول هـا می پرداخت و از آنجـا بیرون نمی رفت تـا هر چه در بیت المـال بـود قسـمت می کرد، در آخر، دستور می داد آن محل را جاروب می کردند، آب می پاشیدند، دو رکعت نماز می خواند و دنیا را سه طلاق می داد و پس از نمـاز می فرمـود: ای دنیـا! بـه مـن دست نینـداز، مرا به خـود تشویـق نکن و فریب نـده که من تـو را سه طلاـق دادم و هیـچ راه بازگشتی نیست. (۲)

۷۸ - ضحّاک بن مزاحم گوید: بعد از شهادت امام علی علیه السلام نزد ابن عبّاس اسم آن حضرت برده شد، ابن عبّاس گفت:

افسوس بر ابوالحسن (امـام علی علیه السـلام)! به خـدا قسم از دنیا رفت، در حالی که نه چیزی را دگرگون ساخت، نه چیزی را عوض کرد، نه از چیزی کاست، نه مالی جمع کرد و نه مانع حق کسی شد و هیچ منظوری هم جز خدا نداشت.

به خـدا قسم! دنیـا در برابرش از بنـد کفشـی هم بی ارزش تر بود. در نبردهـا شـیر بود، در مجالس دریا بود و در بین حکیمان، حکیم؛ هیهات او (در گذشت و) به درجات بلندی رسید. (۳)

۱- ۱۱۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۷، حدیث ۱۴.

۲- ۱۱۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۷، حدیث ۱۶.

۳- ۱۱۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۳، حدیث ۱۲.

سیره علی "علیه السلام" فی نفسه ۷۹ - حدّثنا إبن المتوكّل رضی الله عنه، عن محمّد بن یحیی العطّار، عن إبن أبی الخطّاب، عن محمّد بن سنان، عن المفضّل بن عمر، عن یونس بن ظبیان، عن سعد بن طریف، عن الأصبغ بن نباته قال:

دخل ضرار بن ضمره النهشلی علی معاویه بن أبی سفیان قال له:

صف لی علیاًعلیه السلام.

قال: أو تعفینی.

فقال: لا، بل صفه لی.

فقال له ضرار: رحم اللّه علیاً، كان واللّه فینا كأحدنا، یدنینا إذا أتیناه، ویجیبنا إذا سألناه، ویقرّبنا إذا زرناه، لا یغلق له دوننا باب ولا یحجبنا عنه حاجب، ونحن واللّه مع تقریبه لنا وقربه منّا لا نكلّمه لهیبته، ولا نبتدیه لعظمته، فإذا تبسّم فعن مثل اللؤلؤ المنظوم.

فقال معاویه: زدنی من صفته.

فقال ضرار: رحم اللّه علیاً، كان واللّه طویل السهاد، قلیل الرقاد، یتلو كتاب اللّه آناء اللیل وأطراف النهار ویجود للّه بمهجته، ویبوء إلیه بعبرته، لا تغلق له الستور ولا یدّخر عنّا البدور، ولا یستلین الاتّكاء ولا یستخشن الجفاء، ولو رأیته إذ مثّل فی محرابه، وقد أرخی اللیل سدوله، وغارت نجومه، وهو قابض علی لحیته، یتململ تململ السلیم، ویبكی بكاء الحزین وهو یقول:

«یا دنیا! إلی تعرّضت، أم إلی تشوّقت؟ هیهات، هیهات! لا حاجه لی فیك، أبنتك ثلاثاً لا رجعه لی علیك، ثمّ واه واه! لبعد السفر، وقله الزاد، وخشونه الطریق»

قال: فبكی معاویه وقال:

حسبك یا ضرار، كذلك كان واللّه علی، رحم اللّه أبا الحسن.

ص:۱۱۸

زندگی شخصی حضرت علی "علیه السلام"

۷۹ – اصبغ ابن نباته می گوید:

ضرار بن ضمره به مجلس معاویه داخل شد، معاویه به ضرار بن ضمره گفت: علی بن ابی طالب را برای من توصیف کن.

ضرار گفت: اگر می شود مرا معاف بدار.

معاویه گفت: خیر، حتماً باید توصیف نمایی.

ضرار گفت: خدا علی را رحمت کند، سوگند به خدا! او مانند یکی از ما و بین ما زندگی می کرد، ما را به خود نزدیک می نمود، به پرسش ما جواب می داد، درِ خانه اش باز بود و نگهبانی نداشت.

سوگند به خدا! با این همه که او به ما و ما به او نزدیک بودیم ولی هیبت و اُبهت او نمی گذاشت با او سخن آغاز کنیم، هنگام لبخند دندان های همچون مروارید او هویدا می شد.

معاویه گفت: باز هم بگو!

ضرار گفت: خدا علی را رحمت کند، خوابش کم و بیداری اش بسیار بود، بیشتر اوقات قرآن می خواند، جان خود را به خدا سپرده، در آستان او اشک می ریخت،

خود را از مردم پنهان نکرد و کیسه های زر نیندوخت، نه بر وابستگان نرمی داشت، نه بر جفاکاران بدخویی، اگر شب ها او را می دیدی، در محراب عبادت ایستاده، دست به ریش خود گرفته، چون مار گزیده بر خود می پیچید و می گریست و می فرمود:

ای دنیا! آیا خودت را به رخ من می کشی؟ یا می خواهی مرا مشتاق کنی؟ هیهات، هیهات! مطمئن باش که من نیازی به تو ندارم و تو را چنان سه طلاقه کردم که راه بازگشت ندارد.

سپس می فرمود: آه آه! از دوری راه، کمی توشه و سختی سفر قیامت.

معاویه گریه کرد و گفت:

کافی است ای ضرار! آری علی چنین بود، خدا او را رحمت کند. (۱)

۱– ۱۱۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۱، حدیث ۲.

شجاعه علی "علیه السلام"

۸۰ – حدّثنا الصائغ، عن محمّد بن العبّاس بن بسام قال: حدّثنا محمّد بن خالد بن إبراهيم قال: حدّثنا سويد بن عزيز الدمشقی، عن عبد اللّه بن لهيعه، عن إبن قنبل، عن عبد اللّه بن عمرو بن العاص قال:

إنّ رسول اللّه صلی الله علیه وآله دفع الرايه يوم خيبر إلی رجل من أصحابه فرجع منهزماً، فدفعها إلی آخر فرجع يجبن أصحابه ويجبنونه قد ردّ الرايه منهزماً.

فقال رسول اللّه صلی الله علیه وآله: «لأعطينّ الرايه غداً رجلاً يحبّ اللّه ورسوله ويحبّه اللّه ورسوله، لا يرجع حتّی يفتح اللّه علی يديه.»

فلمّا أصبح قال: ادعوا إلی علياً.

فقيل له: يا رسول اللّه هو رمد.

فقال: ادعوه.

فلمّا جاء تفل رسول اللّه صلی الله علیه وآله فی عينيه وقال: اللهمّ ادفع عنه الحرّ والبرد.

ثمّ دفع الرايه إليه ومضی، فما رجع إلی رسول اللّه صلی الله علیه وآله إلاّ بفتح خيبر.

ثمّ قال: إنّه لمّا دنا من الغموص أقبل أعداء اللّه من اليهود يرمونه بالنبل والحجاره فحمل عليهم علی عليه السلام حتّی دنا من الباب، فثنی رجله، ثمّ نزل مغضباً إلی أصل عتبه الباب فاقتلعه، ثمّ رمی به خلف ظهره أربعين ذراعاً.

قال ابن عمرو: ما عجبنا من فتح اللّه خيبر علی يدی علی ولكنّا عجبنا من قلعه الباب ورميه خلفه أربعين ذراعاً، ولقد تكلّف حمله أربعون رجلاً فما أطاقوه. فأخبر النبی صلی الله علیه وآله بذلک، فقال:

والّذی نفسی بيده! لقد أعانه عليه أربعون ملكاً.

ص:۱۲۰

شجاعت حضرت علی "علیه السلام"

۸۰ – عبداللّه بن عمرو بن عاص می گوید:

در جنگ خیبر، پیامبر خداصلی الله علیه وآله پرچم را به یکی از افراد داد، ولی او گریزان برگشت؛ پرچم را به شخص دیگری داد، او هم در حالی برگشت که یارانش را می ترسانید و آن ها هم او را ترسو می خواندند که با پرچم شکست خورده فرار کرده است.

پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود: فردا پرچم را به کسی بدهم که خدا و رسولش او را دوست دارند و او نیز خدا و رسولش را دوست دارد، او از جنگ برنگردد مگر با پیروزی.

صبح که شد فرمود: به علی بگویید بیاید.

به پیامبرصلی الله علیه وآله گفته شد: علی چشمش درد می کند.

فرمود: او را بخوانید تا بیاید.

وقتی علی علیه السلام آمد، پیامبر آب دهان مبارکش را به چشم او مالید و فرمود: خدایا! او را از گرما و سرما حفظ کن.

سپس پرچم را به دست او داد.

علی علیه السلام رفت و نزد پیامبرصلی الله علیه وآله باز نگشت مگر با گشودن قلعه خیبر.

راوی گوید: وقتی علی علیه السلام به قلعه غموص نزدیک شد، یهودیان او را با تیر و سنگ می زدند؛ ولی او هم چنان پیش می رفت. وقتی به در قلعه رسید با حالت خشمناک خود را از اسب به پایین انداخت، با دست خود درب خیبر را از جا کند و آن را ۴۰ ذراع به پشت سر خود پرتاب کرد.

ابن عمرو گوید: ما از پیروزی علی علیه السلام تعجب نکردیم، تعجب ما از این بود که چطور درب قلعه را یک تنه از جا کند و آن را ۴۰ ذراع به پشت سر انداخت با این که ۴۰ مرد هم نمی توانستند آن را جابه جا کنند. پیامبرصلی الله علیه وآله از راز آن خبر داد و فرمود: به خدا قسم! که ۴۰ فرشته در کندن درب به او کمک کردند. (۱)

۱- ۱۱۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۷، حدیث ۱۰.

شجاعه على "عليه السلام"

٨١ - حدّثنا إبن إدريس، عن أبيه، عن البرقى، عن أبيه، عن خلف بن حماد، عن أبى الحسن العبدى، عن سليمان بن مهران، عن أبى إسحاق، عن عمرو بن حبشى، عن الحسين بن على بن أبى طالب عليهم السلام قال:

ما قدمت رايه قوتل تحتها أميرالمؤمنين عليه السلام إلاّ نكسها اللّه تبارك وتعالى وغلب أصحابها وانقلبوا صاغرين، وما ضرب أميرالمؤمنين عليه السلام بسيفه ذى الفقار أحداً فنجا، وكان إذا قاتل [قاتل] جبرئيل عن يمينه وميكائيل عن يساره وملك الموت بين يديه.

ص:١٢٢

شجاعت حضرت علی "علیه السلام"

۸۱ - عمرو بن حبشی می گوید: امام حسین علیه السلام فرمود:

هیچ پرچمی به جنگ امیرالمؤمنین علیه السلام نیامد جز این که خدا سرنگونش می ساخت و افرادش شکست خورده، با خواری برمی گشتند. امیرالمؤمنین علیه السلام شمشیر ذوالفقارش را به کسی نَزَد که نجات یافته باشد. و هرگاه امیرالمؤمنین علیه السلام می جنگید، جبرئیل سمت راستش، میکائیل سمت چپ آن حضرت و ملک الموت برابرش بودند. (۱)

۱- ۱۱۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۷، حدیث ۹.

نبذه من كرامات على "عليه السلام"

۸۲ – حدّثنا ماجيلويه، عن على بن إبراهيم، عن أبيه، عن أبى الصلت الهروى، عن محمّد بن يوسف الفريابى، عن سفيان، عن الأوزاعى، عن يحيى بن أبى كثير، عن حبيب بن الجهم قال:

لمّا رحل بنا على بن أبى طالب عليه السلام إلى بلاد صفّين، نزل بقريه يقال لها: «صندودا»، ثمّ أمرنا فعبرنا عنها، ثمّ عرس بنا فى أرض بلقع فقام إليه مالك بن الحارث الأشتر فقال: يا أميرالمؤمنين! أ تنزل الناس على غير ماء؟

فقال عليه السلام: يا مالك! إنّ اللّه عزّ وجلّ سيسقينا فى هذا المكان ماء أعذب من الشهد وألين من الزبد الزلال، وأبرد من الثلج، وأصفى من الياقوت.

فتعجّبنا ولا عجب من قول أميرالمؤمنين عليه السلام.

ثمّ أقبل يجر رداءه وبيده سيفه حتّى وقف على أرض بلقع، فقال: يا مالك! احتفر أنت وأصحابك.

فقال مالك: و احتفرنا فإذا نحن بصخره سوداء عظيمه فيها حلقه تبرق كاللجين، فقال لنا: روموها، فرمناها بأجمعنا ونحن مائه رجل فلم نستطع أن نزيلها عن موضعها.

فدنا أميرالمؤمنين عليه السلام رافعاً يده إلى السماء يدعو وهو يقول: «طاب طاب مريا عالم طيبو ثابوثه شتميا كوبا حاحانو ثاتوديثا برحوثا، آمين آمين، ربّ العالمين، ربّ موسى وهارون»

ثمّ اجتذبها فرماها عن العين أربعين ذراعاً، قال مالك بن الحارث الأشتر: فظهر لنا ماء أعذب من الشهد وأبرد من الثلج وأصفى من الياقوت. فشربنا و سقينا ثمّ ردّ الصخره وأمرنا أن نحثوا عليها التراب.

ثمّ ارتحل وسرنا فما سرنا إلاّ غير بعيد قال: من منكم يعرف موضع العين؟

فقلنا: كلّنا يا أميرالمؤمنين!

ص:۱۲۴

گوشه ای از کرامات حضرت علی "علیه السلام"

۸۲ - حبیب بن جهم می گوید:

هنگامی که به همراه امام علی علیه السلام به طرف صفّین می رفتیم، حضرتش در روستایی به نام «صندودا» مستقر شد، سپس دستور داد از روستا عبور کنیم تا این که در بیابانی بدون آب فرود آمدیم. مالک اشتر عرض کرد: ای امیرالمؤمنین! ما را در محل بی آبی مستقر می کنی؟

امام فرمود: ای مالک! به طور حتم، خدای متعال ما را از آبی بهره مند کند که از شهد عسل شیرین تر و از کره صاف نرم تر، و از برف خنک تر باشد.

ما تعجّب کردیم. از طرفی هم می دانستیم که گفتار امام تعجّب ندارد.

سپس امام، رداء از دوش برداشت و در حالی که شمشیر به دست گرفته بود، قطعه زمین خشک و بی گیاه را نشان داد و فرمود:

ای مالک! به کمک همراهانت، اینجا را بکنید.

مالک می گوید: محل مورد نظر را کندیم، ولی به یک سنگ سیاه بزرگی برخورد کردیم. امام علیه السلام فرمود: آن سنگ را بردارید.

ما که صد نفر بودیم، هر چه کردیم نتوانستیم آن را تکان بدهیم.

امام علی علیه السلام نزدیک آمد، دست ها را به آسمان بلند کرده، مشغول دعا شد و عرض کرد:

«طاب طاب مریا عالم طیبو ثابوثه شتمیاکو با حاحانو ثا تودینا بر حوثا، اجابت کن، اجابت کن، ای پروردگار جهانیان، ای خدای موسی و هارون!»

سپس آن سنگ را کشید و از جای خود درآورده، چهل ذراع به دور انداخت.

مالک می گوید: ناگاه چشمه آبی نمایان شد که از عسل شیرین تر، از برف خنک تر و از یاقوت صاف تر بود. از آن آب برداشتیم و نوشیدیم، آن گاه امام علیه السلام سنگ را بر جای خود نهاد و به ما فرمان داد، با خاک آن را بپوشانیم.

سپس از آن محل حرکت کردیم. هنوز فاصله زیادی از آنجا دور نشده بودیم که امام علیه السلام فرمود: چه کسی از شما جای آن چشمه را می داند؟

نبـذه من كرامـات على "عليه السـلام" فرجعنا، فطلبنا العين فخفى مكانها علينا أشـدّ خفاء، فظننا أنّ أميرالمؤمنين عليه السـلام قد رهقه العطش، فأومأنا بأطرافنا فإذا نحن بصومعه راهب فدنونا منها فإذا نحن براهب قد سـقطت حاجباه على عينيه من الكبر. فقلنا: يا راهب! عندک ماء نسقى منه صاحبنا؟

قال: عندى ماء قد استعذبته منذ يومين. فأنزل إلينا ماء مرّاً خشناً.

فقلنا: هذا قد استعذبه منذ يومين! فكيف ولو شربت من الماء الّذى سقانا منه صاحبنا؟ وحدّثناه بالأمر.

فقال: صاحبكم هذا نبى؟

قلنا: لا ولكنه وصّى نبى.

فنزل إلينا بعد وحشته منّا و قال: انطلقوا بى إلى صاحبكم.

فانطلقنا به فلمّا بصر به أميرالمؤمنين عليه السلام قال عليه السلام: شمعون؟

قـال الراهب: نعم، شـمعون، هـذا اسم سـمّتنى به أُمّى مـا اطلع عليه أحـد إلاّ اللّه تبارک وتعالى، ثمّ أنت، فكيف عرفته فأتمّ حتّى أتمّه لک.

قال عليه السلام: وما تشاء يا شمعون؟

قال: هذا العين واسمه.

قال: هذا العين راحوما وهو من الجنّه، شرب منه ثلاثمائه وثلاثه عشر وصياً وأنا آخر الوصيين شربت منه.

قال الراهب: هكذا وجدت فى جميع كتب الإنجيل وأنا أشـهد أن لا إله إلاّ اللّه وأنّ محمّداً رسول اللّه وأنّک وصـى محمّدصـلى الله عليه وآله.

گوشه ای از کرامات حضرت علی "علیه السلام" گفتیم: ای امیرمؤمنان! همه ما می دانیم. برگشتیم که جای آن را پیدا کنیم، امّا هرچه جست وجو کردیم اثری از آن نیافتیم. ما فکر کردیم امام علیه السلام تشنه است. بنابراین، به جست وجوی آب رفتیم، کلبه راهبی نمایان شد، نزدیک رفتیم. راهبی دیدیم که از پیری زیاد، ابروهای بلندش، چشمانش را پوشانده بود. گفتیم: ای راهب! آیا با خود آبی داری تا مولایمان را سیراب کنیم؟

گفت: آری، آبی است که دو روز زحمت کشیدم تا آن را گوارا کردم؛ آن گاه آب تلخ و بد مزه ای آورد.

گفتیم: با این که دو روز وقت خود را برای شیرین کردن آن صرف کرده ای، هنوز به این تلخی است؟ کاش تو هم از آن آبی که مولای ما به ما داد می نوشیدی. سپس داستان چشمه را برایش بازگو کردیم.

راهب گفت: آیا مولای شما پیامبر است؟

گفتیم: نه، وصی پیامبر است.

بااین که در ابتدا از ما وحشت داشت نزدیک تر آمد و گفت: مرا پیش مولای خود ببرید.

همین که او را پیش امام علی علیه السلام آوردیم، امام فرمود: تو شمعون هستی؟

گفت: آری، این نام را مادرم بر من گذاشته و کسی جز خدا از آن خبر نداشت، تو از کجا دانستی؟ اکنون نشانه امامت خود را تکمیل کن، تا من هم ایمانم را به تو تکمیل کنم.

امام علیه السلام فرمود: ای شمعون! چه می خواهی؟

راهب گفت: داستان چشمه و نام آن را.

فرمود: اسم آن «راحوما» و از بهشت است، ۳۱۳ وصی از آن نوشیده اند و من آخرین وصی بودم که از آن نوشیدم.

راهب گفت: این ها که گفتی همان است که در کتاب های انجیل خوانده ام، اینک گواهی می دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست ومحمّد فرستاده اوست و تو وصی محمّد می باشی.

نبذه من كرامات على "عليه السلام" ثمّ رحل أميرالمؤمنين عليه السلام والراهب يقدمه، حتّى نزل صفّين ونزل معه بعاندين [بعابدين] والتقى الصفّان، فكان أوّل من أصابته الشهاده الراهب.

فنزل أميرالمؤمنين عليه السلام وعيناه تهملان وهو يقول: المرء مع من أحبّ، الراهب معنا يوم القيامه رفيقى فى الجنّه.

۸۳ – حدّثنا أبى رحمه الله عن على بن إبراهيم، عن أبيه، عن أبى هدبه قال:

رأيت أنس بن مالك معصوباً بعصابه فسألته عنها فقال:

هى دعوه على بن أبى طالب عليه السلام.

فقلت له: وكيف يكون ذلك؟

فقال: كنت خادماً لرسول اللّٰه صلى الله عليه وآله فأهدى إلى رسول اللّٰه صلى الله عليه وآله طائر مشوى؛ فقال: «اللّهمّ ائتنى بأحبّ خلقك إليك وإلى، يأكل معى من هذا الطائر.»

فجاء على عليه السلام فقلت له: رسول اللّٰه صلى الله عليه وآله عنك مشغول، وأحببت أن يكون رجلًا من قومى.

فرفع رسول اللّٰه صلى الله عليه وآله يده الثانيه، فقال: اللّهمّ ائتنى بأحبّ خلقك إليك وإلى، يأكل معى من هذا الطائر. فجاء على عليه السلام فقلت: رسول اللّٰه صلى الله عليه وآله عنك مشغول، وأحبّبت أن يكون رجلاً من قومى. فرفع رسول اللّٰه صلى الله عليه وآله يده الثالثه، فقال: اللّهمّ ائتنى بأحبّ خلقك إليك وإلى، يأكل معى من هذا الطائر. فجاء على عليه السلام فقلت: رسول اللّٰه صلى الله عليه وآله عنك مشغول وأحبّبت أن يكون رجلًا من قومى. فرفع على عليه السلام صوته فقال: وما يشغل رسول اللّٰه صلى الله عليه وآله عنّى؟

فسمعه رسول اللّٰه صلى الله عليه وآله فقال: يا أنس! من هذا؟

فقلت: على بن أبى طالب عليه السلام. قال: ائذن له.

فلمّا دخل، قال له: يا على! إنى قد دعوت اللّٰه عزّ وجلّ ثلاث مرّات أن يأتينى بأحبّ خلقه إليه وإلى، يأكل معى من هذا الطائر، ولو لم تجئنى فى الثالثه لدعوت اللّٰه باسمك أن يأتينى بك.

گوشه ای از کرامات حضرت علی "علیه السلام" از آن پس راهب از یاران امام علی علیه السلام شد و همراه ایشان در جنگ صفّین شرکت کرد، دو لشکر مبارزه را شروع کردند و او نخستین نفر از یاران امام بود که به شهادت رسید.

امام بر بالین راهب حاضر شد و در حالی که، اشک از دیدگانش سرازیر بود فرمود: هر کسی با همان محشور می شود که او را دوست دارد، این راهب در بهشت، رفیق و همراه من است. (۱)

۸۳ - ابو هدبه می گوید:

انس بن مالک را دیدم که دستمالی به سرش پیچیده بود، از علّت آن پرسیدم، گفت: بر اثر نفرین علی بن ابی طالب علیه السلام است.

گفتم: برای چه نفرین کرد؟

انس گفت: من خادم پیامبرصلی الله علیه وآله بودم، روزی مرغ بریانی برای آن حضرت هدیه آوردند، پیامبر دعا کرد: خدایا! محبوب ترین فرد نزد خود و من را بفرست تا در خوردن این مرغ شریک شود.

دیدم علی علیه السلام سر رسید، به او گفتم: پیامبر کاری دارد (و با این گفته، او را راه ندادم) و دوست داشتم کسی از قوم خودم بیاید تا این افتخار نصیب ما شود.

پیامبر دوباره همان دعا را تکرار کرد، باز علی علیه السلام آمد؛ ولی من او را راه ندادم. برای بار سوّم پیامبر دعا کرد، علی علیه السلام به پشت در آمد، می خواستم او را برگردانم، گفتم: پیامبر کار دارد، ولی علی علیه السلام با صدای بلند گفت: چه کاری پیامبر را از من باز داشته است؟

پیامبر خداصلی الله علیه وآله صدا را شنید و فرمود: ای انس! این شخص کیست؟

گفتم: علی بن ابی طالب است.

فرمود: اجازه بده وارد شود.

چون علی وارد شد، پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: ای علی! من سه بار به درگاه خدا دعا کردم که محبوب ترین خلقش را بفرستد تا با من از این مرغ بریان بخورد، اگر در نوبت سوم نمی آمدی، آمدن تو را با ذکر نامت از خداوند درخواست می کردم.

۱- ۱۱۶. أمالي صدوق رحمه الله، مجلس ۳۴، حدیث ۱۴.

نبـذه من كرامـات على "عليه السـلام" فقـال على عليه السـلام: يـا رسول اللَّه! إنى قـد جئت ثلاث مرّات، كلّ ذلك يردنى أنس ويقول: رسول اللَّه عنك مشغول.

فقال لى رسول اللَّه صلى الله عليه وآله: يا أنس! ما حملك على هذا؟

فقلت: يا رسول اللَّه! سمعت الدعوه فأحببت أن يكون رجلاً من قومى.

فلمّا كان يوم الدار استشهدنى على عليه السلام فكتمته فقلت: إنّى نسيته.

فرفع على عليه السلام يده إلى السماء، فقال:

اللهمّ ارم أنساً بوضح لا يستره من الناس.

ثمّ كشف العصابه عن رأسه، فقال: هذه دعوه على، هذه دعوه على.

۸۴ - حـدّثنا إبن المتوكّل، عن السـعدآبادى، عن البرقى، عن أبيه عن محمّـد بن سـنان، عن المفضّل بن عمر، عن أبى الجارود، عن جابر بن يزيد الجعفى، عن جابر بن عبد اللَّه الأنصارى قال:

خطبنا أميرالمؤمنين على بن أبى طالب عليه السـلام فحمـد اللَّه وأثنى عليه، ثمّ قال: أيها النّاس! إن قـدّام منبركم هـذا أربعه رهط من أصـحاب محمّدصـلى الله عليه وآله منهم أنس بن مالك والبراء بن عازب الأنصارى والأشـعث بن قيس الكنـدى وخالـد بن يزيد البجلى، ثمّ أقبل بوجهه على أنس بن مالك فقال: يا أنس! إن كنت سمعت من رسول اللَّه صلى الله عليه وآله يقول:

«من كنت مولاه فعلى [فهذا على عليه السـلام] مولاه»، ثمّ لم تشـهد لى اليوم بالولايه فلا أماتك اللَّه حتّى يبتليك ببرص لا تغطيه العمامه.

وأمّا أنت يا أشـعث! فإن كنت سـمعت رسول اللَّه صلى الله عليه وآله وهو يقول: «من كنت مولاه، فهذا على مولاه، اللّهمّ وال من والاه، وعاد من عاداه» ثمّ لم تشهد لى اليوم بالولايه فلا أماتك اللَّه حتّى يذهب بكريمتيك.

وأمّا أنت يا خالد بن يزيد! إن كنت سـمعت رسول اللَّه صلى الله عليه وآله يقول: «من كنت مولاه فهذا على مولاه، اللّهمّ وال من والاه وعاد من عاداه» ثمّ لم تشهد لى اليوم بالولايه فلا أماتك اللَّه إلاّ ميته جاهليه.

گوشه ای از کرامات حضرت علی "علیه السلام" علی علیه السلام گفت: ای پیامبر خدا! این بار سوم است که آمدم، ولی در هر بار، انس مرا برمی گرداند.

پیامبرصلی الله علیه وآله به من فرمود: ای انس! چرا علی را برمی گرداندی؟

عرض کردم: دوست داشتم این افتخار نصیب مردی از قوم من شود.

پس از مدتی، هنگام اختلاف در خلافت، علی علیه السلام مرا خواست که بر این مطلب گواهی دهم، ولی من آن را کتمان کرده، گفتم: فراموش کرده ام.

علی علیه السلام دست به آسمان برداشت و گفت:

خدایا! انس را به یک پیسی دچار کن که نتواند آن را از مردم بپوشاند.

انس دستمال را برداشت وگفت: این است نفرین علی علیه السلام این است نفرین علی علیه السلام. (۱)

۸۴ - جابر بن عبداللّه انصاری می گوید:

امام علی علیه السلام در ضمن یک سخنرانی برای ما فرمود:

ای مردم! در جمع شما چهار نفر از بزرگان اصحاب پیامبرصلی الله علیه وآله حاضر هستند: انس بن مالک، براء بن عازب انصاری، اشعث بن قیس کندی، و خالد بن یزید بجلی.

سپس رو کرد به انس بن مالک و فرمود: ای انس! اگر از پیامبر خداصلی الله علیه وآله شنیدی که فرمود: «هر که من مولای اویم، علی [این علی مولای اوست» و امروز گواهی ندهی، خدا تو را گرفتار نوعی پیسی کند که نتوانی با عمامه ات آن را بپوشانی.

امّا تو ای اشعث! اگر از پیامبر خدا شنیدی که فرمود: «هر که من مولای اویم علی مولای اوست، خدایا! دوست او را دوست بدار و دشمنش را دشمن باش» و امروز گواهی ندهی، به مرگ نرسی مگر این که خدا تو را کور کند.

و تو ای خالد! اگر این سخنان را از پیامبر شنیدی و حال گواهی ندهی، خدا تو را به مرگ جاهلیت بمیراند.

۱- ۱۱۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۴، حدیث ۳.

نبذه من كرامات على "عليه السـلام" وأما أنت يا براء بن عازب! إن كنت سمعت رسول اللّه صلى الله عليه وآله يقول «من كنت مولاه فهذا على مولاه اللّهمّ وال من والاه وعاد من عاداه» ثمّ لم تشهد لى اليوم بالولايه فلا أماتک اللّه إلاّ حيث هاجرت منه.

قال جابر بن عبد اللّه الأنصارى: واللّه! لقد رأيت أنس بن مالك وقد ابتلى ببرص يغطيه بالعمامه فما تستره. ولقد رأيت الأشعث بن قيس وقد ذهبت كريمتاه وهو يقول: الحمد للّه الّذى جعل دعاء أميرالمؤمنين على بن أبى طالب على بالعمى فى الدنيا ولم يدع على بالعذاب فى الآخره فأعذب. فأمّا خالد بن يزيد فإنه مات فأراد أهله أن يدفنوه وحفر له فى منزله فدفن، فسمعت بذلک كنده فجاءت بالخيل والإبل فعقرتها على باب منزله، فمات ميته جاهليه. وأمّا البراء بن عازب فإنه ولاه معاويه اليمن فمات بها ومنها كان هاجر.

گوشه ای از کرامات حضرت علی "علیه السلام" و تو ای براء بن عازب! اگر این مطالب را شنیده ای و امروز به ولایت من گواهی ندهی از آنجا که آمدی و هجرت کردی به همان جا برگردی و در آنجا بمیری.

جابر بن عبداللّه قسم می خورد و می گفت: انس بن مالک را دیدم که گرفتار پیسی شده، بطوری که نمی تواند آن را زیر عمامه خود پنهان کند. اشعث را دیدم که کور شده بود و می گفت: خدا را شکر که امیرالمومنین فقط برای دنیای من نفرین کرد نه بر آخرت من که عذاب شوم. و خالد نیز مرگش فرا رسید، خانواده اش او را در منزل به خاک سپردند؛ ولی اهل کنده خبردار شدند و آمدند به رسم جاهلیت برایش مراسم گرفتند، و براء بن عازب را معاویه فرماندار یمن کرد و در همان جا مُرد، در حالی که او از آنجا هجرت کرده بود. (۱)

۱- ۱۱۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۶، حدیث ۱.

۸۵ - حدّثنا ماجیلویه، عن عمّه، عن محمّد بن علی الکوفی، عن عامر بن کثیر، عن أبی الجارود، عن ثابت بن أبی صفیه، عن سید العابدین علی بن الحسین، عن سید الشهداء الحسین بن علی، عن سید الوصیین أمیرالمؤمنین علی بن أبی طالب علیهم السلام، عن سید النبیین محمّد بن عبد اللَّه خاتم النبیین صلی الله علیه وآله أنّه قال:

إنّ اللَّه تبارک وتعالی فرض علیکم طاعتی، ونهاکم عن معصیتی، وأوجب علیکم اتّباع أمری، وفرض علیکم من طاعه علی بعدی ما فرضه من طاعتی، ونهاکم من معصیته عمّا نهاکم عنه من معصیتی.

وجعله أخی ووزیری ووصیی ووارثی وهو منّی و أنا منه، حبّه إیمان وبغضه کفر، ومحبّه محبّی، ومبغضه مبغضی، وهو مولی من أنا مولاه، وأنا مولی کل مسلم ومسلمه، وأنا وإیاه أبوا هذه الأمّه.

۸۶ - حدّثنا ماجیلویه، عن عمّه، عن الکوفی، عن محمّد بن سنان، عن المفضّل بن عمر، عن ثابت بن أبی صفیه، عن سعید بن جبیر، عن عبد اللَّه بن عبّاس قال: قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

معاشر الناس! من أحسن من اللَّه قیلاً وأصدق من اللَّه حدیثاً؟

معاشر الناس! إنّ ربّکم جلّ جلاله أمرنی أن أقیم لکم علیاً علماً وإماماً وخلیفهً ووصیاً وأن أتّخذه أخاً ووزیراً.

معاشر الناس! إنّ علیاً باب الهدی بعدی، والداعی إلی ربّی، وهو صالح المؤمنین «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلاً مِمَّنْ دَعا إِلَی اللَّهِ وَعَمِلَ صالِحاً وَقالَ إِنَّنِی مِنَ الْمُسْلِمِینَ». (۱)

۱- ۱۱۹. سوره الفصّلت {۴۱}: الآیه ۳۳.

فضیلت های متعدد حضرت علی "علیه السلام"

قسمت اول

۸۵ – امام سجادعلیه السلام از پدر بزرگوارش امام حسین علیه السلام از حضرت علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود:

به راستی که خداوند متعال، اطاعت مرا بر شما لازم فرموده و از نافرمانی من شما را باز داشته است و پیروی از امر مرا بر شما واجب ساخته است.

پس از من نیز، اطاعت علی را بر شما واجب کرده، چنان که اطاعت مرا واجب کرده بود، و شما را از نافرمانی او باز داشته، آن سان که از نافرمانی من باز داشته بود.

خداوند علی علیه السلام را برادر، وصی، وزیر و وارث من قرار داده است.

او از من است و من از اویم. دوستی علی، ایمان و دشمنی با او، کفر است. دوستدار او، دوستدار من و دشمن او، دشمن من است.

او مولای هر کسی است که من مولای اویم و من هم مولای هر مرد و زن مسلمان هستم، من و علی دو پدر این امت می باشیم. (۱)

۸۶ – ابن عبّاس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

ای مردم! چه سخنی بهتر از سخن خدا و چه کسی راست گوتر از خداست؟

ای مردم! به راستی که خدای بزرگ، به من امر کرد که علی علیه السلام را، به عنوان پرچم هدایت، امام (بر شما)، و جانشین و وصی خودم اعلام کنم و او را برادر و وزیر خود قرار دهم.

ای مردم! علی بعد از من باب هدایت و دعوت کننده به سوی پروردگار است. و او صالح (و نیکوکار) مؤمنان است. و کیست نیکو سخن تر از آن که (مردم را) به سوی خدا دعوت کند و عمل صالح انجام دهد و بگوید همانا من از مسلمانانم؟

۱- ۱۲۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴، حدیث ۶.

فضائله الجامعه معاشر الناس! إنّ علياً منّی، ولده ولدی، وهو زوج حبیبتی، أمره أمری، ونهیه نهیی.

معاشر الناس! علیکم بطاعته واجتناب معصیته، فإنّ طاعته طاعتی، ومعصیته معصیتی.

معاشر الناس! إنّ علیاً صدّیق هذه الأمّه وفاروقها ومحدّثها، إنّه هارونها ویوشعها وآصفها وشمعونها، إنّه باب حطتها وسفینه نجاتها، إنّه طالوتها وذو قرنیها.

معاشر الناس! إنّه محنه الوری، والحجّه العظمی، والآیه الکبری، وإمام أهل الدنیا، والعروه الوثقی.

معاشر الناس! إنّ علیاً مع الحقّ والحقّ معه وعلی لسانه.

معاشر الناس! إنّ علیاً قسیم النّار لا یدخل النّار ولی له، ولا ینجو منها عدوّ له، إنّه قسیم الجنّه لا یدخلها عدوّ له ولا یزحزح عنه ولی له.

معاشر أصحابی! قد نصحت لکم وبلّغتکم رساله ربّی ولکن لا تحبّون الناصحین (۱) أقول قولی هذا وأستغفر اللَّه لی ولکم.

۸۷ - حدّثنا أبی، عن المؤدّب، عن أحمد بن علی الأصبهانی، عن الثقفی، عن جعفر بن الحسن، عن عبید اللَّه بن موسی العبسی، عن محمّد بن علی السلمی، عن عبد اللَّه بن محمّد بن عقیل، عن جابر بن عبد اللَّه الأنصاری أنه قال: لقد سمعت رسول اللَّه صلی الله علیه وآله یقول:

إنّ فی علی علیه السلام خصالاً لو کانت واحده منها فی جمیع الناس لاکتفوا بها فضلاً.

۱- ۱۲۱. مضمون سوره الأعراف {۷}: الآیه ۷۹.

فضیلت های متعدد حضرت علی "علیه السلام" ای مردم! به راستی، علی از من است، فرزندانش، فرزندان من و همو همسر حبیبه من فاطمه است. فرمانش، فرمان من و نهی او، نهی من است.

ای مردم! بر شما لازم است از او اطاعت کنید و نافرمانی اش نکنید؛ زیرا اطاعت از او اطاعت از من و نافرمانی از وی، نافرمانی از من است.

ای مردم! بدانید که علی، صدیق این اُمّت و فاروق آن و محدّث آن است. و همو هارون و یوشع و آصف و شمعون این اُمّت است، او باب حطّه (آمرزش)، کشتی نجات و همچنین طالوت و ذوالقرنین این اُمّت است.

ای مردم! علی وسیله آزمایش بشر، حجت عظمی و نشانه کبرای خداست، او پیشوای مردم دنیا و ریسمان محکم خداست.

ای مردم! به راستی که علی با حق است و حق نیز با علی و بر زبان او است.

ای مردم! همانا علی تقسیم کننده جهنّم است، هیچ یک از دوستانش داخل جهنم نمی شوند و هیچ یک از دشمنانش از آتش دوزخ رهایی نمی یابند، او تقسیم کننده بهشت است، هیچ یک از دشمنانش داخل بهشت نمی شوند و هیچ یک از دوستان او از بهشت دور نمی گردند.

ای گروه یارانم! «به طور حتم من شما را نصیحت کردم و پیام پروردگارم را رساندم، اگرچه شما ناصحان را دوست نمی دارید»، این سخن من است که می گویم، و برای خودم و شما آمرزش می خواهم. (۱)

۸۷ - جابر بن عبداللّه انصاری می گوید: از پیامبر خداصلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود:

علی علیه السلام ویژگی هایی دارد که اگر یکی از آن ها به تمام مردم داده شود برایشان کافی است. و آن امتیازات، عبارتند از: فرمایش پیامبرصلی الله علیه وآله در باره او:

۱- ۱۲۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸، حدیث ۴.

فضائله الجامعه قوله صلی الله علیه وآله: من کنت مولاه فعلی مولاه؛

وقوله صلی الله علیه وآله: علی علیه السلام منّی کهارون من موسی؛

وقوله صلی الله علیه وآله: علی علیه السلام منّی وأنا منه؛

وقوله صلی الله علیه وآله: علی علیه السلام منّی کنفسی، طاعته طاعتی، ومعصیته معصیتی؛

وقوله صلی الله علیه وآله: حرب علی علیه السلام حرب اللَّه وسلم علی علیه السلام سلم اللَّه؛

وقوله صلی الله علیه وآله: ولی علی علیه السلام ولی اللَّه وعدوّ علی عدوّ اللَّه؛

وقوله صلی الله علیه وآله: علی علیه السلام حجه اللَّه وخلیفته علی عباده؛

وقوله صلی الله علیه وآله: حبّ علی علیه السلام إیمان وبغضه کفر؛

وقوله صلی الله علیه وآله: حزب علی علیه السلام حزب اللَّه وحزب أعدائه حزب الشیطان؛

وقوله صلی الله علیه وآله: علی علیه السلام مع الحقّ والحقّ معه لایفترقان حتّی یردا علی الحوض؛

وقوله صلی الله علیه وآله: علی علیه السلام قسیم الجنّه والنّار؛

وقوله صلی الله علیه وآله: من فارق علیاًعلیه السلام فقد فارقنی، ومن فارقنی فقد فارق اللَّه عزّوجلّ؛

وقوله صلی الله علیه وآله: شیعه علی علیه السلام هم الفائزون یوم القیامه.

۸۸ - حدّثنا القطّان، عن عبد الرحمان بن أبی حاتم، عن هارون بن إسحاق، عن عبده بن سلیمان، عن کامل بن العلاء، عن حبیب بن أبی ثابت، عن سعید بن جبیر، عن عبد اللَّه بن عبّاس قال: قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله لعلی بن أبی طالب علیه السلام:

یا علی! أنت صاحب حوضی، وصاحب لوائی، ومنجز عداتی، وحبیب قلبی، ووارث علمی، وأنت مستودع مواریث الأنبیاء، وأنت أمین اللَّه فی أرضه، وأنت حجه اللَّه علی بریته، وأنت رکن الإیمان، وأنت مصباح الدجی، وأنت منار الهدی، وأنت العلم المرفوع لأهل الدنیا، من تبعک نجا، ومن تخلّف عنک هلک.

فضیلت های متعدد حضرت علی "علیه السلام" «هر که من مولای اویم، علی مولای او است.»

و «علی نسبت به من، چون هارون نسبت به موسی است.»

و «علی از من است و من از علی.»

و «علی نسبت به من، چون جان من است، اطاعت از او، اطاعت از من و نافرمانی از او، نافرمانی از من است.»

و «جنگ با علی، جنگ با خداست و سازش با علی، سازش با خدا است.»

و «دوست علی، دوست خداست و دشمن او، دشمن خدا است.»

و «علی حجّت و خلیفه خدا بر بندگان است.»

و «دوستی علی، نشانه ایمان و دشمنی با او، نشانه کفر است.»

و «حزب علی حزب خداست و حزب دشمنان او، حزب شیطان است.»

و «علی با حق است، همان طور که حق با علی است و این دو از هم جدا نشوند تا این که بر کنار حوض کوثر به من ملحق شوند.»

و «علی قسمت کننده بهشت و دوزخ است.»

و «هر کس از علی جدا شود از من جدا شده و هر کس از من جدا شود، از خدا جدا شده است.»

و «فقط شیعیان علی، رستگاران روز قیامت هستند.» (۱)

۸۸ – ابن عبّاس می گوید:

پیامبر خداصلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! تو صاحب حوض کوثر و پرچمدار منی و وعده های مرا برآورده می کنی. تو دوست صمیمی من و وارث دانش من و امانت دار میراث پیامبرانی، تو امین خدا در زمین و حجّت او بر مردم هستی، رکن ایمان و چراغ هدایت در تاریکی ها تو هستی، تو نشانه برافراشته شده برای اهل دنیا می باشی، هر کس از تو پیروی کند، نجات یابد و هر کس از تو تخلف ورزد نابود شود.

۱- ۱۲۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۰، حدیث ۱.

فضائله الجامعه وأنت الطريق الواضح، وأنت الصراط المستقيم، وأنت قائد الغرّ المحجّلين، وأنت يعسوب المؤمنين، وأنت مولى من أنا مولاه وأنا مولى كل مؤمن ومؤمنه، لا يحبّك إلاّ طاهر الولاده، ولا يبغضك إلاّ خبيث الولاده.

وما عرج بى ربّى عزّ وجلّ إلى السماء قطّ وكلّمنى ربّى إلاّ قال لى: «يا محمّد! اقرأ علياً منّى السلام وعرّفه أنّه إمام أوليائى ونور أهل طاعتى.»

فهنيئاً لك يا على! هذه الكرامه.

۸۹ - حدّثنا محمّد بن إبراهيم بن إسحاق رضى الله عنه، عن محمّد بن جرير الطبرى، عن أحمد بن رشيد، عن سعيد بن خيثم خثيم ، عن سعد، عن الحسن البصرى

أنّه بلغه أنّ زاعماً يزعم أنّه ينتقص علياًعليه السلام، فقام فى أصحابه يوماً فقال:

لقد هممت أن أغلق بابى ثمّ لا- أخرج من بيتى حتّى يأتينى أجلى، بلغنى أنّ زاعماً منكم يزعم أنّى أنتقص خير الناس بعد نبيناصلى الله عليه وآله و أنيسه وجليسه والمفرّج للكرب عنه عند الزلازل، والقاتل للأقران يوم التنازل، لقد فارقكم رجل قرأ القرآن فوقّره، وأخذ العلم فوفّره، وحاز البأس فاستعمله فى طاعه ربّه، صابراً على مضض الحرب، شاكراً عند اللأواء والكرب.

فعمل بكتاب ربّه ونصح لنبيه وابن عمّه وأخيه، آخاه دون أصحابه وجعل عنده سرّه، وجاهد عنه صغيراً وقاتل معه كبيراً، يقتل الأقران، وينازل الفرسان دون دين اللّه حتّى وضعت الحرب أوزارها، متمسّكاً بعهد نبيه لا يصدّه صادّ، ولا يمالى عليه مضادّ، ثمّ مضى النبى صلى الله عليه وآله وهو عنه راض.

فضیلت های متعدد حضرت علی "علیه السلام" تو راه روشن و صراط مستقیم هستی، پیشوای دست و روسفیدان و سرور و رهبر مؤمنان می باشی، تو مولای هر کسی هستی که من مولای او هستم و من مولای تمام مؤمنانم، دوست ندارد تو را مگر پاک زاده و با تو دشمنی نمی ورزد مگر ناپاک و حرامزاده.

پروردگارم هیچ گاه مرا به آسمان بالا نبرد و با من سخن نگفت، مگر این که فرمود:

«ای محمّد! سلام مرا به علی برسان و به او خبر ده که امام دوستان من و نور اهل طاعت من است.»

پس گوارا باد بر تو این کرامت، ای علی! (۱)

۸۹ – سعید بن خیثم از قول سعد می گوید: حسن بصری شنید که برخی گمان می کنند او به علی علیه السلام خرده وایراد می گیرد. روزی در بین یاران خود ایستاد و گفت:

تصمیم گرفته بودم که (از شدت ناراحتی) تا آخر عمر از خانه بیرون نیایم و باکسی کاری نداشته باشم، شنیده ام یکی از شما مرا متّهم کرده که من به کسی خرده می گیرم که پس از پیامبرصلی الله علیه وآله بهترین مردم بود، انیس و همنشین او بود، هنگام گرفتاری از او رفع گرفتاری می کرد، در جنگ ها هم نبردان خود را از پای در می آورد.

بی تردید مردی از میان شما رفت که قرآن را با احترام قرائت می کرد، علم وافر داشت و جنگاوری اش را در طاعت پروردگارش به کار می بست، در سختی های جنگ شکیبا بود و در ناملایمات زندگی شکرگزار.

به کتاب خدا عمل کرد و خیر خواه پیامبر خداصلی الله علیه وآله پسر عمو وبرادرش بود؛ پیامبرصلی الله علیه وآله نیز از بین همه یارانش او را به عنوان برادر برگزید و اسرارش را به او سپرد؛ از کوچکی به همراه او جهاد می کرد و در بزرگ سالی به همراهش نبرد می نمود. به خاطر دین خدا تا انتهای جنگ، پهلوانان را می کشت وبا یکه سواران مبارزه می کرد. متمسّک به سفارش پیامبرش بود و هیچ چیزی مانع او نمی شد و مخالفی بر او چیره نمی گشت. پیامبر خداصلی الله علیه وآله در حالی که از او راضی بود رحلت فرمود.

۱- ۱۲۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۰، حدیث ۱۴.

فضائله الجامعهأعلم المسلمين علماً، وأفهمهم فهماً، وأقدمهم فى الإسلام، لا نظير له فى مناقبه، ولا شبيه له فى ضرائبه، فظلفت نفسه عن الشهوات، وعمل للّه فى الغفلات، وأسبغ الطهور فى السبرات، وخشع للّه فى الصلوات، وقطع نفسه عن اللذات، مشمراً عن ساق، طيب الأخلاق، كريم الأعراق، اتّبع سنن نبيه واقتفى آثار وليه. فكيف أقول فيه ما يوبقنى وما أحد أعلمه يجد فيه مقالاً فكفّوا عنّا الأذى وتجنّبوا طريق الردى.

۹۰ - حدّثنا إبن موسى، عن إبن زكريا، عن إبن حبيب، عن عبد الرحيم بن على الجبلى، عن الحسن بن نضر [نصر] الخزّاز، عن عمر بن طلحه، عن أسباط بن نضر، عن سماك بن حرب، عن سعيد بن جبير قال:

أتيت عبد اللّه بن عبّاس، فقلت له: يابن عم رسول اللّه! إنّى جئتك أسألك عن على بن أبى طالب واختلاف الناس فيه؟

فقال ابن عبّاس: يابن جبير! جئتنى تسألنى عن خير خلق اللّه من الأُمّه بعد محمّد نبى اللّه صلى الله عليه وآله، جئتنى تسألنى عن رجل كانت له ثلاثه آلاف منقبه فى ليله واحده وهى ليله القربه؟

يابن جبير! جئتنى تسألنى عن وصى رسول اللّه صلى الله عليه وآله ووزيره و خليفته وصاحب حوضه ولوائه وشفاعته؟

والّذى نفس ابن عبّاس بيده! لو كانت بحار الدنيا مداداً، والأشجار أقلاماً، وأهلها كتّاباً فكتبوا مناقب على بن أبى طالب عليه السلام و فضائله من يوم خلق اللّه عزّ وجلّ الدنيا إلى أن يفنيها، ما بلغوا معشار ما آتاه اللّه تبارك وتعالى.

فضیلت های متعدد حضرت علی "علیه السلام" علی، عالم ترین، فهیم ترین وپیشگام ترین مسلمانان بود، ودر مناقب و فضایل همانند نداشت، خود را از شهوات باز گرفت و در اوقات غفلتِ دیگران، او برای خدا کار می کرد. هنگام سرما، طهارت کامل انجام می داد و در نماز خاشع بود، به لـذّت جویی نپرداخت، خوش اخلاقی را همّت خود قرار داد، نیاکانش بزرگوار بودنـد و پیرو روش های پیامبر، و دنباله روی ولی خود بود.

چگونه درباره چنین کسی چیزی بگویم که موجب نابودی ام شود و کسی را هم نمی شناسم که جرأت بدگویی از او را داشته باشد. بس کنید، ما را آزار ندهید و خود را از گمراهی و نابودی دور نگه دارید. (۱)

۹۰ - سعید بن جبیر می گوید:

پیش ابن عبّاس رفتم تا در مورد علی بن ابی طالب و اختلاف مردم درباره او پرسش کنم.

ابن عبّاس گفت: ای پسر جبیر! آمـدی در مورد بهترین خلق خدا پس از پیامبر بپرسـی؟ آمدی در مورد کسـی تحقیق کنی که فقط در یک شب که آن لیله القربه است (۲)، سه هزار منقبت داشت؟

ای پسـر جبیر! آمدی درباره وصـی پیامبر و وزیر و خلیفه او و صاحب حوض کوثر و پرچمدار رسول خداصـلی الله علیه وآله و صاحب شفاعت او بپرسی؟

به خـدایی که جان ابن عبّاس در اختیار اوست! اگر همه دریاها مرکب شود و همه درختان قلم و همه خلق خدا نویسـنده شوند و از روزی که خداونـد، جهان را آفریـده تا پایان دنیا مشـغول نوشـتن شوند، یک دهم فضایل و مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام را هم نمی توانند بنویسند. (۳)

۱- ۱۲۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۷، حدیث ۱.

۲- ۱۲۶. قِربه به معنی ظرفی است که بـا آن آب می آورنـد ومنظور از لیله القِربَه، شبی است که امیرمؤمنان حضـرت علی علیه السـلام، در جنگ بدربرای آوردن آب رفته بودند و سه هزارفرشته برآن حضرت سلام کردند. {رجوع شود به بحار الأنوار: ج ۴۰ ص ۸}.

۳- ۱۲۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۲، حدیث ۱۵.

۹۱ – حدّثنا ماجيلويه، عن عمّه، عن محمّد بن على الكوفى، عن محمّد بن سنان، عن المفضّل، عن جابر بن يزيد، عن أبى الزبير المكى، عن جابر بن عبد اللَّه الأنصارى قال:

قال النبى صلى الله عليه وآله:

إنّ اللَّه تبارک وتعالى اصطفانى واختارنى وجعلنى رسولاً وأنزل على سيد الكتب.

فقلت: إلهى! وسيدى! إنّک أرسلت موسى إلى فرعون فسألک أن تجعل معه أخاه هارون وزيراً، تشدّ به عضده وتصدق به قوله وإنّى أسألک يا سيدى! وإلهى! أن تجعل لى من أهلى وزيراً، تشدّ به عضدى، فجعل اللَّه لى علياً وزيراً وأخاً وجعل الشجاعه فى قلبه وألبسه الهيبه على عدوّه. وهو أوّل من آمن بى وصدّقنى وأوّل من وحّد اللَّه معى، وإنّى سألت ذلک ربّى عزّ وجلّ فأعطانيه.

فهو سيد الأوصياء، اللحوق به سعاده، والموت فى طاعته شهاده، واسمه فى التوراه مقرون إلى اسمى، وزوجته الصدّيقه الكبرى ابنتى، وابناه سيدا شباب أهل الجنّه ابناى.

وهو وهما والأئمّه بعدهم حجج اللَّه على خلقه بعد النبيين، وهم أبواب العلم فى أمّتى، من تبعهم نجا من النار، ومن اقتدى بهم هدى إلى صراط مستقيم، لم يهب اللَّه عزّ وجلّ محبّتهم لعبد إلاّ أدخله اللَّه الجنّه.

فضیلت های متعدد حضرت علی "علیه السلام"

۹۱ - جابر بن عبداللّٰه انصاری نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

به راستی که خداوند، مرا برگزید وبه عنوان رسول قرار داد و برترین کتاب را بر من نازل فرمود.

پس از آن عرض کردم: خدایا! مولای من! آن گاه که موسی را به سوی فرعون فرستادی، از تو درخواست کرد، برادرش هارون را وزیر او قرار دهی، تا کمک او باشد و او را تصدیق کند، خدایا! من هم از تو می خواهم کسی را از خاندانم، به عنوان کمک من قرار بدهی تا وزیر من باشد.

پس خداوند، علی علیه السلام را به عنوان وزیر و برادر من قرار داد، شجاعت را در قلبش قرار داد و هیبتش را در دل دشمن انداخت.

علی نخستین کسی است که به من ایمان آورد، مرا تصدیق کرد و همراه من، خدای یگانه را پرستید، من آن را از خدا خواستم و خدا هم او را به من عطا فرمود.

پس او سید اوصیا است، پیوستن به او، سعادت است و مرگ در راه او شهادت. نام علی در تورات، در کنار نام من است و همسر او، صدیقه کبری، دختر من است، دو پسر او که آقای جوانان اهل بهشت هستند، پسران منند.

بعد از پیامبران، علی و دو پسر او و امامان پس از آن ها، حجّت های خدا بر مردم هستند، آنان درهای علم در میان اُمّت من هستند. هر کس از آن ها پیروی کند از آتش نجات یافته و آن که به ایشان اقتدا کند به راه راست هدایت شده است. خدای بزرگ، دوستی آن ها را به بنده ای نبخشیده، جز این که او را داخل بهشت خواهد کرد. (۱)

۱- ۱۲۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶، حدیث ۵.

۹۲ - حدّثنا الحافظ، عن عبد اللّٰه بن يزيد، عن محمّد بن ثواب، عن إسحاق بن منصور، عن كادح البجلى، عن عبد اللّٰه بن لهيعه، عن عبد الرحمان - يعنى إبن زياد -، عن سلمه بن يسار، عن جابر بن عبد اللّٰه قال:

لمّا قدم على عليه السلام على رسول اللّٰه صلى الله عليه وآله بفتح خيبر، قال له رسول اللّٰه:

لو لا أن تقول فيك طوائف من أمتى ما قالت النصارى للمسيح عيسى بن مريم لقلت فيك اليوم قولاً لا تمرّ بملاء إلّا أخذوا التراب من تحت رجليك ومن فضل طهورك يستشفون به، ولكن حسبك أن تكون منّى وأنا منك، ترثنى وأرثك، وأنّك منى بمنزله هارون من موسى إلّا أنّه لا نبى بعدى وأنّك تبرئ ذمّتى، وتقاتل على سنّتى، وأنّك غداً على الحوض خليفتى، وأنّك أوّل من يرد على الحوض، وأنّك أوّل من يكسى معى، وأنّك أوّل داخل الجنّه من أُمّتى، وأنّ شيعتك على منابر من نور مبيضّه وجوههم حولى، أشفع لهم ويكونوا غداً فى الجنّه جيرانى، وأنّ حربك حربى، وسلمك سلمى، وأنّ سرّك سرّى وعلانيتك علانيتى، وأنّ سريره صدرك كسريرتى، وأنّ ولدك ولدى.

وأنّك تنجز عداتى، وأنّ الحق معك، وأنّ الحق على لسانك وقلبك وبين عينيك، الإيمان مخالط لحمك ودمك كما خالط لحمى ودمى، وأنّه لن يرد على الحوض مبغض لك ولن يغيب عنه محبّ لك حتّى يرد الحوض معك.

قال فخرّ على عليه السلام ساجداً، ثمّ قال: الحمد للّٰه الّذى أنعم على بالإسلام وعلّمنى القرآن وحبّبنى إلى خير البريه خاتم النبيين وسيد المرسلين إحساناً منه وفضلاً منه على.

قال: فقال النبى صلى الله عليه وآله: لو لا أنت لم يعرف المؤمنون بعدى.

فضیلت های متعدد حضرت علی "علیه السلام"

۹۲ - جابر بن عبداللَّه انصاری می گوید:

هنگامی که امام علی علیه السلام مژده فتح خیبر را برای پیامبر خداصلی الله علیه وآله آورد، حضرت به او فرمود: اگر برخی از امت من، در مورد تو سخنانی را نمی گفتند آن گونه که نصاری درباره عیسی چنین گفتند، در باره تو چیزهایی می گفتم که مردم خاک زیر پایت و زیادی آب وضویت را به عنوان شفا می گرفتند، با این حال همین برای تو کافی است که: تو از منی و من از توام؛ تو، وارث منی و من هم وارث تو؛ تو نسبت به من به منزله هارون هستی نسبت به موسی، جز این که بعد از من پیامبری نیست. دَین مرا تو ادا می کنی، به روش من جنگ می کنی و فردای قیامت بر حوض کوثر خلیفه من می باشی.

تو نخستین کسی هستی که سر حوض کوثر بر من وارد می شوی. اوّلین کسی هستی که همراه من جامه بر تن می کنی، اولین کسی هستی که از اُمّت من وارد بهشت می شوی؛ شیعیان تو بر منبرهایی از نور و با روی سفید، گرداگرد من باشند و من هم آن ها را شفاعت می کنم وآنان همسایه های من در بهشتند. جنگ و صلح با تو، جنگ و صلح با من است، راز و سرّ تو، راز و سرّ من است؛ آشکار تو آشکار من و فرزندان تو، فرزندان من هستند.

این تویی که به وعده های من عمل می کنی، همیشه حق با تو بوده و بر زبان تو جاری و در قلب و چشم توست. ایمان با گوشت و خون تو آمیخته است؛ همان گونه که با گوشت وخون من آمیخته است؛ و هرگز دشمن تو بر حوض کوثر نرسد و دوست تو نیز از آن غایب نمی شود تا این که به همراه تو وارد آن شود.

جابر می گوید: در این هنگام علی علیه السلام بر سجده افتاد و گفت: حمد خدا را که نعمت مسلمانی به من داد، مرا قرآن آموخت و به فضل و احسان خودش مرا محبوب بهترین مردم، آخرین پیامبر و آقای پیامبران قرار داد.

جابر می گوید: آن گاه پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

ای علی! اگر تو نبودی، پس از من مؤمنان شناخته نمی شدند. (۱)

۱- ۱۲۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۱، حدیث ۱.

قسمت سوم

فضائله الجامعه

۹۳ - حدّثنا ماجیلویه، عن عمّه، عن الکوفی، عن علی بن عثمان، عن محمّد بن الفرات، عن أبی جعفر محمّد بن علی الباقر، عن أبیه، عن جده علیهم السلام

قال: قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله:

إنّ علی بن أبی طالب علیه السلام خلیفه اللّٰه وخلیفتی وحجّه اللّٰه وحجّتی وباب اللّٰه وبابی، وصفّی اللّٰه وصفیی، وحبیب اللّٰه وحبیبی، وخلیل اللّٰه وخلیلی، وسیف اللّٰه وسیفی.

وهو أخی وصاحبی ووزیری ووصیی، محبّه محبّی، ومبغضه مبغضی، وولیه ولیی، وعدوّه عدوّی، وحربه حربی، وسلمه سلمی، وقوله قولی، وأمره أمری، وزوجته ابنتی، وولده ولدی، وهو سید الوصیین، وخیر أُمّتی أجمعین.

۹۴ - حدّثنا حمزه العلوی، عن علی بن إبراهیم، عن أبیه، عن علی بن معبد، عن الحسین بن خالد،

عن علی بن موسی الرضا، عن أبیه، عن آبائه علیهم السلام قال:

قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله:

یا علی! أنت أخی و وزیری و صاحب لوائی فی الدنیا و الآخره و أنت صاحب حوضی، من أحبّک أحبّنی و من أبغضک أبغضنی.

۹۵ - حدّثنا الهمدانی، عن علی بن إبراهیم، عن جعفر بن سلمه، عن الثقفی، عن محمّد بن أبی علی [محمّد بن علی ، عن العبّاس بن عبد اللّٰه، عن عبدالرحمان بن الأسود، عن عبد الرحمان بن مسعود، عن علی علیه السلام قال:

قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله:

أحبّ أهل بیتی إلی وأفضل من أترک بعدی علی بن أبی طالب علیه السلام.

فضیلت های متعدد حضرت علی "علیه السلام"

۹۳ – امام باقر از پدرانش علیهم السلام نقل می کند که پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود:

علی بن ابی طالب، خلیفه خدا و خلیفه من است، او حجّت خدا و حجّت من است، او دروازه (شناخت) خدا و من است، برگزیده خدا و من است، حبیب خدا و حبیب من است. رفیق خدا و رفیق من است و شمشیر خدا و شمشیر من است.

علی برادر، یار، وزیر و وصی من است، دوست او دوست من است و دشمن او، دشمن من؛ جنگ با او، جنگ با من است و سازش با او، سازش با من؛ سخن او، سخن من است و فرمانش، فرمان من؛ همسر او، دخترم فاطمه است و فرزندانش و فرزندان منند؛ او آقای اوصیا و بهترین فرد اُمّت من است. (۱)

۹۴ – امام رضاعلیه السلام از پدران گرامش نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

ای علی! تو در دنیا و آخرت برادر، وزیر و پرچمدار من هستی؛

تو صاحب حوض کوثری؛ هر که تو را دوست دارد مرا دوست داشته و آن که تو را دشمن دارد، با من دشمنی کرده است. (۲)

۹۵ – ابن مسعود از قول امام علی علیه السلام نقل می کند که فرمود: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمودند:

محبوب ترین فرد خاندانم و برترین کسی که پس از خودم به جا می گذارم، علی بن ابی طالب است. (۳)

۱– ۱۳۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۳۶، حدیث ۱۷.

۲– ۱۳۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۴، حدیث ۱۱.

۳– ۱۳۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۱۹.

۹۶ - حدّثنا الهمدانی، عن علی بن إبراهیم، عن جعفر بن سلمه، عن الثقفی، عن الحکم بن سلیمان، عن علی بن هاشم، عن عمرو بن حریث الأشجعی، عن بردعه بن عبد الرحمان، عن أبی الخلیل، عن سلمان رحمه الله قال:

دخلت علی رسول اللَّه صلی الله علیه وآله عند الموت، فقال:

علی بن أبی طالب أفضل من ترکت بعدی.

۹۷ - حدّثنا الحسین بن أحمد بن إدریس، عن أبیه، عن محمّد بن أحمد بن یحیی بن عمران الأشعری، عن إبراهیم بن هاشم، عن عمرو بن عثمان، عن محمّد بن عذافر، عن أبی حمزه، عن علی بن الحزور، عن القاسم، عن أبی سعید قال:

أتت فاطمهعلیها السلام النبی صلی الله علیه وآله فذکرت عنده ضعف الحال.

فقال لها: أ ما تدرین ما منزله علی علیه السلام عندی، کفانی أمری وهو ابن اثنتی عشره سنه وضرب بین یدی بالسیف وهو ابن ست عشره سنه، وقتل الأبطال وهو ابن تسع عشره سنه، وفرّج همومی وهو ابن عشرین سنه، ورفع باب خیبر وهو ابن اثنتین وعشرین سنه کامله، وکان لا یرفعه خمسون رجلًا.

قال: فأشرق لون فاطمهعلیها السلام ولم تقر قدماها حتّی أتت علیاًعلیه السلام فأخبرته.

فقال: کیف لو حدثتک بفضل اللَّه علی کلّه.

۹۸ - حدّثنا إبن الولید، عن محمّد بن أبی القاسم، عن محمّد بن علی الصیرفی، عن محمّد بن سنان، عن المفضل بن عمر؛

عن أبی عبد اللَّه الصادق، عن أبیه عن جده علیهم السلام قال:

بلغ أمّ سلمه زوجه النبی صلی الله علیه وآله، أنّ مولی لها یتنقص [ینتقص] علیاً ویتناوله، فأرسلت إلیه. فلمّا أن صار إلیها قالت له: یا بنی! بلغنی أنّک تتنقص [تنتقص] علیاً وتتناوله.

قال لها: نعم یا اُمّاه.

فضیلت های متعدد حضرت علی "علیه السلام"

۹۶ - سلمان فارسی می گوید: هنگام رحلت پیامبر خداصلی الله علیه وآله، خدمتش رسیدم، فرمود:

علی بن ابی طالب بهترین کسی است که پس از خود به جا می گذارم. (۱)

۹۷ - أبو سعید می گوید:

روزی فاطمه علیها السلام نزد پیامبرصلی الله علیه وآله آمد و اظهار کسالت کرد.

پیامبرصلی الله علیه وآله به او فرمود: مگر نمی دانی علی علیه السلام چه مقامی نزد من دارد؟

۱۲ ساله بود که کارهای مرا اداره می کرد، در ۱۶ سالگی برابرم شمشیر می زد و ۱۹ ساله بود که پهلوان ها را کشت. در ۲۰ سالگی همّ و غم مرا برطرف می کرد. ۲۲ ساله بود که در خیبر را از جا کند، دری که ۵۰ مرد هم نمی توانستند آن را جابه جا کنند.

در این هنگام چهره فاطمه علیها السلام از شادی برافروخت و آرام و قرار نداشت تا نزد علی علیه السلام برگشت و به او گزارش داد.

علی علیه السلام در جوابش فرمود: پس اگر همه فضایلی را که خدا به من داده برایت بازگو کنم، چه حالی پیدا می کنی؟ (۲)

۹۸ - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش و از جدّ والا مقامش نقل می فرماید:

روزی به اُمّ سلمه، همسر پیامبرصلی الله علیه وآله خبر رسید که یکی از نزدیکانش از علی علیه السلام بدگویی می کند، او را خواست و گفت: آیا این خبر صحّت دارد؟

گفت: بله مادر!

ص:۱۵۱

۱- ۱۳۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۲۰.

۲- ۱۳۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۲، حدیث ۱۳.

فضائله الجامعهقالت: اقعد، ثكلتْکَ اُمّک! حتّی أحدّثک بحدیث سمعته من رسول اللَّه صلی الله علیه وآله، ثمّ اختر لنفسک، إنّا کنّا عند رسول اللَّه صلی الله علیه وآله تسع نسوه وکانت لیلتی ویومی من رسول اللَّه صلی الله علیه وآله فدخل النبی صلی الله علیه وآله و هو متهلل أصابعه فی أصابع علی علیه السلام واضعاً یده علیه، فقال:

یا اُمّ سلمه! اخرجی من البیت أخلّیه لنا.

فخرجت وأقبلا یتناجیان، أسمع الکلام وما أدری ما یقولان، حتّی إذا قلت: قد انتصف النهار فأتیت الباب، فقلت: أدخل یا رسول اللَّه؟

قال: لا. فکبوت کبوه شدیده، مخافه أن یکون ردّنی من سخطه [سخطه] أو نزل فی شی ء من السماء، ثمّ لم ألبث أن أتیت الباب الثانیه، فقلت: أدخل یا رسول اللَّه؟ قال: لا. فکبوت کبوه أشدّ من الأولی، ثمّ لم ألبث حتّی أتیت الباب الثالثه، فقلت: أدخل یا رسول اللَّه؟

فقال: اُدخل یا اُمّ سلمه.

فدخلت وعلی علیه السلام جاثٍ بین یدیه وهو یقول: فداک أبی واُمّی یا رسول اللَّه! إذا کان کذا وکذا فما تأمرنی؟

قال: آمرک بالصبر.

ثمّ أعاد علیه القول الثانیه، فأمره بالصبر، فأعاد علیه القول الثالثه.

فقال له: یا علی، یا أخی! إذا کان ذاک منهم فسلّ سیفک، وضعه علی عاتقک واضرب به قدماً قدماً حتّی تلقانی وسیفک شاهر یقطر من دمائهم.

ثمّ التفت صلی الله علیه وآله إلی، فقال لی: واللَّه! ما هذه الکأبه یا اُمّ سلمه!

قلت: للّذی کان من ردّک لی یا رسول اللَّه!

فقال لی: واللَّه! ما رددتک من موجده وإنّک لعلی خیر من اللَّه ورسوله، لکن أتیتنی وجبرئیل عن یمینی وعلی عن یساری وجبرئیل یخبرنی بالأحداث الّتی تکون من بعدی وأمرنی أن أوصی بذلک علیاً.

ص:۱۵۲

فضیلت های متعدد حضرت علی "علیه السلام" اُمّ سلمه گفت: مادرت به عزایت بگرید! چه کار زشتی کردی! بنشین تا آنچه از پیامبرصلی الله علیه وآله شنیده ام برایت بگویم، پس در کارت تجدید نظر کن.

ما نُه زن، همسران پیامبر بودیم، در یک شب و روزی که نوبت من بود، پیامبرصلی الله علیه وآله در حالی که دست در دست علی علیه السلام داشت، وارد خانه من شد و فرمود: از اطاق بیرون شو و ما را تنها بگذار.

من خارج شدم و آن ها مشغول صحبت شدند. از بیرون فقط همهمه آن ها را می شنیدم، ولی نمی فهمیدم که چه می گویند. نصف روز گذشت، آمدم پشت در، اجازه ورود گرفتم، ولی اجازه نفرمود. ترسیدم شاید از من ناراحت شده یا آیه ای در مورد من نازل شده است. مدتی درنگ کردم، دوباره اجازه خواستم، باز فرمود: نه.

بیشتر ترسیدم و ناراحت شدم. برای بار سوّم در زدم.

فرمود: وارد شو.

وارد شدم، علی علیه السلام دو زانو برابر پیامبرصلی الله علیه وآله نشسته بود و عرض می کرد: پدر و مادرم قربان شما! اگر چنین و چنان شد، چه دستوری می فرمایید؟

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: دستور صبر است.

دوباره پرسید، فرمود: صبر.

در مرتبه سوم، پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: ای علی، ای برادرم! اگر چنین کردند شمشیر بردار، آن قدر بزن و پیش برو تا در حالی که خون از شمشیرت می چکد، به دیدار من بیایی.

سپس رو به من فرمود: ای ام سلمه! چرا افسرده ای؟

عرض کردم: ترسیدم از من ناراحت شده ای.

فرمود: به خدا سوگند! من تو را از روی خشم و ناراحتی بیرون ننمودم؛ چرا که تو در نظر خدا و رسولش نیکویی، ولی هنگامی که تو آمدی، جبرئیل سمت راست من بود و علی علیه السلام در سمت چپ، جبرئیل گزارش پیشامدهای پس از مرا می داد و سفارش می کرد که آن ها را به علی علیه السلام وصیت کنم.

فضائله الجامعهیا أُمّ سلمه! اسمعی واشهدی، هذا علی بن أبی طالب علیه السلام أخی فی الدنیا وأخی فی الآخره.

یا أُمّ سلمه! اسمعی واشهدی، هذا علی بن أبی طالب وزیری فی الدنیا ووزیری فی الآخره.

یا أُمّ سلمه! اسمعی واشهدی، هذا علی بن أبی طالب حامل لوائی فی الدنیا وحامل لوائی غداً فی القیامه.

یا أُمّ سلمه! اسمعی واشهدی، هذا علی بن أبی طالب وصیی وخلیفتی من بعدی وقاضی عداتی والذائد عن حوضی.

یا أُمّ سلمه! اسمعی اشهدی، هذا علی بن أبی طالب سید المسلمین، وإمام المتقین، وقائد الغرّ المحجّلین، وقاتل الناکثین والقاسطین والمارقین.

قلت: یا رسول اللّه مَن الناکثون؟

قال: الذین یبایعونه بالمدینه وینکثون بالبصره.

قلت: مَن القاسطون؟

قال: معاویه و أصحابه من أهل الشام.

قلت: من المارقون؟

قال: أصحاب النهروان.

فقال مولی أُمّ سلمه: فرّجت عنّی فرّج اللّه عنک. واللّه! لا سببت علیاً أبداً.

فضیلت های متعدد حضرت علی "علیه السلام" ای اُمّ سلمه! بشنو و گواه باش که این علی بن ابی طالب برادر من است در دنیا و آخرت.

ای اُمّ سلمه! بشنو و گواه باش که این علی بن ابی طالب وزیر من در دنیا و آخرت است.

ای امّ سلمه! بشنو و گواه باش که این علی، پرچمدار من است در دنیا و فردای قیامت.

ای اُمّ سلمه! بشنو و گواه باش که این علی، وصی و خلیفه من است، به وعده های من عمل می نماید و نااهلان را از حوض کوثر دور می کند.

ای اُمّ سلمه! بشنو و گواه باش که این علی، آقای مسلمانان، امام پرهیزکاران، پیشوای دست و روسفیدان و کشنده ناکثان و قاسطان و مارقان است.

عرض کردم: ای پیامبر خدا! ناکثان چه کسانی هستند؟

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: آن ها که در مدینه بیعت کنند و در بصره بیعت شکنی نمایند.

گفتم: قاسطان کیانند؟

فرمود: معاویه و اصحاب شامی او.

گفتم: مارقان چه کسانی هستند؟

فرمود: اصحاب نهروان.

در این هنگام شخصی که از امام علی علیه السلام بدگویی کرده بود، گفت:

عقده دلم را گشودی، خدا در کار تو گشایش قرار دهد. به خدا قسم! دیگر هرگز از علی علیه السلام بدگویی نمی کنم. (۱)

۱- ۱۳۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۰، حدیث ۱۰.

نبذه من فضائله الأخرى

۹۹ – حدّثنا محمّد بن عمر الحافظ البغدادی، عن الحسن بن عبد اللَّه بن محمّد التميمی، عن أبيه، عن الرضا، عن آبائه عليهم السلام قال:

قال رسول اللَّه صلى الله عليه وآله:

خُلقت أنا وعلی من نور واحد.

۱۰۰ – حدّثنا الورّاق، عن علی بن محمّد بن عنبسه، عن دارم، عن الرّضاعليه السلام، عن آبائه عليهم السلام: عن النبی صلى الله عليه وآله قال:

خلق اللَّه عزّ وجلّ مائه ألف نبی وأربعه وعشرين ألف نبی؛ أنا أكرمهم على اللَّه ولا فخر.

و خلق اللَّه عزّ وجلّ مائه ألف وصی وأربعه وعشرين ألف وصی فعلی أكرمهم على اللَّه وأفضلهم.

۱۰۱ – حدّثنا أبی، عن محمّد بن يحيى العطّار، عن الحسين بن إسحاق التاجر قال: حدّثنا علی بن مهران، عن الحسن بن سعيد، عن الحسين بن علوان، عن زياد بن المنذر، عن بدر بن عبد اللَّه، عن أنس بن مالك قال:

سمعت رسول اللَّه صلى الله عليه وآله يقول:

يدخل عليكم من هذا الباب خير الأوصياء وسيد الشهداء و أدنى الناس منزله من الأنبياء.

فدخل علی بن أبی طالب عليه السلام فقال رسول اللَّه صلى الله عليه وآله: وما لی لا- أقول هذا يا أبا الحسن! وأنت صاحب حوضی والموفی بذمّتی والمؤدّی عنّی دينی.

فضایلی دیگر از حضرت علی "علیه السلام"

۹۹ – پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

من و علی از یک نور آفریده شدیم. (۱)

۱۰۰ – امام رضا از پدران بزرگوارش و از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود:

خداوند یک صد و بیست و چهار هزار پیغمبر آفرید که من گرامی ترین آن ها نزد خدایم، ومن بر این فخر و مباهات نمی کنم.

و خداوند یکصد و بیست و چهار هزار وصی آفرید که علی علیه السلام در پیشگاه خدا برتر و گرامی تر از همه آن هاست. (۲)

۱۰۱ – انس فرزند مالک می گوید: از پیامبر خداصلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود:

اکنون بهترین اوصیا، آقا و سرور شهیدان و کسی که نزدیک ترین مقام را به پیامبران دارد، از این در وارد می شود.

آن گاه علی بن ابی طالب علیه السلام از در وارد شد. پیامبر فرمود: ای ابا الحسن! چرا چنین نگویم؟ حق همین است که گفتم؛ چون تو صاحب حوض کوثر هستی، تو وفا کننده عهد و پیمان من و پرداخت کننده دَین من هستی. (۳)

۱- ۱۳۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۱، حدیث ۱۰.

۲- ۱۳۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۱، حدیث ۱۱.

۳- ۱۳۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۳۷، حدیث ۱۰.

نبذه من فضائله الأخرى

۱۰۲ – حدّثنا الهمدانی رحمه الله، عن علی بن إبراهیم بن هاشم، عن جعفر بن سلمه، عن الثقفی، عن أحمد بن عمران، عن الحسن بن عبد اللَّه، عن خالد بن عیسی الأنصاری، عن عبد الرحمان بن أبی لیلی رفعه قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

الصدّیقون ثلاثه: حبیب النجار، مؤمن آل یاسین الّذی یقول «اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِینَ اتَّبِعُوا مَنْ لا یسْئَلُکُمْ أَجْراً وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (۱) وحزقیل، مؤمن آل فرعون، وعلی بن أبی طالب علیه السلام وهو أفضلهم.

۱۰۳ – حدّثنا الطالقانی، عن الحسن بن علی العدوی، عن الحسین بن أحمد الطفاوی، عن قیس بن الربیع، عن سعد الخفاف، عن عطیه العوفی، عن مخدوج بن زید الذهلی؛

أنّ رسول اللَّه صلی الله علیه وآله آخی بین المسلمین ثمّ قال:

یا علی! أنت أخی وأنت منّی بمنزله هارون من موسی غیر أنّه لا نبی بعدی.

أما علمت یا علی! أنّه أوّل من یدعی به یوم القیامه یدعی بی، فأقوم عن یمین العرش فأکسی حلّه خضراء من حلل الجنّه ثمّ یدعی بأبینا إبراهیم علیه السلام، فیقوم عن یمین العرش فی ظله فیکسی حلّه خضراء من حلل الجنّه، ثمّ یدعی بالنبیین بعضهم علی أثر بعض فیقومون سماطین عن یمین العرش فی ظلّه ویکسون حللاً خضراء من حلل الجنّه؟

ألا وإنّی أخبرک یا علی! أنّ أُمّتی أوّل الأمم یحاسبون یوم القیامه.

ثمّ أبشّرک یا علی! أنّ أوّل من یدعی یوم القیامه یدعی بک، هذا لقرابتک منّی ومنزلتک عندی، فیدفع إلیک لوائی وهو لواء الحمد،... مکتوب علیها ثلاثه أسطر:

الأوّل: بسم اللَّه الرحمن الرحیم.

والآخر: الحمد للَّه ربّ العالمین.

ص:۱۵۸

۱– ۱۳۹. سوره یس {۳۶}: الآیه ۲۰ – ۲۱.

فضایلی دیگر از حضرت علی "علیه السلام"

۱۰۲ - پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

صدّیقان سه نفرند: حبیب نجّار، مؤمن آل یاسین، همان که می گوید: «از فرستادگان خدا پیروی کنید، همانان که از شما مزدی درخواست نمی کنند و خود هدایت شده اند» و حزقیل، مؤمن آل فرعون و علی بن ابی طالب علیه السلام، و او از همه اینان برتر است. (۱)

۱۰۳ - مخدوج بن زید ذهلی یکی از یاران پیامبر خداصلی الله علیه وآله می گوید:

پیامبرصلی الله علیه وآله، میان مسلمانان پیمان برادری بست؛ آن گاه به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! تو نیز برادر من هستی. تو برای من، مثل هارون برای موسی می باشی، جز این که پس از من پیامبری نمی آید.

ای علی! آیا نمی دانی من نخستین کسی هستم که روز قیامت فراخوانده می شوم، آن گاه در سمت راست عرش می ایستم در حالی که لباس سبزی از لباس های بهشتی بر تن دارم. پس از آن پدرمان، ابراهیم، و سپس سایر پیامبران را یکی پس از دیگری صدا می کنند و در دو صف، در کنار عرش می ایستند؟

ای علی! آگاه باش که اُمّت من، نخستین اُمّتی است که به حساب آن ها رسیدگی می شود و مژده باد بر تو ای علی! که تو نخستین کسی هستی که فراخوانده می شوی و این به جهت نزدیکی و مقامی است که پیش من داری.

سپس پرچم مرا - که پرچم حمد است - به تو می دهند...

بر این پرچم سه سطر نوشته شده:

سطر اوّل: بسم اللَّه الرحمن الرحيم.

سطر دوم: الحمدللَّه ربّ العالمین.

۱- ۱۴۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۱۸.

نبذه من فضائله الأخرى والثالث: لا إله إلّا اللَّه، محمّد رسول اللَّه.

... فتسير باللواء والحسن عن يمينك والحسين عن يسارك حتّى تقف بينى وبين إبراهيم فى ظل العرش، فتكسى حلّه خضراء من حلل الجنّه. ثمّ ينادى مناد من عند العرش:

نعم الأب أبوك إبراهيم، ونعم الأخ أخوك على...

۱۰۴ - حدّثنا الحسن بن محمّد بن يحيى العلوى، عن جدّه يحيى بن الحسن، عن إبراهيم بن على و الحسن بن يحيى معاً، عن نصر بن مزاحم، عن أبى خالد، عن زيد بن على، عن آبائه عليهم السلام

عن على عليه السلام قال:

كان لى عشر من رسول اللَّه صلى الله عليه وآله لم يعطهن أحد قبلى ولايعطاهن أحد بعدى.

قال صلى الله عليه وآله لى: يا على! أنت أخى فى الدنيا وأخى فى الآخره، أنت أقرب الناس منّى موقفاً يوم القيامه، ومنزلى ومنزلك فى الجنّه متواجهان كمنزل الأخوين، وأنت الوصى، وأنت الولى، وأنت الوزير، عدوّك عدوّى وعدوّى عدوّ اللَّه ووليك وليى و وليى ولى اللَّه عزّ وجلّ.

۱۰۵ - حدّثنا الطالقانى، عن إسماعيل بن إبراهيم الحلوانى، عن أحمد بن منصور، عن هدبه بن عبدالوهاب، عن سعد بن عبدالحميد، عن عبداللَّه بن زياد اليمانى، عن عكرمه بن عمار، عن إسحاق بن عبداللَّه بن أبى طلحه، عن انس بن مالك قال:

قال رسول اللَّه صلى الله عليه وآله:

نحن بنو عبدالمطّلب ساده أهل الجنّه: رسول اللَّه وحمزه سيد الشهداء

وجعفر ذوالجناحين وعلى وفاطمه والحسن والحسين والمهدى.

۱۰۶ - حدّثنا إبن المغيره، عن جدّه الحسن بن على، عن جدّه عبد اللَّه بن المغيره، عن إسماعيل بن مسلم السكونى، عن الصادق جعفر بن محمّد، عن أبيه، عن آبائه عليهم السلام قال:

قال رسول اللَّه صلى الله عليه وآله:

أحبّ إخوانى إلى على بن أبى طالب عليه السلام وأحبّ أعمامى إلى حمزه.

فضایلی دیگر از حضرت علی "علیه السلام" سطر سوّم: لا إله الاّ اللَّه محمّد رسول اللَّه.

... در حالی که حسن علیه السلام سمت راست تو و حسین علیه السلام در سمت چپ توست، پرچم را می آوری تا این که بین من و ابراهیم علیه السلام، در سایهٔ عرش می ایستی، تو نیز لباس سبزی از لباس های بهشتی بر تن می کنی. سپس از جانب عرش صدا زنند که:

«چه پدر خوبی است پدرت ابراهیم و چه برادر خوبی است برادرت علی.» (۱)

۱۰۴ - حضرت امام علی علیه السلام می فرماید:

پیامبر خداصلی الله علیه وآله، ده چیز به من داد که به هیچ کس، نه پیش از من و نه پس از من داده نشده و آن ده چیز این است که فرمود:

ای علی! تو در دنیا و آخرت، برادر من هستی. جایگاه تو در قیامت از همه مردم به من نزدیک تر است. منزل من و تو در بهشت همانند منزل دو برادر رو به روی هم هستند. تو وصی، ولی و وزیر هستی. دشمن تو، دشمن من است و دشمن من، دشمن خداست. دوست تو، دوست من است و دوست من، دوست خداست. (۲)

۱۰۵ - انس بن مالک می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

ما فرزندان عبدالمطلب، آقایان اهل بهشت هستیم؛ یعنی رسول خدا، حمزه، سیدالشهداء، جعفر طیار (که دو بال در بهشت دارد)، علی، فاطمه، حسن، حسین و مهدی علیهم السلام. (۳)

۱۰۶ - امام صادق علیه السلام از پدرانش و ایشان از پیامبر خداصلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود:

محبوب ترین برادرانم، علی بن ابی طالب و بهترین عموهایم حمزه است. (۴)

۱- ۱۴۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۲، حدیث ۱۳.

۲- ۱۴۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۸، حدیث ۸.

۳- ۱۴۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۱۵.

۴- ۱۴۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۲، حدیث ۷.

مناقب علی "علیه السلام" فی کلام له

۱۰۷ - حدّثنا الطالقانی عن الهمدانی، عن المنذر بن محمّد، عن جعفر بن سلیمان، عن عبد اللَّه بن الفضل، عن سعد بن طریف، عن الأصبغ بن نباته، قال:

قال أمیرالمؤمنین علیه السلام فی بعض خطبه:

أیها الناس! اسمعوا قولی واعقلوه عنّی، فإنّ الفراق قریب، أنا إمام البریه، ووصی خیر الخلیقه، زوج سیده نساء هذه الأُمّه، وأبو العتره الطاهره والأئمّه الهادیه.

أناأخورسول اللَّه و وصیه وولیه ووزیره وصاحبه وصفیه وحبیبه وخلیله.

أنا أمیرالمؤمنین، وقائد الغرّ المحجّلین وسید الوصیین، حربی حرب اللَّه، وسلمی سلم اللَّه، وطاعتی طاعه اللَّه، وولایتی ولایه اللَّه، وشیعتی أولیاء اللَّه، وأنصاری أنصار اللَّه.

والّذی خلقنی ولم أک شیئاً! لقد علم المستحفظون من أصحاب رسول اللَّه محمّدصلی الله علیه وآله أنّ الناکثین والقاسطین والمارقین ملعونون علی لسان النبی صلی الله علیه وآله الأُمّی «وَقَدْ خابَ مَنِ افْتَرَی . (۱)

۱۰۸ - حدّثنا أبی عن سعد بن عبداللَّه، عن الهیثم بن أبی مسروق النهدی، عن الحسین بن علوان، عن عمرو بن ثابت، عن أبیه، عن سعد بن طریف، عن الأصبغ بن نباته، قال:

قال أمیرالمؤمنین علیه السلام ذات یوم علی منبر الکوفه:

أنا سید الوصیین، ووصی سید النّبیین، أنا إمام المسلمین، وقائد المتّقین، وولی المؤمنین، وزوج سیده نساء العالمین، أنا المتَختِّم بالیمین، والمعفرِّ للجبین، أنا الّذی هاجرت الهجرتین، وبایعت البیعتین، أنا صاحب بدر وحنین، أنا الضارب بالسّیفین، والحامل علی فرسین، أنا وارث علم الأوّلین، وحجّه اللَّه علی العالمین بعد الأنبیاء ومحمّد بن عبداللَّه صلی الله علیه وآله خاتم النّبیین. أهل موالاتی مرحومون، و أهل عداوتی ملعونون، ولقد کان حبیبی رسول اللَّه صلی الله علیه وآله کثیراً ما یقول لی: یا علی! حبّک تقوی وایمان، وبغضک کفر ونفاق وأنا بیت الحکمه وأنت مفتاحه، وکذب من زعم أنّه یحبّنی ویبغضک.

۱- ۱۴۵. سوره طه {۲۰}: الآیه ۶۱.

علی "علیه السلام" از زبان خودش

۱۰۷ - اصبغ ابن نباته می گوید: امام علی علیه السلام در یکی از خطبه هایش فرمود:

ای مردم! سخن مرا بشنوید و آن را بفهمید که جدایی نزدیک است.

من امام خلق و وصی بهترین مردم هستم. همسر بانوی زنان این اُمّت و پدر عترت طاهره و امامان هدایتگر می باشم.

من برادر، وصی، ولی، وزیر، همراه، برگزیده، دوست و رفیق رسول خدا هستم.

من امیرمؤمنان و پیشوای دست و روسفیدان و سرور اوصیاء هستم؛ جنگ با من جنگ با خداست وصلح با من صلح با خداست، اطاعت از من، اطاعت از خدا و ولایت من، ولایت خداست؛ پیروان من، دوستان خدایند و یاران من، یاران خدا.

سوگند به آن که مرا آفرید - آن گاه که هیچ نبودم - به طور حتم یاران رسول خداصلی الله علیه وآله می دانند که آن حضرت، پیمان شکنان، ستمگران و از دین بیرون رفتگان را لعنت فرموده است و به طور حتم نومید شد آن کس که دروغ بست. (۱)

۱۰۸ - امیرالمؤمنین علیه السلام روزی بر بالای منبر کوفه فرمود:

منم سرور اوصیاء و وصیّ سرور پیامبران. منم امام مسلمانان و پیشوای پرهیزکاران و ولی مؤمنان و همسر سرور زنان جهانیان، منم که انگشتر به دست راست کنم و پیشانی بر خاک نهم. منم که دو بار هجرت کردم و دو بار بیعت نمودم. منم جنگاور بدر و حنین و ضربت زننده با دو شمشیر و سوار شونده بر دو اسب. بعد از پیامبران و خاتم آن ها، محمّد بن عبداللّه صلی الله علیه وآله وارث علم اولین و حجت خدا بر عالمین من هستم. دوستدارانم مورد رحمت و دشمنانم مورد لعنت می باشند. حبیبم رسول خدا بسیار می فرمود: «ای علی! دوستی با تو تقوی و ایمان است و دشمنی با تو کفر و نفاق است. من خانه حکمتم و تو کلید آنی. دروغگو است کسی که گمان برد مرا دوست دارد و حال آن که کینه تو را در دل دارد.» (۲)

۱- ۱۴۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۸، حدیث ۹.

۲- ۱۴۷. امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷ حدیث ۲.

مناقب علی "علیه السلام" فی کلام له

۱۰۹ - حدّثنا الحافظ، عن أحمد بن عبد العزیز بن الجعد، عن عبد الرحمان بن صالح، عن شعیب بن راشد، عن جابر، عن أبی جعفرعلیه السلام قال:

قام علی علیه السلام یخطب الناس بصفّین یوم جمعه وذلک قبل الهریر بخمسه أیام، فقال:

الحمد للّه علی نعمه الفاضله...

وقد عهد إلی رسول اللّه صلی الله علیه وآله عهداً لن أخرج عنه وقد حضرکم عدوّکم وقد عرفتم من رئیسهم یدعوهم إلی باطل وابن عمّ نبیکم صلی الله علیه وآله بین أظهرکم یدعوکم إلی طاعه ربّکم والعمل بسنه نبیکم، ولا سواء من صلّی قبل کلّ ذکر لم یسبقنی بالصلاه غیر نبی اللّه.

وأنا واللّه! من أهل بدر، واللّه! إنکم لعلی الحق وإنّ القوم لعلی الباطل، فلا یصبر القوم علی باطلهم ویجتمعوا علیه وتتفرّقوا عن حقّکم، «قاتِلُوهُمْ یعَذِّبْهُمُ اللَّهُ بِأَیدِیکُمْ» (۱)، فإن لم تفعلوا لیعذّبنهم اللّه بأیدی غیرکم.

فأجابه أصحابه، فقالوا: یا أمیرالمؤمنین! انهض إلی القوم إذا شئت فو اللّه! ما نبغی بک بدلاً، نموت معک ونحیا معک.

فقال لهم مجیباً لهم: والّذی نفسی بیده! ینظر إلی رسول اللّه صلی الله علیه وآله وأنا أضرب قدامه بسیفی، فقال: «لا سیف إلّا ذو الفقار ولا ـ فتی إلاّ ـ علی» ثمّ قال لی: یا علی! أنت منّی بمنزله هارون من موسی غیر أنّه لا نبی بعدی وحیاتک یا علی! وموتک معی، فو اللّه! ما کذبت ولا کذبت ولا ضللت ولا ضلّ بی ولا نسیت ما عهد إلی إنّی إذاً لنسی وإنّی لعلی بینه من ربّی بینها لنبیه صلی الله علیه وآله فبینها إلی وإنّی لعلی الطریق الواضح، ألقطه لقطاً.

۱- ۱۴۸. سوره التوبه {۹}: الآیه ۱۴.

۱۰۹ - جابر می گوید که امام باقرعلیه السلام فرمود:

امام علی علیه السلام در جنگ صفین، در روز جمعه، پنج روز پیش از لیله الهریر (۱) خطبه مفصّلی ایراد کرد تا بدین جا رسید که فرمود:

... پیامبر خداصلی الله علیه وآله با من عهدی نموده که هرگز از آن خارج نشوم.

دشمن در مقابل شما صف آرایی کرده و می دانید که رئیس آن ها که آنان را به سوی باطل فرا می خواند چه کسی است. و پسر عموی پیامبرتان، بین شماست و شما را به اطاعت خدا و عمل به سنّت پیامبرش دعوت می کند. کسی که پیش از همه نماز خوان بوده و جز پیامبر کسی بر او پیشی نگرفته است، با دیگران برابر نیست.

به خدا قسم! من از اهل بدر هستم، به خدا قسم! شما بر حقّید و دشمن شما بر باطل، با این حال آن ها متّحد هستند و شما متفرّق، «با آن ها نبرد کنید تا خدا آن ها را به دست شما عذاب کند.» اگر شما انجام ندهید خدا به دست دیگران آن ها را عذاب خواهد کرد.

یارانش گفتند: ای امیرمؤمنان! هر گاه خواستی حرکت کن و فرمان جهاد بده، به خدا قسم! ما جز تو کسی را نخواهیم، با تو زنده ایم و با تو می میریم.

امام علی علیه السلام در جوابشان فرمود: قسم به خدایی که جانم به دست اوست! در برابر پیامبر خداصلی الله علیه وآله شمشیر می زدم، فرمود: «شمشیری جز ذوالفقار وجوانمردی جز علی نیست.» سپس فرمود: «ای علی! تو نسبت به من، مانند هارون نسبت به موسی هستی جز این که پس از من پیامبری نیست. ای علی! زندگی و مرگ تو با من است.»

به خدا قسم، نه دروغ می گویم و نه به من دروغ گفته شده است، نه گمراهم و نه مرا به گمراهی برده اند، سفارشی هم که به من شده فراموش نکرده ام، از جانب پروردگارم دلیل روشن دارم؛ همان که خداوند به پیامبرش سفارش فرمود و او هم برایم بیان نموده. من به راهی گام می نهم که قدم به قدم آن را می شناسم.

---

۱ - ۱۴۹. در جنگ صفّین درگیری شدیدی بین طرفین اتّفاق افتاد. این درگیری که به مدّت دو روز ویک شب ادامه داشت، موجب در هم شکسته شدن لشکر معاویه گردید. آن شب به لیله الهریر معروف است.

مناقب علی "علیه السلام" فی کلام له ثمّ نهض إلی القوم یوم الخمیس فاقتتلوا من حین طلعت الشمس حتّی غاب الشفق، ما کانت صلاه القوم یومئذ إلاّ تکبیراً عند مواقیت الصلاه، فقتل علی علیه السلام یومئذ بیده خمسمائه وسته نفر من جماعه القوم، فأصبح أهل الشام ینادون: یا علی! اتّق اللّه فی البقیه ورفعوا المصاحف علی أطراف القنا!!

۱۱۰ - حدّثنا السنانی، عن الأسدی، عن البرمکی، عن عبد اللّه بن أحمد، عن القاسم بن سلیمان، عن ثابت بن أبی صفیه، عن سعید بن علاقه، عن أبی سعید عقیصا، عن سید الشهداء الحسین بن علی بن أبی طالب، عن سید الأوصیاء أمیرالمؤمنین علی بن أبی طالب علیه السلام قال:

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله:

یا علی! أنت أخی و أنا أخوک، أنا المصطفی للنبوّه و أنت المجتبی للإمامه، و أنا صاحب التنزیل و أنت صاحب التأویل، و أنا و أنت أبوا هذه الأمه.

یا علی! أنت وصیی و خلیفتی و وزیری و وارثی و أبو ولدی، شیعتک شیعتی، وأنصارک أنصاری و أولیاؤک أولیائی و أعداؤک أعدائی.

یا علی! أنت صاحبی علی الحوض غداً و أنت صاحبی فی المقام المحمود، وأنت صاحب لوائی فی الآخرهکماأنت صاحب لوائی فی الدنیا.

لقد سعد من تولاّک، وشقی من عاداک، وإنّ الملائکه لتقرب إلی اللّه تقدس ذکره بمحبّتک و ولایتک.

واللّه! إنّ أهل مودّتک فی السماء لأکثر منهم فی الأرض.

یا علی! أنت أمین أُمّتی و حجه اللّه علیها بعدی؛ قولک قولی، وأمرک أمری، وطاعتک طاعتی، وزجرک زجری، ونهیک نهیی، ومعصیتک معصیتی، وحزبک حزبی، و حزبی حزب اللّه «وَمَن یَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِینَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغالِبُونَ». (۱)

۱- ۱۵۰. سوره المائده {۵}: الآیه ۵۶.

علی "علیه السلام" از زبان خودش آن گاه روز پنج شنبه حضرتش علیه السلام آماده نبرد شد و لشکر نبرد را آغاز کردند، در یک روز از طلوع آفتاب تا ناپدید شدن سرخی آفتاب، مشغول جنگ بودند و در آن روز نمازهای آن ها فقط تکبیر بود. در آن روز، امام علی علیه السلام ۵۰۶ نفر از دشمن را کشت، فردایش اهل شام فریاد زدند: ای علی! دیگر بس است، در مورد بقیه افراد از خدا بترس (!!) سپس با نیرنگ، قرآن ها را سرنیزه ها کردند. (۱)

۱۱۰ - امام حسین علیه السلام از پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل می کند که فرمود: پیامبر خداصلی الله علیه وآله به من فرمود:

ای علی! تو برادر من و من برادر توام، من برای پیامبری برگزیده شدم و تو برای امامت، من صاحب تنزیل هستم و تو صاحب تأویل، من وتو، دو پدر این امّت هستیم.

ای علی! تو وصی و خلیفه و وزیر و وارث من هستی، تو پدر فرزندان من می باشی، شیعیان تو شیعیان من می باشند؛ یاران تو یاران من، دوستان تو دوستان من و دشمنان تو دشمنان منند.

ای علی! تو در روز رستاخیز، بر سر حوض کوثر، همراه من و در مقام محمود پیش من هستی، تو در جهان آخرت پرچمدار من خواهی بود، آن سان که در دنیا پرچمدار منی.

به طور حتم سعادتمند گشت کسی که با تو دوستی کند، و آن که با تو دشمنی ورزد بدبخت شد. فرشتگان آسمان با دوستی و ولایت تو، به خدا تقرّب می جویند.

به خدا قسم! که دوستان تو در آسمان بیشتر از دوستانت در زمین هستند.

ای علی! پس از من، تو امین اُمّت من و حجّت خدا بر آن هایی، سخن تو سخن من، و امر تو امر من است و اطاعت از تو اطاعت از من است و نهی تو نهی من و نافرمانی تو نافرمانی از من است. حزب تو حزب من، و حزب من، حزب خداست. «و هر کس که ولایت و دوستی با خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرد، پیروز است؛ زیرا حزب خدا قطعاً پیروز است.» (۲)

۱- ۱۵۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۳، حدیث ۱۰.

۲- ۱۵۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۳، حدیث ۱۳.

مناقب على "علیه السلام" فى كلام له

۱۱۱ - حدّثنا على بن عيسى القمى، عن إبن ماجيلويه، عن أحمد بن أبى عبد اللّه البرقى، عن أبيه، عن خلف بن حمّاد، عن أبى الحسن العبدى، عن سليمان بن مهران، عن الصادق جعفر بن محمّد، عن أبيه، عن آبائه، عن على عليهم السلام قال:

قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله:

يا على! أنت أخى ووارثى ووصيى وخليفتى فى أهلى وأُمّتى، فى حياتى وبعد مماتى، محبّك محبّى ومبغضك مبغضى.

يا على! أنا وأنت أبوا هذه الأُمّه.

يا على! أنا وأنت والأئمّه من ولدك ساده فى الدنيا وملوك فى الآخره، من عرفنا فقد عرف اللّه، ومن أنكرنا فقد أنكر اللّه عزّ وجلّ.

۱۱۲ - حدّثنا الورّاق، عن سعد، عن النهدى، عن الحسين بن علوان، عن عمرو بن خالد، عن سعد بن طريف، عن الأصبغ بن نباته قال: قال أميرالمؤمنين عليه السلام:

سمعت رسول اللّه صلى الله عليه وآله يقول:

أنا سيد ولد آدم وأنت يا على! والأئمّه من بعدك ساده أمتى؛ من أحبّنا فقد أحبّ اللّه، ومن أبغضنا فقد أبغض اللّه، ومن والانا فقد والى اللّه، ومن عادانا فقدعادى اللّه، ومن أطاعنا فقد أطاع اللّه، ومن عصانا فقد عصى اللّه.

۱۱۳ - حدّثنا القطّان، عن العبّاس بن الفضل، عن جعفر بن محمّد بن هارون، عن عزره القطّان، عن مسعود الخلّادى، عن تليد، عن أبى الحجاف، عن أبى إدريس، عن مجاهد، عن على عليه السلام قال:

قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله لى:

يا على! من فارقك فقد فارقنى، ومن فارقنى فقد فارق اللّه عزّ وجلّ.

۱۱۱ - امام صادق علیه السلام از پدرانش و از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل می کند که به امام علی علیه السلام فرمود:

ای علی! تو برادر، وارث، وصی و خلیفه منی، در خاندانم و در اُمّتم، در زمان حیاتم و پس از مرگم؛ دوست تو، دوست من است و دشمن تو دشمن من.

ای علی! من وتو، دو پدر این اُمّت هستیم.

ای علی! من و تو و امامان از فرزندان تو، سروران دنیا و پادشاهان آخرت می باشیم؛ هر که ما را شناخت، در واقع خدا را شناخته و هر که منکر ما شود، در واقع منکر خدا شده است. (۱)

۱۱۲ - امام علی علیه السلام می فرماید: از پیامبر خداصلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود:

من سید و آقای فرزندان آدم هستم و تو ای علی! و امامان بعد از تو، آقایان اُمّت من هستید، هر کس ما را دوست بدارد، خدا را دوست داشته و آن که بر ما کینه ورزد، بر خدا کینه ورزیده است. هر که ولایت ما را بپذیرد، به ولایت خدا در آمده، و هر که با ما دشمنی کند با خدا دشمنی کرده است. هر که از ما اطاعت کند، اطاعت خدا کرده و هر که از ما نافرمانی کند، نافرمانی خدا را کرده است. (۲)

۱۱۳ - مجاهد از امام علی علیه السلام نقل می کند که فرمود: پیامبرصلی الله علیه وآله به من فرمود:

ای علی! هر کس از تو جدا شود از من جدا شده و هر کس از من جدا شود از خداوند متعال جدا شده است. (۳)

۱- ۱۵۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۴، حدیث ۶.

۲- ۱۵۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۱۶.

۳- ۱۵۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۲، حدیث ۸.

على "عليه السلام" فى كلام الغير

۱۱۴ – حدّثنا القطّان، عن إبن زكريا القطّان، عن إبن حبيب، عن إبن بهلول، عن عبد اللّه بن صالح، عن أبى عوانه، عن أبى بشر، عن سعيد بن جبير،

عن عائشه، قالت: سمعت رسول اللّه صلى الله عليه وآله يقول:

أنا سيد الأوّلين والآخرين وعلى بن أبى طالب سيد الوصيين وهو أخى ووارثى وخليفتى على أُمّتى، ولايته فريضه واتّباعه فضيله ومحبّته إلى اللّه وسيله، فحزبه حزب اللّه، وشيعته أنصار اللّه وأولياؤه أولياء اللّه وأعداؤه أعداء اللّه وهو إمام المسلمين ومولى المؤمنين وأميرهم بعدى.

۱۱۵ – حدّثنا يعقوب بن يوسف الفقيه، عن إسماعيل بن محمّد الصفار، عن محمّد بن عبيد بن عتبه الكندى، عن عبدالرحمان بن شريک، عن أبيه، عن الأعمش، عن عطاء قال:

سألت عائشه عن على بن أبى طالب عليه السلام.

فقالت: ذاک [ذلک] خير البشر ولا يشکّ فيه إلّا كافر.

۱۱۶ – حدّثنا الحافظ، عن محمّد بن عمرو بن رفيع، عن أبى غسان المسمعى، عن عبد الملک بن الصباح قال: حدّثنا عمران بن جرير، عن الحسن قال: قال عمر:

إنّى لا أرى فى القوم أحداً أحرى أن يحملهم على كتاب اللّه وسنه نبيه منه، يعنى على بن أبى طالب عليه السلام.

۱۱۷ – حدّثنا الحسين بن يحيى بن ضريس، عن أبيه، عن أبى عوانه، عن أبيه، عن عبد اللّه بن مسلمه القعنبى قال: حدّثنا عبد اللّه بن لهيعه عن محمّد بن عبد الرحمان ابن عروه بن الزبير، عن أبيه، عن جده قال:

وقع رجل فى على بن أبى طالب بمحضر من عمر بن الخطّاب.

فقال له عمر: تعرف صاحب هذا القبر؟ محمّد بن عبد اللّه بن عبدالمطلب، وعلى بن أبى طالب بن عبدالمطلب، لا تذكرن علياً إلّا بخير، فإنّک إن تنقصته آذيت هذا فى قبره.

علی "علیه السلام" از زبان دیگران

۱۱۴ - عایشه می گوید: از پیامبر خداصلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود:

من، آقا و سرور اولین و آخرین هستم و علی بن ابی طالب سرور اوصیاست؛ او برادر، وارث و جانشین من بر اُمّت است؛ ولایت او واجب و پیروی از او مایه فضیلت و برتری است، و محبّت او وسیله نزدیکی به خداست.

حزب او حزب خدا و شیعیان او یاران خدا، دوستانش دوستان خدا و دشمنانش دشمنان خدایند؛ علی پس از من، امام مسلمانان، مولی و أمیرمؤمنان است. (۱)

۱۱۵ - عطاء می گوید: از عایشه راجع به علی بن ابی طالب علیه السلام پرسیدم.

گفت: او، برترین بشر است و کسی جز کافر در او شک نمی کند. (۲)

۱۱۶ - عمران بن جریر از حسن نقل می کند که گوید: عمر گفت:

در بین همه مردم کسی را شایسته تر از علی بن ابی طالب برای وادار کردن مردم به اطاعت از کتاب خدا و سنت پیامبرش نمی بینم. (۳)

۱۱۷ - عروه فرزند زبیر از جدّش نقل می کند:

مردی در حضور عمر بن خطّاب، از علی علیه السلام بدگویی می کرد.

عمر به آن مرد گفت: آیا صاحب این قبر را می شناسی؟

او محمّد فرزند عبداللّه، فرزند عبدالمطلب است و علی نیز پسر ابوطالب فرزند عبدالمطّلب است، پس علی را جز به نیکی یاد مکن، زیرا اگر بدگویی او کنی موجب آزار و اذّیت صاحب این قبر می شوی. (۴)

۱- ۱۵۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۵، حدیث ۲۵.

۲- ۱۵۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۸، حدیث ۳.

۳- ۱۵۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۲۵.

۴- ۱۵۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۱، حدیث ۱۲.

على "عليه السلام" فى كلام الغير

۱۱۸ - حدّثنا أبی، عن المؤدّب، عن أحمد الأصبهانی، عن الثقفی، عن قتیبه بن سعید، عن حمّاد بن زید، عن عبد الرحمان السّراج، عن نافع، عن عبد اللّه بن عمر قال:

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله لعلی بن أبی طالب علیه السلام:

إذا کان یوم القیامه یؤتی بک یا علی! علی نجیب من نور وعلی رأسک تاج قد أضاء نوره وکاد یخطف أبصار أهل الموقف، فیأتی النداء من عند اللّه جلّ جلاله: أین خلیفه محمّد رسول اللّه صلی الله علیه وآله؟

فتقول: ها أنا ذا.

قال: فینادی المنادی: یا علی! أدخل من أحبّک الجنّه، ومن عاداک النار، فأنت قسیم الجنّه، وأنت قسیم النار.

۱۱۹ - حدّثنا أبی، عن المؤدّب، عن أحمد بن علی، عن الثقفی، عن قتیبه بن سعید، عن حمّاد بن زید، عن عبد الرحمن بن السراج، عن نافع، عن إبن عمر قال:

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله:

من فضّل أحداً من أصحابی علی علی علیه السلام فقد کفر.

ص:۱۷۲

۱۱۸ - عبداللَّه بن عمر می گوید:

پیامبر خداصلی الله علیه وآله به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

ای علی! آن گاه که قیامت بر پا شود تو را سوار بر اسبی نجیب از جنس نور بیاورند، نور تاج سرت چنان درخشان است که چشم اهل محشر را خیره می کند، در این حال از جانب خدا ندا می رسد:

کجاست خلیفه محمّد، پیامبر خدا؟

و تو می گویی: من اینجا هستم.

سپس منادی اعلان می کند: ای علی! دوستانت را به بهشت ببر و دشمنانت را به دوزخ، چرا که تو تقسیم کننده بهشت و دوزخ هستی. (۱)

۱۱۹ - نافع از قول فرزند عمر می گوید:

پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود: هر کس، یکی از یاران مرا بر علی علیه السلام برتری دهد به طور حتم کافر است. (۲)

۱- ۱۶۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۷، حدیث ۱۴.

۲- ۱۶۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۴، حدیث ۴.

حب و بغض، منکر و عقوبت سب حضرت، حلال زادگی دوستدار،فضائل شیعیان

حب علی "علیه السلام" وبغضه

۱۲۰ – حدّثنا علی بن محمّد بن الحسن القزوینی، عن محمّد بن عبد اللَّه بن عامر، عن عصام بن یوسف، عن محمّد بن أیوب الکلابی، عن عمرو بن سلیمان، عن زید بن ثابت قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

من أحبّ علیاً فی حیاته وبعد موته کتب اللَّه عزّ وجلّ له من الأمن والإیمان ما طلعت علیه شمس وغربت، ومن أبغضه فی حیاته وبعد موته مات موته جاهلیه وحوسب بما عمل.

۱۲۱ – حدّثنا محمّد بن علی رحمه الله عن عمه، عن محمّد بن علی الکوفی، عن محمّد بن سنان، عن زیاد بن المنذر، عن سعید بن جبیر، عن ابن عبّاس قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

المخالف علی علی بن أبی طالب علیه السلام بعدی کافر، والمشرک به مشرک، والمحبّ له مؤمن، والمبغض له منافق، والمقتفی لأثره لاحق، والمحارب له مارق، والرادّ علیه زاهق.

علی، نور اللَّه فی بلاده وحجّته علی عباده.

علی، سیف اللَّه علی أعدائه، ووارث علم أنبیائه.

علی کلمه اللَّه العلیا، وکلمه أعدائه السفلی. (۱)

علی سید الأوصیاء، ووصی سید الأنبیاء.

علی، أمیرالمؤمنین وقائد الغرّ المحجّلین وإمام المسلمین، لا یقبل اللَّه الإیمان إلّا بولایته وطاعته.

۱– ۱۶۲. مضمون السوره التوبه {۹}: الآیه ۴۰.

دوستی و دشمنی با حضرت علی "علیه السلام"

۱۲۰ - زید بن ثابت می گوید: رسول خداصلی الله علیه وآله فرمودند:

هر کسی علی علیه السلام را در زندگی او و پس از مرگش دوست بدارد خداوند به او امان و ایمان بدهد تا آنجا که آفتاب بتابد و غروب نماید و هر کس او را دشمن بدارد، به مرگ جاهلیت بمیرد و به آنچه انجام داده محاسبه شود. (۱)

۱۲۱ - ابن عبّاس می گوید که پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

پس از من، هر که با علی بن ابی طالب علیه السلام مخالفت کند، کافر است. کسی که شریک برای او قرار دهد مشرک است. دوست علی، مؤمن است و دشمن او، منافق. هر کس از او پیروی کند، به حق خواهد رسید و هر که با او جنگ کند از دین خارج می شود. و آن که امر او را رد کند نابود می گردد.

علی علیه السلام نور خدا در زمین و حجّت خدا بر بندگان است.

علی علیه السلام شمشیر خداست بر سر دشمنان و اوست وارث علم پیامبران.

علی علیه السلام کلمه بلند مرتبه خدا است و کلمه دشمنان او، در پست ترین مرتبه است.

علی علیه السلام آقای اوصیا و وصی آقای پیامبران است.

علی علیه السلام امیر و مولای مؤمنان، جلودار دست و روسفیدان و امام مسلمانان است، خداوند ایمان کسی را جز با ولایت و اطاعت او نمی پذیرد. (۲)

۱- ۱۶۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۵، حدیث ۲۷.

۲- ۱۶۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۳، حدیث ۶.

حب على "علیه السلام" وبغضه

۱۲۲ - حدّثنا محمّد بن القاسم، عن يوسف بن محمّد بن زياد و على بن محمّد بن سيار، عن أبويهما، عن أبى محمّد العسكرى، عن آبائه عليهم السلام قال:

قال رسول اللّٰه صلى الله عليه وآله لبعض أصحابه ذات يوم:

يـا عبـد اللّٰه! أحبب فى اللّٰه، وأبغض فى اللّٰه، ووال فى اللّٰه، وعـاد فى اللّٰه؛ فـإنّه لاـ تنال ولايه اللّٰه إلاّ بـذلك ولا يجـد رجل طعم الإيمان وإن كثرت صـلاته وصـيامه حتّى يكون كـذلك، وقـد صارت مؤاخاه الناس يومكم هذا أكثرها فى الدنيا، عليها يتوادّون وعليها يتباغضون وذلك لا يغنى عنهم من اللّٰه شيئاً.

فقال له: وكيف لى أن أعلم أنى قد واليت وعاديت فى اللّٰه عزّوجلّ؟ فمن ولى اللّٰه عزّوجلّ حتّى أواليه ومن عدوّه حتّى أعاديه؟

فأشار له رسول اللّٰه صلى الله عليه وآله إلى على عليه السلام فقال: أ ترى هذا؟

فقال: بلى.

قال: ولى هـذا ولى اللّٰه، فواله، وعـدوّ هـذا عـدوّ اللّٰه، فعاده، وال ولى هـذا ولو أنّه قاتل أبيك وولـدك، وعاد عـدوّ هـذا ولو أنّه أبوك وولدك.

۱۲۳ - حـدّثنا إبن المتوكل، عن السـعدآبادى، عن البرقى، عن أبيه، عن محمّـد بن سـنان، عن أبى الجارود زياد بن المنـذر، عن القاسم بن الوليد، عن شيخ من ثماله قال:

دخلت على امرأه من تميم، عجوز كبيره وهى تحدّث الناس فقلت لها: يرحمك اللّٰه! حدّثينى فى بعض فضائل أميرالمؤمنين على عليه السلام.

قالت: أحدّثك وهذا شيخ كما ترى بين يدى نائم.

فقلت لها: ومن هذا؟

فقالت: أبو الحمراء، خادم رسول اللّٰه صلى الله عليه وآله.

دوستی و دشمنی با حضرت علی "علیه السلام"

۱۲۲ - پیامبر خداصلی الله علیه وآله به یکی از یاران خود فرمود:

ای بنده خدا! دوستی و دشمنی ات برای خدا باشد و مهر و غضبت نیز برای خدا؛ زیرا که به ولایت خدا نمی رسی، جز با این کار.

هیچ کس مزه ایمان را درک نمی کند هر چند نماز و روزه اش زیاد باشد مگر این که چنین باشد، ولی در این روزگار، اکثر مردم بر اساس دنیا، دوستی و دشمنی می کنند در حالی که این، برایشان هیچ سودی از جانب خدا ندارد.

آن شخص به پیامبر صلی الله علیه وآله عرض کرد: معیار دوستی و دشمنی در راه خدا چیست؟ دوست خدا کیست، تا با او دوستی کنم؟ و دشمن خدا کیست تا دشمن او باشم؟

پیامبر خداصلی الله علیه وآله در حالی که به علی علیه السلام اشاره می کرد فرمود: آیا این مرد را می بینی؟

عرض کرد: آری.

حضرت فرمودند: دوست او، دوست خداست؛ پس با او دوستی کن. دشمن او، دشمن خداست، پس با او دشمن باش. دوست او را دوست بدار، هر چند قاتل پدر وفرزندت باشد، و دشمن او را دشمن بدار، هر چند پدر یا فرزندت باشد. (۱)

۱۲۳ - شخصی از طایفه ثُماله می گوید:

پیرزنی فرتوت از قبیله تمیم را دیدم که برای مردم حدیث می گفت، به او گفتم: خدایت رحمت کند! حدیثی از فضایل امیرالمؤمنین برایم بازگو.

گفت: چگونه من حدیث بگویم در حالی که می بینی این پیرمرد در این جا خوابیده است.

گفتم: این مرد کیست؟

گفت: ابو حمراء، خادم پیامبر خداصلی الله علیه وآله است.

۱- ۱۶۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۳، حدیث ۷.

حب على "عليه السلام" وبغضه فجلست إليه، فلمّا سمع حسّى استوى جالساً، فقال: مه؟

فقلت: رحمك اللَّه! حدّثنى بما رأيت من رسول اللَّه صلى الله عليه وآله، يصنع بعلى عليه السلام، فإنّ اللَّه يسألك عنه.

فقال: على الخبير وقعت، أما ما رأيت النبى صلى الله عليه وآله يصنعه بعلى عليه السلام، فإنّه قال لى ذات يوم: يا أبا الحمراء! انطلق فادع لى مائه من العرب وخمسين رجلاً من العجم وثلاثين رجلًا من القبط وعشرين رجلًا من الحبشه. فأتيت بهم، فقام رسول اللَّه صلى الله عليه وآله فصفّ العرب، ثمّ صفّ العجم خلف العرب وصفّ القبط خلف العجم، وصفّ الحبشه خلف القبط، ثمّ قام فحمد اللَّه وأثنى عليه ومجد اللَّه بتمجيد لم يسمع الخلائق بمثله، ثمّ قال:

يا معشر العرب والعجم والقبط والحبشه! أقررتم بشهاده أن لا إله إلّا اللَّه وحده لا شريك له وأنّ محمّداً عبده ورسوله؟

فقالوا: نعم.

فقال: اللّهمّ اشهد – حتّى قالها ثلاثاً – فقال فى الثلاثه: أقررتم بشهاده أن لا إله إلّا اللَّه وأنّى محمّد عبده ورسوله و أنّ على بن أبى طالب أميرالمؤمنين وولى أمرهم من بعدى؟

فقالوا: اللّهمّ نعم.

فقال: اللّهمّ اشهد، حتّى قالها ثلاثاً.

ثمّ قال لعلى عليه السلام: يا أبا الحسن! انطلق فائتنى بصحيفه ودواه.

فدفعها إلى على بن أبى طالب وقال: اكتب.

فقال: وما أكتب؟

قال: اكتب «بسم اللَّه الرحمن الرحيم، هذا ما أقرّت به العرب والعجم والقبط والحبشه؛ أقرّوا بشهاده أن لا إله إلّا اللَّه وأنّ محمّداً عبده ورسوله وأنّ على بن أبى طالب أميرالمؤمنين وولى أمرهم من بعدى.»

ثمّ ختم الصحيفه ودفعها إلى على عليه السلام فما رأيتها إلى الساعه.

ص:۱۷۸

دوستی و دشمنی با حضرت علی "علیه السلام" نزد او نشستم، متوجه حضور من شد برخاست و نشست، پرسید چه خبر است؟

گفتم: خدا تو را رحمت کند! حدیثی از نحوه برخورد پیامبرصلی الله علیه وآله با علی علیه السلام برای من بگو که خدا هم از تو بازپرسی خواهد کرد.

گفت: خوب جایی آمدی، من اطّلاعات زیادی دارم.

یک روز پیامبرصلی الله علیه وآله به من فرمود: برو ۱۰۰ نفر عرب، ۵۰ نفر عجم، ۳۰ نفر قبطی و ۲۰ نفر حبشی را نزد من حاضر کن.

من چنین کردم، آن حضرت عرب، عجم، قبطی و حبشی را به ترتیب در صفوف جداگانه مرتب کرد، سپس برخاست و حمد و ستایش خدا نمود و چنان تمجید حق کرد که مردم مانند آن را نشنیده بودند. آن گاه فرمود:

ای گروه عرب و عجم و قبطی و حبشی! آیا اعتراف دارید که: خدایی جز خدای یگانه نیست، شریکی ندارد و محمّد بنده و فرستاده اوست؟

گفتند: آری.

پیامبر سه مرتبه فرمود: خدایا گواه باش و در مرتبه سوّم فرمود: آیا اعتراف دارید که خدا یکی است، محمّد بنده و پیامبر خدا و علی بن ابی طالب، امیرمؤمنان و ولی امر آنان پس از من است؟

گفتند: آری

پیامبرصلی الله علیه وآله سه مرتبه فرمود: خدایا شاهد باش.

سپس به علی علیه السلام فرمود: برو کاغذ و قلم بیاور.

پیامبرصلی الله علیه وآله کاغذ و قلم را به علی داد و فرمود: بنویس.

علی علیه السلام گفت: چه بنویسم؟

فرمود: بنویس «به نام خداوند بخشنده مهربان، این است اعتراف عرب، عجم، قبطی و حبشی که خدایی جز خدای یگانه نیست، شریکی ندارد و محمّد بنده اوست و علی بن ابی طالب، امیرمؤمنان و ولیّ امر آن ها پس از من است.»

پیامبر آن نامه را مهر کرد و به علی علیه السلام سپرد و من آن را تا حالا ندیدم.

ص:۱۷۹

حب على "عليه السلام" وبغضه فقلت: رحمک اللّه! زدنی.

فقـال: نعم، خرج علینـا رسول اللّه صـلی الله علیه وآله یوم عرفه وهو آخـذ بیـد علی علیه السـلام فقال: یا معشـر الخلائق! إنّ اللّه تبارک وتعالی باهی بکم فی هذا الیوم لیغفر لکم عامّه، ثمّ التفت إلی علی علیه السلام فقال له: وغفر لک یا علی خاصّه.

وقال: یا علی! ادن منّی.

فدنا منه، فقال: إنّ السعید حقّ السعید من أحبّک وأطاعک؛ وإنّ الشّقی کلّ الشقی من عاداک ونصب لک وأبغضک.

یا علی! کذب من زعم أنّه یحبّنی ویبغضک.

یا علی! من حاربک فقد حاربنی ومن حاربنی فقد حارب اللّه عزّوجلّ.

یا علی! من أبغضک فقد أبغضنی، ومن أبغضنی فقد أبغض اللّه، وأتعس اللّه جده و أدخله نار جهنم.

ص:۱۸۰

دوستی و دشمنی با حضرت علی "علیه السلام" گفتم: ای ابوحمراء! باز هم بگو.

خادم پیامبرصلی الله علیه وآله گفت: روز عرفه، پیامبر خداصلی الله علیه وآله بر ما وارد شد و در حالی که دست علی علیه السلام را به دست داشت، فرمود:

ای مردم! به راستی که خداوند امروز به شما مباهات می کند که همه شما را بیامرزد.

سپس رو به علی علیه السلام کرد و فرمود: خداوند تو را مورد مغفرت ویژه قرار داد.

سپس فرمود: ای علی! نزدیک من بیا.

علی علیه السلام نزدیک رفت.

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: سعادتمند واقعی کسی است که تو را دوست بدارد و اطاعتت کند و همه بدبختی ها از آن کسی است که تو را دشمن دارد و مقابل تو بایستد و کینه ات را داشته باشد.

ای علی! دروغ می گوید کسی که گمان دارد دوست من است و با تو دشمنی می کند.

ای علی! هر که با تو بجنگد با من جنگیده و هر که با من بجنگد با خدا جنگیده است.

ای علی! دشمن تو، دشمن من است و دشمن من، دشمن خداست، خداوند چنین کسی را بخت برگشته گرداند و به دوزخ می برد. (۱)

منکر علی "علیه السلام"

ص:۱۸۱

۱- ۱۶۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۰، حدیث ۱۱.

۱۲۴ - حدّثنا محمّد بن عمر الحافظ البغدادی، عن أبو محمّد الحسن بن عبد اللّه بن محمّدبن علی بن العبّاس الرازی، عن أبی عبد اللّه بن محمّد بن علی بن العبّاس بن هارون التمیمی، عن آبائه علیهم السلام عن علی بن أبی طالب علیهما السلام قال:

قال النبی صلی الله علیه وآله:

أنت خیر البشر ولا یشکّ فیک إلاّ کافر.

۱۲۵ - حدّثنا أبی، عن علی بن إبراهیم، عن أبیه، عن إبراهیم بن رجاء، عن أحمد بن یزید [حمّاد بن یزید] عن أبان، عن إبن عبّاس، أو عن أبان بن ثابت، عن أنس بن مالک قال:

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله:

من ناصب علیاً حارب اللّه، ومن شکّ فی علی فهو کافر.

۱۲۶ - حدّثنا یعقوب بن یوسف، عن عبد الرحمان الخیطی، عن أحمد بن یحیی الأزدی، عن حسن بن حسین العرنی، عن إبراهیم بن یوسف، عن شریک، عن منصور، عن ربعی، عن حذیفه:

أنّه سئل عن علی علیه السلام؛

فقال: ذاک [ذلک] خیر البشر ولا یشکّ فیه إلاّ منافق.

منکر حضرت علی "علیه السلام"

۱۲۴ - امام هشتم از پدران بزرگوارش از علی بن ابی طالب علیهم السلام نقل می کند که پیامبرصلی الله علیه وآله به من فرمود:

تو برترین بشری و کسی، جز کافر، در مورد تو شک وتردید نمی کند. (۱)

۱۲۵ - انس بن مالک می گوید: رسول خداصلی الله علیه وآله فرمودند:

هر کس با علی علیه السلام دشمنی کند، با خدا در جنگ است و هر کس در مورد علی علیه السلام شک کند، کافر است. (۲)

۱۲۶ - ربعی می گوید:

از حذیفه در باره علی بن ابی طالب علیه السلام سؤال شد، گفت:

او برترین بشر است و کسی جز منافق در او شک نمی کند. (۳)

۱- ۱۶۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۸، حدیث ۷.

۲- ۱۶۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۶، حدیث ۶.

۳- ۱۶۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۸، حدیث ۴.

منکر علی "علیه السلام"

۱۲۷ - حدّثنا أحمد بن محمد الصائغ، عن عیسی بن محمّد العلوی، عن أبی عوانه، عن محمّد بن سلیمان بن بزیع، عن اسماعیل بن أبان، عن سلام بن أبی عمره الخراسانی، عن معروف بن خرّبوذ المکّی، عن أبی الطفیل عامر بن واثله، عن حذیفه بن أسید الغفاری قال: قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

یا حذیفه! إنّ حجه اللَّه علیکم [علیک بعدی علی بن ابی طالب، الکفر به کفر باللَّه، والشرک به شرک باللَّه، والشکّ فیه شکّ فی اللَّه، والالحاد فیه الحاد فی اللَّه، والانکار له إنکار للَّه، والإیمان به إیمان باللَّه، لأنّه أخو رسول اللَّه صلی الله علیه وآله ووصیه وإمام اُمّته ومولاهم، و هو حبل اللَّه المتین، وعروته الوثقی الّتی لا انفصام لها، وسیهلک فیه إثنان ولا ذنب له: محب غال ومقصّر.

یا حذیفه! لا تفارقنّ علیاً فتفارقنی، ولاتخالفنّ علیاً فتخالفنی، إنّ علیاً منّی وأنا منه، من أسخطه فقد أسخطنی، ومن أرضاه فقد أرضانی.

۱۲۸ - حدّثنا الطالقانی، عن أحمد الهمدانی، عن المنذر بن محمّد، عن جعفر بن إسماعیل، عن عبداللَّه بن فضل، عن ثابت بن دینار، عن سعید بن جبیر، عن عبد اللَّه بن عبّاس قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

من أنکر إمامه علی علیه السلام بعدی کان کمن أنکر نبوّتی فی حیاتی، ومن أنکر نبوّتی کان کمن أنکر ربوبیه ربّه عزّ وجلّ.

۱۲۹ - حدّثنا أبی، عن علی بن إبراهیم، عن أبیه، عن إبراهیم بن رجاء، عن وکیع، عن شریک بن عبد اللَّه، عن عبد اللَّه بن محمّد بن عقیل، عن جابر بن عبد اللَّه الأنصاری قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

من فضّل أحداً من أصحابی علی علی علیه السلام فقد کفر.

منکر حضرت علی "علیه السلام"

۱۲۷ - حذیفه پسر اسید غفاری می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

ای حذیفه! به راستی که علی بن ابی طالب پس از من، حجّت خدا بر شماست. کفر به او، کفر به خدا و شرک به او، شرک به خداست؛ شک در او، شک در خدا، و الحاد و انکار او، الحاد و انکار خداست و ایمان به او، ایمان به خداست؛ چون او برادر و وصی رسول خدا و امام اُمّت پیامبر و مولای آن هاست؛ او ریسمان محکم الهی است که هرگز گسیخته نخواهد شد. و به زودی دو گروه به خاطر او نابود شوند: یکی دوستی که در باره او زیاده روی و غلو کند و دیگر کسی که در حق او کوتاهی نماید.

ای حذیفه! هیچ گاه از علی علیه السلام جدا نشو که از من جدا می شوی، با او مخالفت نکن که مخالف من می شوی؛ علی علیه السلام از من است و من از علی؛ هر کس او را به خشم آورد، مرا به خشم آورده و هر کس او را خشنود کند مرا خشنود کرده است. (۱)

۱۲۸ - ابن عبّاس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

هر کس پس از من، امامت علی علیه السلام را انکار کند، همانند کسی است که در دوران زندگی من، پیامبری مرا انکار کرده است، و هر کس منکر پیامبری من باشد همانند کسی است که خدایی پروردگارش را منکر شده است. (۲)

۱۲۹ - جابر بن عبداللّه انصاری می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

هر کس یکی از یاران مرا بر علی علیه السلام برتری بدهد به طور حتم کفر ورزیده است. (۳)

۱- ۱۷۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۳۶، حدیث ۲.

۲- ۱۷۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۴، حدیث ۵.

۳- ۱۷۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۶، حدیث ۵.

منكر على "عليه السلام"

۱۳۰ - حدّثنا محمّد بن أحمد الصيرفی، عن محمّد بن العبّاس، عن أبی الخیر، عن محمّد بن یونس البصری، عن عبد اللّه بن یونس و أبی الخیر، معاً عن أحمد بن موسی، عن أبی بکیر النخعی، عن شریک، عن أبی إسحاق، عن أبی وائل، عن حذیفه بن الیمانی:

عن النبی صلی الله علیه وآله أنه قال:

علی بن أبی طالب خیر البشر ومن أبی فقد کفر.

۱۳۱ - حدّثنا إبن المتوکّل، عن محمّد العطّار، عن الأشعری، عن محمّد بن السندی، عن علی بن الحکم، عن فضیل بن عثمان، عن أبی الزبیر المکی قال:

رأیت جابراً متوکّئاً علی عصاه وهو یدور فی سکک الأنصار ومجالسهم وهو یقول:

علی خیر البشر، فمن أبی فقد کفر.

یا معشر الأنصار! أدّبوا أولادکم علی حبّ علی علیه السلام، فمن أبی فانظروا فی شأن أمّه.

۱۳۲ - حدّثنا أبی، عن المؤدّب، عن أحمد بن علی الأصبهانی، عن الثقفی، عن قتیبه بن سعید، عن عمرو بن غزوان، عن أبی مسلم قال:

خرجت مع الحسن البصری وأنس بن مالک، حتّی أتینا باب أُمّ سلمه فقعد أنس علی الباب و دخلت مع الحسن البصری، فسمعت الحسن وهو یقول: السلام علیک یا أُمّاه ورحمه اللّه وبرکاته.

فقالت له: وعلیک السلام، من أنت یا بنی؟

فقال: أنا الحسن البصری.

فقالت: فیما جئت یا حسن؟

ص:۱۸۶

منکر حضرت علی "علیه السلام"

۱۳۰ - حذیفه می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

علی بن ابی طالب برترین بشر است و هر کس این را انکار کند بی تردید کافر است. (۱)

۱۳۱ - ابازبیر مکّی گوید:

جابر بن عبداللّه انصاری را در حالی که بر عصا تکیه داده بود دیدم که در محله و محافل انصار می گشت و می گفت:

علی علیه السلام برترین بشر است و هر کس انکار کند بی تردید کافر است.

ای گروه انصار! فرزندان خود را بر دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام پرورش دهید. پس هر کس انکار کرد، ببینید مادرش چه کاره است! (در پاکی مادر او شک کنید). (۲)

۱۳۲ - ابو مسلم می گوید:

همراه حسن بصری و انس بن مالک می رفتیم تا این که به خانه اُمّ سلمه رسیدیم، انس جلوی درب نشست و من همراه حسن وارد خانه شدیم.

حسن گفت: سلام مادر جان! درود و رحمت خدا بر تو باد.

اُمّ سلمه جواب سلام را داد و گفت: تو کیستی پسرم؟

گفت: حسن بصری هستم.

اُمّ سلمه گفت: برای چه آمده ای؟

۱- ۱۷۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۸، حدیث ۵.

۲- ۱۷۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۸، حدیث ۶.

منکر علی "علیه السلام" فقال لها: جئت لتحدّثینی بحدیث سمعته أذناک من رسول اللَّه صلی الله علیه وآله فی علی بن أبی طالب علیه السلام.

فقالت أُمّ سلمه: واللَّه! لأحدّثنک بحدیث سمعته من رسول اللَّه صلی الله علیه وآله و إلاّ فصمتا، ورأته عینای وإلاّ فعمیتا، ووعاه قلبی، وإلاّ فطبع اللَّه علیه، وأخرس لسانی إن لم أکن.

سمعت رسول اللَّه صلی الله علیه وآله یقول لعلی بن أبی طالب علیه السلام:

یا علی! ما من عبد لقی اللَّه یوم یلقاه جاحداً لولایتک إلاّ لقی بعباده صنم - أو وثن -.

قال: فسمعت الحسن البصری وهو یقول: اللَّه أکبر أشهد أنّ علیاً مولای ومولی المؤمنین.

فلمّا خرج قال له أنس بن مالک: ما لی أراک تکبّر؟

قال: سألت أُمّنا أم سلمه أن تحدّثنی بحدیث سمعته من رسول اللَّه صلی الله علیه وآله فی علی علیه السلام فقالت لی کذا وکذا، فقلت: اللَّه أکبر، أشهد أنّ علیاً مولای ومولی کلّ مؤمن.

قال: فسمعت عند ذلک أنس بن مالک وهو یقول: أشهد علی رسول اللَّه صلی الله علیه وآله أنّه قال هذه المقاله ثلاث مرّات أو أربع مرّات.»

۱۳۳ - حدّثنا إبن موسی، عن الأسدی، عن الفزاری، عن عباد بن یعقوب، عن منصور بن أبی نویره، عن أبی بکر بن عیاش، عن قرن أبی سلیمان الضبی قال:

أرسل علی بن أبی طالب أمیرالمؤمنین علیه السلام إلی لبید العطاردی بعض شرطه، فمرّوا به علی مسجد سماک، فقام إلیه نعیم بن دجاجه الأسدی، فحال بینهم وبینه، فأرسل أمیرالمؤمنین علیه السلام إلی نعیم فجی ء به.

قال: فرفع أمیرالمؤمنین علیه السلام شیئاً لیضربه.

فقال نعیم: واللَّه، إنّ صحبتک لذلّ وإنّ خلافک لکفر.

فقال أمیرالمؤمنین علیه السلام: وتعلم ذلک؟

قال: نعم..

قال علیه السلام: خلوه.

منکر حضـرت علی "علیه السلام" گفت: آمده ام تا حدیثی را که با گوش هایت از پیامبرصلی الله علیه وآله در مورد علی علیه السلام شنیده ای برایم بگویی.

اُمّ سـلمه گفت: به خـدا قسم! برای تو حدیثی بگویم که با گوش خود شـنیده ام، با چشم خود دیده ام و قلبم آن را حفظ کرده است، اگر دروغ گفتم خـدا گـوشم را کر، چشـمم را کور و دلم را مهر کنـد، لالـ بشوم اگر از پیـامبر خداصـلی الله علیه وآله چنین نشنیده باشم. پیامبر خداصلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود:

«ای علی! هر بنده ای که ولایت تو را منکر شود، روزی که خدا را ملاقات می کند همانند بت پرستان، ملاقات خواهد کرد.

در این هنگام، حسن بصری گفت: «اللّٰه اکبر»، گواهی می دهم که علی علیه السلام، مولای من و مولای همه مؤمنان است.

وقتی از خانه بیرون آمدیم، انس بن مالك به حسن گفت:

برای چه تکبیر گفتی؟

حسن گفت: از مادرمان، اُمّ سـلمه خواسـتم، حدیثی را که از پیامبرصلی الله علیه وآله درباره علی علیه السلام شنیده بگوید و او این حدیث را بیان کرد و من تکبیر گفتم و گواهی به ولایت علی علیه السلام دادم.

ابو مسـلم می گویـد: شـنیدم که انس بن مالـك گفت: من نیز گواهی می دهم که این مطلب را سه - یا چهار - مرتبه از پیامبر خداصلی الله علیه وآله شنیده ام. (۱)

۱۳۳ - ابوسلیمان ضبی می گوید:

امام علی علیه السـلام چند نفر از مأموران خود را برای دسـتگیری لبید عطاردی فرستاد، او را در مسجد سماك یافتند، هنگامی که می خواستند او را دستگیر کنند، نعیم بن دجانه اسدی به حمایت از او برخاست و مانع شد.

امیرالمؤمنین علیه السلام دستور داد، نعیم را احضار کردند.

ابو سلیمان می گوید: امام علیه السلام خواست او را تنبیه کند.

نعیم گفت: به خدا قسم که همراهی با شما خواری دارد و مخالفت با شما کفر است.

امام علیه السلام فرمود: واقعاً این را اعتقاد داری؟

عرض کرد: آری.

امام فرمود: او را رها کنید. (۲)

۱- ۱۷۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۱، حدیث ۱۵.

۲- ۱۷۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۸، حدیث ۵.

عقوبه سبّ علی "علیه السلام"

۱۳۴ - حدّثنا القطّان، عن العبّاس بن الفضل، عن علی بن الفرات الأصبهانی، عن أحمد بن محمّد البصری، عن جندل بن والق، عن علی بن حمّاد، عن سعید، عن ابن عبّاس:

أنّه مرّ بمجلس من مجالس قریش وهم یسبّون علی بن أبی طالب علیه السلام، فقال لقائده: ما یقول هؤلاء؟

قال: یسبّون علیاً!!

قال: قرّبنی إلیهم، فلمّا أن وقف علیهم قال: أیکم السابّ اللّه؟

قالوا: سبحان اللّه! ومن یسبّ اللّه فقد أشرک باللّه.

قال: فأیکم السابّ رسول اللّه صلی الله علیه وآله؟

قالوا: و من یسبّ رسول اللّه فقد کفر.

قال: فأیکم السابّ علی بن أبی طالب علیه السلام؟

قالوا: قد کان ذلک.

قال: فأشهد باللّه وأشهد للّه لقد سمعت رسول اللّه صلی الله علیه وآله یقول:

من سبّ علیاً فقد سبّنی ومن سبّنی فقد سبّ اللّه عزّوجلّ.

ثمّ مضی، فقال لقائده: فهل قالوا شیئاً حین قلت لهم ما قلت؟

قال: ما قالوا شیئاً.

قال: کیف رأیت وجوههم؟

قال:

نظروا إلیک بأعین محمرّةً

نظر التیوس إلی شفار الجازر

عواقب بدگویی از حضرت علی "علیه السلام"

۱۳۴ – سعید می گوید:

ابن عبّاس به همراه شخصی، از کنار عدّه ای از قریش که در حال دشنام دادن به علی بن ابی طالب علیه السلام بودند، می گذشت. از همراه خود پرسید:

این ها چه می گویند؟

پاسخ داد: به علی دشنام می دهند!

گفت: مرا نزدیک آن ها ببر. وقتی نزدیک آن ها قرار گرفت، پرسید:

کدام یک از شما به خدا دشنام می داد؟

گفتند: سبحان اللّه! دشنام به خدا موجب شرک است.

گفت: کدام یک به رسول خداصلی الله علیه وآله دشنام می داد؟

باز گفتند: سبحان اللّه! دشنام به پیامبر خداصلی الله علیه وآله موجب کفر است.

سپس گفت: کدام یک به علی بن ابی طالب دشنام می داد؟

گفتند: چنین بود. (و به او دشنام داده می شد).

ابن عبّاس گفت: خدا را گواه می گیرم و برای او شهادت می دهم که از پیامبرصلی الله علیه وآله شنیدم، که می فرمود: هر کس علی علیه السلام را دشنام دهد مرا دشنام داده و هر کس مرا دشنام دهد خدا را دشنام داده است.

سپس از آنان فاصله گرفت و از همراه خود پرسید: عکس العمل آن ها نسبت به سخنان من چه بود؟

پاسخ داد: چیزی نگفتند.

پرسید: صورتهایشان چگونه بود؟

پاسخ داد: چشمان آن ها مانند گوسفندی که به چاقوی قصاب نگاه می کند، سرخ شده بود.

ص:۱۹۱

عقوبه سبّ علی "علیه السلام" قال: زدنی فداک أبوک.

قال:

خزر الحواجب ناکسو رقابهم أذقانهم

نظر الذلیل إلی العزیز القاهر

قال: زدنی فداک أبوک.

قال: ما عندی غیر هذا.

قال: لکن عندی:

أحیاؤهم خزی علی أمواتهم

والمیتون فضیحه للغابر.

ص:۱۹۲

عواقب بدگویی از حضرت علی "علیه السلام" ابن عباس گفت: باز هم بگو.

گفت: ابروهای آن ها درهم و گردنشان به زیر افتاده، مانند شخصی ذلیل در برابر بزرگی قدرتمند.

ابن عبّاس گفت: بیشتر بگو.

گفت: غیر از آنچه گفتم چیزی نمی دانم.

ابن عباس گفت: ولی من می دانم زنده های آن ها موجب ننگ مرده هایشان هستند و مرده هایشان، موجب رسوایی بازماندگان. (1)

1- ۱۷۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۱، حدیث ۲.

طیب ولاده محبّ علی "علیه السلام"

۱۳۵ - حـدّثنا أبی و محمّـد بن الحسن معاً، عن سـعد، عن البرقی، عن عبـد الرحمان الکوفی ویعقوب بن یزید الأنباری معاً، عن عبد اللَّه بن محمّد الغفاری، عن الحسین بن زید، عن الصادق، عن آبائه علیهم السلام قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

من أحبّنا أهل البیت فلیحمد اللَّه علی أوّل النعم.

قیل: وما أوّل النعم؟

قال: طیب الولاده؛ ولا یحبّنا إلاّ من طابت ولادته.

ص:۱۹۴

۱۳۶ – حدّثنا إبن ناتانه، عن علی بن إبراهیم، عن أبیه، عن إبن أبی عمیر، عن أبی زیاد النهدی، عن عبید اللَّه بن صالح، عن زید بن علی، عن أبیه، عن جدّه، عن أمیرالمؤمنین علی بن أبی طالب علیهم السلام قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

یا علی! من أحبّنی وأحبّک وأحبّ الأئمّه من ولـدک فلیحمد اللَّه علی طیب مولده، فإنّه لا یحبّنا إلاّ من طابت ولادته ولا یبغضـنا إلاّ من خبثت ولادته.

حلال زادگی دوست دار حضرت علی "علیه السلام"

۱۳۵ – امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

هر کس ما، اهل بیت، را دوست بدارد، خدا را بر نخستین نعمت، حمد کند.

عرض شد: نخستین نعمت کدام است؟

فرمود: حلال زادگی؛ چون ما را کسی جز حلال زاده دوست ندارد. (۱)

۱۳۶ – امام سجّادعلیه السلام از پدر بزرگوارش، از جدّش امیرالمؤمنین علیه السلام، نقل می کند:

پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

ای علی! هر که من و تو و امامـان از اولاـد تو را دوست دارد، خـدا را بر حلال زادگی خودش سـتایش کنـد؛ زیرا دوست نمی دارد ما را مگر حلال زاده و دشمن نمی دارد ما را مگر حرام زاده. (۲)

ص:۱۹۵

۱– ۱۷۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۱۲.

۲– ۱۷۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۱۴.

نبذه من فضائل شیعه علی "علیه السلام"

۱۳۷ - حدّثنا إبن ناتانه، عن علی بن إبراهیم، عن أبیه، عن الریان بن الصلت، عن أبی الحسن علی بن موسی الرضا، عن أبیه، عن آبائه علیهم السلام قال: قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

شیعه علی هم الفائزون یوم القیامه.

۱۳۸ - حدّثنا المؤدّب، عن أحمد بن یحیی بن زکریا القطّان، عن بکر بن عبد اللَّه بن حبیب، عن محمّد بن عبید اللَّه، عن علی بن الحکم، عن هشام، عن أبی حمزه الثمالی، عن أبی جعفر محمّد بن علی الباقر، عن آبائه علیهم السلام قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله لعلی علیه السلام:

یا علی! ما ثبت حبّک فی قلب امرئ مؤمن فزلت به قدمه علی الصراط إلّا ثبتت له قدم حتّی یدخله اللَّه عزّ وجلّ بحبّک الجنّه.

۱۳۹ - حدّثنا أبی، عن أحمد بن إدریس، عن إبراهیم بن هاشم، عن الحسن بن محبوب، عن علی بن رئاب، عن موسی بن بکر، عن أبی الحسن موسی بن جعفر، عن أبیه، عن آبائه علیهم السلام قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

لا تستخفّوا بفقراء شیعه علی وعترته من بعده، فإنّ الرجل منهم لیشفع فی مثل ربیعه ومضر.

گوشه ای از فضائل شیعیان حضرت علی "علیه السلام"

۱۳۷ - امام رضا از پدران بزرگوارش علیهم السلام نقل می کند که پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود:

شیعیان علی، رستگاران روز رستاخیز هستند. (۱)

۱۳۸ - امام باقر از پدران بزرگوارش علیهم السلام نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! چنین نیست که محبت تو در دل مؤمنی جای گیرد و قدمش بر صراط بلغزد، بلکه قدمش ثابت بماند، تا خداوند متعال او را به سبب دوستی تو داخل بهشت کند. (۲)

۱۳۹ - امام کاظم از پدران گرامش علیهم السلام نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

فقیران از شیعیان علی علیه السلام وخاندانش را پس از او سبک نشمارید؛ زیرا که هر کدام از آن ها می توانند قبیله ای، مثل قبیله ربیعه و مضر را شفاعت کنند. (۳)

۱- ۱۸۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۷، حدیث ۱۳.
۲- ۱۸۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۵، حدیث ۲۸.
۳- ۱۸۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۰، حدیث ۱۶.

نبذه من فضائل شيعه على "عليه السلام"

۱۴۰ - حدّثنا أبى، عن سعد بن عبد اللَّه، عن يعقوب بن يزيد، عن محمّد بن أبى عمير، عن حمزه بن حمران، عن حمران بن أعين، عن أبى حمزه الثمالى، عن على بن الحسين عليه السلام قال:

قال سلمان الفارسى:

كنت ذات يوم جالساً عند رسول اللَّه صلى الله عليه وآله، إذ أقبل على بن أبى طالب عليه السلام، فقال له: أ لا اُبشّرك يا على؟

قال: بلى يا رسول اللَّه!

قال: هذا حبيبى جبرئ[illegible] يخبرنى عن اللَّه جلّ جلاله أنّه قد أعطى محبّيك وشيعتك سبع خصال: الرفق عند الموت، والأنس عند الوحشه، والنور عند الظلمه، والأمن عند الفزع، والقسط عند الميزان، والجواز على الصراط، ودخول الجنّه قبل سائر الناس من الأمم بثمانين عاماً.

۱۴۱ - حدّثنا إبن موسى، عن إبن زكريا القطّان، عن إبن حبيب، عن عمر بن عبد اللَّه، عن الحسن بن الحسين بن العاصم، عن عيسى بن عبد اللَّه العلوى، عن أبيه، عن جده، عن على عليه السلام قال:

حدّثنى سلمان الخيررضى الله عنه فقال: يا أبا الحسن! قلّما أقبلت أنت وأنا عند رسول اللَّه صلى الله عليه وآله إلاّ قال: يا سلمان! هذا وحزبه هم المفلحون يوم القيامه.

گوشه ای از فضائل شیعیان حضرت علی "علیه السلام"

۱۴۰ - سلمان فارسی می گوید:

روزی در محضر پیامبر خداصلی الله علیه وآله بودم که امام علی علیه السلام نیز وارد شد، پیامبرصلی الله علیه وآله به او فرمود: ای علی! آیا مژده ای به تو ندهم؟

گفت: بفرمایید ای رسول خدا!

فرمود: دوستم جبرئیل، از طرف خدا به من خبر داد که به دوستان و شیعیان تو هفت ویژگی داده شده:

۱) راحتّی هنگام مرگ.

۲) انس در هنگام وحشت.

۳) نورانیت در تاریکی.

۴) آسودگی و آرامش در زمان هراس.

۵) عدالت ودادگری در وقت میزان.

۶) عبور از صراط.

۷) ورود به بهشت، ۸۰ سال زودتر از اُمّت های دیگر. (۱)

۱۴۱ - امام علی علیه السلام از قول سلمان می فرماید:

سلمان به من گفت: ای علی، ای ابوالحسن! کمتر اتفاق می افتاد که تو بیایی و من نزد پیامبر خداصلی الله علیه وآله باشم مگر این که می فرمود:

ای سلمان! این مرد و حزب او همان رستگاران روز رستاخیز هستند. (۲)

۱- ۱۸۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۴، حدیث ۱۵.

۲- ۱۸۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۴، حدیث ۵.

نبذه من فضائل شيعه على "عليه السلام"

۱۴۲ - حدّثنا القطّان، عن عبد الرحمان بن محمّد الحسنى، عن أحمد بن عيسى العجلى، عن محمّد بن أحمد، عن العزرمى، عن على بن حاتم، عن شريك، عن سالم الأفطس، عن سعيد بن جبير، عن ابن عبّاس قال:

قال رسول اللَّه صلى الله عليه وآله لعلى عليه السلام:

يا على! شيعتك هم الفائزون يوم القيامه، فمن أهان واحداً منهم فقد أهانك، ومن أهانك فقد أهاننى، ومن أهاننى أدخله اللَّه نار جهنّم خالداً فيها وبئس المصير.

يا على! أنت منّى وأنا منك، روحك من روحى، وطينتك من طينتى، وشيعتك خلقوا من فضل طينتنا، فمن أحبّهم فقد أحبّنا، ومن أبغضهم فقد أبغضنا، ومن عاداهم فقد عادانا، ومن ودّهم فقد ودّنا.

يا على! إنّ شيعتك مغفور لهم على ما كان فيهم من ذنوب وعيوب.

يا على! أنا الشفيع لشيعتك غداً إذا قمت المقام المحمود، فبشّرهم بذلك.

يا على! شيعتك شيعه اللَّه، وأنصارك أنصار اللَّه، وأولياؤك أولياء اللَّه، وحزبك حزب اللَّه.

يا على! سعد من تولّاك، وشقى من عاداك.

يا على! لك كنز فى الجنّه وأنت ذو قرنيها.

۱۴۳ - حدّثنا الطالقانى، عن الحسن بن على العبدى، عن أحمد بن عبد اللَّه بن عمّار الجارودى، عن محمّد بن عبد اللَّه، عن أبى الجارود، عن أبى الهيثم، عن أنس بن مالك قال:

قال رسول اللَّه صلى الله عليه وآله:

إنّ اللَّه تبارك وتعالى يبعث أناساً وجوههم من نور، على كراسى من نور، عليهم ثياب من نور، فى ظلّ العرش، بمنزله الأنبياء، وليسوا بالأنبياء

گوشه ای از فضائل شیعیان حضرت علی "علیه السلام" ۱۴۲ - ابن عباس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! شیعیان تو رستگاران روز قیامتند، هر کس به یکی از شیعیان تو اهانت کند به تو اهانت کرده، و اهانت به تو اهانت به من است، و هر کس به من اهانت کند، خداوند او را به آتش دوزخ افکنده، برای همیشه در آن بماند و چه بد سرانجامی است!

ای علی! تو از منی و من از تو هستم، روح تو از روح من وسرشت تو از سرشت من است، شیعیان تو نیز از فزونی سرشت ما آفریده شدند، هر که آن ها را دوست بدارد، ما را دوست داشته و هرکه با آن ها دشمنی کند با ما دشمنی کرده و هر که به آن ها مهر ورزد به ما مهر ورزیده است.

ای علی! عیب ها و گناهان شیعیان تو بخشیده شده است.

ای علی! من شفیع شیعیان توام، آن گاه که در مقام محمود بایستم، پس این مژده را به آن ها بده.

ای علی! شیعه تو، شیعه خداست و یاران تو، یاران خدا هستند؛ دوستان تو، دوستان خدا و حزب تو، حزب خداست.

ای علی! سعادتمند کسی است که تو را دوست بدارد و بدبخت، آن که تو را دشمن بدارد.

ای علی! برای تو در بهشت، گنجی است. وتو ذوالقرنین آن هستی. (۱)

۱۴۳ - انس بن مالك می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

به راستی خداوند متعال انسان هایی را مبعوث کند که دارای چهره های نورانی بوده ولباس هایی از نور به تن دارند، آنان بر جایگاه های نورانی و در سایه عرش

۱- ۱۸۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴، حدیث ۸. در باره این بخش از روایت توضیحات متعددی داده شده است؛ از آن جمله در «معانی الأخبار (شیخ صدوق رحمه الله) چاپ جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ ص ۲۰۶ ونیز «المجازات النبویه» (سید رضی رحمه الله) صفحه ۸۷.

نبذه من فضائل شیعه علی "علیه السلام" وبمنزله الشهداء، ولیسوا بالشهداء.

فقال رجل: أنا منهم یا رسول اللَّه؟

قال: لا.

قال آخر: أنا منهم یا رسول اللَّه؟

قال: لا.

قیل: من هم یا رسول اللَّه؟

قال: فوضع یده علی رأس علی علیه السلام و قال: هذا وشیعته.

۱۴۴ – حدّثنا محمّد بن الحسن، عن الحسین بن الحسن بن أبان، عن الحسین بن سعید، عن محمّد بن أبی عمیر، عن علی بن أبی حمزه، عن أبی بصیر، عن أبی عبد اللَّه الصادق علیه السلام قال:

خرجت أنا وأبی علیه السلام حتّی إذا کنّا بین القبر والمنبر، إذا هو بأناس من الشیعه، فسلّم علیهم، فردّوا علیه السلام، ثمّ قال:

إنّی واللَّه! لأحبّ ریحکم وأرواحکم فأعینونی علی ذلک بورع واجتهاد، واعلموا أنّ ولایتنا لا تنال إلاّ بالعمل والاجتهاد، من ائتمّ منکم بعبد فلیعمل بعمله.

أنتم شیعه اللَّه وأنتم أنصار اللَّه، وأنتم السابقون الأولون والسابقون الآخرون، السابقون فی الدنیا إلی ولایتنا، السابقون فی الآخره إلی الجنّه وقد ضمنا لکم الجنّه بضمان اللَّه وضمان رسوله، ما علی درجات الجنّه أحد أکثر أزواجاً منکم، فتنافسوا فی فضائل الدرجات.

أنتم الطیبون ونساؤکم الطیبات، کلّ مؤمنه حوراء عیناء وکل مؤمن صدیق، ولقد قال أمیرالمؤمنین علیه السلام لقنبر:

گوشه ای از فضائل شیعیان حضرت علی "علیه السلام" مستقر شوند؛ پیامبر نیستند ولی مقام پیامبران را دارند، شهید نیستند ولی مقام شهیدان را دارند.

شخصی عرض کرد: ای پیامبرخدا! آیا من جزء آن ها هستم؟

فرمود: نه.

شخص دیگری سؤال کرد، حضرت فرمود: نه.

عرض شد: آن ها چه کسانی اند؟

پیامبرصلی الله علیه وآله دست بر سر علی علیه السلام نهاد و فرمود:

این مرد و پیروان او. (۱)

۱۴۴ - ابا بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

همراه پدرم به مسجد النبی رفتیم بین منبر و قبر مطهّر، عدّه ای از شیعیان جمع بودند، سلام کردیم و جواب دادند؛ پدرم، امام باقر علیه السلام فرمود:

من بوی شما و روح و جان شما را دوست می دارم، پس شما هم با تقوی و کوشش خود در این راه، مرا کمک کنید و بدانید که ولایت ما هم فقط با کار و کوشش به دست می آید. شما پیرو هر کس که بشوید، باید مانند او رفتار کند.

شما شیعه خدا، یاران خدا و از پیشی گیرندگان در دنیا وآخرت هستید، در دنیا به ولایت ما پیشی گرفته اید و در آخرت به سوی بهشت پیشی می گیرید. ما بهشت را برای شما به ضمانت خدا و رسول، ضمانت کردیم؛ حوریان شما در بهشت بیش از دیگران هستند. پس بکوشید تا به درجات بالاتری از بهشت نایل شوید.

شما پاک هستید همچنان که همسران شما پاکند، هر زن مؤمنی یک حوریه بهشتی است و هر مرد مؤمنی یک صدّیق.

به راستی که امیرمؤمنان علی علیه السلام به قنبر فرمود:

۱- ۱۸۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۲، حدیث ۱۵.

نبذه من فضائل شيعه على "عليه السلام" يا قنبر! أبشر وبشّر واستبشر، فلقد مات رسول اللَّه صلى الله عليه وآله و هو على اُمّته ساخط إلاّ الشيعه.

ألا وإن ش لكلّ شى ء عروه وعروه الإسلام الشيعه.

ألا وإنّ لكل شى ء دعامه ودعامه الإسلام الشيعه.

ألا وإنّ لكلّ شى ء شرفاً وشرف الإسلام الشيعه.

ألا وإنّ لكلّ شى ء سيداً وسيد المجالس مجالس الشيعه.

ألا وإنّ لكلّ شى ء إماماً وإمام الأرض أرض يسكنها الشيعه.

واللَّه! لو لا ما فى الأرض منكم لما أنعم اللَّه على أهل خلافكم ولا أصابوا الطيبات ما لهم فى الدنيا والآخره من نصيب، كلّ ناصب وإن تعبد واجتهد، فمنسوب إلى هذه الآيه: «عامِلَهٌ ناصِبَهٌ * تَصْلى ناراً حامِيَهً * تُسْقى مِنْ عَينٍ آنِيهٍ * لَيسَ لَهُمْ طَعامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ * لا يسْمِنُ وَ لا يغْنِى مِنْ جُوعٍ» (۱) كلّ ناصب مجتهد فعمله هباء.

شيعتنا ينظرون بنور اللَّه عزّ وجلّ، ومن خالفهم يتقلّب [ينقلب] بسخط اللَّه.

واللَّه! ما من عبد من شيعتنا ينام إلاّ أصعد اللَّه عزّوجلّ بروحه إلى السماء؛ فإن كان قد أتى عليه أجله جعله فى كنوز رحمته وفى رياض جنّته وفى ظلّ عرشه، وإن كان أجله متأخّراً عنه بعث به مع أمينه من الملائكه ليؤدّيه إلى الجسد الّذى خرج منه ليسكن فيه.

واللَّه! إنّ حجّاجكم وعمّاركم لخاصّه اللَّه، وإن فقراءكم لأهل الغناء، وإنّ أغنياءكم لأهل القنوع، وإنّكم كلّكم لأهل دعوه اللَّه وأهل إجابته.

ص:۲۰۴

۱- ۱۸۷. سوره الغاشيه {۸۸}: الآيه ۳ - ۷.

گوشه ای از فضائل شیعیان حضرت علی "علیه السلام" ای قنبر! مژده باد بر تو و مژده بده و خرسند باش که پیامبر هنگام رحلت، از اُمّتش ناراحت بود جز از شیعه.

آگاه باش! که هر چیزی دستگیره ای دارد و دستگیره اسلام شیعه است.

آگاه باش! که برای هر چیزی ستونی است و ستون اسلام شیعه است.

آگاه باش! که هر چیزی کنگره ای دارد، کنگره اسلام شیعه است.

آگاه باش! که برای هر چیزی سروری است و سرور مجالس، مجالس شیعه است.

آگاه باش! که برای هر چیزی امام و پیشوایی است و امام زمین، زمینی است که شیعیان در آنجا ساکن می باشند.

به خدا سوگند! اگر شیعیان ما نبودند خداوند به مخالفان ما نعمت نمی داد و به آنچه در دنیا رسیده اند نایل نمی شدند و در آخرت نیز بهره ای ندارند، هر ناصبی گرچه عبادت کند و کوشش فراوان نماید مشمول این آیات سوره غاشیه است که: «کار و تلاش می کنند اما جایگاهشان در آتش است و از چشمه داغ و جوشان می نوشند، خوراکشان ضریع است که نه چاق کند نه گرسنگی را زایل نماید.» هر ناصب و دشمن شما هر چند بسیار کوشا باشد، کارش بر باد است.

شیعیان ما با نور خدا می نگرند و مخالفان آن ها در خشم خدا می غلطند.

به خدا سوگند! هر کدام از شیعیان ما که می خوابد، خدا روحش را به آسمان بالا می برد، اگر مرگش فرا رسیده باشد آن را در گنجینه رحمت و باغ های بهشت و سایه عرش خویش قرار می دهد و گرنه، آن را با فرشته امین برمی گرداند تا به بدنش ملحق شود.

به خدا سوگند! حاجیان و عمره کنندگان شما از خاصّان الهی هستند. فقیران شما، بی نیاز و توانگران شما، با قناعت دمسازند، شما همه، اهل دعوت خدا و اهل اجابت او هستید. (۱)

۱- ۱۸۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۱، حدیث ۴.

نبذه من فضائل شيعه على "عليه السلام"

۱۴۵ – حدّثنا ماجيلويه، عن أبيه، عن البرقى، عن أبيه، عن خالد بن حماد الأسدى، عن أبى الحسن العبدى، عن الأعمش، عن سالم بن أبى الجعد قال:

سئل جابر بن عبد اللّه الأنصارى عن على بن أبى طالب عليه السلام.

فقال: ذاک خير خلق اللّه من الأوّلين والآخرين ما خلا النبيين والمرسلين، إنّ اللّه عزّ وجلّ لم يخلق خلقاً بعد النبيين والمرسلين أكرم عليه من على بن أبى طالب عليه السلام والأئمّه من ولده بعده.

قلت: فما تقول فيمن يبغضه وينتقصه؟

فقال: لا يبغضه إلّا كافر ولا ينتقصه إلّا منافق.

قلت: فما تقول فيمن يتولّاه ويتولّى الأئمّه من ولده بعده؟

فقال: إنّ شيعه على والأئمّه من ولده هم الفائزون الآمنون يوم القيامه.

ثمّ قال: ما ترون لو أنّ رجلاً خرج، يدعو الناس إلى ضلاله، من كان أقرب الناس منه؟

قالوا: شيعته وأنصاره.

قال: فلو أنّ رجلاً خرج، يدعو الناس إلى هدى من كان أقرب الناس منه؟

قالوا: شيعته وأنصاره.

قال: فكذلك على بن أبى طالب عليه السلام، بيده لواء الحمد يوم القيامه أقرب الناس منه شيعته وأنصاره.

ص:۲۰۶

گوشه ای از فضائل شیعیان حضرت علی "علیه السلام"

۱۴۵ - از جابر بن عبداللّه انصاری در مورد امام علی علیه السلام پرسیدند، جواب داد:

او بهترین خلق اولین و آخرین - جز پیامبران - است، خداوند پس از پیامبران، شخصی گرامی تر از علی و امامان پس از او نیافریده است.

راوی حدیث می گوید: به جابر گفتم:

چگونه است حال کسی که او را دشمن دارد و کوچک شمارد؟

جابر گفت: با علی دشمنی نمی کند مگر کافر، و او را کوچک نمی شمرد مگر منافق.

گفتم: در باره دوستان او و دوستان ائمّه پس از او چه می گویی؟

گفت: شیعیان علی و ائمه علیهم السلام پس از او، رستگارانند و روز قیامت در امن و امان خواهند بود.

آن گاه جابر سؤال کرد: به نظر شما کسی که خروج کند و مردم را به گمراهی بخواند، چه کسانی از مردم به او نزدیک ترند؟

(حاضران) گفتند: پیروان و یارانش.

پرسید: اگر کسی قیام و دعوت به حق کند، چه کسانی از مردم به او نزدیک ترند؟

گفتند: پیروان و یارانش.

جابر گفت: پس علی بن ابی طالب نیز این گونه است، در روز رستاخیز پرچم حمد را به دست دارد و نزدیک ترین مردم به او، شیعیان و یاران او هستند. (۱)

۱- ۱۸۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۵، حدیث ۴.

شفاعت، دوستی با دوستان حضرت، پیش گویی پیامبر اکرم

شفاعه علی "علیه السلام"

۱۴۶ - حدّثنا المؤدّب، عن الأسدی، عن النخعی، عن النوفلی، عن علی بن أبی حمزه، عن أبیه، عن الصادق جعفر بن محمّد، عن أبیه، عن آبائه، عن علی علیهم السلام قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

إذا کان یوم القیامه یؤتی بک یا علی! علی عجله [ناقه] من نور و علی رأسک تاج له أربعه أرکان، علی کلّ رکن ثلاثه أسطر: لا إله إلّا اللَّه، محمّد رسول اللَّه، علی ولی اللَّه.

وتعطی مفاتیح الجنّه، ثمّ یوضع لک کرسی یعرف بکرسی الکرامه فتقعد علیه، ثمّ یجمع لک الأوّلون والآخرون فی صعید واحد، فتأمر بشیعتک إلی الجنّه وبأعدائک إلی النار، فأنت قسیم الجنّه، وأنت قسیم النار، ولقد فاز من تولّاک، وخسر من عاداک، فأنت فی ذلک الیوم أمین اللَّه وحجه اللَّه الواضحه.

۱۴۷ - حدّثنا إبن المتوکل، عن محمّد العطّار، عن الأشعری، عن سلمه بن الخطاب، عن الحسین بن سعید الأزدی، عن إسحاق بن إبراهیم، عن عبد اللَّه بن صباح، عن أبی بصیر،

عن أبی عبد اللَّه الصادق علیه السلام قال:

إذا کان یوم القیامه جمع اللَّه الأوّلین والآخرین فی صعید واحد، فتغشاهم ظلمه شدیده، فیضجّون إلی ربّهم ویقولون:

یا ربّ اکشف عنّا هذه الظلمه.

قال: فیقبل قوم یمشی النور بین أیدیهم قد أضآء أرض القیامه.

فیقول أهل الجمع: هؤلاء أنبیاء اللَّه؟

شفاعت حضرت علی "علیه السلام"

۱۴۶ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

ای علی! چون روز قیامت شود، تو را سوار بر درشکه ای (ناقه ای) از نور می آورند؛ بر سرت تاجی است که چهار رکن دارد و بر هر رکنی، سه سطر نوشته شده است: لا اله الا اللَّه، محمّد رسول اللَّه، علی ولی اللَّه.

کلیدهای بهشت را به تو بدهند و بر تخت کرامت بنشانند، آن گاه تمام پیشینیان وپسینیان، بر یک پهنا بر گِرد تو جمع شوند و تو دستور می دهی که شیعیانت را به بهشت و دشمنانت را به دوزخ ببرند؛ چرا که تو قسمت کننده بهشت و دوزخ هستی. رستگار شد آن که ولایت تو را پذیرفت و زیان کرد آن که دشمن تو شد. ای علی! تو در آن روز، امین خدا و حجّت آشکار الهی هستی. (۱)

۱۴۷ - ابا بصیر می گوید: امام صادق علیه السلام می فرماید:

آن گاه که قیامت برپا شود، خداوند خلق پیشینیان وپسینیان را در یک جا گرد آورد، تاریکی شدیدی همه را فرا گیرد و به پروردگار خود ناله کنند که:

پروردگارا! این تاریکی را از ما برطرف فرما.

در این هنگام، عده ای وارد می شوند که با نور خود، صحرای قیامت را روشن می کنند.

حاضران می گویند: اینان پیامبران خدا هستند؟

ص:۲۰۹

۱- ۱۹۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۵، حدیث ۱۰.

شفاعه على "عليه السلام" فيجيئهم النداء من عند اللَّه: ما هؤلاء بأنبياء.

فيقول أهل الجمع: فهؤلاء ملائكه؟

فيجيئهم النداء من عند اللَّه: ما هؤلاء بملائكه.

فيقول أهل الجمع: هؤلاء شهداء؟

فيجيئهم النداء من عند اللَّه: ما هؤلاء بشهداء.

فيقولون: من هم؟

فيجيئهم النداء: يا أهل الجمع سلوهم من أنتم؟

فيقول أهل الجمع: من أنتم؟

فيقولون: نحن العلويون، نحن ذريه محمّد رسول اللَّه صلى الله عليه وآله، نحن أولاد على ولى اللَّه. نحن المخصوصون بكرامه اللَّه، نحن الآمنون المطمئنّون.

فيجيئهم النداء من عند اللَّه عزّ وجلّ: اشفعوا

فى محبّيكم و أهل مودّتكم وشيعتكم.

فيشفعون فيشفعون.

شفاعت حضرت علی "علیه السلام" از جانب خدا ندا می رسد که: خیر پیامبر نیستند.

می گویند: این ها فرشته اند؟

ندا می رسد: فرشته هم نیستند.

در مرتبه سوم می گویند: این ها شهیدان هستند؟

ندا می رسد: خیر شهید هم نیستند.

می پرسند: پس چه کسانی اند؟

ندا می رسد: از خود آن ها بپرسید.

از آنان می پرسند: شما کیستید؟

پاسخ می دهند: ما علویون و ذریه و فرزندان محمّد پیامبر خداصلی الله علیه وآله هستیم، ما فرزندان علی ولی خدا هستیم، کرامت خدا مخصوص ماست و ما در آسایش و اطمینان هستیم.

از جانب خداوند به آن ها ندا می رسد که: دوستان و شیعیان خود را شفاعت کنید.

پس آن ها شفاعت می کنند و شفاعت آن ها پذیرفته می شود. (۱)

۱- ۱۹۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۷، حدیث ۱۸.

لزوم الموالاه لأولياء على "عليه السلام"

۱۴۸ - حدّثنا إبن المتوكّل، عن الأسدى، عن النخعى، عن النوفلى، عن على بن سالم، عن أبيه، عن ثابت بن أبى صفيه، عن سعيد بن جبير، عن ابن عبّاس قال:

قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله:

من سرّه أن يجمع اللّه له الخير كلّه فليوال علياً بعدى وليوال أولياءه وليعاد أعداءه.

ص:۲۱۲

لزوم دوستی با دوستان امیرالمؤمنین "علیه السلام"

۱۴۸ - ابن عبّاس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

هر که خرسند می شود که خداوند همه خوبی ها را برایش فراهم کند، بایستی پس از من، از علی پیروی کند و دوستانش را دوست بدارد و با دشمنان او دشمن باشد. (۱)

۱- ۱۹۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۷.

اخبار النبی بما یجری علی أهل بیته "علیهم السلام"

۱۴۹ - حدّثنا إبن موسی، عن الأسدی، عن النخعی، عن النوفلی، عن الحسن بن علی بن أبی حمزه، عن أبیه، عن سعید بن جبیر، عن ابن عبّاس قال:

إنّ رسول اللَّه صلی الله علیه وآله کان جالساً ذات یوم إذ أقبل الحسن علیه السلام فلمّا رآه بکی. ثمّ قال: إلی إلی یا بنی! فما زال یدنیه حتّی أجلسه علی فخذه الیمنی.

ثمّ أقبل الحسین علیه السلام فلمّا رآه بکی، ثمّ قال: إلی إلی یا بنی! فما زال یدنیه حتّی أجلسه علی فخذه الیسری. ثمّ أقبلت فاطمهعلیها السلام فلمّا رآها بکی، ثمّ قال: إلی إلی یابنیه! فأجلسها بین یدیه. ثمّ أقبل أمیرالمؤمنین علیه السلام فلمّا رآه بکی، ثمّ قال: إلی إلی یاأخی! فمازال یدنیه حتّی أجلسه إلی جنبه الأیمن.

فقال له أصحابه: یا رسول اللَّه! ما تری واحداً من هؤلاء إلّا بکیت أو ما فیهم من تسرّ برؤیته؟

فقال صلی الله علیه وآله: والّذی بعثنی بالنبوّه واصطفانی علی جمیع البریه! إنّی وإیاهم لأکرم الخلق علی اللَّه عزّوجلّ، وما علی وجه الأرض نسمه أحبّ إلی منهم.

أمّا علی بن أبی طالب علیه السلام فإنّه أخی وشقیقی، وصاحب الأمر بعدی، وصاحب لوائی فی الدنیا والآخره، وصاحب حوضی وشفاعتی، وهو مولی کلّ مسلم، وإمام کل مؤمن، وقائد کلّ تقی، وهو وصیی وخلیفتی علی أهلی واُمّتی فی حیاتی وبعد موتی، محبّه محبّی، ومبغضه مبغضی، وبولایته صارت اُمّتی مرحومه، وبعداوته صارت المخالفه له منها ملعونه.

وإنّی بکیت حین أقبل لأنّی ذکرت غدر الأمّه به بعدی، حتّی إنّه لیزال

عن مقعدی وقد جعله اللَّه له بعدی، ثمّ لا یزال الأمر به حتّی یضرب علی قرنه ضربه تخضب منها لحیته فی أفضل الشهور، «شَهْرُ رَمَضانَ الَّذی أُنْزِلَ فیهِ الْقُرآن هُدیً لِلنّاسِ وَبَیناتٍ مِنَ الْهُدی وَالْفُرْقان» (۱)...

۱- ۱۹۳. سوره البقره {۲}: ۱۵۸.

پیش گویی پیامبر درباره مصایب اهل بیت "علیهم السلام"

۱۴۹ – ابن عبّاس می گوید:

روزی خدمت پیامبر خداصلی الله علیه وآله نشسته بودیم، که امام حسن علیه السلام وارد شد، پیامبرصلی الله علیه وآله تا او را دید گریه کرد و فرمود: بیا پسرم! بیا عزیزم! وی نزدیک آمد و حضرت او را بر زانوی راست نشاند.

سپس امام حسین علیه السلام آمد، پیامبر گریه کرد وفرمود: بیا پسرم! بیا عزیزم! پیامبر او را بر زانوی چپ خود نشاند. لحظه ای بعد فاطمه زهراعلیها السلام آمد همان جریان تکرار شد و حضرت او را برابر خود نشاند و در آخر امیرالمومنین علیه السلام آمد پیامبر پس از گریه کردن، او را نزد خود طلبید و در سمت راست خود قرار داد.

یاران رسول خداصلی الله علیه وآله عرض کردند: هر کدام که آمدند گریستی؟ آیا بین آن ها کسی نبود که از دیدنش خوشحال شوی؟

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: قسم به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخت و بر همه مردم برتری داد، من و این ها گرامی ترین خلق خداییم و روی زمین هم کسی نیست که نزد من محبوب تر از این ها باشد.

خصوصیات علی، این است که او برادر، همکار و صاحب امر پس از من است، او پرچم دار من در دنیا و آخرت است؛ صاحب حوض و شفاعت من است، مولای مسلمانان، امام مؤمنان وپیشوای پرهیزکاران است، او وصی و خلیفه من بر خاندان و اُمّت من است؛ چه در زندگی و چه در پس از مرگ من؛ دوست او دوست من و دشمن او دشمن من است؛ به ولایت او اُمّت من رحمت می شوند و با مخالفت او، ملعون.

اما گریه من به این علّت بود که یادم آمد از نیرنگی که اُمّت با او می کنند، او را

از جایگاه من که خدا برای او قرار داده است بر می دارند. این درگیری و گرفتاری ادامه دارد تا آنجا که وی را با شمشیر خواهند زد و در بهترین ماه، یعنی ماه رمضان که ماه نزول قرآن برای هدایت مردم، و برای تمییز حق از باطل است، محاسن او از خون سرش رنگین خواهد شد... (۱)

ص:۲۱۵

۱- ۱۹۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۴، حدیث ۲.

فضائل اهل البیت، امامت ائمه و جانشینان پیامبر اکرم

نبذه من فضائل أهل البیت "علیهم السلام"

۱۵۰ - حدّثنا الهمدانی، عن علی بن إبراهیم، عن جعفر بن سلمه الأهوازی، عن إبراهیم بن محمّد الثقفی، عن إبراهیم بن موسی، عن أبی قتاده، عن عبد الرحمان بن العلاء الحضرمی، عن سعید بن مسیب، عن إبن عبّاس قال:

إنّ رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله کان جالساً ذات یوم وعنده علی وفاطمه و الحسن والحسین علیهم السلام فقال:

اللّهمّ إنّک تعلم أنّ هؤلآء أهل بیتی وأکرم الناس علی، فأحبّ من أحبّهم، وأبغض من أبغضهم، ووال من والاهم، وعاد من عاداهم، وأعن من أعانهم، واجعلهم مطهّرین من کلّ رجس، معصومین من کلّ ذنب، وأیدهم بروح القدس منک.

ثمّ قال صلی الله علیه وآله: یا علی! أنت إمام أمّتی وخلیفتی علیها بعدی، أنت قائد المؤمنین إلی الجنّه وکأنی أنظر إلی ابنتی فاطمهعلیها السلام قد أقبلت یوم القیامه علی نجیب من نور، عن یمینها سبعون ألف ملک وعن یسارها سبعون ألف ملک وبین یدیها سبعون ألف ملک وخلفها سبعون ألف ملک، تقود مؤمنات أمّتی إلی الجنّه.

فأیما امرأه صلّت فی الیوم واللیله خمس صلوات وصامت شهر رمضان وحجّت بیت اللّٰه الحرام وزکّت مالها وأطاعت زوجها ووالت علیاً بعدی دخلت الجنّه بشفاعه ابنتی فاطمه وإنّها لسیده نسآء العالمین.

فقیل: یا رسول اللّٰه! أهی سیده لنساء عالمها؟

فقال صلی الله علیه وآله: ذاک لمریم بنت عمران، فأمّا ابنتی فاطمه، فهی سیده نساء العالمین من الأوّلین والآخرین، وإنّها لتقوم فی محرابها فیسلّم علیها

گوشه ای از فضایل اهل بیت "علیهم السلام"

قسمت اول

۱۵۰ - ابن عبّاس می گوید:

روزی پیامبر خداصلی الله علیه وآله نشسته بود و علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هم نزد ایشان بودند، حضرتش فرمود:

خدایا! تو می دانی که اینان اهل بیت من وگرامی ترین مردم نزد من هستند، دوستان آن ها را دوست بدار و دشمن آن ها را دشمن باش، کمک نما هر که آن ها را یاری می کند و آن ها را از هر پلیدی پاک و از هر گناهی محفوظ دار و توسّط روح القدس آن ها را تأیید فرما!

آن گاه فرمود: ای علی! تو امام امّت من وجانشین من پس از من بر آن ها هستی، تو رهبر مؤمنان به سوی بهشت می باشی.

گویا دخترم، فاطمه علیها السلام را می نگرم که بر اسبی از نور سوار است، و در حالی که از طرف راستش هفتاد هزار فرشته و از جانب چپ، هفتاد هزار فرشته و از پیش رو هفتاد هزار فرشته و از پشت سرش هفتاد هزار فرشته او را همراهی می کنند، زنان مؤمن امّتم را به بهشت رهبری می کند.

هر زنی که در شبانه روز، پنج نوبت نماز بخواند، ماه رمضان را روزه بگیرد، حج واجب خانه خدا را به جا آورد، زکات مالش را بپردازد و از همسرش اطاعت کند و پس از من پیرو علی علیه السلام باشد، با شفاعت دخترم، فاطمه علیها السلام داخل بهشت می شود، زیرا که او بانوی زنان جهانیان است.

عرض شد: ای پیامبر خدا! آیا او بانوی زنان عالم خود است؟

فرمود: او مریم علیها السلام - دختر عمران - است که بانوی زنان عالم خود بود، ولی دخترم فاطمه، بانوی زنان جهانیان از اولین تا آخرین است؛ فاطمه کسی است

نبـذه من فضائـل أهـل البيت "عليهم السـلام" سـبعون ألف ملـك من الملاـئكه المقرّبين وينادونهـا بمـا نادت به الملائكه مريم فيقولون:

يا فاطمه! إنّ اللّه اصطفاك وطهّرك واصطفاك على نساء العالمين.

ثمّ التفت إلى على عليه السلام فقال:

يـا على! إنّ فـاطمه بضـعه منّى وهى نور عينى وثمره فؤادى يسوءنى مـا ساءها ويسـرّنى ما سـرّها، وإنّها أوّل من يلحقنى من أهل بيتى، فـأحسن إليهـا بعـدى وأمّـا الحسن والحسـين فهما ابناى وريحانتاى وهما سـيدا شـباب أهل الجنّه فليكرما عليك كسـمعك وبصرك.

ثمّ رفع صـلى الله عليه وآله يده إلى السـماء، فقال: اللّهم إنّى أشـهدك أنّى محبّ لمن أحبّهم، ومبغض لمن أبغضهم، وسلم لمن سالمهم، وحرب لمن حاربهم، وعدوّ لمن عاداهم وولى لمن والاهم.

۱۵۱ - حـدّثنا أبى، عن المؤدّب، عن الأصـبهانى، عن الثقفى، عن مخول بن إبراهيم، عن عبـد الجبـار بن العبّـاس، عن عمّار أبى معاويه، عن عمره ابنه أفعى، قالت: سمعت أُمّ سلمهرحمه الله تقول:

نزلت هذه الآيه فى بيتى «إِنَّما يرِيدُ اللَّهُ لِيذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيتِ وَيطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً». (۱)

قالت: و فى البيت سبعه: رسول اللّه صلى الله عليه وآله وجبرئيل وميكائيل وعلى وفاطمه و الحسن والحسين.

قالت: وأنا على الباب.

فقلت: يا رسول اللّه! ألست من أهل البيت؟

قال صلى الله عليه وآله: «إنّک من أزواج النبى» وما قال إنّک من أهل البيت.

۱- ۱۹۵. سوره الأحزاب {۳۳}: الآيه ۳۳.

گوشه ای از فضایل اهل بیت "علیهم السلام" که چون در محراب عبادت بایستد، هفتاد هزار فرشته مقرّب به او سلام دهند و همان ندایی را که به مریم کردند به او نیز می کنند و می گویند:

ای فاطمه! خدا تو را برگزید و پاک کرد و بر همه زنان جهانیان برتری داد.

سپس رو به علی علیه السلام کرد و فرمود: ای علی! فاطمه پاره تن من و نور دیده و میوه دل من است، هر چه او را ناراحت کند مرا ناراحت کرده، هر چه او را شاد کند مرا شاد کرده. فاطمه، اوّلین کسی است که از اهل بیتم، به من می رسد، پس به او خوبی کن.

امّا حسن و حسینّ دو گل و دو فرزند من هستند و هر دو، آقای جوانان بهشت می باشند. پس مثل گوش و چشم آن ها را گرامی دار.

سپس دست به آسمان بلند کرد و گفت:

خدایا! گواه باش که من دوستدار دوستان آن ها و دشمن دشمنان آن هایم. در صلح هستم با هر که با آن ها در صلح باشد و در جنگ هستم با هر که با آن ها در جنگ باشد. (۱)

۱۵۱ - اُمّ سلمه، همسر پیامبر خداصلی الله علیه وآله می گوید:

این آیه در خانه من نازل شد که: «همانا خداوند اراده فرموده پلیدی را از شما خاندان دور بدارد وشما را کاملاً پاک وپاکیزه گرداند.»

آن هنگام هفت نفر در خانه بودند: پیامبر، جبرئیل، میکائیل، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام. من هم بر در خانه بودم.

گفتم: ای پیامبر خدا! آیا من از اهل بیت نیستم؟

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: تو همسر پیامبر هستی، و نفرمود از اهل بیت هستی. (۲)

۱- ۱۹۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۳، حدیث ۱۸.

۲- ۱۹۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۴.

نبذه من فضائل أهل البيت "عليهم السلام"

۱۵۲ - حدّثنا على بن الفضل، عن أحمد بن محمّد بن سليمان، عن محمّد بن على بن خلف، عن حسين الأشقر، عن عمرو بن أبى المقدام، عن أبيه، عن سعيد بن جبير، عن ابن عبّاس قال:

سألت النبى صلى الله عليه وآله عن الكلمات الّتى تلقّى آدم من ربّه فتاب عليه.

قال صلى الله عليه وآله: سأله بحقّ محمّد وعلى وفاطمه والحسن والحسين إلّا تبت على، فتاب عليه.

۱۵۳ - حدّثنا أبى رحمه الله، عن إبن عامر، عن المعلّى، عن جعفر بن سليمان، عن عبد اللّه بن الحكم، عن أبيه، عن سعيد بن جبير، عن إبن عبّاس قال:

قال النبى صلى الله عليه وآله:

إنّ علياً وصيى وخليفتى وزوجته فاطمه سيده نساء العالمين ابنتى والحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنّه ولداى، من والاهم فقد والانى، ومن عاداهم فقد عادانى، ومن ناواهم فقد ناوانى، ومن جفاهم فقد جفانى، ومن برّهم فقد برّنى، وصل اللّه من وصلهم، وقطع من قطعهم، ونصر من نصرهم، وأعان من أعانهم، وخذل من خذلهم.

اللّهمّ من كان له من أنبيائک ورسلک ثقل وأهل بيت، فعلى و فاطمه والحسن والحسين أهل بيتى وثقلى، أذهب عنهم الرجس وطهّرهم تطهيراً.

۱۵۴ - حدّثنا القطّان، عن العبّاس بن الفضل، عن أبى ذرعه، عن عثمان بن محمّد بن أبى شيبه، عن عبداللّه بن نمير، عن الحارث بن حصيره، عن زيد بن وهب، عن إبن عباس، قال:

قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله:

ولايتى وولايه أهل بيتى أمان من النار.

۱۵۲ - ابن عباس گوید:

از پیامبرصلی الله علیه وآله پرسیدم: کلماتی را که آدم علیه السلام از پروردگارش دریافت کرد وبه واسطه آن ها خداوند، توبه اش را قبول کرد، چه بود؟

حضرت فرمود: او از خدا درخواست کرد که به حق محمّد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام، توبه ام را بپذیر.

خدا، هم توبه اش را قبول فرمود. (۱)

۱۵۳ - ابن عبّاس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

به راستی که علی وصـی و خلیفه من است؛ همسـرش فاطمه، بانوی زنان جهانیان، دختر من است؛ حسن و حسین، آقای جوانان بهشت، پسـران من هسـتند. هر که آن ها را دوست بدارد مرا دوست داشته، هر که آن ها را دشمن بدارد مرا دشمن داشته و هر که آن ها را دور کنـد مرا دور کرده است، جفای به آن ها، جفای به من و نیکی به آن ها، نیکی به من است؛ خـدا می پیونـدد به هر که به آن ها بپیونـدد و قطع رابطه می کنـد با هر کس که با آن ها قطع رابطه کند، خدا یاری می کند یاری کنندگان آن ها را و خوار می کند خوار کنندگان آن ها را.

خدایا! هر کدام از پیامبرانت، اهل بیت و خاندانی داشـتند؛ علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام نیز اهل بیت و خاندان من هستند، پلیدی را از آن ها دور کن و آن ها را پاک وپاکیزه نما. (۲)

۱۵۴ - ابن عبّاس می گوید: پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود:

ولایت من و ولایت اهل بیت من، موجب امان از آتش دوزخ است. (۳)

۱- ۱۹۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۸، حدیث ۲.

۲- ۱۹۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۶.

۳- ۲۰۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۸.

نبذه من فضائل أهل البيت "عليهم السلام"

۱۵۵ - حدّثنا إبن مسرور، عن إبن عامر، عن عمه، عن الأزدی، عن أبان بن عثمان، عن أبان بن تغلب، عن عکرمه، عن إبن عبّاس قال:

قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله:

من سرّه أن یحیا حیاتی ویموت میتتی، ویدخل جنّه عدن منزلی، ویتمسّک قضیباً غرسه ربّی عزّوجلّ، ثمّ قال له: کن فیکون؛ فلیتولّ علی بن أبی طالب ولیأتمّ بالأوصیآء من ولده، فإنّهم عترتی، خلقوا من طینتی، إلی اللّٰه أشکو أعداءهم من أُمّتی المنکرین لفضلهم القاطعین فیهم صلتی وأیم اللّٰه! لتقتلنّ ابنی بعدی الحسین لا أنالهم اللّٰه شفاعتی.

۱۵۶ - حدّثنا أبی، عن سعد، عن إبن أبی الخطّاب، عن علی بن أسباط، عن علی بن أبی حمزه، عن أبی بصیر، عن الصادق جعفر بن محمّدعلیهما السلام أنّه قال:

یا أبا بصیر! نحن شجره العلم، ونحن أهل بیت النبی، وفی دارنا مهبط جبرئیل، ونحن خزّان علم اللّٰه، ونحن معادن وحی اللّٰه، من تبعنا نجا، ومن تخلّف عنّا هلک، حقّاً علی اللّٰه عزّ وجلّ.

قسمت دوم

۱۵۷ - حدّثنا أبی رحمه الله، عن أحمد بن إدریس، عن إبن یزید، عن إبن أبی عمیر، عن محمّد القبطی قال: قال الصادق جعفر بن محمّدعلیهما السلام:

أغفل الناس قول رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله فی علی بن أبی طالب علیه السلام یوم مشربه أمّ إبراهیم، کما أغفلوا قوله فیه یوم غدیر خم؛ إنّ رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله کان فی مشربه أمّ إبراهیم وعنده أصحابه، إذ جاء علی علیه السلام فلم یفرجوا له، فلمّا رآهم لا یفرجون له قال:

گوشه ای از فضایل اهل بیت "علیهم السلام"

۱۵۵ - ابن عبّاس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

هر که دوست دارد، زنـدگی و مرگش هماننـد زنـدگی و مرگ من باشـد؛ و وارد خـانه من، در بهشت عـدن گردد وبه نهـالی چنگ زند که پروردگارم آن را کاشته و به آن فرموده: ایجاد شو! پس (به امر خدا) ایجاد شد؛ پس بایستی دوست دار علی بن ابی طالب باشـد و از اوصـیای از فرزنـدانش پیروی کنـد؛ زیرا آن ها عترت من بوده، از گل من آفریـده شـده انـد. من به خـدا شکایت می کنم، از دشمنان خاندانم که منکر فضل آن ها شوند و با آن ها قطع رابطه کنند.

به خدا قسم! که پس از من، فرزندم حسین را بکشند، و خداوند نیز آن ها را از شفاعت من محروم کند. (۱)

۱۵۶ - امام صادق علیه السلام به یکی از یارانش فرمود:

ای ابا بصیر! ما درخت دانش و خاندان پیامبرصلی الله علیه وآله هستیم، در خانه ما، جبرئیل فرود می آمد، خزانه دار علم خدا و معادن وحی الهی ماییم، هرکس از ما پیروی کنـد نجات یافته و آن که از ما نافرمانی کنـد، نابود شود، این حقّ خداونـد است. (۲)

۱۵۷ - امام صادق علیه السلام فرمود:

مردم فرمایش پیامبر خداصـلی الله علیه وآله را درباره امام علی علیه السـلام در روز مشربه اُمّ ابراهیم از یاد بردند، چنان که روز غـدیر خم را فراموش کردنـد. پیامبرصـلی الله علیه وآله به همراه برخی از یـاران خود، در مشـربه اُمّ ابراهیم بودنـد که علی علیه السلام وارد شد، کسی برای علی علیه السلام، جا باز نکرد، چون پیامبرصلی الله علیه وآله چنین دید، فرمود:

۱- ۲۰۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹، حدیث ۱۱.

۲- ۲۰۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۰، حدیث ۱۵.

نبـذه من فضائل أهل البيت "عليهم السـلام" يا معشـر الناس! هذا أهل بيتى تسـتخفّون بهم وأنا حى بين ظهرانيكم، أما واللَّه! لئن غبت عنكم فـإنّ اللَّه لا يغيب عنكم، إنّ الروح والراحه والبشـر والبشاره لمن ائتمّ بعلى وتولّاه وسـلم له وللأوصـياء من ولـده حقّاً على أن أدخلهـم فى شـفاعتى، لأنّهم أتبـاعى، فمـن تبعنى فـإنّه منّى سـنّه جرت فى مـن إبراهيـم لأنّى من إبراهيم وإبراهيم منى وفضلى له فضل وفضله فضلى وأنا أفضل منه، تصديق ذلك قول ربى: «ذُرِّيةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». (١)

وكان رسول اللَّه صلى الله عليه وآله وثئت رجله فى مشربه أمّ إبراهيم حتّى عاده الناس.

١٥٨ - حـدّثنا أحمـد بن محمّـد بن الصـقر، عن محمّـد بن أيوب، عن إبراهيم بن موسـى، عن هشام بن يوسف، عن عبد اللَّه بن سليمان، عن محمّد بن على بن عبد اللَّه بن عبّاس، عن أبيه، عن ابن عبّاس قال:

قال رسول اللَّه صلى الله عليه وآله:

أحبّوا اللَّه لما يغذوكم به من نعمه، وأحبّونى لحبّ اللَّه عزّ وجلّ وأحبّوا أهل بيتى لحبّى.

١٥٩ - حدّثنا أحمد بن زياد، عن على بن إبراهيم، عن جعفر بن سـلمه، عن إبراهيم بن محمّد الثقفى، عن عثمان بن أبى شـيبه و محرز بن هشام، قالا: حدّثنا مطلب بن زياد، عن ليث بن أبى سليم قال:

أتى النبى صـلى الله عليه وآله على وفـاطمه والحسن والحسـين عليهم السـلام كلهم يقول: أنا أحب إلى رسول اللَّه صـلى الله عليه وآله.

فأخذصـلى الله عليه وآله فـاطمه ممّـا يلى بطنه وعلياً ممّا يلى ظهره والحسن عن يمينه والحسـين عن يساره، ثمّ قال: أنتم منّى وأنا منكم.

١- ٢٠٣. سوره آل عمران {٣}: الآيه ٣۴.

گوشه ای از فضایل اهل بیت "علیهم السلام" ای مردم! این اهل بیت مرا سبک می شمارید، در حالی که من هنوز در میان شما زندگی می کنم. قسم به خدا! اگر من از شما پنهان شوم خدا از شما پنهان نیست. بدانید که روح و راحتی، خوشی و بشارت، برای کسی است که به علی علیه السلام اقتدا کند و او را دوست بدارد، تسلیم او و امامان از فرزندان او باشد، هر کس چنین کند بر من لازم است که از او شفاعت کنم، زیرا آن ها پیروان من هستند و هر که از من پیروی کند از من است.

این روشی است که از ابراهیم خلیل علیه السلام به من رسیده، چون من از ابراهیم هستم و او هم از من؛ فضل من، فضل اوست و فضل او، فضل من. با این حال من افضل از او هستم، گواه آن آیه ای است که می فرماید: «دودمانی که برخی از برخی دیگر (وهمانند یکدیگرند) وخدا شنوا وداناست.»

این ماجرا در زمانی اتفاق افتاد که پای پیامبر خداصلی الله علیه وآله در مشربه امّ ابراهیم آسیب دیده بود، به طوری که مردم به عیادت حضرتش می رفتند. (۱)

۱۵۸ - ابن عبّاس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

خداوند را به خاطر نعمت هایش دوست بدارید؛ مرا به خاطر دوستی خدا، دوست بدارید و خاندانم را به خاطر دوستی من، دوست بدارید. (۲)

۱۵۹ - لیث بن ابا سلیم می گوید:

روزی علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام خدمت پیامبرصلی الله علیه وآله آمده و هر کدام می گفت: من نزد رسول خداصلی الله علیه وآله محبوب ترم.

پیامبرصلی الله علیه وآله، حضرت فاطمه علیها السلام را پیش روی خود و علی علیه السلام را پشت سر خود، وحسن علیه السلام را سمت راست و حسین علیه السلام را سمت چپ خود قرار داد، سپس فرمود: شما از من هستید و من از شمایم. (۳)

۱- ۲۰۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۳، حدیث ۱۰.

۲- ۲۰۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۸، حدیث ۶.

۳- ۲۰۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴، حدیث ۲.

نبذه من فضائل أهل البيت "عليهم السلام"

۱۶۰ - حـدثنا أبى عن المؤدّب، عن أحمـد بن على الإصـبهانى، عن الثقفى، عن اسـماعيل ابن ابان، عن عبـداللّٰه بن خراش، عن العوام بن الحوشب، عن التميمى قال:

دخلت على عائشه فحدّثتنا أنّها رأت رسول اللّٰه صلى الله عليه وآله دعا علياً وفاطمه والحسن والحسين عليهم السلام فقال:

اللّهم هؤلاء أهل بيتى، فاذهب عنهم الرجس وطهّرهم تطهيراً.

۱۶۱ - حدّثنا أبى، عن سـعد بن عبد اللّٰه، عن إبن عيسـى، عن البجلى، عن جعفر بن محمّد بن سـماعه، عن عبد اللّٰه بن مسـكان، عن الحكم بن الصلت، عن أبى جعفر محمّد بن على، عن آبائه عليهم السلام قال:

قال رسول اللّٰه صلى الله عليه وآله:

خذوا بحجزه هذا الأنزع - يعنى علياً - فإنّه الصدّيق الأكبر وهو الفاروق يفرق بين الحق والباطل؛ من أحبّه هداه اللّٰه، ومن أبغضـه أبغضه اللّٰه، ومن تخلّف عنه محقه اللّٰه، ومنه سبطا اُمّتى الحسن والحسين وهما ابناى ومن الحسين أئمّه الهدى، أعطاهم اللّٰه علمى و فهمى، فتولّوهم ولا تتّخـذوا وليجه من دونهم فيحـلّ عليكم غضب من ربّكم، ومن يحلّل عليه غضب من ربّه فقـد هوى، وما الحياه الدنيا إلّا متاع الغرور.

۱۶۲ - حدّثنا إبن شاذويه المؤدب، عن محمّد الحميرى، عن أبيه، عن إبن عيسى، عن محمّد بن سنان، عن محمّد بن عبد اللّٰه بن زراره، عن عيسى بن عبد اللّٰه الهاشمى، عن أبيه، عن جده، عن عمر بن أبى سلمه، عن أمه أم سلمهرحمه الله قالت:

سمعت رسول اللّٰه صلى الله عليه وآله يقول:

على بن أبى طالب والأئمّه من ولده بعدى ساده أهل الأرض وقاده الغرّ المحجّلين يوم القيامه.

گوشه ای از فضایل اهل بیت "علیهم السلام"

۱۶۰ - عایشه می گوید:

پیامبر خداصلی الله علیه وآله را دیدم که علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را پیش خود فرا خواند و گفت:

پروردگارا! اینان اهل بیت من هستند، پلیدی را از آن ها ببر و آن ها را پاک و پاکیزه کن. (۱)

۱۶۱ - رسول خداصلی الله علیه وآله فرمودند:

دامن علی را بگیرید که او هم صدّیق اکبر است و هم فاروق، یعنی حق را از باطل جدا می کند. هر کس علی را دوست بدارد خدا او را هدایت می کند و هر که او را دشمن دارد مورد غضب خدا قرار گیرد، و هر که از او تخلف کند خدا نابودش نماید.

دو سبط اُمّت من - حسن و حسین علیهما السلام - از نسل اویند، آن ها فرزندان من هستند. واز نسل حسین علیه السلام امامان بر حق و رهبران الهی هستند که خداوند علم و فهم مرا به آن ها داده است. پس آن ها را دوست بدارید و جز آن ها پناهگاهی نگیرید. اگر چنین نکنید، خشمی از پروردگارتان شما را فرا گیرد و هر که مورد خشم وغضب پروردگارش قرار گیرد به طور حتم نابود می گردد و زندگی دنیا چیزی جز کالای فریبنده نیست. (۲)

۱۶۲ - اُمّ سلمه، همسر پیامبر می گوید: رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

علی بن ابی طالب و امامان از فرزندانش، پس از من، سروران اهل زمین، و پیشوای دست و روسفیدان در روز قیامت می باشند. (۳)

ص:۲۲۷

۱- ۲۰۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۵.

۲- ۲۰۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۶، حدیث ۸.

۳- ۲۰۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۵، حدیث ۲۴.

۱۶۳ - حدّثنا إبن إدريس، عن أبيه، عن الحسين بن عبيد اللّه، عن محمّد بن عبد اللّه، عن محمّد بن الفضيل، عن أبی حمزه، قال:

سمعت أبا جعفر الباقرعليه السلام يقول:

أوحی اللّه عزّ وجلّ إلی محمّدصلی الله عليه وآله: يا محمّد! إنّی خلقتک ولم تک شيئاً ونفخت فيک من روحی كرامه منّی أكرمتك بها حتّی أوجبت لک الطاعه علی خلقی جميعاً، فمن أطاعک فقد أطاعنی، ومن عصاك فقد عصانی، وأوجبت ذلک فی علی وفی نسله من اختصصت منهم لنفسی.

۱۶۴ - حدّثنا علی بن محمّد بن موسی، عن أحمد بن يحيی بن زكريا القطّان، عن بكر بن عبد اللّه بن حبيب، عن تميم بن بهلول، عن إسماعيل بن أبان، عن سلام بن أبی عمره، عن معروف بن خرّبوذ، عن أبی الطفيل، عن الحسن بن علی بن أبی طالب عليهم السلام قال:

سمعت رسول اللّه صلی الله عليه وآله يقول:

أنا سيد النبيين وعلی بن أبی طالب سيد الوصيين والحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنّه والأئمّه بعدهما سادات المتقين، ولينا ولی اللّه، وعدوّنا عدوّ اللّه، وطاعتنا طاعه اللّه، ومعصيتنا معصيه اللّه عزّوجلّ.

۱۶۳ - امام باقرعلیه السلام می فرماید:

خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وحی فرمود: ای محمّد! زمانی هیچ نبودی و من تو را آفریدم، از روح خود در تو دمیدم و گرامی ات داشتم، تا این که اطاعت از تو را بر همه آفریدگانم واجب کردم. پس هر که از تو اطاعت کند، از من اطاعت کرده و هر که از تو نافرمانی کند، از من نافرمانی کرده و همه این ها را در علی و امامان از نسل او نهادم، همان کسانی که مخصوص خودم قرارشان دادم. (۱)

۱۶۴ - امام حسن علیه السلام می فرماید: از پیامبر خداصلی الله علیه وآله شنیدم که فرمود:

من آقای پیامبرانم، علی بن ابی طالب آقای اوصیاء است، حسن و حسین آقای جوانان اهل بهشت هستند و امامان پس از آن ها، آقای پرهیزکاران می باشند. دوست ما دوست خداست و دشمن ما دشمن خدا. اطاعت از ما، اطاعت از خداست و نافرمانی از ما، نافرمانی خدا. (۲)

۱- ۲۱۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۸، حدیث ۵.

۲- ۲۱۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۲، حدیث ۱۶.

۱۶۵ – حدّثنا أبی رحمه الله، عن سعد، عن إبن عيسی، عن الحسين بن سعيد، عن حمّاد بن عيسی، عن إبراهيم بن عمراليمانی، عن أبی الطفيل، عن أبی جعفر محمّد بن علی الباقر، عن آبائه عليهم السلام قال:

قال رسول اللَّه صلی الله عليه وآله لأميرالمؤمنين عليه السلام:

اكتب ما أملی عليک.

فقال: يا نبی اللَّه! أتخاف علی النسيان؟

قال صلی الله عليه وآله: لست أخاف عليک النسيان وقد دعوت اللَّه لک أن يحفظک ولا ينسيک، ولكن اكتب لشركائک.

قال: قلت: ومن شركائی يا نبی اللَّه؟

قال: الأئمّه من ولدک، بهم تسقی أمّتی الغيث، وبهم يستجاب دعاؤهم، وبهم يصرف اللَّه عنهم البلاء، وبهم ينزل الرحمه من السماء، وهذا أوّلهم وأومی بيده إلی الحسن بن علی عليه السلام ثمّ أومی بيده إلی الحسين عليه السلام ثمّ قال: الأئمّه من ولده.

۱۶۶ – حدّثنا إبن الوليد، عن إبن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن محمّد بن الحسين الكنانی، عن جدّه، عن أبی عبد اللَّه الصادق عليه السلام قال:

إنّ اللَّه عزّ وجلّ أنزل علی نبيه صلی الله عليه وآله كتاباً قبل أن يأتيه الموت، فقال:

يا محمّد! هذا الكتاب وصيتک إلی النّجيب من أهلک.

فقال: ومن النجيب من أهلی يا جبرئيل؟

فقال: علی بن أبی طالب.

و كان علی الكتاب خواتيم من ذهب، فدفعه النبی إلی علی عليه السلام و أمره أن يفکّ خاتماً منها ويعمل بما فيه، ففکّ عليه السلام خاتماً و عمل بما فيه، ثمّ دفعه إلی ابنه الحسن عليه السلام ففکّ خاتماً وعمل بما فيه، ثمّ دفعه إلی الحسين عليه السلام ففکّ خاتماً فوجد فيه: أن اخرج بقوم إلی الشهاده فلا شهاده لهم إلّا معک واشتر نفسک للَّه عزّوجلّ، ففعل.

۱۶۵ - امام باقر از پدرانش علیهم السلام نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

آنچه برایت می گویم بنویس.

حضرت علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! می ترسی فراموش کنم؟

فرمود: خیر، تو فراموشی نداری، چون از خدا خواسته ام که تو را حافظه بدهد و از فراموشی باز دارد، ولی بنویس تا برای همکارانت بماند.

علی علیه السلام می فرماید: عرض کردم: همکارانم چه کسانی هستند؟

فرمود: امامان از فرزندانت، همان ها که به واسطه ایشان، اُمّتم از باران سیراب گردند، دعایشان مستجاب شود و خدا، بلا را از آن ها دور کند و رحمت از آسمان نازل شود. و در حالی که به امام حسن علیه السلام اشاره می کرد، فرمود: این نخستین نفر آن هاست، آن گاه به امام حسین علیه السلام اشاره کرد و فرمود: امامان از فرزندان او هستند. (۱)

۱۶۶ - امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند متعال، پیش از رحلت پیامبرصلی الله علیه وآله توسط جبرئیل نامه ای براو نازل کرد و فرمود:

ای محمّد! این نامه، وصیت تو برای نجیب از خاندان توست.

گفت: ای جبرئیل! نجیب خاندانم کیست؟

جواب داد: علی بن ابی طالب.

بر آن نامه، مهرهایی از طلا زده شده بود، پیامبرصلی الله علیه وآله نامه را به علی علیه السلام داد و فرمود: یکی از آن مهرها را بردار و هر چه در آن نوشته، عمل کن. امام علی علیه السلام چنین کرد، و سپس آن را به امام حسن علیه السلام داد وایشان نیز یک مهر از آن را برداشت و به آنچه در آن بود عمل کرد وسپس آن را به امام حسین علیه السلام داد. ایشان مهری را برداشت، در آن نوشته بود: با گروهی برای شهادت حرکت کن که آن ها جز به همراه تو به شهادت نرسند، تو نیز جانت را به خدا بفروش. آن حضرت نیز آن را انجام داد.

۱- ۲۱۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۳، حدیث ۱.

امامه أئمّه المعصومين "عليهم السلام" ثمّ دفعه إلى على بن الحسين عليه السلام ففكّ خاتماً فوجد فيه: اصمت والزم منزلك واعبد ربّك حتّى يأتيك اليقين، ففعل.

ثمّ دفعه إلى محمّد بن على عليه السلام ففك خاتماً فوجد فيه: حدّث الناس وأفتهم ولا تخافنّ إلّا اللّه فإنه لا سبيل لأحد عليك، ثمّ دفعه إلى ففككت خاتماً فوجدت فيه: حدّث الناس وأفتهم وانشر علوم أهل بيتك وصدّق آباءك من الصالحين ولا تخافنّ أحداً إلاّ اللّه، أنت فى حرز وأمان، ففعلت.

ثمّ أدفعه إلى موسى بن جعفر وكذلك يدفعه موسى إلى الّذى من بعده ثمّ كذلك أبداً إلى قيام المهدى«عجل اللّه تعالى فرجه.»

امامت ائمه معصومین "علیه السلام" سپس نامه را به امام سجّادعلیه السلام داد، آن حضرت مهری از آن را برداشت، در آن آمده بود: سکوت کن، گوشه منزل خود بنشین و عبادت خدا کن تا هنگام مرگ تو فرا رسد، آن حضرت چنین کرد.

آن گاه آن را به امام باقرعلیه السلام داد، او نیز مهری از آن برداشت که در آن آمده بود: برای مردم حدیث بگو، احکام خدا را بیان کن، از احدی جز خدا نترس که هیچ کس نمی تواند بر تو مسلط شود. آن حضرت چنین کرد.

سپس نامه را به من داد، من آن را باز کردم، چنین نوشته بود: برای مردم حدیث بگو، احکام خدا را بیان نما، علوم اهل بیت را منتشر کن، گفتار پدرانت را تصدیق کن و از احدی جز خدا نترس، چرا که تو در پناه و امان هستی. من نیز به آن عمل کردم.

من بعد از این نامه را به فرزندم امام کاظم می دهم و ایشان نیز به فرزندانش، تا قیام مهدی «عجل اللّٰه تعالی فرجه.» (۱)

۱- ۲۱۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۳، حدیث ۲.

الخلفاء بعد النبى صلى الله عليه وآله اثنا عشر

١٦٧ - حدّثنا الفامى، عن محمّد الحميرى، عن أبيه، عن إبن يزيد الأنبارى، عن إبن فضال عن إسماعيل بن الفضل الهاشمى، عن الصادق، عن آبائه عليهم السلام

عن أميرالمؤمنين على بن أبى طالب عليه السلام قال:

قلت لرسول اللّه صلى الله عليه وآله: أخبرنى بعدد الأئمّه بعدك.

فقال: يا على! هم اثنا عشر، أوّلهم أنت وآخرهم القائم.

١٦٨ - حدّثنا أحمد بن محمّد، عن أبيه، عن محمّد بن عبد الجبّار، عن محمّد بن زياد الأزدى، عن أبان بن عثمان، عن ثابت بن دينار، عن على بن الحسين، عن أبيه، عن أميرالمؤمنين على بن أبى طالب عليهم السلام قال:

قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله:

الأئمّه من بعدى اثنا عشر: أوّلهم أنت يا على! وآخرهم القائم الّذى يفتح اللّه - تعالى ذكره - على يديه مشارق الأرض ومغاربها.

١٦٩ - حدّثنا القطان، عن محمّد بن يحيى بن خلف بن يزيد، عن إسحاق بن إبراهيم الحنظلى، عن يحيى بن يحيى، عن هشام، عن مجالد، عن الشعبى، عن مسروق قال:

بينا نحن عند عبد اللّه بن مسعود نعرض مصاحفنا عليه، إذ يقول له فتى شاب: هل عهد إليكم نبيكم كم يكون من بعده خليفه؟

قال: إنّك لحدث السنّ وإنّ هذا شى ء ما سألنى عنه أحد قبلك، نعم عهد إلينا نبينا أنّه يكون بعده اثنا عشر خليفه بعده نقباء بنى إسرائيل.

جانشینان پیامبر "صلی اللَّه علیه وآله" دوازده نفرند

۱۶۷ - امام علی علیه السلام می فرماید:

از رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد تعداد ائمه بعد از ایشان سؤال کردم.

فرمود:

ای علی! آن ها دوازده نفرند، نخستین آن ها تویی و آخرین فرد آنان قائم است. (۱)

۱۶۸ - امام سجّادعلیه السلام از پدر بزرگوارش، از جدّ والاـ مقامش امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

امامان پس از من ۱۲ نفرند؛ نخستین آن ها تویی ای علی! و آخر آن ها همان قائمی است که خداوند متعال به دست او مشرق و مغرب زمین را فتح می کند. (۲)

۱۶۹ - مسروق می گوید:

با عبداللَّه مسعود، مشغول مقابله قرآن هایمان بودیم که جوانی آمد و از او پرسید: آیا پیامبرصلی الله علیه وآله شما فرموده است که پس از وی چند نفر خلیفه می شوند؟ عبداللَّه گفت: تو تازه جوان هستی، با این حال، کسی تا کنون این مطلب را از من نپرسیده. آری پیامبر ماصلی الله علیه وآله به ما اعلام نموده است که پس از وی ۱۲ نفر خلیفه به عدد نقیبان بنی اسرائیل باشند.

۱- ۲۱۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۱، حدیث ۱۰.

۲- ۲۱۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۳، حدیث ۹.

(۱)

الخلفاء بعد النبی "صلی اللَّه علیه وآله" اثنا عشر

۱۷۰ - حدّثنا القطان، عن أحمد بن محمّد بن عبده النیسابوری، عن هارون بن إسحاق قال: حدّثنا عمّی إبراهیم بن محمّد، عن زیاد بن علاقه و عبد الملک بن عمیر، عن جابر بن سمره قال:

کنت مع أبی عند النبی صلی الله علیه وآله فسمعته یقول: یکون بعدی اثنا عشر أمیراً، ثمّ أخفی صوته.

فقلت لأبی: ما الّذی أخفی رسول اللَّه صلی الله علیه وآله؟

قال: قال: کلّهم من قریش.

ص:۲۳۶

۱- ۲۱۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۱، حدیث ۴ و روایات متعدد دیگر در این زمینه.

جانشینان پیامبر "صلی اللّٰه علیه وآله" دوازده نفرند

۱۷۰ - جابر پسر سمره می گوید:

همراه پدرم خدمت پیامبرصلی الله علیه وآله بودیم، شنیدم که حضرتش فرمود:

«پس از من ۱۲ نفر امیر می باشند.» سپس صدایش را پایین آورد و آهسته چیزی فرمود.

به پدرم گفتم: چه فرمود؟

پدرم گفت: پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: همه آن ها از قریش هستند. (۱)

۱- ۲۱۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۱، حدیث ۸.

فهرست آیات

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلاً مِمَّنْ دَعا إِلَی اللَّهِ فصلت/۳۳ ۱۴۸

وَمَن یتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِینَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ مائده/۵۶ ۱۸۰

وَمَنْ یعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَیتَعَدَّ حُدُودَهُ نساء/۱۴ ۴۸

وَیسْتَنْبِئُونَکَ أَحَقٌّ هُوَ قُلْ إِی وَرَبِّی إِنَّهُ لَحَقٌّ یونس/۵۳ ۳۷

یا أَیهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیکَ مِنْ رَبِّکَ مائده/۶۷ ۴۱ و ۶۰

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹